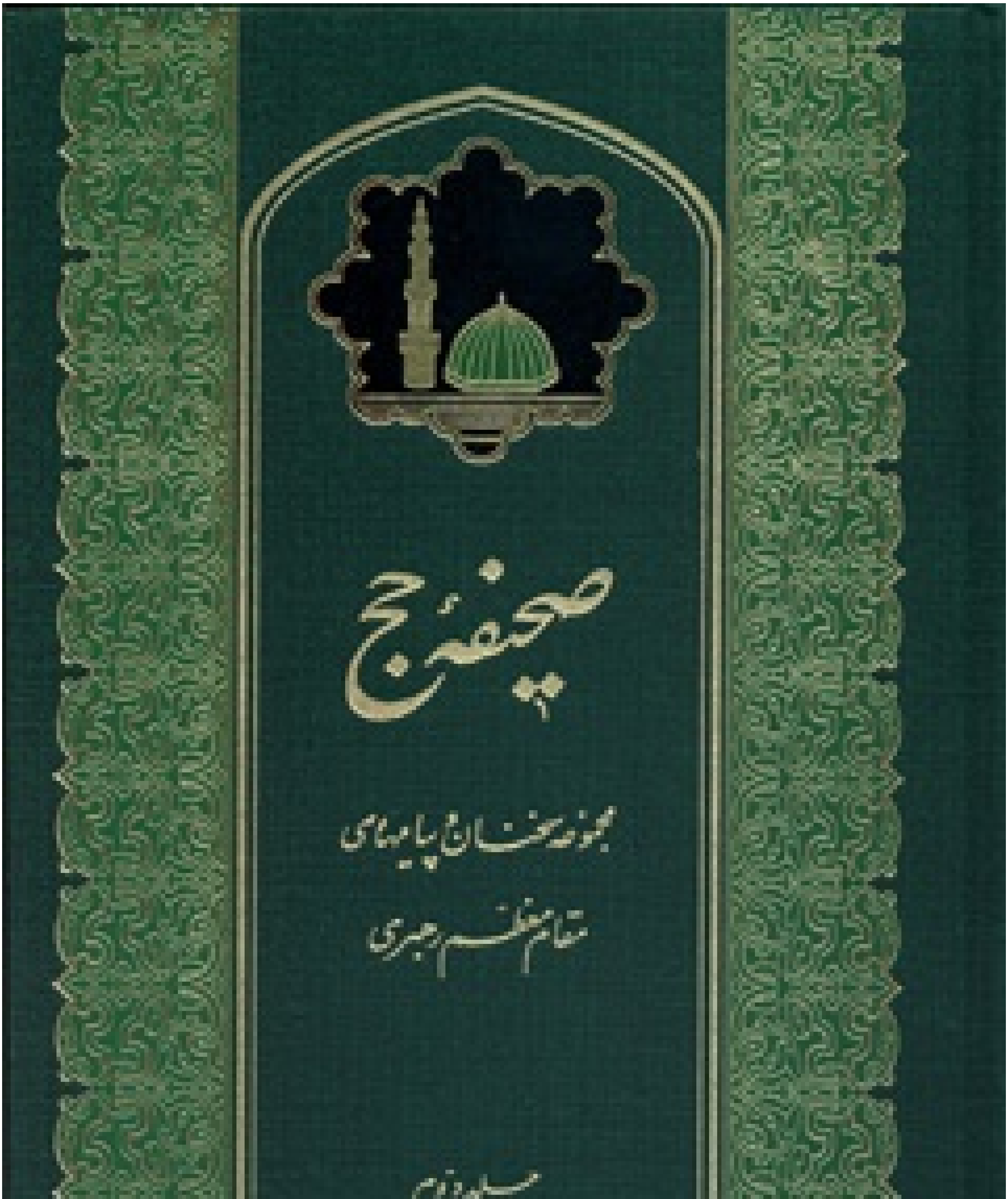


صحیفه حج
مجموعه سخنان و پیامهای
مقام معظم رهبری
جلد دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

صحیفه حج

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

صحیفه حج - جلد ۲ ----- ۲۱

مشخصات کتاب ----- ۲۱

اشاره ----- ۲۱

مقدّمه ----- ۳۹

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام ----- ۴۱

اشاره ----- ۴۱

بار الها! تو را سپاس می گویم ----- ۴۱

بار دیگر روزهای حج فرا می رسد ----- ۴۲

امام خمینی قدس سره زنده است ----- ۴۳

دلهاتان را به او بسپرید ----- ۴۵

حج؛ کانون معارف اسلام و مظهر توحید ----- ۴۶

حج بی برائت، حج نیست ----- ۴۷

حجی که از پایه های دین به شمار می رود ----- ۴۸

حج را به روح و حقیقت آن نزدیک کنید ----- ۴۸

تفکیک دین از سیاست؛ یکی از بزرگترین مظاهر شرک ----- ۴۹

نغمه ی جدایی دین از سیاست، ساخته ی دشمنان است ----- ۵۱

محتوای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام آمریکایی ----- ۵۲

دشمنی جبهه ی شیطان با اسلام ----- ۵۳

جمهوری اسلامی، آماج توطئه های طراحی شده علیه اسلام ----- ۵۴

احساس ضعف استکبار در برابر اسلام ----- ۵۵

مسلمانان کاملًا حساس و هوشیار باشند ----- ۵۶

در حج باید مسائل جهان اسلام بررسی شود ----- ۵۷

امام خمینی در دل یکایک عاشقانش زنده است ----- ۵۹

ملت ایران از امتحان بزرگ الهی روسفید بیرون آمدند ----- ۶۰

راه امام خمینی قدس سره را دنبال می کنیم ----- ۶۱

چشم انداز آینده، روشن و امیدبخش است ----- ۶۱

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام ----- ۶۲

اشاره ----- ۶۲

دو غم بزرگ و دو مصیبت جانگداز ----- ۶۲

توانمندی های حج ----- ۶۴

ملتهای اسلامی بیدار شده اند ----- ۶۴

استکبار، محکوم به عقب نشینی است ----- ۶۵

توجه به حج ابراهیمی و محمدی ----- ۶۵

حکم انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی به عنوان نماینده محترم ولیّ فقیه و سرپرست حجاج ایرانی ----- ۶۷

حکم انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای محمّدی ری شهری به عنوان نماینده محترم ولیّ فقیه و سرپرست حجاج ایرانی ----- ۷۰

سخنرانی در دیدار با حجهالاسلام والمسلمین ری شهری، روحانیون، مسؤولان و بازرسان کاروانهای حج ----- ۷۳

اشاره ----- ۷۳

حج را مایه ی آبروی اسلام و امام قرار بدهید ----- ۷۳

همه مراقب رفتار خودشان باشند ----- ۷۳

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام ----- ۷۵

اشاره ----- ۷۵

حج؛ رمز وحدت و عظمت مسلمین ----- ۷۵

حج؛ ذخیره یی تمام نشدنی ----- ۷۶

پروردگارا! ... ----- ۷۶

قدرشناسیِ حج بیت اللّه ----- ۷۸

حج؛ مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان ----- ۷۹

تدبر در رمز و رازهای حج ----- ۸۱

توجه به پیوند امت اسلامی با تاریخ خود ----- ۸۲

مکه و مدینه؛ پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی ----- ۸۳

تدبر در گذشته و پیوند با آینده ---- ۸۴
ناخشنودی استکبار از بازگشت ملتها به گذشته ی افتخارآمیز خود ---- ۸۵
از احکام نورانی اسلام دست برندارید ---- ۸۷
توجه به مسائل مهم و جاری جهان اسلام ---- ۸۷
فلسطین؛ مهمترین مسأله ی جهان اسلام ---- ۸۸
شیطان بزرگ؛ بزرگترین حامی اسرائیل ---- ۸۹
دولت صهیونیست؛ بزرگترین خطر برای جهان اسلام ---- ۹۰
انقلاب اسلامی؛ طلیعه ی پیروزی مسلمانان در سایر نقاط جهان ---- ۹۰
یادآوری چند نکته به ملّتهای اسلامی و رهبران آنها ---- ۹۱
توجه به وضعیت مصیبت بار ملت عراق ---- ۹۳
توسل به روشهای غیر انسانی علیه مردم کشمیر ---- ۹۵
دامن زدن به اختلافات فرقه یی؛ ترفند استکبار ---- ۹۶
سلطه ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی ---- ۹۷
بیانات در دیدار با اعضای بعثه ی حج، به همراه حجهالاسلام والمسلمین محمّدی ری شهری، نماینده ی ولّی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی ---- ۱۰۰
اشاره ---- ۱۰۰
هرچه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود ---- ۱۰۰
تشکر صمیمانه از خدمتگزاران حج ---- ۱۰۱
برنامه ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد ---- ۱۰۲
باید ببینیم حج از ما چه می طلبد ---- ۱۰۲
فرهنگ و اخلاق و رفتار مردم ما باید برای حجاج دیگر الگو باشد ---- ۱۰۳
در ایام حج، تأثیرات زیادی می شود روی ذهنها گذاشت ---- ۱۰۴
امام روی نماز جمعه و حج خیلی تکیه می کردند ---- ۱۰۵
یکی از کارهای اساسی، رفع جدی نقایص ---- ۱۰۶
بیانات در دیدار اعضای برگزار کننده ی «کنگره ی حج» ---- ۱۰۷
اشاره ---- ۱۰۷
همه باید خداوند متعال را شاکر باشیم ---- ۱۰۷

ما نمی توانیم همه ی خصوصیات حج را کشف و بیان کنیم ----- ۱۰۷
خودسازی؛ مقدمه و شرط دیگرسازی و جهان سازی ----- ۱۰۸
حج، یک هجرت است ----- ۱۰۸
درحج، عبودیت را در خود تقویت کنیم ----- ۱۰۹
ارتباط امام با خدا؛ یکی از عوامل پیروزی انقلاب ----- ۱۰۹
به سمت حیات معنوی حرکت کنیم ----- ۱۱۰
حج، فرصت خوبی است که انسان به خدا نزدیک شود ----- ۱۱۰
مسلمان ها باید یکدیگر را بازیابند ----- ۱۱۱
برائت، روح حج است ----- ۱۱۲
دولتمردان امریکایی؛ روسیاه ترین سردمداران سیاسی عالم ----- ۱۱۳
ملتها در مقابل زورگویی ها بایستند ----- ۱۱۵
پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت را قولًا و عملًا نشان دهید ----- ۱۱۶
پیام به حجاج بیت اللّه الحرام ----- ۱۱۷
اشاره ----- ۱۱۷
شکری به وسعت دریای رحمت حق ----- ۱۱۷
حج؛ نعمتی الهی برای مسلمانان ----- ۱۱۸
منافع حج درست برای مسلمانان ----- ۱۱۸
فاصله شکل کنونی حج با وضعیت مطلوب آن ----- ۱۱۹
برآورد موقعیت جهان اسلام ----- ۱۱۹
وضعیت جدیدی برای اسلام و مسلمین ----- ۱۲۱
وظیفه ی مسلمین در برابر موضع عنادآمیز استکبار ----- ۱۲۲
استکبار در تعرض خود به مسلمانان حدی نمی شناسد ----- ۱۲۳
قدرت ملتهای مسلمان ----- ۱۲۴
بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی ----- ۱۲۵
دولتهای اسلامی از آمریکا نترسند ----- ۱۲۶
بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج ----- ۱۲۸

اشاره ---------- ۱۲۸

عمل ما با قصد قربت باشد ---------- ۱۲۸

حج؛ ذخیره یی برای دنیای اسلام ---------- ۱۲۹

حج؛ یک فرصت استثنایی ---------- ۱۳۰

می خواهند مسلمانها را در خواب غفلت نگه دارند ---------- ۱۳۱

روی جمهوری اسلامی فشار می آورند ---------- ۱۳۲

کید دشمنان به جایی نمی رسد ---------- ۱۳۲

امریکا اشتباه می کند ---------- ۱۳۳

فاجعه آفرینی قدرتها در تاریخ خواهد ماند ---------- ۱۳۴

شکوه و قدرت اسلام روزبه روز بیشتر خواهد شد ---------- ۱۳۵

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام ---------- ۱۳۶

اشاره ---------- ۱۳۶

تجدید بهار ایمان و حیات دینی ---------- ۱۳۶

سه ویژگی برجسته ی حج ---------- ۱۳۷

زندگی در آیینه ی حج؛ یک صیرورت دائمی ---------- ۱۳۷

سعی شده حج را فریضه ی فردی قلمداد کنند ---------- ۱۳۸

توحید؛ روح اساسی حج ---------- ۱۳۹

ایجاد تفرقه میان مسلمین؛ سیاستی استعماری ---------- ۱۴۰

مبارزه ی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمانان ---------- ۱۴۰

استکبار نتوانسته جریان بیداری اسلامی را متوقف کند ---------- ۱۴۳

تبلیغات مدرن؛ کارآمدترین حربه ی استکبار ---------- ۱۴۵

از فرصت حج حداکثر استفاده را بکنید ---------- ۱۴۸

بیانات در دیدار مسؤولان و دست اندرکاران حج ---------- ۱۵۰

اشاره ---------- ۱۵۰

از دست اندرکاران حج تشکر می کنم ---------- ۱۵۰

حج؛ واجب بی نظیر ---------- ۱۵۰

تصمیم گیری درباره ی سرنوشت امت اسلامی ----- ۱۵۱
برائت، روح حج است ----- ۱۵۲
امروز در اروپا با مسلمین چه می کنند؟ ----- ۱۵۳
ننگِ حاکم بر نظام نوین دنیا ----- ۱۵۴
حضور ملتها، قدرتهای استکباری را می لرزاند ----- ۱۵۵
حضور معنادار مسلمانها در حج ----- ۱۵۶
در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم ----- ۱۵۷
اعمال سیاستهای استکباری در بوسنی ----- ۱۵۷
وحدت خود را حفظ کنید ----- ۱۵۸
زیارت مکه را فدای بازارگردی نکنید ----- ۱۵۹
پیام به حجاج بیت اللّه الحرام ----- ۱۶۰
اشاره ----- ۱۶۰
گستردگی مصالح و منافع فریضه ی حج ----- ۱۶۰
اعمال حج، شعائر است ----- ۱۶۱
جمهوری اسلامی ایران بر پیروی از قرآن و اسلام پا می فشارد ----- ۱۶۲
امروز دین و دنیای مسلمانان در خطر است ----- ۱۶۳
حج؛ فریضه یی سیاسی ----- ۱۶۵
چند توصیه به حجاج بیت اللّه الحرام ----- ۱۶۶
بیانات دردیدار اعضای شورای بعثه ی حجّ مقام معظم رهبری ----- ۱۶۸
اشاره ----- ۱۶۸
تفضّل الهی در برگزاری مراسم حج ----- ۱۶۸
حج؛ یک کار استراتژیک و اساسی ----- ۱۶۸
برائت، واجب سیاسی است ----- ۱۶۹
از حکومت اسلامی غفلت شده بود ----- ۱۷۰
حج بی برائت، حج نیست ----- ۱۷۱
اجرای احکام الهی، موکول به قدرت شرعی است ----- ۱۷۲

روی راهکارهای نو و ناپیموده فکر کنید ----- ۱۷۳
ما کمک و وعده ی خدا را باور داریم ----- ۱۷۳
بیانات در دیدار با کارگزاران حج ----- ۱۷۵
اشاره ----- ۱۷۵
خداوند، خدمت شما را قبول کند ----- ۱۷۵
توجه به مسائل معنوی در حج ----- ۱۷۵
حاجی را به روح و معنویت حج نزدیک کنید ----- ۱۷۷
توجه به مسائل اجتماعی حج ----- ۱۷۷
دشمنان، با عزت اسلام مخالفند ----- ۱۷۹
با ملت ما، به خاطر آرمانهایش دشمنی می کنند ----- ۱۸۰
حج را با ویژگیهای آن بشناسید ----- ۱۸۰
دلهای آشنا، خود را با کانون معنویت مرتبط کنند ----- ۱۸۱
پیام به حجاج بیت اللّه الحرام ----- ۱۸۲
اشاره ----- ۱۸۲
موسم حج، چون بهار طبیعت فرا می رسد ----- ۱۸۲
حج، یکپارچگی امت اسلامی را تأمین می کند ----- ۱۸۳
دو عنصر اصلی حج ----- ۱۸۴
مبارزه ی استکبار با اسلام و مسلمین ----- ۱۸۵
مهمترین انگیزه ی دشمنی با ایران اسلامی ----- ۱۸۶
شور و شوق در سراسر امت اسلامی ----- ۱۸۶
توصیه به مسلمانان حاضر در مراسم حج ----- ۱۸۷
قدرت پوشالی دشمن نباید چشمها را خیره کند ----- ۱۸۷
بیانات در دیدار با آقای ری شهری و اعضای بعثه ی حج ----- ۱۹۰
اشاره ----- ۱۹۰
زبان ما از شکر نعمتهای پرورگار قاصر است ----- ۱۹۰
قبول الهی؛ بزرگترین پاداش شما ----- ۱۹۰

باید نواقص را برطرف کنیم ----- ۱۹۱
طبیعت انقلاب، حمله است ----- ۱۹۲
حج را باید به اهدافش نزدیک کرد ----- ۱۹۲
حج را به سمت ریاضت انتخابی ببرید ----- ۱۹۳
بیانات در دیدار با امیر الحاج و سرپرست حجاج ایرانی و مسؤولان بعثه و جمعی از دست اندرکاران سازمان حج و زیارت ----- ۱۹۴
اشاره ----- ۱۹۴
حج، برای امت اسلامی عید است ----- ۱۹۴
شکر نعمت فرایض الهی ----- ۱۹۴
هزار ماهی که در آن لیلهالقدر نیست ----- ۱۹۵
از دست اندرکاران حج تشکر می کنم ----- ۱۹۶
نمی توانیم ادعا کنیم حج ما کامل است ----- ۱۹۶
برائت، جزو حج است ----- ۱۹۷
حج؛ مظهر توحید الهی ----- ۱۹۷
نمی شود برائت نداشته باشیم ----- ۱۹۸
در حج، چه کاری باید از ما صادر شود؟ ----- ۱۹۸
حاکمیت اسلام و قرآن در ایران ----- ۱۹۸
همه چیز تحت الشعاع حفظ نظام است ----- ۲۰۰
نظام اسلام، خود را در دنیا نشان داده است ----- ۲۰۰
به دنیای اسلام احتیاج دارند ----- ۲۰۱
بزرگترین غصه ی دنیای اسلام ----- ۲۰۱
حج؛ گنج پایان ناپذیر ----- ۲۰۲
ما به سمت فرج حرکت می کنیم ----- ۲۰۲
پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج ----- ۲۰۴
اشاره ----- ۲۰۴
وجود دو گونه تهدید در محیطهای اسلامی ----- ۲۰۴
راه مقابله با تهدیدات ----- ۲۰۵

جهان اسلام دچار مشکلات بزرگی است ---------- ۲۰۶
تبلیغات دروغین، بسیاری از حقایق را واژگون می سازد ---------- ۲۰۶
استفاده از امکانات امت اسلامی ---------- ۲۰۷
فهرست مشکلات بزرگ امت اسلامی ---------- ۲۰۸
حج، ناکامی های امت اسلامی را درمان می کند ---------- ۲۰۹
حج، در صدر اقدامات بین المللی جمهوری اسلامی ---------- ۲۱۰
از دست دادن فرصت حج، خسارتی جبران ناپذیر ---------- ۲۱۱
ضعف کنونی دولتهای مسلمان ---------- ۲۱۱
اتهامات واهی به جمهوری اسلامی ایران ---------- ۲۱۲
جمهوری اسلامی، با قدرت و عزت پیش می رود ---------- ۲۱۳
حجاج، فرصت این ایام را مغتنم بشمارند ---------- ۲۱۴
بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت ---------- ۲۱۵
اشاره ---------- ۲۱۵
مژده یی بس شیرین ---------- ۲۱۵
حضور ما در حج، کار خودش را می کند ---------- ۲۱۵
حضور ارزشمند روحانیون در بعثه ---------- ۲۱۶
کار تبلیغی- فرهنگی دشوار است ---------- ۲۱۷
تشکر از بخش اجرایی حج ---------- ۲۱۷
بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان حج ---------- ۲۱۹
اشاره ---------- ۲۱۹
همه ی منافع در حج لحاظ شده است ---------- ۲۱۹
شکر نعمت، عمل هم لازم دارد ---------- ۲۲۰
دنیای اسلام مورد تهاجم است ---------- ۲۲۱
استکبار با فکر اسلامی برخورد می کند ---------- ۲۲۱
ایجاد تفرقه و اختلاف توسط استکبار ---------- ۲۲۲
وحدت؛ یکی از پیامهای بزرگ انقلاب ---------- ۲۲۲

مسؤولیت حج چیست؟ ---- ۲۲۳
عزت اسلامی را حفظ کنید ---- ۲۲۳
پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج ---- ۲۲۵
اشاره ---- ۲۲۵
روزهای عید و میعاد ---- ۲۲۵
جنبه ی فردی و اجتماعی حج ---- ۲۲۶
قدرت ملی؛ کلید همه ی کامیابی ها ---- ۲۲۷
امت اسلامی؛ فاقد عزت و قدرت بین المللی ---- ۲۲۷
جبهه ی خودی نتوانسته از همه ی امکانات خود استفاده کند ---- ۲۲۸
امت بزرگ اسلامی؛ بزرگترین پشتوانه ی جهان اسلام ---- ۲۲۹
میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید ---- ۲۳۰
تجربه ی ذی قیمت ایران برای دولتها و ملتهای مسلمان ---- ۲۳۱
بازگشت به اسلام؛ درس بزرگ امام خمینی قدس سره ---- ۲۳۲
بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران مراسم حج ---- ۲۳۴
اشاره ---- ۲۳۴
سپاسگزاری از پروردگار متعال ---- ۲۳۴
حج؛ یکی از آیات لطف الهی به ایران ---- ۲۳۴
باید ایمان و تسلیم ما در برابر خدا بیشتر شود ---- ۲۳۵
حج؛ مظهر حمایت الهی از جمهوری اسلامی ---- ۲۳۶
پیام به حجاج بیت اللّه الحرام ---- ۲۳۸
اشاره ---- ۲۳۸
موسم حج؛ مژده ی بزرگترین دیدار سالیانه ی مسلمانان ---- ۲۳۸
معرفت؛ نخستین هدیه ی حج ---- ۲۳۹
شناخت خود به عنوان یک فرد ---- ۲۳۹
شناخت خود به عنوان جزیی از مجموعه ی امت اسلامی ---- ۲۴۰
شناخت نمونه و نمایی از امت واحده ---- ۲۴۱

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج ---------- ۲۴۲
شناخت دشمن ---------- ۲۴۳
یاد و نشان دشمن نباید مورد غفلت قرار گیرد ---------- ۲۴۳
نشانه های امید در رفتار ملتهای مسلمان ---------- ۲۴۴
دشمنی استکبار با ایران، بغض آلودتر شده است ---------- ۲۴۵
ملت ایران حیات دوباره ی خود را بازیافته است ---------- ۲۴۵
خصومتهای رژیم امریکا با ایران و ایرانی ---------- ۲۴۶
پایبندی به اصول عزت، حکمت و مصلحت ---------- ۲۴۷
چند توصیه به حجاج بیت اللّه الحرام ---------- ۲۴۸
بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت ---------- ۲۴۹
اشاره ---------- ۲۴۹
حجِ امسال از جهات مختلف، موفق بود ---------- ۲۴۹
از اصول اسلامی به هیچ قیمتی نگذرید ---------- ۲۵۰
گاهی از بینات الهی غفلت می کنیم ---------- ۲۵۰
توکل، در همه ی امور کارگشاست ---------- ۲۵۱
بیانات در دیدار کارگزاران حج ---------- ۲۵۲
اشاره ---------- ۲۵۲
باران رحمتی که غبارهای فتنه و شبهه را فرو می نشاند ---------- ۲۵۲
دشمن از دشمنی چشم نمی پوشد ---------- ۲۵۳
سه نوع توطئه در جریان است ---------- ۲۵۴
پشتوانه ی پیروزی ملت ایران ---------- ۲۵۵
دل ملت با اسلام است ---------- ۲۵۶
حج؛ فرصتی گرانبها و بزرگ ---------- ۲۵۶
پیام معنوی حج ---------- ۲۵۷
حرکت قرآنی در جامعه ی ما رواج دارد ---------- ۲۵۷
به هیاهوی دشمن اعتنا نکنید ---------- ۲۵۸

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام ----- ۲۵۹
اشاره ----- ۲۵۹
روزهای خاطره سازِ حج فرا رسیده است ----- ۲۵۹
عظمت سرمایه ی امت اسلامی و خطر در کمین آن ----- ۲۵۹
هم تزکیه ی اخلاقی و هم تلاش جمعی ضروری است ----- ۲۶۰
جوامع بشری به اسلام و رهنمودهای آن نیازمندند ----- ۲۶۱
اثبات حقانیت نظریه ی سیاسی و اجتماعی اسلام ----- ۲۶۱
جمهوری اسلامی توانایی های خود را به اثبات رسانده است ----- ۲۶۲
خطر درونی و دشمن بیرونی امت اسلامی ----- ۲۶۲
دشمنی امریکا با جمهوری اسلامی ایران ----- ۲۶۳
چهره ی دوگانه رژیم امریکا ----- ۲۶۴
سیاهه ی جرایم رژیم امریکا ----- ۲۶۴
جمهوری اسلامی، با قدرت و استحکام پیش می رود ----- ۲۶۵
بیانات در دیدار با کارگزاران حج ----- ۲۶۷
اشاره ----- ۲۶۷
حج؛ مظهر معنویت، وحدت و برائت ----- ۲۶۷
فضای کشور؛ مشحون از معنویت ----- ۲۶۸
دشمنان ما دچار تناقض اند ----- ۲۶۸
انتخابات؛ مظهر حضور مردم و اقتدار ملی ----- ۲۶۹
گاهی یک رأی هم مؤثر است ----- ۲۷۰
برگزاری انتخابات در فضای آرام و صمیمی ----- ۲۷۱
تشنج سیاسی برای انتخابات مضر است ----- ۲۷۱
باید بتوانیم جواب خدا را بدهیم ----- ۲۷۲
بگذارید مردم کار خود را بکنند ----- ۲۷۳
خصوصیت یک نماینده ی خوب در مجلس ----- ۲۷۳
بعضی ها زود مرعوب می شوند ----- ۲۷۳

نماینده نباید مفتون و فریفته شود ----- ۲۷۵
نماینده، طمع ورز نباشد ----- ۲۷۵
باید درباره ی نماینده تحقیق کرد ----- ۲۷۶
مردم باید توی دهان دشمنان بزنند ----- ۲۷۶
دشمن کمین گرفته است ----- ۲۷۷
پیام به حجاج بیت اللّه الحرام ----- ۲۷۸
اشاره ----- ۲۷۸
امت اسلامی از حج استفاده ی شایسته را نمی برد ----- ۲۷۸
جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است ----- ۲۷۸
سیاستمداران و رجال دینیِ امت اسلامی چاره یی نمی اندیشند ----- ۲۷۹
حصار نومیدی بر گرد ملتهای اسلامی ----- ۲۸۰
حاکمیت اسلام در کشورهای اسلامی؛ یک زایش مبارک و دردآلود ----- ۲۸۱
جمهوری اسلامی، همچنان نیرومند و بالنده پیش می رود ----- ۲۸۲
دروغ رذالت آمیز استکبار ----- ۲۸۳
ملت ایران راه اسلام را طی خواهد کرد ----- ۲۸۳
بیانات در دیدار کارگزاران حج ----- ۲۸۵
اشاره ----- ۲۸۵
ما باید حج را تقدیر و تقویم درست بکنیم ----- ۲۸۵
بشر، بسیاری از موهبتهای الهی را قدر نمی داند ----- ۲۸۵
نشان قدرشناسی از حج ----- ۲۸۶
برای کشور، برنامه ریزی شده است ----- ۲۸۶
تصمیم قاطع بر تحقق اسلام ----- ۲۸۷
امام قدس سره در میان ما زنده است ----- ۲۸۸
برای سفر حج، معیار و الگو درست کنید ----- ۲۸۸
بیانات در دیدار امیر الحاج و مدیران و اعضای ستاد حج ----- ۲۹۰
اشاره ----- ۲۹۰

کار شما جزو وظایف همیشگیِ حکومتهای اسلامی است ----- ۲۹۰
حکومت اسلامی می خواهد مردم را از ظلمات به نور ببرد ----- ۲۹۱
نورانیت در باطن جمهوری اسلامی ----- ۲۹۱
دین برای اداره ی زندگی انسان است ----- ۲۹۲
عده یی می خواهند ملت ما را از دین جدا کنند ----- ۲۹۳
در حج، هویت اسلامی را نشان دهید ----- ۲۹۳
ملت ایران به مسلمانان دنیا عزت داده است ----- ۲۹۴
پیام به حجاج بیت الحرام ----- ۲۹۵
اشاره ----- ۲۹۵
نمایشگاه عظیم حج در پایگاه وحی و نبوت ----- ۲۹۵
سخنان تلخ و شیرین در اجتماع عظیم حج ----- ۲۹۶
جهان اسلام در حال گذر از مرحله ی حساسی است ----- ۲۹۷
سلاح روانی؛ مهمترین سلاح استکبار ----- ۲۹۷
بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤولان برگزارکننده ی مراسم دهه ی فجر ----- ۲۹۹
اشاره ----- ۲۹۹
خدمت به مردم، نعمت بزرگی است ----- ۲۹۹
حج؛ حامل معنویت، وحدت و معرفت ----- ۲۹۹
نتایج تفرق دنیای اسلام ----- ۳۰۰
استفاده از حج برای بهبود وضعیت مسلمانان ----- ۳۰۰
مردم دهه ی فجر را قدر می دانند ----- ۳۰۱
دشمن سعی می کند دهه ی فجر را از یاد مردم ببرد ----- ۳۰۲
مبارزه ی با فساد؛ یک جهاد واقعی ----- ۳۰۳
در مبارزه ی با فساد، تبعیض قائل نشوید ----- ۳۰۳
مواظب باشید فساد به وجود نیاید ----- ۳۰۴
فساد کمتر، سرمایه گذاری بیشتر ----- ۳۰۴
می خواهند مبارزه ی با فساد را تحت الشعاع قرار دهند ----- ۳۰۵

هماهنگی بین مسؤولان برای مبارزه ی با فساد ---------- ۳۰۵

با فساد مبارزه شود، نه با بی گناه ---------- ۳۰۶

پیام به حجاج بیت الحرام ---------- ۳۰۷

اشاره ---------- ۳۰۷

حج؛ آرزوی دینداران، بهشت ذاکران و فرصت صالحان ---------- ۳۰۷

ندای رحمت پیامبر، رساتر از همیشه به گوش می رسد ---------- ۳۰۸

آشکار شدن چهره ی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله ---------- ۳۰۸

امت اسلام در تیررس انواع تهدیدها و اهانتهاست ---------- ۳۰۹

شوخی زشت و طعنه زنی به حقیقت ---------- ۳۱۰

مجاهدت عظیم و مبارک ملت ایران ---------- ۳۱۰

بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج ---------- ۳۱۲

اشاره ---------- ۳۱۲

ایام حج؛ اوج کرامت و عظمت ---------- ۳۱۲

حج؛ یک واجب استثنایی ---------- ۳۱۳

از فرصت حج، همه باید استفاده کنند ---------- ۳۱۴

قرآن انسان را هدایت می کند ---------- ۳۱۵

امروز دنیای اسلام دارد ضربه می خورد ---------- ۳۱۶

مسائل جهانی را با معیار اسلام می سنجیم ---------- ۳۱۷

کدام زندگی راحت؟ ---------- ۳۱۷

از ذخیره ی حج استفاده کنید ---------- ۳۱۸

پیام به حجّاج بیت اللّٰه الحرام ---------- ۳۱۹

اشاره ---------- ۳۱۹

حج، نِماد امت اسلامی ---------- ۳۱۹

اسارت سیاسی و اقتصادی ---------- ۳۲۰

طمع ورزی شبکه های استعماری ---------- ۳۲۱

تحرکات دیوانه وار ---------- ۳۲۲

حامی تروریزم ---------- ۳۲۲
قبضه کردن اوپک ---------- ۳۲۳
سرچشمه ی مقاومت ملتها ---------- ۳۲۳
دین آزادی و عدالت ---------- ۳۲۳
درباره مرکز ---------- ۳۲۵

صحیفه حج – جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹

عنوان و نام پدیدآور : صحیفه حج

مشخصات نشر : تهران: مشعر، - ۱۳۸۲.

شابک : ۲۰۰۰۰ریال:(ج.۱) ؛ ۲۰۰۰۰ریال:(ج.۱)

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : نمایه

مندرجات : ج. ۱. مجموعه سخنان و پیام های رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره)

موضوع : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- نظریه درباره حج

موضوع : حج

رده بندی کنگره : DSR۱۵۷۴/۵ /ح۳ ص۳ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۲۷۷۱۴

ص: ۱

اشاره

مقدّمه

بسم اللَّه الرحمن الرحيم

«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بطور صحیح و شایسته مو به مو عمل شود».

حضرت امام خمینی قدس سره

حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحّد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسؤولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می کنند، و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه های حیاتبخش حجّ است، امّا هنوز ابعاد بی شماری از این فریضه مهمّ، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه های تابناک امام خمینی- رضوان اللَّه تعالی علیه- حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند، و

سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. امّا هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حجّ گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکه اللَّه، و توقّف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظّم رهبری با الهام از اندیشه های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حجّ ابراهیمی- قدّس سرّه الشّریف- و بهره گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیهاللَّه خامنه ای- مدّ ظلّه- با تأسیس معاونت آموزش و پژوهش، تلاش می کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حجّ، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیتهای بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاشهایی را آغاز کرده است.

آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.

بی گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارساییها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می فشارد.

از برادر دانشمند جناب آقای مهندس علی رضا برازش و همکاران محترمشان که در تهیّه و تنظیم این اثر ارزشمند ما را یاری دادند، صمیمانه سپاسگذاری می نمایم.

و من اللَّه التوفیق و علیه التکلان

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام(۱۴/ ۴/ ۱۳۶۸ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۱۴/ ۴/ ۱۳۶۸ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم یا بَنِیَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ یُوسُفَ وَ أَخِیهِ وَ لا تَیْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ. (۱)

بار الها! تو را سپاس می گویم

بارالها! تو را ثنا می گویم که باب راز و نیاز بنی آدم را با خویش گشودی و دل مشتاقان جمال را به وعده ی رحمت ومغفرت نواختی؛ آلایش شرک را بر بندگان خود زیبنده ندانسته، دامان بنی آدم را از آن پیراستی و توحید و اخلاص را زیب دل و جان مؤمنان خواستی.

بارالها! تو را سپاس می گویم که بر بنده ی برگزیده ات محمّد صلی الله علیه و آله، کتاب و حکمت را و شفای دردهای بنی آدم را نازل فرمودی و راه سعادت را در سخن و عمل او به جهانیان نمودی.

بارالها! بر محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و همه ی سلسله ی نورانی انبیا و اوصیا و اولیا، گویندگان حق و کوبندگان باطل و شکنندگان بتهای جاهلیت و ناصحان مشفق امت، سلام وصلوات نازل فرما و راه آنان را روزبه روز در چشم خلایق روشنتر، و در دل آنان محبوب تر فرما.

بارالها! بر بنده ی صالح متواضعت امام خمینی قدس سره، که رضای تو را بر رضای دیگران برگزید و در راه اعلای کلمه ی تو و احیای دین تو، رنج های گران بر جان خرید و

۱- یوسف: ۸۷

مجاهـدت در راه ملت ابراهیمی و سـنت محمّـدی صـلی الله علیـه و آلـه را بـه نهـایت رسانـد و در این راه لحظه یی از حرکت وتلاش باز نایستاد، با نام و یاد تو زیست و با امید و عشق تو به ملکوت اعلی پیوست، سلام و رحمت و رضوان فرست، و کلمه ی او را رفعت بخش، و راه او را رونق بخش، و میراث یگانه ی او را در پناه خود حفظ کن، وآرزوها و هدف های او را محقق ساز، و ما را از اخلاف نیک او قرار ده.

بارالها! من در این سـخن، مقصدی جز ابلاغ پیام تو و انجام تکلیفی که بر دوش خود احساس می کنم، ندارم. پروردگارا! سوز سخن حق را در این کلام بگنجان و آن را به گوش و دل مؤمنان و همه ی حق طلبان جهان برسان. همان اخلاص و صفا را که در سخن عبد صالح تو و امام و قائد ما موج می زد، بدان بیامیز وآن را به قبول حَسَن، مقبول فرما ...؛ آمین ربّ العالمین.

بار دیگر روزهای حج فرا می رسد

بار دیگر روزهای حج فرا می رسد و صلای ابراهیمی و أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ، (۱)

فطرت مسلمانان پاکنهاد را به اجابت می خواند وفراق خانه ی خدا، دل مشتاقان را آکنده از درد و رنج می سازد. دست ظلم و عدوانِ بیرون آمده از آستین حکام حجاز، بدین اکتفا نکرده که صدها زایر خانه ی خدا را در حریم امن الهی به خاک و خون کشیده و هزاران کبوتر خونین بال حرم را فقط به جرم برائت از مشرکین و اعلام نفرت از امریکا و اسرائیل و دعوت مسلمین به وحـدت و برادری، تـار و مـار نمایـد؛ بلکه برای انتقام از ملتی که در همه ی صـحنه ها بر قوای اسـتکبار جهانی تاخته و خواب راحت را از چشم غـارتگران و زورگویـان جهـان ربوده است، و برای زدودن اثر چنـد سـال حـج همراه بـا برائت، که به برکت حضور فرزندان انقلاب و مجاهدان راه قرآن و اسـلام، فضای حرمین شریفین و عرفات و مشعر و منی را از ندای توحید خالص و نفی آلهه ی زور و زر آکنـده بود، راه خانه ی خـدا و مأمن خلق را به روی آنان بسـته و زبانها و قلم های اجیر و مزدور را به کمک

۱- حج: ۲۷

رسانه های صهیونیستی و امریکایی برضد آنان به کار انداخته است.

این دومین موسم حجی است که در آن ملت ایران- این فدایی ترین فرزندان اسلام- از طواف بر گرد خانه ی محبوب مصدود شده اند. دولت سعودی با دستاویزکردن بهانه های پوچ، امسال نیز همچون سال قبل، به صَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ پرداخت و خود را مصداق این آیه ی شریفه ساخت: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَّذِي جَعَلْناهُ لِلنَّاسِ سَواءً الْعاكِفُ فِيهِ وَ الْبادِ. (۱) حافظه ی تاریخ ما این دشمنیها را فراموش نخواهد کرد.

امام خمینی قدس سره زنده است

اکنون که ملت ایران همزمان با سالگرد فاجعه ی خونین مکه، به مصیبت بزرگ فقدان قائد اکبر و منادی وحدت مسلمین و برافرازنده ی پرچم اسلام و قرآن، بنده ی صالح خدا و ناصح دلسوز امت و فرزند خلف پیغمبر- خمینی کبیر مبتلا شده است، جا دارد که حجاج بیت اللّه از هر کشور و ملت، طنین ندای توحید و وحدت را که همه ساله از آن حنجره ی ابراهیمی برمی آمد و فضای خانه ی خدا وسپس فضای جهان اسلام را پُر می کرد و بت های قدرت و مکنت را به لرزه درمی آورد، به گوش جان بشنوند و به دعوت او که حرف دل میلیونها مسلمان تحقیرشده و ستم زده به وسیله ی حکام وابسته و مستکبر بود، پاسخ گویند.

آری، اگرچه یوسف عزیز امت اسلام اکنون در میان ما نیست و جای او که همه ساله در وجود یکایک حاجیان دلباخته و سرازپانشناخته ی ایرانی تجلی می کرد، خالی است، ولی هم اکنون نیز او را در هر دل ذاکر و عارف و در هر جان پُرشور و در هر زبان حقگو و در وجود هر مسلمان غیور و دلسوخته و در هرجا که در آن، سخن از عزت اسلام و وحدت مسلمین و برائت از مشرکین و نفرت از «انداد اللّه» و اصنام جاهلیت هست، می توان یافت. او زنده است، تا اسلام ناب محمّدی زنده است؛ و او زنده است، تا پرچم

۱- حج: ۲۵

عظمت اسلام و وحدت مسلمین و نفرت از ظالمین برافراشته است.

هنوز ندای ملکوتی او که می گفت: «حاشا که خلوص عشق موحدین، جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود»، در فضای مکه طنین افکن است، و درس فراموش نشدنی او که می گفت: «کدام خانه یی سزاوارتر از کعبه وخانه ی امن وطهارتِ ناس که در آن به هرچه تجاوز و ستم و استعمار و بردگی و یا دون صفتی و نامردمی است، عملًا و قولًا پشت شود؟»، در کتیبه ی ذهن انسان های بیدار منقش است.

هنوز این سؤال هشداردهنده ی او که: «آیا باید در خانه ها نشست و با تحلیل های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القای روحیه ی ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملًا شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد؟»، وجدان مسلمانان غیور را برمی انگیزد و پاسخی از سر وارستگی و اخلاص می طلبد. و هنوز این سخن پیامبرگون او، دل و جان مشتاقان را تسخیر می کند که می گفت: «هیهات که امت محمّد صلی الله علیه و آله، سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند؛ و هیهات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمّد صلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف، ساکت وآرام بماند و نظاره گر صحنه های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است، ادامه می دهد». و خدا را شکر خمینی بزرگ تنها نماند و چنان که او می گفت و می خواست: «بسیجیان جهان، این پابرهنه های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانشان سلب کردند».

هنوز این نوای شیرین و امیدبخش، دل مؤمنان را از فروغ حیات روشن می کند و خون امید و نشاط در پیکر امت اسلامی می دمد که: «مسلمانان جهان و محرومان سراسر گیتی، از این برزخ بی انتهایی که انقلاب اسلامی برای همه ی جهانخواران آفریده است، احساس غرور وآزادی کنند و آوای آزادی وآزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخم های خود مرهم گذارند، که دوران بن بست و ناامیدی وتنفس در

منطقه ی کفر بسر آمده است و گلستان ملتها رخ نموده است و امید که همه ی مسلمانان، شکوفه های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گل های محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده ی خویش را نظاره کنند ...».

آری، امام خمینی زنده است، تا امید زنده است؛ و تا حرکت و نشاط هست، و تا جهاد و مبارزه هست، ... امام خمینی وامت فداکارش، از مکه و میقات هم غایب نیستند.

سیلاب اندیشه ی جهاد و شهادت و مقاومت و برائت از مشرکین و محبت به مؤمنین که از قله ی بلند اندیشه ی او جاری است، همه ی دلها و جان های مستعد را فرا می گیرد و به او حضوری معنوی می بخشد. آری، چنان که او خود می گفت: «ما در مکه باشیم یا نباشیم، دل و روحمان با ابراهیم در مکه است. دروازه های مدینهالرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته ی محبتمان با پیامبر، هرگز پاره و سست نمی شود. به سوی کعبه نماز می گزاریم و به سوی کعبه می میریم و خدای را سپاس می گزاریم که در میثاقمان با خدای کعبه، پایدار مانده ایم و منتظر هم نمانده ایم که حاکمان بی شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیراسلامی، از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه ی تاریخ محرومان و پابرهنگانیم و غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم برنمی داریم ...».

دلهاتان را به او بسپرید

و اکنون که برای دومین بار دست جور و عدوان، راه خانه ی خدا را بر مسلمانان خداجوی ایران بسته و به حساب امریکا و اسرائیل، بر ملتی که برترین پرچم مبارزه با شیطان بزرگ و دولت غاصب دست نشانده اش را برافراشته است، جفا روا داشته و امت داغدار ما را که رخت عزای امام فقید اسلام را بر تن دارد، داغدارتر کرده است، این جانب نکاتی را از باب تذکر به برادران و خواهران حاضر در صحنه ی حج و به همه ی مسلمانان عالم ونیز به ملت بزرگ ایران عرض می کنم:

۱) حال که به نام خدا و به دعوت پیامبر خدا، راهیِ کوی دوست شده و از هر «فجّ عمیق» به حریم بیت اللّٰه الحرام وفود کرده و احرام حج و هجرت الی اللّٰه بسته و ابراهیم وار

نغمه ی: إِنِّی ذاهِبٌ إِلی رَبِّی سَیَهْدِینِ (۱)

به زبان فطرت سر داده و زمزمه ی: وَ أَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا (۲)

را به زبان حال و قال مترنم گشته اید، امید است از ثَمَراتُ کُلِّ شَیْ ءٍ که ابراهیم خلیل علیه السلام از خداوند استدعا کرد، شیرین کام شده و چشمتان به شهود منافعی که حضرت ربوبی مژده داده، منور گردد.

به طور حتم، یکی از این منافع آن است که در پرتو مناسک و شعایر آموزنده ی حج، دلهاتان را که خانه ی خدا و امانت اوست، به او بسپرید و از شرک و زَیغ و زنگار تطهیر کنید وپیمان: أَ لَمْ أَعْهَدْ إِلَیْکُمْ یا بَنِی آدَمَ أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّیْطانَ (۳)

را تجدید نمایید و باتمسک به فرمان: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ، (۴)

به بشارت: وَ الَّذِینَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ یَعْبُدُوها وَ أَنابُوا إِلَی اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْری، (۵)

سرافراز گردید.

حج؛ کانون معارف اسلام و مظهر توحید

حج، کانون معارف اسلام و بیان کننده ی سیاست کلی اسلام برای اداره ی زندگی انسان است. حج، مظهر توحید و نفی و رمی شیطان و تکرار شعار ابراهیم علیه السلام است که گفت: إِنَّنِی بَرِی ءٌ مِمَّا تُشْرِکُونَ؛ (۶) صحنه ی اتحاد عظیم امت اسلامی برگرد محور توحید وبرائت از مشرکین و نفی و طرد همه ی بتهاست. وبت، هر آن چیزی است که به جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند ونیرو واراده ی افراد بشر را در اختیار بگیرد؛ حال چه سنگ و چوب، و چه قدرت های شیطانیِ سلطه گر و جبار، و چه عصبیت های جاهلی و ناحق که: فَما ذا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلالُ. (۷) حج ابراهیمی ومحمّدی صلی الله علیه و آله و حج علوی و حسینی علیهما السلام آن است که در آن توجه به خدا و پناه بردن به حکومت و قدرت او، با پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران

۱- صافات: ۹۹

۲- بقره: ۱۲۸

۳- یس: ۶۰

۴- حج: ۳۰

۵- زمر: ۱۷

۶- انعام: ۱۹

۷- یونس: ۳۲

همراه باشد. زمزمه ی مناجات سالار شهیدان و سیّد شباب اهل الجنه در عرفات، چه زیبا این هر دو را در یک سخن می سراید: «الهی أَنْتَ كَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ فِی سَعَتِهَا ... وَ أَنْتَ مُؤَیِّدِی بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِی وَ لَوْ لا نَصْرُكَ إِیَّایَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ ... یَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِیرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ» (۱)

. و خطبه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله در یوم الترویه که در آن نسخ مقررات جاهلیت وتحذیر از فریب شیطان برای وادار کردن بنی آدم به عبادت خود و حکم قاطع به پیوند برادری میان همه ی مسلمین را اعلام فرمود، خط کلی حج را معین می کند.

حج بی برائت، حج نیست

کدامین جان تشنه است که از فیض کوثر محمّدی صلی الله علیه و آله و جوشش زمزم حسینی، این جرعه ها را بنوشد و هنوز در مضمون سیاسی حج دچار تردید و ابهام باشد؟ حج بی برائت، حج بی وحدت، حج بی تحرک وقیام، حجی که از آن تهدید کفر و شرک برنخیزد، حج نیست و روح ومعنای حج را فاقد است.

بت های بزهکار استبداد و استعمار، حکمرانان ازخدا بی خبر و قدرت های سلطه گر جهانی، در گذشته و حال، همواره از حجِ بامضمون سازنده و روشن و الهامبخش، بشدت ترسیده و با آن به مقابله برخاسته اند. آنها تبلیغات دامنه دار و خصمانه یی را به وسیله ی آخوندهای درباری و ریزه خواران سفره ی عشرت خود بر ضد مضمون سیاسی حج به راه انداخته و باهیاهو و جنجال خواسته اند بقبولانند که حج از سیاست جداست و جز عبادتی به مثابه ی عبادات فردی نیست؛ غافل از آن که هر انسانِ اندکی هوشمند هم بوضوح درمی یابد که اگر درس وحدت مسلمین و عظمت امت اسلامی و تعارف برادران جداافتاده و همصدایی صاحبان زبانها و نژادها و ملیتها و مناطق جغرافیایی گوناگون و اعتصام به حبل اللّه با حالت طبیعی در حج منظور نمی بود و فقط عبادت و رابطه ی جداگانه ی انسانها با خدای خود مطلوب بود، آمدن از کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ و پیاده و سواره، آن هم در یک موسم خاص، چه معنی داشت؟ رنج پیمودن این راه، چرا؟ و

۱- مفاتیح الجنان، دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه.

حضـور در مکه وسپس در عرفـات و مشـعر و منی، آن هم در ایـام معـدودات و روزهـا و ساعـات معین برای همه ی مسـلمین جهان، چرا؟ و طواف گرد یک مرکز واحد و رمی یک نقطه ی واحد، چرا؟

حجی که از پایه های دین به شمار می رود

آری، حـج عبـادت است و ذکر و دعـا و اسـتغفار؛ امـا عبـادتی و ذکر و اسـتغفاری در جهت ایجاد حیات طیبه ی امت اسـلامی ونجات آن از زنجیرها وغل های استعباد و استبداد و خداوندان زر و زور و تزریق روح عزت و عظمت به آن و زدودن کسالت و ملالت از آن. این است حجی که از پـایه های دین به شـمار رفته و امیرالمؤمنین علی علیه السـلام در نهـج البلاغه آن را عَلَم اسـلام و جهاد هر ناتوان و برطرف کننده ی فقر وتنگدستی و مایه ی تقرب و نزدیکی اهل دین به یکدیگر شمرده است؛ و این است آن حجی که بنـدگان مجاهد خدا همه ساله از ایران با شوق و شور بدان روی می آورند و برائت از امریکا و صهیونیسـم و نفی ولایت اسـتکبار وشعار برای تعمیم ولایت الهی را شرط اصلی آن می شمرند؛ و این است آن حجی که سیلی خوردگانِ از اسـلام وانقلاب و در رأس آنان امریکای جنایتکار، از آن احساس خطر می کردنـد و اکنون دو سال است حکام آل سـعود برای شـادی و خشـنودی امریکـا و اسـرائیل، مؤمنین را از اقـامه ی آن مـانع می شونـد و زبانهـا و قلم هـای مزدور آخونـدهای نوکرصفت را به نفی آن و محکوم کردن آن وادار می کنند.

حج را به روح و حقیقت آن نزدیک کنید

اینک شـما حاجیان جهان اسـلام؛ شـما که دشـمنان وحدت اسـلامی نخواسته و نگذاشته اند که همراه با برادران ایرانی خود به طواف و سـعی و وقوف و رمی و نماز و زیارت قبر رسول گرامی صـلی الله علیه و آله بپردازیـد، یاد برادران مهجور و مصـدود خود را در آن مراسم زنـده کنیـد و حـج را هرچه بتوانید، به معنی و روح و حقیقت آن نزدیک کنید و بدانید که هر کس حج را از هویت سیاسی آن جدا کند، یا جاهل است و یا مغرض؛ و

خداونـد نخواهـد گـذشت از آنـان که برای رسـیدن به هـدف های ناپاك و حقير خود، آماده انـد که بزرگترين حربه ی امت اسـلامی در برابر جهان کفر و اسـتکبار را از او بگيرنـد و حج زندگی ساز و شورآفرين را، به عبادتی فردی و سـطحی همراه با سياحت و تجارت بدل کنند.

تفکیک دین از سیاست؛ یکی از بزرگترین مظاهر شرک

۲) از بزرگترين مظـاهر شـرك در عصـر حاضـر، تفکيـك دنيـا از آخرت، و زنـدگی مادّی از عبادت، و دين از سـياست است. گويی خـدای دنيا- معاذاللَّه- جباران و زورگويان و چپاولگران و ابرقـدرتها و جنايتکارانند، و استضـعاف و اسـتعباد و اسـتثمار خلايق و علو و اسـتکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلّم آنهاست، و همگان بايد پيشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساييده و در برابر زورگويی و غارتگری و ميل و اراده ی بی مهار آنان تسـليم باشند و اعتراض نکنند؛ چرا که وعاظالسلاطين و نوادگان «بلعم باعورا»، فرياد برخواهند آورد که دخالت در سياست کرديد، و اسلام را چه به سياست؟!

اين، همـان شـرکی است که امروز مسـلمانان بايـد با اعلام برائت، دامن خود و اسـلام را از آن تطهير کننـد. آنچه جای تأسـف است، اين که سالها غفلت مسـلمين و مهجور ماندن قرآن سبب شد که دست های تحريف بتوانند به نام دين، هر سـخن باطلی را در اذهان جای داده و بـديهی ترين اصل دين خدا را منکر شوند و شـرك را جامه ی توحيد پوشانده و مضـمون آيات قرآن را بی دغدغه انکار کنند، و در حالی که قرآن اقامه ی قسط را هدف از ارسال رسل می داند؛ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ، (۱)

و در حالی که با خطاب كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ، (۲)

همه ی مؤمنين را موظف به تلاش برای اقـامه ی قسـط می کنـد، و در حـالی که آيات کريمه ی قرآن، اعتماد به سـتمگران را ممنوع می سازد و به پيروان خود می فرمايد: وَ لا تَرْكَنُوا إِلَى

۱- حديد: ۲۵

۲- نساء: ۱۳۵

الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ، (۱)

و گردن نهادن به ظلم طاغوت را منافی با ایمان می شمرد و می گوید: أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ یُرِیدُونَ أَنْ یَتَحاکَمُوا إِلَی الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ یَکْفُرُوا بِهِ، (۲)

و کفر به طاغوت را در کنار ایمان به خدا قرار می دهد؛ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی، (۳)

و در حالی که نخستین شعار اسلام، توحید، یعنی نفی همه ی قدرت های مادّی و سیاسی و همه ی بت های بی جان و باجان بود، و در حالی که اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت، تشکیل حکومت و اداره ی سیاسی جامعه بود، و یا دلایل و شواهد فراوان دیگری که بر پیوند دین و سیاست حکم می کند، باز کسانی پیدا می شوند که بگویند دین از سیاست جداست، و کسانی هم پیدا شدند که این سخن ضداسلامی را از آنها بپذیرند.

سیاستمدارانی که دایماً دم از جدایی دین و سیاست می زنند و کسانی از مدعیان دینداری که به کمک آنان شتافته و همین سخن را تکرار می کنند، آیا هرگز در آیات قرآن و تاریخ اسلام و احکام شریعت اندیشیده اند؟ آیا فکر کرده اند که اگر دین جدا از سیاست است، پس چرا قرآن همه ی امور سیاسی را، یعنی حکومت را، قانون را، صف بندی های زندگی را، جنگ و صلح را، تعیین دوست و دشمن را و دیگر مظاهر سیاست را، همه و همه را به خدا و دین خدا و اولیای خدا مرتبط می کند؟

آیا در آیه ی یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلِیاءَ (۴)

و آیه ی وَلَا تُطِیعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِینَ الَّذِینَ یُفْسِدُونَ فِی ٱلْأَرْضِ وَلا یُصْلِحُونَ، (۵)

یا آیات معرفی حزب اللَّه و حزب الشیطان، یا آیات ولایت اللَّه، یا آیات حکم به غیر ما انزل اللَّه، اندیشیده و در آن تأمل کرده اند؟

۱- هود: ۱۱۳

۲- نساء: ۶۰

۳- بقره: ۲۵۶

۴- ممتحنه: ۱

۵- شعراء: ۱۵۱ و ۱۵۲

آیا اعمال و رفتار سیاسی و اجتماعی انسانها که بیشترین بخش زندگی آنهاست، بدون جزاست؟ پس وَ وَجَدُوا ما عَمِلُوا حاضِراً (۱)

و وُفِّیَتْ کُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ (۲)

چیست و با کدامین میزان سنجیده می شود؟ آیا می توان گفت اسلام در دنیا به خوب و بد این گونه اعمال کاری ندارد و وظیفه یی مقرر نمی کند؛ ولی در آخرت جزای آن داده می شود؟

آیا جهاد اسلامی که درصدها آیه ی قرآن و حدیث مسلّم، در زمره ی برترین فرایض دینی قرار گرفته و ترک آن مایه ی ذلت و شقاوت دنیا و آخرت شناخته شده، برای به دست آوردن چه چیز و دفاع از کدامین ارزش است؟ آیا حیات طیبه یی که برای تحصیل آن باید جهاد کرد، زندگی در زیر سایه ی شوم ولایت غیرخداست؟ بر خاک مذلت نشستن و حاکمیت جباران و ارزش های غیرالهی را تماشا کردن و تن به ذلت دادن است؟ و اگر چنین نیست و جهاد برای تحصیل حاکمیتِ اللّه و خروج از ولایت طاغوت به ولایتِ اللّه است، پس چگونه می توان نقش و ارزش سیاست را در دین و در هدف های تعیین شده ی دینی، دست کم یا نادیده گرفت؟

نغمه ی جدایی دین از سیاست، ساخته ی دشمنان است

بدیهی است که نغمه ی شوم جدایی دین از سیاست، ساخته ی دشمنان پلیدی است که از اسلامِ زنده و در صحنه، سیلی خورده و با این ترفند خواسته اند صحنه ی زندگی را از حضور دین فارغ کرده و خود زمام امور دنیای مردم را به دست گیرند و بی دغدغه بر سرنوشت انسانها تسلط یابند. اما تلخ و تأسف انگیز آن است که کسانی به نام دین و در کسوت علمای دین، همین سخن را تکرار کنند و در ترویج آن، سعی و تلاش کنند. این همصداییِ برخی ملبسین به لباس دین با دشمنان پلید و خطرناک، اگرچه در مواردی ناشی از غفلت آنان از اهمیت سیاست و نقش آن در سرنوشت انسانها و در مواردی ناشی از تنبلی و ترس و تن دادن به زندگی آسان است، اما در مواردی هم ناشی از همدستی خطرناک این دین فروشان و نوادگان «بلعم باعورا» با ارباب قدرت و مکنت است، که

۱- کهف: ۴۹

۲- زمر: ۷۰

مسلمانان باید این را بزرگترین خطر، و چنین آخوندهایی را پلیدتر از اربابان سیاسیشان بدانند و از شر آنان به خدا و به همت و آگاهی خود پناه برند.

این وعاظ السلاطین(لعنهم اللّه)، به این هم اکتفا نمی کنند که نغمه ی شوم جدایی دین از سیاست را به زبان دین بیان کنند؛ بلکه برای تحکیم قدرت شیاطین، به مدح و ثنا و تأیید جنایتکاران هم می پردازند. آیا این، دخالت در سیاست و حرام نیست؟

آیا تضعیف اسلام و مسلمین، ایجاد تفرقه، مقابله با انقلاب اسلامی و تبرّی از اولیای خدا و تهمت و بهتان به آنها و انکار آیات خدا- ولو سیاسی هم باشد اشکالی ندارد؛ ولی حمایت از مظلومان و برائت از مشرکان و همنوایی با محرومان و ستمدیدگان و اعتراض به تسلط امریکا و اسرائیل بر کشورهای اسلامی و مخالفت با غارتگری کمپانی های خارجی و محکوم کردن خیانت رؤسا و سلاطین مسلمانْ نام و حمایت از مبارزات مسلمانان واقعی و امثال آن جرم است؟!

محتوای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام آمریکایی

این جاست که سخن امام فقید ما، آن داعی الی اللّه و فانی فی اللّه آشکار می شود که اسلام را به اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله و اسلام امریکایی تقسیم می کرد. اسلام ناب محمّدی، اسلام عدل و قسط است؛ اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرهنگان و محرومان است؛ اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است؛ اسلام جهاد با دشمنان و سازش ناپذیری با زورگویان و فتنه گران است؛ اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است.

اسلام امریکایی، چیزی به نام اسلام است که درخدمت منافع قدرت های استکباری و توجیه کننده ی اعمال آنهاست؛ بهانه یی برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت های مسلمان است؛ وسیله یی برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین- چنان که درصدر اسلام بوده است- بلکه به عنوان گوشه یی برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت.

اسلام امریکایی، اسلام انسان های بی درد و بی سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه ی تجار، وسیله یی برای زراندوزی یا قدرت طلبی می دانند و همه ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی محابا به زاویه ی فراموشی می افکنند و یا وقیحانه تأویل می کنند.

اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و رؤسایی است که منافع ملت های محروم و مظلوم خود را در آستانه ی آلهه ی امریکایی و اروپایی قربان می کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه ی حکومت و قدرت ننگین خود چشم می دوزند؛ اسلام سرمایه دارانی است که برای تأمین سود خود، پا بر همه ی فضیلتها و ارزشها می کوبند.

آری، این اسلام امریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می خوانند؛ ولی اسلام ناب محمّدی، سیاست را بخشی از دین و غیرقابل جدایی از آن می داند و همه ی مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می کند؛ و این چیزی است که ملت های مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند.

دشمنی جبهه ی شیطان با اسلام

۳) امروز یکی از مسایل مهم جهان اسلام، دشمنیِ کینه توزانه و دیوانه وار جبهه ی شیطان و بخصوص شیطان بزرگ، با اسلام و مفاهیم و عقاید اسلامی است. اگرچه دشمنیِ برنامه ریزی شده و همه جانبه با اسلام، از آغاز پیدایش استعمار سابقه دارد و استعمارگران در سده های اخیر که کشورهای اسلامی را جولانگاه غارت و چپاول و کشتار و تجاوز خود کرده بودند، به اسلام به چشم مانع و سد مستحکمی در برابر فتنه انگیزی های خود نگریسته و آن را آماج حملات سیاسی وفرهنگی شدید قرار دادند و برنامه ی جدایی مسلمین از قرآن و اسلام را با مکرهای شیطانی خود و از جمله با ترویج فساد و ابتذال و فحشا به اجرا گذاشتند، و لیکن از هنگامی که آتشفشان انقلاب اسلامی، خرمن امیدهای آنان را به آتش کشید و فروغ امید را بردل مسلمانان جهان تابانید و حیات دوباره ی اسلام در جهان را نوید داد، قدرت های استکباری همچون گرگ زخم خورده،

به هجومی همه جانبه و سراسیمه و دیوانه وار علیه اسلام دست زدند، که البته دور از انتظار نبود، و به طور حتم سنت های الهی در شکست و فضیحت آنان محقق خواهد شد- ان شاءاللَّه- چنان که قرآن فرموده است: وَ لا يَزالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِما صَنَعُوا قارِعَةٌ؛ (۱) به شرط آن که مؤمنین به اسلام، به وظایف خود در قبال این توطئه ها آشنا باشند و از انجام آن غفلت نورزند.

جمهوری اسلامی، آماج توطئه های طراحی شده علیه اسلام

بدیهی است که آماج اصلی همه ی توطئه هایی که در ده سال گذشته علیه اسلام طراحی شد، جمهوری اسلامی بود، که ام القرای اسلام و پیشاهنگ حرکت جهانی آن محسوب می شود، و در این ده سال ملت ایران انواع ضرباتی را که در واقع به سمت اسلام و نیروی عظیم انقلابی آن هدف گیری شده بود، پذیرا شدند. جنگ تحمیلی هشت ساله، محاصره ی اقتصادی و انواع حملات بی شمار سیاسی و تبلیغاتی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی، درحقیقت با انگیزه ی فشار بر اسلام و دشمنی با آن انجام گرفت و ما افتخار می کنیم که به خاطر گوهر عزیز یکدانه یی که با خود داشتیم- یعنی ایمان به خدا و عمل به اسلام- سالها مورد خشم جنون آمیز و انتقام سبعانه ی قدرت های جهانی قرار گرفته و سپر بلا شدیم. آری، وَ ما نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. (۲) ولی مبارزه ی قدرت های استکباری با اسلام، به آنچه نسبت به ایران و مردم آن و نظام جمهوری اسلامی اعمال شد، منحصر نماند؛ بلکه دشمنی با اسلام در دایره یی وسیعتر، هم باروش های سیاسی وتبلیغاتی، و هم باروشهای فرهنگی با جدیت دنبال شد.

فشار و سختگیری بر مبارزان و آزادیخواهان و علما و روشنفکران مسلمان در کشورهای اسلامی از سوی رژیم های وابسته به امریکا، و نیز سختگیری نسبت به اقلیت های مسلمان در کشورهای غیراسلامی، نمونه های بارز مبارزه ی سیاسی با اسلام، و نوشتن مقالات و کتب و تهیه ی فیلم های اهانت آمیز نسبت به اسلام و نشر آن در محیطهای اسلامی و

۱- رعد: ۳۱

۲- بروج: ۸

غیراسلامی، نمونه های مبارزه ی فرهنگی بااسلام است. اکنون دولت های استکباری مانند امریکا و انگلیس و امثال آنان، پول های گزافی را در راه این خصومت های جنایت آمیز خرج می کنند و متأسفانه هستند نویسندگان و هنرمندانی که برای منفعت مادّی، قلم و بیان و هنر خود را در معرض معامله گذارده و با سرکوب وجدان هنری و ادبی خود، در خدمت مقاصد شوم صاحبان قدرت قرار می گیرند.

احساس ضعف استکبار در برابر اسلام

نکته ی مهم آن است که این حرکات خصمانه، ناشی از احساس ضعف اردوگاه استکبار در برابر اسلام است. صلابت اسلامی و پایداری ملت مسلمان ایران و فریادهای تندرآسای بت شکن قرن و فضل و نصرت الهی که آن عبد صالح و یارانش را همواره شامل بود، موجب شد که صدور اندیشه ی انقلابی اسلام که دشمن بشدت از آن در هراس بود، از همان راههایی که آنان برای جلوگیری ازصدور انقلاب یا ضربه زدن به آن فراهم کرده بودند، تحقق یابد و مظلومیت ملت ایران و تحمل شداید، موجب اثبات حقانیت این ملت بزرگ و گسترش دامنه ی انقلاب در بسیاری از کشورها شود و به مسلمانان جهان، عزم راسختر و احساس هویت اسلامی بیشتری ببخشد.

امروز ایادی استکبار جهانی در همه جا در برابر اسلام موضع انفعالی دارند و کینه ورزی آنان با اسلام، چه با شیوه های فرهنگی و چه سیاسی با زور و سرنیزه، از روی احساس ضعف و ترس در برابر موج فزاینده ی اسلام است.

این نیز یکی از الطاف الهی است که هر اقدام آنان برای توهین یا ضربه زدن به اسلام، خود به عاملی برای شدت یافتن خشم مسلمانان و راسخ شدن اراده ی آنان در دفاع ازاسلام تبدیل می شود. نمونه ی بارز، ماجرای نوشتن کتاب آیات شیطانی نویسنده ی مرتد و مهدورالدم انگلیسی است که دولت های استکباری با این کار می خواستند اسلام را تضعیف کنند، و خدای متعال برعکس خواسته ی آنان، این کار را موجب آبروریزی آنان قرار داد و با صدور فتوای امام امت بر مهدورالدم بودن نویسنده اش، آهنگ

مسلمین رساتر و انسجام آنان بیشتر شد و همه ی تلاش های دشمن در مبارزه با اسلام- ان شاءاللّه- به همین گونه نتیجه یی منتهی خواهد شد که: إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطانِ کانَ ضَعِیفاً. (۱)

مسلمانان کاملاً حساس و هوشیار باشند

نکته ی دیگر آن است که مسلمانان در همه جای جهان، باید نسبت به اقدامات توطئه آمیز دشمنان برای تضعیف و توهین اسلام، کاملًا حساس و هوشیار باشند؛ مخصوصاً نسبت به توطئه های فرهنگی، از قبیل نوشتن کتابها و ساختن فیلمها و نمایشنامه های ضداسلامی. در این صحنه، سنگرداران اصلی، نویسندگان و هنرمندانی هستند که دلشان برای اسلام می تپد و از حقد و کینه ی دستگاه های استکباری با اسلام و مسلمین باخبرند. تهیه ی مقالات و کتب و آثار هنری در تبیین اسلام و افشای توطئه های دشمن و دفاع از حقوق مسلمانان جهان، وظیفه ی عمومی و بزرگ آنهاست.

البته وظیفه ی عمومی همگان در برابر اهانت به مقدسات اسلامی، روشن و واضح است و حکم امام فقید به واجب القتل بودن نویسنده ی مرتد و پلید آیات شیطانی، تکلیف همه را نسبت به موارد مشابه روشن می سازد. حکم امام امت درباره ی آن نویسنده ی نگون بخت به قوّت خود باقی است و او باید همچنان در انتظار اجرای آن تا لحظه ی مقدر بماند.

مسلمانان از اجتماعات بزرگ، مخصوصاً اجتماع عظیم حج، باید برای اعلام مخالفت و نفرت خود از توطئه های فرهنگی استکبار علیه اسلام و ایستادگی قاطع خود در برابر آن، حداکثر استفاده را بکنند، و مطمئنم همان گونه که مسلمانان غیور در پاسخ به ندای امام امت(اعلی اللّه کلمته) تاکنون قاطعانه موضعگیری کرده اند، از این پس نیز به همان گونه عمل خواهند کرد.

۱- نساء: ۷۶

در حج باید مسائل جهان اسلام بررسی شود

۴) در حج باید مسایل جهان اسـلام بررسـی شود. بزرگترین مسأله ی عمومی مسلمین پس از لزوم آمادگی برای دفاع از اسلام و هویت جمعی مسـلمین، مسأله ی ملت های زیرستم و مبارزی است که دست طغیان و کفر و استکبار، آنان را مقهور و مظلوم ساخته و سـخت ترین شـرایط زندگی را برآنان تحمیل کرده است. ملت مظلوم فلسطین، نمونه ی بارزی از این گونه ملتهاست. چهل سال است که این ملت، از خانه و کاشانه ی خود بیرون رانـده شده و یا در وطن خویش غریبانه زندگی کرده است. این، زخم خونین و دردنـاکی بر پیکر امت اسـلامی است که بـا توطئه ی دولت هـای اسـتعمارگر وضـد اسـلام و به دست جنایتکار صهیونیسـتها چهـل سال پیش وارد شـده و هر روز نمکی بر آن پاشـیده شـده است. کسان و گروه های زیادی در این مـدت به مبارزه برای نجات این ملت دست زده، یا ادعای آن را کرده اند؛ اما هرگز گرهی باز نشده، بلکه گرهها کورتر هم شده است.

علت اصلی این بوده که ملت فلسطین نمی توانسته از خود دفاع کند، یا جهان اسلام از خنثی کردن توطئه ی امریکا و غرب در دفاع از دولت غاصب ناتوان بوده است. علت اصلی ناکامیها، اولًا از یاد بردن هویت اسلامی ملت فلسطین و عدم تکیه بر اسلام و جهـاد اسـلامی در طول دههـا سـال گذشـته، و ثانیاً خیانت سـران کشورهایی از اعراب و حتّی خیانت سـران و چهره هایی از فلسـطینیان بوده است. و امروز بحمـداللّٰه عنصـر ایمان و جهاد اسـلامی در مبارزات ملت فلسـطین در داخل وطن مغصوب زنده شده، و به همین جهت معادله ی قدرت در فلسطین به سود فلسطینیان نسبت به گذشته تغییر کرده است.

جوانـان و کودکـان و زنـان و مردانی که امروز مظلومانه در شـهرهای وطن مغصوب با خون خود کوچه ها و خیابانها را رنگین می کننـد، و نمـازگزارانی کـه در اجتماعـات هفتگی جمعه ی خـود، کـابوس مرگ را بر سـر اسـرائیلیان غـاصب و مهـاجر می کوبنـد، نور امیـدی را بر سراسـر فلسـطین تابانیـده انـد که در تمـام چهـل سـال غصب و قبـل از آن در روزگـار فشار و اختناق انگلیسی، هرگز سرزمین مقدس آن را به خود ندیده بود، و آینده هم متعلق به

همین مؤمنین مصمم و مبارز است.

امروز دیگر روزگـار ضـعف و انفعال و انتظار ملت فلسـطین تمام شـده است و اسـلام نیروی حقیقی آن ملت برجسـته را به وی بازگردانده است. امروز دیگر سـران خائن و سازشـکار فلسـطین فروش فلسـطینی که فارغ از رنج شـهروندان یا چادرنشـینان، به معـامله ی سیاسـی و تجارت با سـرمایه ی فلسـطین مشـغولند، نمی تواننـد سـرنوشت آن کشور و ملت را رقم بزننـد. سرنوشـت فلسـطین، در مسـجدها و نمـاز جمعه هـا و خیابانهـا و میـدان هـای سراسـر زمین های اشـغالی است که رقم می خورد، و این از برکات اسلام است.

ملت لبنـان نیز که از دو سو زیر فشار صهیونیسـتها و همدسـتان فالانژ آنان سالهاست با آتش و خون سـروکار دارد، راه خود را یافته و تصمیم خود را بر ضد نظام فاشیستی و قبیله یِیِ مدرن و مورد تأیید امریکا و فرانسه و انگلیس گرفته است.

مسـلمانان مظلوم لبنان، سرنوشـتشان با ملت فلسـطین گره خورده و رنـج همسایگی با متجاوزین افزون طلب صـهیونیست را می برند. در این جا نیز ایمان و جهاد است که بن بستها را خواهد شکست.

دنیا ناباورانه شاهد بن بست شـکنی در قضـیه ی افغانستان بود. مجاهدان افغان، به برکت اسلام و وحدت کلمه، توانستند ارتش بیگانه را بیرون براننـد، و اگر باز هم به همین دو عامل تکیه کنند، خواهند توانست حکومت شایسـته ی مطلوب خود را در آن کشور تشـکیل داده و رژیم وابسـته ی کنونی را از جا بکنند. این دو عامل، عیناً علاج همه ی دردها و گرفتاری های فلسطین و لبنان نیز هست.

ما علاج مسأله ی فلسـطین را در راه حل های دیکته شده ی ابرقدرتها نمی دانیم؛ علاج زخم فلسطین، فقط قلع غده ی سرطانی حکومت صـهیونیستی است، و این کاملًا ممکن است. مسـلمانان در حـج بایـد به این مسأله اندیشـیده، برای آن متعهـد شـده و هماهنگ شـعار و عمل را در راه آن به کار برنـد. ملت ایرانماننـد همیشه خود را در کنار مبارزان فلسـطینی می دانـد و بـدون پیروزی در قضیه ی فلسطین، پیروزی خود را ناقص می شمرد.

امـام راحـل عظیم، از نخستین روزهـای شـروع مبـارزه در ایران، مسـأله ی فلسـطین را در صـدر مطالب خود قرار داد و در طول مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، آن را تعقیب

کرد و پس از ارتحال ملکوتیش نیز با زبان وصیت نامه ی سیاسی، الهی اش با ما و همه ی مسلمانان عالم، درباره ی آن حرف زد. این واجب، تخلف ناپذیر است. شما حاجیان نیز دارای همین وظیفه اید، و اگر همه به وظیفه عمل کنیم، زخم عمیق پیکر اسلام بهبود خواهد یافت- ان شاءاللَّه- و خدا با ماست.

امام خمینی در دل یکایک عاشقانش زنده است

۵) نزدیک به چهل روز است که امت اسلام در سوگ امام و مراد و مقتدای خود در التهاب و سوز و خروش است. نزدیک چهل روز است که امام خمینی، آن بنده ی مطیع خدا، آن دشمن آشتی ناپذیر مستکبران، آن طرفدار و خدمتگزار مستضعفان و محرومان و مظلومان، آن برافرازنده ی پرچم اسلام ناب محمّدی و افشاگر اسلام امریکایی، آن فریادرس مسلمانان جهان، آن مجمع خصال والای اسلامی و آن مسلمان کامل، در میان ما نیست. او به ملکوت اعلی پیوست و ملت انقلابی ایران و دیگر فرزندانش در سراسر جهان را داغدار و ماتمزده کرد؛ اما طنین صدای او که ندای حق و عدل بود، در دل های امتش و در فضای جهان هست و خواهد بود. او نمرده است و نخواهد مرد. برای او که راهرو راه پیامبران بود- همچون خود پیامبران- مرگ جسم به معنای مرگ شخصیت نیست.

او دربانگ تکبیر مبارزان مسلمان، در اراده ی قهرآمیز ملت های زیر ستم، درایمان آگاهانه ی نسل جوان معاصر در دنیای اسلام، در امید روشن مستضعفان و مظلومان، در سوز و حال معنوی مناجاتیان، در حیات دوباره ی معنویت وارزش های اخلاقی درجهان، و در همه ی جلوه های زیبایی که حرکت انقلابی و تاریخ ساز او در دوران معاصر به وجود آورد، و بالاخره در دل یکایک عاشقان و مریدانش زنده است.

دشمنان زخم خورده ی انقلاب، انتظار روز فقدان او را می کشیدند، تا در غیبت آن دیده بان بیدار و نگاهبان نیرومند، به مولود و میراث و تلاش او- یعنی جمهوری اسلامی در ایران و نهضت بیداری مسلمین در جهان- دستبرد زنند وچشم زخم وارد آورند؛ اما بیداری انقلابی و ایمان آگاهانه و وفای عاشقانه ی ملت بزرگ ایران که در تشییع جنازه ی

بی نظیر وعزاداری تاریخی آن بزرگوار و حوادث پس از آن بروز کرد، و نیز پیوند و رابطه ی عمیقی که مسلمانان جهان در آسیا و اروپا و افریقا نسبت به ملت ایران و امام فقید نشان دادند، دشمنان را مأیوس، و تحلیلها و پیش بینی های آنان را افسانه و پندار ساخت.

ملت ایران از امتحان بزرگ الهی روسفید بیرون آمدند

من وظیفه دارم احترام و سپاس عمیق خود را به ملت عظیم الشأن ایران ابراز دارم و به آنان خاضعانه عرض کنم که شما با امتحان بزرگ و تکان دهنده یی مواجه شدید و روسفید و آبرومند از آن بیرون آمدید؛ سلام و رحمت خدا بر شما باد. شما در حیات بابرکت امام، بهترین و صدیقترین یاران برای او بودید و مایه ی سربلندی آن فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله شدید و پس از پرواز ملکوتی او نیز، باشکوهترین وفاداری را نسبت به او و وصیت او نشان دادید؛ خدای بزرگ از شما راضی باد. و نیز وظیفه دارم از همه ی برادران و خواهران مسلمان در سراسر جهان سپاسگزاری کنم، که دل ملت ایران را تسلّا دادند و دشمن را مرعوب کردند و وحدت شکوهمند اسلامی را به نمایش گذاردند؛ روح مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه ی آنان راضی باد.

متأسفانه در دنیای اسلامی، کسانی از سران سردمداران و جیره خواران و عالم نمایان و قلم فروشان نیز بودند که قدر امام را که درهالتاج عزتی بر تارک امت اسلامی بود، نشناختند و با او جفا کردند و برای دلخوشی امریکا و اسرائیل و دیگر دشمنان اسلام، با او درافتادند و برای خاموشی نور وجود او، خفاش گون تلاش کردند؛ یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ. (۱) لعنت خدا و نفرت مسلمین و حسرت ابدی بر آنان که با خلف صدق پیامبر صلی الله علیه و آله آن کردند که ابوجهل و ابولهب و فرعون و قارون و بلعم باعورا و همه ی ائمه ی نار با پیامبران و صدیقان و ائمه ی نور کرده بودند؛ وَ أَتْبَعْناهُمْ فِی هذِهِ الدُّنْیا لَعْنَهً وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِینَ. (۲)

۱- صف: ۸

۲- قصص: ۴۲

راه امام خمینی قدس سره را دنبال می کنیم

ما با خدا پیمان بسته ایم راه امام خمینی قدس سره را که راه اسلام و قرآن و راه عزت مسلمین است، دنبال کنیم. سیاست «نه شرقی و نه غربی»، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فایق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان، و مجاهدت برای ایجاد مدینه ی فاضله ی اسلامی، و تکیه بر جانبداری از قشرهای محروم و کوخ نشین، و به کار گرفتن همه ی عوامل و امکانات برای بازسازی کشور در سطح داخلی کشور، خطوط اصلی برنامه های ماست. هدف اصلی از این همه، زنده کردن دوباره ی اسلام و بازگشت به ارزشهای قرآن است و ما یک سر مو از این هدف عقب نخواهیم نشست.

چشم انداز آینده، روشن و امیدبخش است

برادران و خواهران، ملت عزیز ایران! اگر دست دشمن امسال نیز شما را از حق مسلّمتان- یعنی زیارت بیت اللّه و مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه ی هدای مدفون در بقیع علیهم السلام- محروم ساخت و برگ دیگری بر کارنامه ی سیاه خود افزود، اما چشم انداز آینده به نظر ما روشن و امیدبخش است. ما تاکنون به تکلیف اسلامی خود عمل کرده ایم و بر تبعات آن نیز صبر می کنیم و امیدوارم خداوند لطف خود را بر ما بگستراند و رضای حضرت ولیّ عصر(ارواحنافداه) و دعای آن حضرت را شامل حال ما سازد.

وعده ی خدا به رسولش، ان شاءاللّه درباره ی شما فرزندان مخلص امام و یاران فداکار اسلام نیز به تحقق خواهد پیوست، که فرمود: لَقَدْ صَدَقَ اللّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْیا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللّهُ آمِنِینَ مُحَلِّقِینَ رُؤُسَکُمْ وَ مُقَصِّرِینَ لا تَخافُونَ. (۱)
اول ذی الحجهالحرام ۱۴۰۹ هجری

۱- فتح: ۲۷

سیّد علی حسینی خامنه ای

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام(۷/ ۴/ ۱۳۶۹ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۷/ ۴/ ۱۳۶۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم

دو غم بزرگ و دو مصیبت جانگداز

فرارسیدن ایام حج، همه ساله، همراه با شوق و حنین دل های شیفته و جانهای آرزومندی از سراسر جهان اسلام است که در جوار خانه ی معبود و دیار محبوب، سر بر آستان عشق و تقدیس گذارند و جَبهه ی تعبد و تقرب بر خاک آن مقام بسایند. ایام معلومات را در سایه ی ذکر و نیایش بگذرانند و در پناه رحمت و مغفرت حق بیارمند.

برادران دور افتاده ی خود از چهارگوشه ی عالم را ببینند و شکوه امت اسلامی را درنمونه یی زنده و مجسم، حس کنند.

امـا ملت مظلوم و پاکنهـاد ما در این ایام، همراه با اشتیاق مخلصانه ی خود به حضور در آن مشـهد عظیم جان ها و دل ها و تن ها و تلاشـها، دو غم بزرگ و دو مصـیبت جانگـداز را با همه ی وجود احساس می کنـد و آن را به خدا و نبیّ مکرم صـلی الله علیه و آله و حضرت ولیّ اللَّه الاعظم(ارواحنافداه) شکوه می برد:

اول، غم شـهادت فراموش نشـدنی کبوتران خونین بـال حرم را که سه سال پیش به جرم اعلام برائت از مشـرکین، به تیغ کین و حقـد حکام سـعودی، در حریم امن الهی به خاک و خون کشـیده شدنـد. بندگان پرهیزگار و بااخلاصـی که در خانه ی خدا- یعنی خانه ی خودشان- به خاطر خوشایند بیگانگان و دشمنان، به دست بیگانه پرستان و از خدا بی خبران، مظلومانه به شهادت رسیدند و با خون به ناحق ریخته ی خود، داغ ننگی بر

پیشانی حکام ستمگر و خائن حجاز نهادند.

و دوم، درد فراق خانه ی خدا و محرومیت از انجام مناسک حج و ممنوع شدن از حضور در محشر عام مسلمین را که به دست خود فروختگان، بر ایشان تحمیل شده و راه خانه ی خدا به روی آنان مسدود گشته است. این، یکی از عبرت انگیزترین وقایع دوران تحول خیز کنونی است که ملتی از همه به اسلام وفادارتر و از همه در راه خدا فداکارتر، از خانه ی خدا مصدود شود و از انجام فریضه ی اسلامی ممنوع گردد.

آن روی این صفحه ی شگفت انگیز آن است که حرم الهی، برای مستشاران امریکایی و کمپانیداران نفتی امن باشد و برای مسلمانان پاکباز و خانه پرداز، ناامن و کمین صدها خطر. این، از جمله ی نشانه های غریبی است که خبر از وضعی بشدت ناهنجار می دهد و طبعاً در خود، بشارت تحولی و آینده یی بهنجار حمل می کند. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً. (۱) بوقهای جهانی، همصدا با دروغگویان سعودی، آن روز گفتند که ایرانیان در پاسخ حمله به مسلحین سعودی کشته شده اند و عدد کشتگان آنها این همه نیست و به همان عدد، از نظامیان مکه به هلاکت رسیده اند!

شگفتا! چگونه زایران بی دفاع که سلاحی جز اراده ی قوی و ایمان عمیق و عشق آمیخته به ایثار نداشته اند، می توانستند گاردهای دست آموز سعودی را به قتل برسانند، یا آغازگر حمله به آنها باشند؟ و چگونه می توان در تعداد شهیدان این فاجعه شک کرد؟

آیا حمل بیش از چهارصد پیکر شهید از مکه به ایران، برای اثبات وسعت جنایت کافی نبوده است؟ امروز هم همان بوقها و همان دروغگویان می کوشند که گناه آل سعود را در جلوگیری از حج ایرانیان، کوچک جلوه دهند، یا انکار کنند.

دولت جمهوری اسلامی، برای گشودن راه کعبه ی مقصود، از هیچ تلاشی سر باز نزد و باز هم نخواهد زد؛ اما مدعیان تولیت حرمین شریفین، بر جلوگیری از حضور حاجیانی که حج را به معنی درست آن شناخته و توحید الهی را با برائت از مشرکین همراه کرده اند، اصرار می ورزد.

۱- شرح: ۵ و ۶

غمی از این بزرگتر نیست که مدعیان خدمت به حرمین شریفین و کلیدداران خانه ی خدا، کمربستگان خدمت امریکا باشند و از شعار وحدت مسلمین و برائت از امریکا و صهیونیسم، وحشت کنند!

این وضع، موجب آن است که امروز هم که روز بیداری مسلمانان و طرح شعارهای اساسی اسلام است، حج- این فریضه ی بزرگ امت ساز و دشمن شکن- از مضمون واقعی خود برکنار بماند و قالبی به این عظمت و شکوه، معنایی به تناسب خود نداشته باشد.

توانمندی های حج

حج می تواند روح توحید را در دلها زنده کند، تکه پاره های امت بزرگ اسلامی را به هم وصل کند، عظمت مسلمین را به آنان برگرداند و آنان را از حقارت و احساس ذلتی که بر ایشان تحمیل کرده اند، نجات دهد. حج می تواند دردهای مسلمین را به علاج نزدیک کند و بزرگترین درد آنان را- که سلطه ی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی کفر و استکبار است- درمان نماید. حج می تواند دلبستگی های اسارت آفرین را از دلها بشوید و در مقابل، ارتباط با خدا و با بندگان خدا را در فرد و جمع مسلمانان تقویت نماید و همین دلیل است که سیاست های حاکم بر حجاز، از حج واقعی و حامل مضمون الهی و سیاسی بیمناکند و قدرت تحمل آن را ندارند.

ملت مؤمن و مبارز ما، تنها به این جرم از حج محروم می شوند که خواسته اند روح و معنای حج را به آن برگردانند و عبودیت خدا را با اظهار برائت از مشرکین- که خود، حاق معنای عبودیت است- همراه سازند. اما نه حکام حجاز و نه دست های پشت پرده یی که به خاطر منافع استعماری خود، این سیاست های خائنانه را به آنان دیکته می کنند، نخواهند توانست از بازگشت حج به شکل صحیح خود، جلوگیری کنند.

ملتهای اسلامی بیدار شده اند

امروز ملتهای مسلمان بیدار شده و رو به حاکمیت اسلام پیش می روند. امروز شعارهای اسلامی، که تا چندی پیش فقط از حنجره ی ملت پیشرو و پیشاهنگ ما خارج

می شد، در میان دیگر ملتهای مسلمان نیز گسترش و جذابیت یافته و از شرق تا غرب، در همه جای جهان اسلام، احساس هویت اسلامی را به ملتها برگردانده است.

سیاستهای استکباری، تا کی خواهند توانست از سفر حج جوانان بعضی کشورهای اسلامی جلوگیری کنند؟ تا کجا خواهند توانست از ورود مسلمانان آگاه و بیدار کشورهای اسلامی به مکه و مدینه مانع شوند؟ امروز حماسه ی اسلام در شمال افریقا و در برخی کشورهای دیگر اسلامی، در حال دگرگون سازی وضعیت سیاسی این مناطق است. آیا خواهند توانست مردم این کشورها را نیز از حج، مصدود وممنوع کنند؟ ما حج و زیارت حرمین شریفین را حق مسلّم ملت خود دانسته و با تمام قوا آن را از آل سعود- که تضییع کنندگان این حق مسلّمند- مطالبه می کنیم و به حول و قوه الهی، آن را از آنان می ستانیم.

جبهه ی کفر و استکبار بدانند که آینده متعلق به اسلام است و هیچ تدبیری و هیچ قدرتی نخواهد توانست از اقتدار روزافزون اسلام و رواج روزافزون شعارها و ارزشهای اسلامی در جوامع مسلمین، جلوگیری کند.

استکبار، محکوم به عقب نشینی است

ملت عزیز ما نیز بدانند- و می دانند- که عزت و عظمت و شکوه اسلام، که با قیام و فداکاری آنان در دوران انقلاب تا امروز به وجود آمده، هر روز که می گذرد، بر عزت و عظمت و اقتدار آنان می افزاید و کید دشمنان در برابر صبر و مقاومت شجاعانه ی آنان، قادر به پایداری نیست.

استکبار و ایادی آن، محکوم به عقب نشینی در برابر موج فزاینده ی اسلامند، و خون پاک شهیدان مکه و دیگر شهدای انقلاب اسلامی، راه حرکت و پیشرفت اسلام در جهان را هموار ساخته و پرچم اسلام را در بسیاری از نقاط عالم به اهتزاز درآورده است.

توجه به حج ابراهیمی و محمدی

حجاج بیت اللّه الحرام و برادران و خواهرانی که امسال از سراسر عالم

درخانه ی خدا گرد می آیند، بکوشند تا با طرح مصایب و مشکلات مسلمین و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان- که شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه ی جهانی است- و نشر معارف اساسی اسلام و تبادل نظر در وظایف بزرگ مسلمین در دوران معاصر، حج را ابراهیمی و محمّدی صلی الله علیه و آله سازند.

شعار محو غده ی سرطانی اسرائیل که از سوی امام عظیم الشأن و قائد کبیر اسلام، امام خمینی قدس سره مطرح شد، علی رغم میل سازشکاران سیاستباز، باید با قوّت و شدت مطرح شود و به صدای عمومی مسلمین در حج تبدیل گردد.

جدایی دین از سیاست که توطئه ی دیرین دشمنان برای منزوی کردن اسلام و قرآن است، باید با شدت محکوم شود و به میدان آمدن دین در همه ی کشورهای اسلامی در مقابله با سیاستهای استعماری و استکباری، باید درس عمومی ملتهای مسلمان شمرده شود.

اگرچه امسال نیز برادران مجاهد و شجاع و ایثارگر شما از ایران، در جمع حاجیان نیستند و ایادی امریکا و اسرائیل، راه آنان به سوی آن کعبه ی آمال را قطع کرده اند، اما دلهای آنان در آن جاست؛ همچنان که شعارها و خواسته ها و سخن دل آنان، بی شک برای یکایک کسانی که به عزت اسلام و مسلمین می اندیشند، مطرح است.

از خداوند متعال، پیروزی اسلام و مسلمین را مسألت نموده و امیدواریم با پایداری و استقامت و بیداری و آگاهی مسلمانان، مخصوصاً علما و متفکران و روشنفکران و نویسندگان و شعرا و هنرمندان در کشورهای اسلامی، و توجه به عظمت وظیفه یی که بر دوش آنان است، دست کفار و مستکبرین از جوامع اسلامی قطع شود و عزت و عظمتی که خداوند برای مؤمنان مقدر فرموده، به جوامع مسلمان برگرداند.

انّه ولیّ التّوفیق

علی حسینی خامنه ای

۵ ذیحجه ی ۱۴۱۰

انتصاب حجّت الاسلام والمسلمين آقای حاج سيداحمد خمينی

حکم انتصاب حجّت الاســلام والمســلمين آقای حاج سيداحمد خمينی به عنوان نماينده محترم ولیّ فقيه و سرپرست حجاج ايرانی

(۱۷/ ۱/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

جناب حجّت الاسلام والمسلمين آقای حاج سيداحمد خمينی- دام بقائه-

خدای منّان را شکرگزاريم که بار ديگر با عنايات خود، ملت شريف ايران را مشمول تفضلات خاص فرموده و موانع را از سر راه حج ابراهيمی و حضور در ميعاد الهی و مردمی خانه ی مکرم خود برطرف نموده و دلهای مشتاق را با دعوت به وعده گاه ضيافت خود به اهتزاز آورد.

اکنون به فضل الهی و توجّهات ولی اللَّه الأعظم(روحی فداه)، ملت ايران در آستانه ی استيفای حق عظيمی است که سه سال به ناروا از او بازداشته شده بود. بايد شک نکرد که روح مطهر امام آزادگان و قائد درست انديشان، آن پايه گذار حج ابراهيمی و ولايت و برائت محمدی صلی الله عليه و آله از توفيق کرامت بار ملت ايران و تلاش و مجاهدتی که به اين عزت منتهی شد، شاد و راضی است.

اين جانب با تأسی به آن بزرگوار- که جناب عالی را با اعتمادی کم نظير، از همگنان ممتاز ساخته بود- با اطمينان و اعتماد کامل به دانش و بصيرت و هوشمندی همراه با امانت و صداقت و کارآيی که از آن برخوردار می باشيد، شما را به سمت نماينده ی خويش و سرپرست حجاج محترم ايران منصوب می کنم.

اين واجب بزرگ که ذکر خداوند و انابه و استغفار در آن، با برائت و بيزاری از مشرکين و نمايش عظمت و وحدت مسلمين توأم و همراه است، امسال در شرايطی انجام می گيرد که مع الاسف بخشی از سرزمين های اسلامی عربستان و عراق، به حضور و

تصرف ایادی شرک و کفر و استکبار آلوده شده و با سوء تدبیر و خباثت بعضی از حکام ممالک اسلامی، اختلافات تازه و برادر کشی های بی سابقه یی در میان مسلمین پدید آمده است. این چیزی است که قلب هر مسلمان غیور و معتقد به عزت اسلام و وحدت مسلمین را جریحه دار می سازد، و حج باید بر دلهای خسته و مجروح مسلمین مرهم نهاده و راه رشد و صلاح را- که همانا اتحاد و همبستگی ملتهای مسلمان و عزم راسخ آنان بر مقابله و مبارزه با اردوگاه استکبار و جهانخواران و غارتگران ثروتهای مادی و معنوی مسلمین است- به آنان نشان دهد.

حضور جناب عالی که یادگار عزیز و گرانقدر امام المجاهدین و خود از شخصیتهای برجسته ی انقلاب اسلامی و دارای مواضع راسخ و روشن در مقابله با توطئه ها و ترفندهای استکباری می باشید، به حجاج کشورهای اسلامی این امکان را خواهد بخشید که سیاست الهی و به حق جمهوری اسلامی را بی واسطه از زبان یکی از برگزیدگان این نظام بشنوند و از رهنمود جمهوری اسلامی در حوادث پیچیده ی دنیای کنونی و منطقه ی اسلامی مطلع شوند.

لازم است جناب عالی کلیه ی دستورات حضرت امام خمینی قدس سره را در احکام صادره به نمایندگان محترم ایشان در حج سالهای گذشته در مدّ نظر داشته و با دقت و تمام امکان به آن عمل نمایید، وبالخصوص مسلمین را به وحدت کلمه و دفاع از اسلام و مبارزه با ائمه ی کفر و سردمداران ظلم و فساد جهانی و متجاوزین به حقوق کشورها و ملتهای ضعیف و دست نشاندگان آنان توصیه کنید و از وقایع ظالمه و خونینی که در فلسطین و عراق و لبنان می گذرد، آنان را آگاه سازید.

همچنین ضروری است که در هر فرصتی، همه ی حجاج، بالخصوص حجاج عزیز ایران را به ذکر و خشوع و تضرع و تقویت علقه های معنوی و رابطه با حضرت باری تعالی و تقدس متذکر فرمایید.

اکنون در آستانه ی فصل مبارک حج، یاد شهیدان مظلوم و کبوتران خونین بال حریم امن الهی- که داغ آنان از دل زدوده نشده و نخواهد شد- دل را می گدازد و اشک بر دیده جاری می سازد. امید است که حج ناتمام آن مظلومان، به لطف خدای عزیز و

قـدیر، به کمـال و تمام حـج همه ی مسـلمین بینجامـد و خون به ناحق ریخته ی آنان، تقاص همه ی خونهای به ناحق ریخته ی جهان اسلام را در پی داشته باشد.

لازم می دانم از جناب حجّت الاسلام والمسلمین آقای کروبی- رییس محترم مجلس شورای اسلامی- که با توجه به مسؤولیت سنگین خود در کشور، امکان ادای این مسؤولیت را نداشـتند، به خاطر زحمات بی دریغ در حج سالهای گذشـته تشـکر کنم و توفیق جناب عالی و کسانی را که در این امر خطیر همکار و دستیار شما خواهند بود، از خداوند مسألت نمایم.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّه

بیستم ماه رمضان ۱۴۱۱ برابر با هفدهم فروردین ماه ۱۳۷۰

علی حسینی خامنه ای

انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای محمدی ری شهری

حکم انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای محمّدی ری شهری به عنوان نماینده محترم ولیّ فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

(۶/ ۲/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجّت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد محمدی ری شهری- دام بقائه-

بر آشنایان معارف اسلامی پوشیده نیست که فریضه ی حج بیت اللَّه از جمله ی تکالیف نادری است که در آن ابعاد متعدد و متنوع مربوط به زندگی فردی و سلوک جمعی، به شکلی باشکوه و دارای تأثیر عمیق در تن و جان و اندیشه و نیز در منش و روش آدمی گنجانیده شده و درست گزاردن آن می تواند او را به توفیقات بزرگی در همه ی عرصه های مادّی و معنوی نایل سازد.

در این فریضه ی بزرگ، سیر آفاق با سیر انفس، ذکر و خشوع و انابه و استغفار با سعی و حرکت و وقوف و برائت، اتحاد و رفق و تراحم مؤمنان با هشدار و بیزاری و پرهیز از کافران، «از سراب خود رو بر تافتن» با «در اقیانوس جمع فرو رفتن»، «درد خود را به طبیب القلوب گفتن» با «طبیبانه از درد مسلمین جهان پرسیدن» و خلاصه، سیاست با دیانت و دنیا با آخرت، همسنگ و همعنان گردیده اند. این تنوع و پیچیدگی، همواره ایجاب کرده است که به منظور هرچه بهتر و کاملتر برگزار شدن حج، همه ساله هدایت و زعامتی، خیل حاجیان بیت اللَّه را سرپرستی کند و به آنان در سیراب گشتن از این سرچشمه ی فیض الهی یاری رساند.

اکنون که حجاج ایرانی به فضل و توفیق الهی و تحت عنایت و به برکت دعای حضرت ولی اللَّه الاعظم(روحی فداه) بار دیگر با رفع موانع، توفیق آن یافته است که در این میعاد عام مسلمین شرکت کرده، لوای حج ابراهیمی را برافرازد، جناب عالی را

که از چهره هـای سـرافراز جمهوری اسـلامی و دارای مواقف افتخـار آمیز در طول سالیان گذشـته و همواره کارگزاری امین و شجـاع و کارآمـد برای انقلاب و پیشوای عظیم راحل آن بوده ایـد، به سـمت نماینـده ی خود و سـرپرست حجاج محترم ایران منصوب می کنم.

انتظار می رود که حجاج محترم، با راهنمایی و ارشاد جناب عالی فرصت یابنـد به برکت مناسک و شـعایر حج، دلهای خود را در زلال ذکر خدا تزکیه و تطهیر کرده، در کنار آن، با مشاهده ی شـکوه جماعت مسـلمین که از اقطار میهن بزرگ اسلامی به طواف کعبه آمـده انـد، فکر و ذهن خود را به عظمت اسـلام و مسـلمین متوجه سازنـد و قدرتی را که خداوند در ید واحده ی امت اسلامی به ودیعه نهاده است، به چشم ببینند.

غفلت مسلمانان از این نیروی لایزال، همواره موجب آن شده است که دشمنان اسلام و غارتگران ثروتهای مسلمین بتوانند حیله گرانه بر سـرنوشت ملتهای اسـلامی تسـلط یابنـد و در این مقطع زمان، دست پلید اردوگاه کفر و اسـتکبار و در رأس آن رژیم جبار و عنود امریکا، در سـرزمینهای اسـلامی با همین وسیله به هر تصرف دلخواه خود دست زده، در جان و مال مسلمین دست تطاول گشوده است.

در حج باید تا سرحد توان و امکان، پیوند برادری با مسلمین دیگر کشورها استحکام یابد و ضمن استفسار از مسایل و حوادث آنان، حقایق مسلّم سیاسی که امروز در فضای جمهوری اسلامی بر اکثر یا همه ی مردم آشکار است، به آنان انتقال یابد و آیه ی کریمه ی ... لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ ... تحقق پذیرد.

مسـلمین به اتحاد کلمه ترغیب و از کیـد دشـمنان بر حـذر داشـته شونـد و تجارب ملت انقلابی و فـداکار ما برای آنان تشـریح گردد.

لازم است همه ی دسـتورهای حضـرت امام خمینی- قدس اللَّه نفس الزّکیّه- را به نمایندگانشان در احکام صادره ی سرپرستی در سالهای گذشـته در مـدّ نظر داشـته و دقیقاً آنها را به اجرا در آوریـد؛ و بر مسؤولان حـج؛ اعم از مدیران دولتی و روحانیون محترم و رؤسای کاروان ها و همه ی حجاج محترم لازم است که از راهنمایی ها و دستورات

جناب عالی پیروی کنند.

با دعا برای تعالی درجات روح مطهر امام عزیزمان و ارواح طیبه ی شـهدای مظلوم حج و دیگر شهیدان راه حق، شما را به خدا می سپارم و توفیق شما و دیگر حجاج محترم را از خداوند مسألت می کنم.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّه

یازدهم شوال ۱۴۱۱ برابر با ششم اردیبهشت ماه ۱۳۷۰

علی حسینی خامنه ای

سخنرانی در دیدار با حجهالاسلام والمسلمین ری شهری روحانیون و ...(۱/ ۳/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

سخنرانی در دیدار با حجهالاسلام والمسلمین ری شهری، روحانیون، مسؤولان و بازرسان کاروانهای حج

اشاره

(۱/ ۳/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

حج را مایه ی آبروی اسلام و امام قرار بدهید

من هم از همه ی برادران و خواهرانی که در تدارک اسباب حج امسال زحمت کشیدند، از مسؤولان اجرایی در بخشها و دستگاههای مختلف، مخصوصاً از جناب آقای ری شهری که زحمت کشیدند و این کار بزرگ را تعقیب کردند و وسایل حج امسال این ملت عزیز و عظیم الشأن را فراهم نمودند، صمیمانه تشکر می کنم.

ان شاءاللّه شکر و سپاس الهی و قبول ذات مقدس پروردگار آن وقتی خواهد شد که این مراسم بزرگ، آن چنانی که مورد رضای اوست و با همان جهتگیری که اسلام برای ما ترسیم کرده و امام عزیزمان تجدید نموده است، انجام بگیرد.

این وظیفه ی همه است که سعی کنند حج را مایه ی آبروی اسلام، و بخصوص برای ما ایرانیها، مایه ی آبروی امام قرار بدهند. همه ی آحاد برادران و خواهران مؤمنی که به حج می روند، جا دارد که حج را یک امر کاملًا شخصی به حساب نیاورند. یک وقت عبادت و واجبی برعهده ی کسی است، می رود انجام می دهد و برمی گردد؛ ولی قضیه فقط این نیست؛ این بخشی از قضیه است.

همه مراقب رفتار خودشان باشند

هرکدام از حاجیان امسال ما که از ایران حج می کنند، جزیی از یک حرکت عظیم و

از یک کار بزرگ جهانی و اسلامی و انقلابی و سیاسی و عبادی هستند؛ باید خودشان را جزیی از این مجموعه به حساب بیاورند و آن گونه عمل کنند. پس، لازمه ی این احساس آن است که همه مراقب رفتار خودشان باشند. در اخلاق، در برخورد با مسلمین سایر کشورها، در چگونگی رفتار، در خانه، در مسیر، در حرم، در هنگام ادای مناسک- هرجا که هستند- رفتار و اخلاق خود را طوری بکنند که برای اسلام و انقلاب و امام مایه ی آبرو باشد.

همه باید این نکات را رعایت کنند؛ منتها هرچه به طرف مسؤولیت و معرفت بیشتر حرکت می کنند- که نوبت به امثال شما برادران و خواهران می رسد- باید بیشتر رعایت کنند. بعضی از عاداتی که در بین مردم هست، باید کم بشود و تحت الشعاع جنبه ی حج قرار بگیرد. نمی گوییم بعضی از خریدها بکلی موقوف بشود، لیکن در حدی باشد که مساسی با حیثیت جامعه ی انقلابی و ملت بزرگ ما پیدا نکند.

امیدواریم که ان شاءاللّه این سفر مورد توجه و نظر حضرت ولیّ عصر(ارواحنافداه) قرار بگیرد. همه ی شما، چه در آن جا و چه در هنگام اجرای مناسک، مشمول تفضلات آن بزرگوار باشید و بهره ببرید و ان شاءاللّه با اعمال مقبول الهی مراجعت کنید.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(۲۶/ ۳/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(۲۶/ ۳/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَهِ الْأَنْعامِ فَکُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِیرَ. (۱)

حج؛ رمز وحدت و عظمت مسلمین

خداوند حکیم عزیز را حمد و سپاس که بر بندگان منت نهاد و آنان را به گردآمدن در خانه ی خود فراخواند و پیامبر بزرگ خود را به سردادن بانگ اذان حج بر گلدسته ی تاریخ مأمور ساخت؛ ساحت خانه را امن و امان کرد و از بتهای جاهلیت پیراست و مطاف مؤمنان و میعاد دورافتادگان و مظهر جماعت و جلوه گاه شوکت و مجمع امت قرار داد؛ بیت اللّه را که سدنه ی کعبه و خدمه ی مطاف و مسعی در عهد جاهلیت اولی، بازار تجارت و دکان ریاست و سیادت خود کرده بودند، از آنِ مردم و منبع بهره و سود آنان دانست و به رغم انحصارطلبان، از راه رسیدگان را با ساکنان دارای حقی برابر ساخت؛ حج را رمز وحدت و عظمت مسلمین و هماهنگی و پیوند میان آنان قرار داد و باطل السحر بسیاری از ابتلائاتی که افراد و جوامع مسلمین بر اثر جداماندگی از اصل و ریشه ی خود به آن دچار می شوند؛ مانند: بیگانه گرایی و خودفراموشی و ترفندپذیری و

۱- حج: ۲۷ و ۲۸

غفلت از خدا و اسارت در دست اهل دنیا و بدبینی به برادران و شنودن سخن دشمن درباره ی آنان و عدم حساسیت به سرنوشت امت اسلامی، بلکه نشناختن کلیتی به نام امت اسلامی، و بی خبری از حوادث دیگر بلاد اسلامی و ناهشیاری در برابر نقشه های دشمنان دوباره ی اسلام و مسلمین، و بسی بیماریهای مهلک دیگر که در طول تاریخ اسلام براثر تسلط نااهلان وازخدا بی خبران بر زندگی سیاسی وسرنوشت مسلمین، همواره مسلمانان را تهدید کرده و در قرنهای اخیر، با حضور قدرتهای استعماری بیگانه در منطقه یادست نشاندگان فاسد ودنیاپرستشان، شکلی بحرانی وویرانگر به خود گرفته است.

حج؛ ذخیره یی تمام نشدنی

خدا را سپاس که حج را همچون ذخیره یی تمام نشدنی و چشمه یی همیشه جوشان و چون جویباری زلال و مستمر برای امت خالده قرارداد که درهرحال آن که بشناسد و قدردانـد، توان استفاده از آن را خواهد داشت و آن را داروی این بیماری های مهلک خواهد ساخت. و خدا را سپاس که بر ملت شایسته ی ایران رحمت آورد و شوق کعبه ی مقصود را پس از سرزنش خارهای مغیلان بیابان طلب، به جام وصلی که شیرینی عزت و کامیابی هر دو را داشت، برآورده ساخت؛ حقی را که سالی چند به ناروا از آنان بازداشته شده بود، کریمانه به آنان برگرداند و جای خالی ملتی را که حج ابراهیمی و محمّدی(صلّی اللّه علیهما و آلهما) را جایگزین حج بوجهلی کرده بود، به نیکووجهی پُر کرد؛ دل تفتیده ی مشتاقان مهجور و مصدود و محصور را با جرعه ی وصال آرامش بخشید و جان مبتهج از انوار معرفت و لبریز از شوق زیارت را لبیک اجابت گفت؛ بندگان مخلص را به لطفی ویژه نواخت و وعده ی نصرت مؤمنان را انجاز کرد و خانه ی خود را جایگاه طائفین و عاکفین قرار داد.

پروردگارا! ...

پروردگارا! به این حاجیان مشتاق و سرازپانشناخته و پس از انتظاری جانگزا به خلوت دوست بار یافته، و به همه ی برادران و خواهرانی که از اقطار عالم به بارگاه عام

رحمت و غفران شتافته اند، نظری به لطف و رأفت بیفکن و دلهاشان را از انوار معرفت و بصیرت روشن فرما و هدایت و کمکٔ خود را شامل حال آنان کن و آنان را به عزمی راسخ بر اصلاح حال امت مسلح ساز و بر دشمنانشان پیروز فرما؛ آمین ربّ العالمین.

پروردگارا! بر ارواح شهدایی که در چهار سال پیش از این، در حریم امن الهی، هدف خصومت و کین قرار گرفته و زن و مرد و پیر وجوان، مظلومانه در عتبه ی خانه ی دوست به خون غلتیدند وکسان و عزیزان چشم انتظار خود را با جنازه های خونین خود از انتظار به درآوردند، رحمت و فضل خود را نازل فرما و ثواب حج تمام را به آنان که در حسرت آن به ملکوت پرواز کردند، عطا کن.

پروردگارا! به امام و قائد راحل ما، آن عبد صالح ممتحن و آن خلف صدق اولیا، آن انسان پرهیزگار و پارسا و هوشیار که رضای تو را می جست و دوستی و دشمنیش به خاطر تو بود و در راه تو از هیچ مشکل هراس نداشت، رحمت و فضل خود را نازل و شامل فرما و از حج حاجیان و عبادت عبادتگران و کوشش تلاشگرانی که مشمول هدایت و راهبری او گشته اند، نصیب وافر به روح پاک او عاید فرما و آرزوی بزرگ او را که همانا قیام حج ابراهیمی و بهره برداری امت اسلامی از این مراسم عظیم الهی است، جامه ی عمل بپوشان.

پروردگارا! برترین صلوات و سلام و تحیت خود را بر منجی بشریت در همه ی اعصار و قرون و برترین پیامبر و برگزیده ات، حضرت محمّدبن عبداللّٰه صلی الله علیه و آله نازل فرما، که راه راست را به بشر نشان داد و وحی تو را بر آنان فرو خواند و کلیدهای سعادت دنیا و آخرت را در دسترس آنان نهاد و در حیات بابرکتش، سرمشق قرنهای طولانی انسانیت را گنجانید. درود و سلام و تحیت تو بر او و اهل بیت طیب و معصومش، بویژه حضرت بقیّهاللّٰه الاعظم، مهدی منتظر و حجت خدا بر زمین؛(عجّل اللّٰه فرجه و ارواحنافداه).

اینک شما برادران و خواهران که از نقاط مختلف جهان در محشر عظیم حج گرد آمده و در هجرت از «من» قومی و نژادی و فرقه یی، به «ما» ی اسلامی و قرآنی پیوسته اید، مناسب است مسایلی را در مدنظر داشته، درباره ی آن با دیگر مسلمین تبادل اندیشه کنید و پس از سفر حج، آن را سررشته ی تأمل و فکر و عمل سازید:

قدرشناسیِ حج بیت اللّه

۱) اولین مطلب، قدرشناسی واجب بزرگ و پُر رمز و راز حج بیت اللّه است. حج مظهر توحید، و کعبه خانه ی توحید است. این که در آیات کریمه ی مربوط به حج، بارها از ذکراللّه سخن رفته، نشانه ی آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیرخدا از صحنه ی ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان برچیده شود. در این محیط، محور و مرکز هر حرکتی خداست و طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائراللّه حج، هر یک به نحوی نمایش انجذاب به «اللّه» و طرد و نفی و برائت از «انداداللّه» است. این است آن «ملت حنیف» ابراهیم علیه السلام؛ بت شکن بزرگ و منادی توحید بر فراز قله ی تاریخ.

شرک همواره به یک گونه نیست، و بت همیشه به شکل هیاکل چوب و سنگ و فلز ظاهر نمی شود. خانه ی خدا و حج باید در همه ی زمانها شرک را در لباس خاص آن زمان، و بت شریک خدا را با جلوه ی مخصوص آن بشناساند و نفی و طرد کند. امروز البته از «لات» و «منات» و «عزّی» خبری نیست، اما به جای آن و خطرناکتر از آن، بتهای زر و زور استکبار و نظامهای جاهلی و استکباری است که همه ی فضای زندگی مسلمین را در کشورهای اسلامی فرا گرفته است.

بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار می شوند، بت قدرت امریکااست که همه ی شؤون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمین را در قبضه گرفته و ملتها را خواه و ناخواه در جهت منافع و اغراض خود- که نقطه ی مقابل مصالح مسلمین است- حرکت می دهد.

عبادت، همین اطاعت بی چون و چراست که امروز در برابر خواست استکبار و در رأس آن امریکا، بر ملتها تحمیل می شود و آنان با شیوه های گوناگون، به سمت آن سوق داده می شوند.

فرهنگ فساد و فحشا که به وسیله ی دستهای استعماری در میان ملتها ترویج می شود، فرهنگ مصرف زدگی که روزبه روز زندگی ملتهای ما را بیشتر در لجنزار خود

فرو می برد، تا کمپانیهای غربی- که مغز و قلب اردوگاه استکبارند- بیشتر سود ببرند، سلطه ی سیاسی غرب استکباری که پایه های آن به وسیله ی حکومتهای دست نشانده و ضدمردمی کار گذاشته شده است، حضور نظامی که با هر بهانه یی شکل آشکارتری به خود می گیرد، اینها و امثال آن، همه مظاهر همان شرك و بت پرستی است که در ضدیت کامل بانظام توحیدی و حیات توحیدی است که اسلام برای مسلمانان مقرر داشته است.

حج و اجتماع عظیم بر گرد خانه ی توحید، باید آن مظاهر شرك را نفی کند و مسلمانان را از آن برحذر دارد. حج با این مفهوم روشن و جلی است که برترین جایگاه برائت از مشرکین شناخته شده و خدای متعال از زبان خود و نبیّ مکرمش صلی الله علیه و آله، اعلام برائت از مشرکین را به روز حج اکبر موکول ساخته است؛ وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِی ءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِینَ کَفَرُوا بِعَذابٍ أَلِیمٍ. (۱) فریاد برائت که امروز مسلمان در حج سر می دهد، فریاد برائت از استکبار و ایادی آن است که مع الاسف در کشورهای اسلامی قدرتمندانه اعمال نفوذ می کنند و با تحمیل فرهنگ و سیاست و نظام زندگی شرك آلود بر جوامع اسلامی، پایه های توحید عملی را در زندگی مسلمانان منهدم ساخته و آنان را دچار عبادت غیرخدا کرده اند، و توحید آنان فقط لقلقه ی زبان و نام توحید است و از معنای توحید در زندگی آنان اثری باقی نمانده است.

حج؛ مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. این که خداوند متعال همه ی مسلمانان و هرکه از ایشان را که بتواند، به نقطه یی خاص و در زمانی خاص فرا می خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شبهایی در کنار یکدیگر مجتمع می سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و

۱- توبه: ۳

سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هریک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه ی سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه گری آن را می یابند و افسون تحقیر- که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست- در آنان نمی گیرد. با احساس این عظمت است که دولتهای مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرتهای بیگانه خود را بی نیاز حس می کنند و این فاصله ی مصیبت بار میان ملتهای مسلمان با دستگاههای حاکم بر آنان پدید نمی آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز- یعنی احیای احساسات افراطآمیز ملی گرایی- این فاصله ی وسیع و عمیق میان ملتهای مسلمان را پدید نمی آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و افریقایی و آسیایی، به جای آن که رقیب و معارض هویت واحده ی اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعه ی وجودی آن می گردد؛ و به جای آن که هر قومیتی، وسیله و بهانه ی نفی و تحقیر قومیت های دیگر شود، وسیله یی برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می گردد.

حج با مشاهد و مناسک و شعایر خود، باید این روح وحدت و ملایمت و جماعت و عظمت را در مسلمانان همه ی اقطار عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه، امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت مطلق خداوند هدایت نماید و مقدمات تحقق گفته ی خدای بزرگ را که: إِنَّ هذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (۱)

فراهم آورد.

تشکیل امت واحده یی که ناصیه ی عبودیت بر درگاه ربوبیت و وحدانیت می ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است که در سایه ی آن، نیل به همه ی کمالات

۱- انبیاء: ۹۲

فردی و جمعی مسلمین میسر می گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریع شده و هر یک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را زمینه سازی و تأمین می کند.

حج ابراهیمی و محمّدی(صلّی اللّه علیهما و آلهما)، بی گمان یکی از بزرگترین مقدمات و ارکان این دو هدف بزرگ است. بدین جهت در این عرصه ی عظیم، در همان حال که ذکر خدا: فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْراً (۱)

و اعلام برائت از مشرکان: وَأَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِىءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ (۲)

رکن حج محسوب می شود، حساسیت در برابر هر حرکتی که میان برادران- یعنی اجزای این امت واحده- جدایی و دشمنی بیافرینند، نیز در حد اعلاست؛ تا آن جا که حتّی بگومگوی دو برادر مسلمان نیز که در زندگی عادی چندان مهم نمی نماید، در حج ممنوع و حرام است؛ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِي الْحَجِّ. (۳) آری، همان صحنه که در آن برائت از مشرکان- یعنی دشمنان بنیانی امت واحده ی توحیدی- لازم می شود، جدال با برادران مسلمان- یعنی اجزای بنیانی امت واحده ی توحیدی- ممنوع و حرام می گردد، و بدین گونه پیام وحدت و جماعت در حج، صراحت بیشتری می یابد.

تدبر در رمز و رازهای حج

رازهظا و رمزهای حج، بسی بیش از آن است که در این جا بدان اشاره شد، و تدبر در این رازها- که همه در جهت احیای شخصیت فرد و جامعه ی مسلمان و مبارزه با عوامل نابودی آن است- افقی جدید در برابر حاجی می گشاید و او را به عالمی پُرتلاش و پُرحرکت و تمام نشدنی می کشد. اولین وظیفه ی هر یک از حجاج، تأمل در این راز و رمزها و تبادل نظر و جستجوی سررشته ی کار از این همه است، و نیز تأمل در این که چرا دستها و دستگاههایی سعی می کنند حج را برون از همه ی مفاهیم سیاسی و جمعیش و

۱- بقره: ۲۰۰

۲- توبه: ۳

۳- بقره: ۱۹۷

تنها به عنوان عبادتی یک بعدی که فقط دارای خواص فردی است، مطرح نمایند، و چرا روحانی نمایانِ دین به دنیافروش که نام و شأن دینی آنان حکم می کند که مردم را به این اسرار آشنا و جسم و جان آنان را به سمت هدفهای آن به حرکت درآورند، بعکس، با هرگونه روشنگری دراین باره مخالفت و عناد ورزیده، اصرار بر کتمان حقایق دارند؟ و چرا بارها و بارها در بلندگوهایی اعلام می شود که سیاست در حج نباید دخالت کند؟

مگر اسلام و احکام نورانی آن، برای اداره و هدایت زندگی مادّی و معنوی انسانها نیست؟ و مگر دیانت در اسلام با سیاست آمیخته نیست؟ این از جمله ی دردهای بزرگ عالم اسلام است که تحجر و کوته بینی و دنیاطلبی جمعی، همواره در خدمت غرض ورزی و حسابگری های خباثت آلود جمعی دیگر قرارگیرد و قلمها و زبانهایی که باید در خدمت اسلام و در جهت تبیین حقایق آن به کار می افتاد، ابزاری در دست دشمنان هوشیار و توطئه گر اسلام گردد. این همان مصیبتی است که امام راحل قدس سره بارها به تلخی از آن سخن گفته و نالیده اند، و جای آن است که هوشمندان امت، عامه ی مردم را با آن آشنا ساخته، مرز میان علمای صادق و دین به دنیافروشان مزدور را برای آنان مشخص سازند.

توجه به پیوند امت اسلامی با تاریخ خود

۲) دومین مساله یی که شایسته است بخصوص در این زمان و مکان به آن اندیشیده شود، مسأله ی پیوند امت اسلامی است با تاریخ خود و نیز با سرنوشتی که باید برای خود رقم زند. گذشته ی امت اسلامی چیزی است که استعمار از هنگام ورود به آسیا و افریقا، همت بر مخدوش ساختن و به فراموشی سپردن آن داشته است. تسلط بر ذخایر مادّی و انسانی در کشورهای اسلامی و به دست گرفتن سرنوشت ملتهای مسلمان- که هدف استعمارگران، مستقیم و غیرمستقیم، از اواخر قرن هجدهم میلادی به این طرف بوده- به طور طبیعی ایجاب می کرد که احساس غرور و شخصیت ملل مسلمان شکسته شود و آنها از گذشته ی پُرشکوه کاملًا منقطع شوند و بدین گونه فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده، آماده ی پذیرش فرهنگ غرب و تعالیم استعماری شوند. و این حیله، در زمینه ی کاملًا

مساعدی که تسلط حکومتهای فاسد و مستبد در کشورهای اسلامی فراهم آورده بود، کارگر افتاد و سیل فرهنگ مهاجم غربی و همه ی مفاهیمی که استعمار رواج آن را در میان ملل مسلمان برای تأمین سلطه ی سیاسی و اقتصادی خود بر آن ملتها ضروری می شمرد، به راه افتاد و نتیجه آن شد که در طول دویست سال، کشورهای اسلامی یکسره به سفره ی گسترده و بی مانع و رادعی برای غارتگران غربی تبدیل شد و آنان از حاکمیت مستقیم گرفته، تا مالکیت ثروتهای زیرزمینی و تغییر خط یا زبان و حتّی تصرف کامل یک کشور اسلامی مانند فلسطین و تحقیر مقدسات اسلامی و غیره، در این کشورها پیش رفتند و مسلمین را از همه ی برکات استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی- که از جمله ی آن، رشد علمی و فرهنگی است- باز داشتند.

یک نگاه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی کشورهای مسلمان امروز و مشاهده ی ضعف روحی و مادّی آن و مداقه در نظامهای سیاسی و وضع دولتهای اغلب این کشورها که در آن همه چیز حاکی از احساس حقارت و ناتوانی است، روشن می سازد که از مهمترین علتهای این وضع، بیگانگی و بریدگی این کشورها و ملتها از گذشته های تاریخی خود و مجد و عظمتی است که از ورای قرنها می تواند هر انسان ضعیف و نومید را به حرکت و تلاش امیدوارانه سوق دهد. آن مجد و شکوه تاریخی، در آغاز با قیام للّه و جهاد مخلصانه برای خدا و عمل به احکام آزادیبخش و زندگی ساز اسلام و به برکت حرکت مسلمین در صدر اسلام و در غربت روزهای مکه و جهاد دوران مدینه، پایه گذاری شد. مولود مبارکی که «جامعه ی اسلامی» نامیده می شود، به برکت جهاد و مبارزه ی حجاز توانست به جوانی نیرومند و هوشمند بدل شود و سپس در طول قرنها توانست مشعل علم و معرفت و درفش قدرت و سیاست را بر سر جهانیان بگستراند. آن عظمت، از عظمت مبارزه ی مکه و مدینه سرچشمه گرفت.

مکه و مدینه؛ پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی

اکنون این جا- مکه و مدینه- پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی است بر جماعتی مؤمن و مقاوم، که به برکت ایمان و عمل به آیات الهی، توانستند از خاک

مذلتی که بر آن آرامیده بودند، برخاسته و قد علم کرده و آزادی شایسته ی انسان را برای خود تدارک دیده و پرچم آزادی بشریت و نجات انسان از سلطه ی امپراتوری های زر و زور آن دوران را برافرازند و با نور معرفتی که از قرآن سرچشمه می گرفت، پایگاه عظیم دانش بشری را پدید آورند و خود قرنها بر منبر بلند علم و معرفت بشری قرار گیرند و سخاوتمندانه به همه ی بشریت بیاموزند و گرانبهاترین آثار علمی را طی قرنهای متمادی پدید آورند و سرنوشت جهان بشریت را با علم و سیاست و فرهنگ خود رقم بزنند. اینها همه از برکات تعالیم خالص اسلام و حکومت الهی در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و برهه یی از صدر اسلام بود که علی رغم تسلط و رشد شجره ی خبیثه ی حکومتهای سلطنتی و رجعت از دوران توحیدی، باز تا قرنها ثمرات خود را به مسلمین می چشانید و آنان و همه ی بشریت را کامیاب می کرد. هر وجب از این خاک و این سرزمین، یادآور خاطره یی از دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و یاران فداکار و نورانی اوست. در این سرزمین بود که اسلام طلوع کرد و پرچم جهاد برافراشته شد وآزادی بشریت ازهمه ی غل وزنجیرهای جاهلیت رقم خورد.

امروز که ملتهای مسلمان، پس از چند قرن انحطاط و رکود و ذلت، در چهارگوشه ی جهان اسلام، به بیداری و قیام للّه گراییده اند و عطر آزادی و استقلال و بازگشت به اسلام و قرآن، در فضای بسیاری از کشورهای اسلامی منتشر گشته است، بیش از همیشه مسلمانان نیاز دارند که پیوند خود را با آن گذشته ی نورانی و معجزنشان، با دوران قیام للّه و مبارزه ی اسلامی دوران نخستین اسلام مستحکم کنند. خاطرات اسلامی در این سرزمین، برای هر مسلمان متدبر، در حکم داروی شفابخشی است که او را از ضعف و زبونی و یأس و بدبینی نجات می دهد و راه دستیابی به هدفهای اسلام را- که همیشه برای هر انسان برخوردار از عمق و حکمت، هدف زندگی و تلاش است- نشان می دهد.

تدبر در گذشته و پیوند با آینده

در این جا بود که پیامبر عظیم الشأن با یاران مخلص خود، سیزده سال همه ی سختیها را به جان خریدند و مرارتها را تحمل کردند، تا نهال اسلام ریشه دوانید. و در این جا بود

که پس از سالهای مصیبت بار زندگی در شعب ابی طالب، پس از شکنجه ی یارانی چون بلال و عمار و یاسر و سمیّه و عبداللَّه بن مسعود و دیگران، پس از راهپیمایی طولانی و پُرمشقت و بی حاصل رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان قبایل مکه و طائف، بیعت عقبه با اهل یثرب واقع شد و هجرت پُربرکت به مدینهالرسول صلی الله علیه و آله پیش آمد و دولت اسلامی تشکیل شد.

در این جا بود که پیروزی بدر و شکست احد و محنت خندق و آزمایش حدیبیه اتفاق افتاد. این جا بود که اخلاص و جهاد پیروزی آفرید، و مال دوستی و غنیمت طلبی ناکامی آورد. این جا آیه آیه ی قرآن نازل شد و خشت خشت بنای فرهنگ و تمدن و حیات طیبه ی اسلامی، کار گذاشته شد. مسلمان با تدبر در این گذشته و زیستن در لحظه لحظه ی آن، با آینده نیز پیوندی سازنده می یابد، راه زندگی و هدف آن را می شناسد، به خطرات راه پی می برد، فردای این حرکت را بالمعاینه می بیند و خود را برای پیمودن آن آماده می سازد و بر تردید ناشی از احساس ضعف و حقارت و ترس از دشمن فایق می آید؛ و این همه، از برکات حج است.

از آنچه گفتیم، می شود فهمید که چرا استعمارگران دیروز و سردمداران سلطه ی استکبار جهانی امروز، این همه از پیوند فکری و عاطفی مسلمین با گذشته ی خود بیمناك و با آن در ستیزند. آری، این پیوند با گذشته است که حال و آینده را رقم می زند.

ناخشنودی استکبار از بازگشت ملتها به گذشته ی افتخارآمیز خود

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و اعلام این که ملت ایران درصدد است جامعه یی بر اساس ارزشهای اسلامی بسازد و در آن مقررات اسلامی را تحقق بخشد، موج تبلیغات بوقهای تبلیغاتی شرق و غرب و وابستگانشان، جمهوری اسلامی را به نام بنیادگرا و کهنه پرست و روبه گذشته و عناوینی از این قبیل، بشدت مورد حمله قرار داد و به نام نوگرایی، از این که ایران اسلامی می خواهد پایبند به سنتهای گذشته باشد، انتقاد کرد؛ و این در حالی بود و هست که نظامهای مرتجع و مستبد و پایبند سنتهای پوسیده که هرگز بویی از مفاهیم نوین عالم مانند آزادی و دموکراسی و حقوق بشر استشمام نکرده و در شرق و غرب جهان کم نیستند، هیچگاه به آن نامها مورد

تعرض تبلیغاتی قرار نگرفتند! و عبرت انگیز آن که رادیوهای رژیمهایی که در آن از ابتدایی ترین رسوم نوگرایی سیاسی خبری نیست و چیزی به نام مجلس ملی و انتخابات آزاد و نشریه ی غیردولتی در آن، در حکم افسانه است نیز به کشوری که در آن به حکم اسلام، حکومتی مردمی بر سر کار است و قانون اسلامی در مجلسی مرکب از نمایندگان مردم تصویب و به دست دولتی منتخب مردم اجرا می شود و مردم در حساس ترین مسایل آن دارای حضور فعالند، نام مرتجع دادند و هوشمندان عالم را از تقلید مسخره آمیز خود به خنده انداختند!

آری، استکبار و دارودسته ی خبری و تبلیغاتی و قلمها و بوقهای مزدورش، از این که کشوری در اعماق کهنه پرستی، و ملتی در حال و هوای سنتهای جاهلی خود، سر کند، ولی درهای خزاین مادّی خود را به روی آنان بگشاید و تسلیم فزون خواهی و سلطه طلبی آنان شود و فرهنگ فساد و فحشا و مصرف زدگی و میخوارگی و شهوترانی را از آنان بپذیرد، نه تنها نگران نیستند، بلکه بسی خشنودند! آنان از بازگشت ملتها به گذشته یی که به آنان عزت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند، دست سلطه گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، آیه ی وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۱)

را به آنان بیاموزد، کریمه ی وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

را بر آنان فرو خواند، خطاب وَما لَكُمْ لا تُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ (۳)

را به گوش و دل آنان برساند، فرمان إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ (۴)

را در زندگی آنان اجرا کند و خلاصه، خدا و دین و قرآن را محور زندگی آنان سازد و دست طواغیت مستکبر و مستبد و سلطه طلب را از زندگی آنان قطع کند، از بازگشت به چنین گذشته یی و پیوند با چنین تاریخی، ناخشنود و سراسیمه و بیمناکند و لذا با هر بهایی می خواهند از آن مانع شوند.

۱- نساء: ۱۴۱

۲- منافقون: ۸

۳- نساء: ۷۵

۴- یوسف: ۴۰

از احکام نورانی اسلام دست برندارید

مسـلمین، بخصوص جوامعی که نسـیم آزادی و قیـام للّه بر آن وزیـده، و بالاـخص علما و روشـنفکران و پیشـگامان آنان، باید مراقب باشـند که در این دام نیفتنـد؛ از عنوان بنیادگرایی نترسـند؛ از تهمت ارتجاع و سـنت گرایی آشـفته نشوند؛ برای راضـی کردن دشـمنان خبیث و حسابگر، از اصل اسـلامی خود، از احکام نورانی اسـلام، از تصـریح به هدفهای جامعه ی دینی و نظام توحیدی، تبرّی نجویند و به سخن خدا گوش فرا دهند که: وَ لَنْ تَرْضى عَنْکَ الْیَهُودُ وَ لَا النَّصارى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (۱)

و قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَ أَنَّ أَکْثَرَکُمْ فاسِقُونَ (۲)

و فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحى إِلَیْکَ وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ أَنْ یَقُولُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ کَنْزٌ أَوْ جاءَ مَعَهُ مَلَکٌ (۳)

و وَمانَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ یُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَمِیـدِ. (۴) در حـج، در مدینه و مکه، در احد و منی و حرا، در این سـرزمین که قدم مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب کرامش بر آن نهاده شده و شاهد آن رنجها و دربه دریها و مبارزات و خون دلها بوده و در قدم به قدم سرزمین وحی و جهاد و قرآن و سنت، در آن گذشته ها به تدبر بپردازید؛ خود را با آن پیوند دهید؛ در پرتو آن، راه و جهت را بیابید؛ با تجربه ی آن، نتیجه و سـرانجام راه را ببینید؛ و به حول و قوّه ی خدا و با توکل به او و امید به نصرت او و اعتماد به توانایی خود، در آن راه و به سمت آن هدف قدم گذارید؛ وَاللَّهُ مَعَکُمْ وَ لَنْ یَتِرَکُمْ أَعْمالَکُمْ. (۵)

توجه به مسائل مهم و جاری جهان اسلام

۳) موضوع مهم دیگری که حجاج بیت اللّه به عنوان بخشی از هدف حج باید به آن

۱- بقره: ۱۲۰

۲- مائده: ۵۹

۳- هود: ۱۲

۴- بروج: ۸

۵- محمّد: ۳۵

بپردازنـد، مسایل مهم و جاری جهان اسـلام است. اگر حـج کنگره ی عظیم سالیانه ی مسـلمانان سراسـر جهان است، بی گمان فوری ترین دسـتور این کنگره، مسایل روز مسـلمانان در هر نقطه از جهان است. این مسایل، در تبلیغات استکباری به گونه یی مطرح می شود که از آن، نه درس و تجربه و امیدی به مسلمین سراسر عالم منتقل شود، و نه اگر در آن حادثه سوء نیت و سوء عمـل اسـتکبار مؤثر بوده، مجرمی رسوا و حقیقتی افشـا گردد، و یا به طور کلی مطرح نمی شود. حـج جایی است که بایـد این خیانت تبلیغاتی افشا، و حقیقت آشکار شود و زمینه ی آگاهی عمومی مسلمانان فراهم آید.

اینک فهرستی از حوادث مهم جهان اسلام را به عرض برادران و خواهران مسلمان می رسانم:

فلسطین؛ مهمترین مسأله ی جهان اسلام

الف: مهمـترین مسـأله ی امروز، مسـأله ی فلسـطین است که در نیم قرن اخیر همواره مهمـترین مسـأله ی جهـان اسـلام و شـاید مهمـترین مسـأله ی بشـریت بـوده است. این جـا سـخن از محنت و آوارگی و مظلومیت یـک ملت است؛ سـخن از غصب یک کشور است؛ سـخن از ایجـاد غـده یی سـرطانی در قلب کشورهـای اسـلامی و در نقطه ی التقای شـرق و غرب جهان اسـلام به یکـدیگر است؛ این جـا سـخن از ظلم مسـتمری است که اکنون دو نسـل پی درپی از ملت مسـلمان فلسـطین را فرا گرفته است. امروزه که قیام خونین اسـلامی متکی به توده های مردم در سرزمین فلسطین، خطر واقعی و جدی را به اشغالگران بی وجدان و بیگـانه از انسـانیت و بی محابـا از جنـایت گوشـزد می کنـد، شـیوه های دشـمن از همیشه پیچیـده تر و هشداردهنـده تر است و مسـلمین در سراسـر جهان بایـد مسأله را از همیشه جدی تر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند. ... و این است خبر تازه ی امروز.

اکنون اوضاع آشـفته ی جهان اسـلام و وابستگی روزافزون کشورهای منطقه به قدرت بی مهار امریکا، زمینه ی مساعدی برای تهـاجم کینه ورزانه ی دولت غـاصب فراهم سـاخته، که بـا پشـتگرمی به حمـایت شـیطان بزرگ- که حقاً خطرناکترین دشـمن اسلام و مسلمین است- آشکارا مقاصدی را که هرگز هم تلاش زیادی برای پنهان

ساختن آن نمی کرده است، دنبال کند: انتقال یهودیان شوروی که بخشـی از بهای کمکهای غرب به آن ابرقدرت سابق است؛ انتقـال فلاـشه هـای اتیوپی که قرار است خـدمت به صـهیونیست هـای امریکـایی و اروپـایی غـاصب فلسـطین را بکننـد و اخیراً یهودیان هنـد؛ شـهرك سازی در بخشـهای غصب شـده ی اخیر فلسـطین و حتّی احتمالًا در بخش اشـغال شده ی لبنان؛ افزایش تجهیزات نظامی و سلاحهای کشتار جمعی در همان حال که امریکا جنجال تحریم صدور چنین سلاحهایی را به خاورمیانه بلند کرده است؛ حملاـت هوایی روزمره و متنـاوب به جنوب لبنـان و بمبـاران غیرنظامیـان فلسـطینی و لبنـانی؛ سـختگیری روزافزون نسـبت به شـهروندان عرب فلسـطینی- یعنی صاحبان آن سـرزمین- و انجام جنایتبارترین و وحشـیانه ترین برخوردهای پلیسی با مردم، و در همان حال در صحنه ی سیاسی، در برابر عقب نشینی روزبه روز دولتهای عربی و ساف و ضعف نشان دادن زبونانه ی برخی از سیاسـتمداران عرب، چهره ی مهـاجم به خـود گرفتن و حتّی فکر تشـکیل کنفرانس بین المللی و یـا منطقه یی، هر یـك را به نوعی رد کردن، و بالاـخره پیشـنهاد تشـکیل دولت فلسـطین در گوشه یی از سـرزمین فلسـطین را که محصول عقب نشینی و ذلت پذیری طرفهای فلسطینی بود، به صراحت و قاطعیت ردکردن. اینها مجموعه یی از سیاستها و اعمال آشکار آدمی ستیزان صـهیونیست است و یقیناً در کنار اینها چندین برابر، فعالیت پنهان در جهت توطئه و ترور و آدم ربایی و جنگ روانی و تبلیغات مسموم و جنایتهای شناخته و ناشناخته یی است که فقط از صهیونیستها و همکاران آنها ساخته و متصور است.

شیطان بزرگ؛ بزرگترین حامی اسرائیل

استکبار جهانی و دولتهای استعمارگر، از آغاز تا امروز، رژیم غاصب اسرائیل را به عنوان اهرم فشاری بر روی دولتهای عربی و سپس اسـلامی منطقـه پدیـد آورده و ذخیره کرده انـد و برآننـد کـه ایـن خنجر مسـموم را همـواره در پهلـوی جهـان اسـلام نگاهدارنـد؛ و امروز شـیطان بزرگ، سررشـته ی این سـگ دست آمـوز را در دست دارد. پس، تعجبی نیست که نقض مکرر قوانین بین المللی، نقض مداوم حقوق بشر- آن هم به فجیعترین

شکل- تجاوز مکرر به کشورهای همسایه، عملیات تروریستی و آدم ربایی به گونه ی آشکار، تهیه ی روزافزون سلاحهای اتمی و امثال آنها- که هریک در هریک از کشورهای جهان که با امریکا و دیگر دولتهای بزرگ رابطه ی ارباب رعیتی نداشته باشد، حادثه یی عظیم تلقی می شود- از صهیونیست ها قابل قبول باشد و هیچ اعتراض جدی را از سوی شبکه ی استکباری جهان، مخصوصاً شیطان بزرگ برنیانگیزد.

دولت صهیونیست؛ بزرگترین خطر برای جهان اسلام

بدین ترتیب، امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگترین خطر برای حال و آینده ی جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، درصدد علاج و چاره باشند. متأسفانه رفتار و گفتار اغلب سران کشورهای اسلامی، هیچ اشاره یی را به عزم آنان بر علاج این خطر بزرگ- که چیزی جز محو رژیم صهیونیست نژادپرست نیست- نشان نمی دهد؛ بلکه بعکس، نشانه هایی از گسترش کمپ دیوید و تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولتهای عربی به چشم می خورد؛ و من نمی دانم آیا این دولتها با این رفتار ذلت بار و تسلیم ننگ آور در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملتهای خود و نیز در پیشگاه خداوند آماده کرده اند؟

علاج واقعی این خطر به دست مسلمین است. آنان می توانند با کمکهای حقیقی به مبارزین مسلمان، قیام داخل کشور فلسطین را قویتر و کوبنده تر سازند، و نیز می توانند به طرق گوناگون نگذارند که دولتهای منطقه به پیروی از خواست و تحمیل امریکا، تن به سازش با اسرائیل دهند. اقدامهای فداکارانه و جوانمردانه ی مسلمانان سربلند لبنان، که بارها صهیونیست های قلدر و حامیانشان را در موضع ضعف و انفعال قرار داده، گواه صادقی است بر این که ملتها و جوانان مؤمن قادرند بسیاری از کارهای بزرگ را انجام دهند.

انقلاب اسلامی؛ طلیعه ی پیروزی مسلمانان در سایر نقاط جهان

ب: مسأله ی دیگر، حرکتهای اسلامی در برخی از کشورهای عربی و افریقایی است. این یکی از مژده بخش ترین حوادث جهان اسلام است که ملتی با جوانهایش، با

روشنفکرهایش، با مردم کوچه و بازارش، داعیه ی اجرای احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی داشته و در راه آن حرکت کند. از طلوع انقلاب عظیم اسلامی در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی، این انتظار و امید برای دوستان، و این هراس و نگرانی شدید برای اردوگاه استکبار و در رأس آن امریکا وجود داشت که انقلاب اسلامی ایران، طلیعه ی پیروزی های مسلمانان در سایر نقاط جهان اسلام خواهد بود.

برادران و خواهران مسلمان ما در همه جای جهان بدانند که بخش عمده یی از فشار مشترك شرق و غرب بر ایران اسلامی، چه در دوران جنگ تحمیلی و چه قبل و بعد از آن، بدین خیال باطل بود که با شکست جمهوری اسلامی در ایران، تجربه ی حرکت اسلامی در چشم مسلمانان سایر کشورها ناکام جلوه کند و برق امیدی که از پیروزی انقلاب در ایران، دلهای آنان را روشن ساخته بود، نیروی آنان را در این راه مبارك به کار نیفکند. امروز هم تبلیغات وسیع بوقهای استکباری که می خواهد انقلاب اسلامی را در ایران، راکد و متوقف و رسیده به بن بست، و نظام جمهوری اسلامی را رویگردان از خط انقلاب و امام عظیم الشأن آن قدس سره و آشتی جوی با امریکای غدار جلوه دهد، هدفی جز این ندارد. این همان بوقهایی است که در دوران حیات امام راحل قدس سره بارها تهمت رابطه با اسرائیل و خرید تسلیحات از آن و فروش نفت به آن را وقیحانه به ایران اسلامی- که جدّی ترین دشمن رژیم صهیونیستی است- وارد می کردند.

یادآوری چند نکته به ملّتهای اسلامی و رهبران آنها

خدا را شکر که هیچیك از تلاشهای استکباری- چه عملی و چه تبلیغاتی- کارگر نیفتاد و شعله ی امیدی که با پیروزی انقلاب اسلامی و چهره ی مصمم و تسلیم ناپذیر آن، بر دنیای اسلام و جانهای مسلمین پرتو افکنده بود، کار خود را کرد و نتیجه آن است که امروز در تعدادی از کشورهای اسلامی، به صورت حرکتهای عظیم مردمی در طلب حکومت اسلامی مشاهده می شود. لیکن این جانب به عنوان برادری دلسوز و مجرب، وظیفه ی خود می دانم به این ملتها و مخصوصاً به رهبران و هوشمندان و روشنفکران و علمای دینی آنان یادآوری کنم:

اولًا، در این راه که خطرات زیادی از ناحیه ی بی صبری یا بی بصیرتی حرکت را تهدید می کند، بر دو عنصر صبر و بصیرت بیش از همه چیز تأکید بورزید.

ثانیاً، حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی، عبارت است از طغیان بر ارزشهای جاهلی و نظامهای طاغوتی که بشر را به زنجیرکشیده و موجب ظلم و فساد و تبعیض طبقاتی و نژادی و فحشای عمومی و ستم پذیری توده ها و دیگر بدبختیهای ملتها شده و همه چیز را فدای سود بیشتر و حاکمیت ظالمانه ی بیشتر صاحبان زر و زور نموده است. پس، حرکت صحیح اسلامی، صف بندی میان دو نظام ارزشی و مبارزه ی میان دو فرهنگ است: فرهنگ به زنجیر کشیدن بشر، و فرهنگ نجات بشر.

لذا هر حرکت اسلامی باید خود را برای مقاومت همه ی زورمندان عالم آماده کند و غافلگیر نشود.

ثالثاً، دشمن می کوشد با جوسازی و حیله های تبلیغاتی، شما را از نام حکومت اسلامی و نظام اسلامی برحذر دارد، و شاید برخی از ساده دلان به این فکر بیفتند که برای حساس نشدن امریکا و دولتهای غربی، بهتر است که در اظهارات علنی، از نام حکومت اسلامی اجتناب شود. توصیه ی این جانب، اجتناب جدی از این مصلحت اندیشی خلاف مصلحت است. هدف تشکیل نظام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام را، بی هیچ انفعالی به صراحت و به تکرار و در همه ی شرایط بیان کنید و با عدول از نام مقدس اسلام، دشمن را به طمع نیندازید و هدف را مبهم و غبارآلود نسازید.

رابعاً، اسلام وحرکتهای اسلامی همواره از نفاق، بیش از کفر صریح لطمه دیده است. امروز خطر اسلام امریکایی- یعنی آن جا که نام و عنوان اسلام در خدمت طواغیت و در جهت هدفهای امریکا و دیگر مستکبرین است- از خطر ابزارهای نظامی و سیاسی امریکا کمتر نیست و بیشتر است. از علمداران اسلام امریکایی، چه در لباس عالم دین و چه در موضع سیاستمدار برحذر باشید و آنان را در سخن و اشاره و جهت گیریشان متهم کنید و هرگز درصدد جلب کمک آنان نباشید.

خامساً، از تجارب حرکتهای دیگر اسلامی در سایر کشورها و وضع کنونی آنان بی خبر نمانید و علی رغم میل استکبار، با آنان ارتباط بیابید.

و بالاخره سادساً، آیه ی شریفه ی وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا (۱)

را که توصیه ی تمسک به دین و رعایت وحدت کلمه در آن است، همواره به یاد داشته، هر دو توصیه ی آن را نصب العین خود قرار دهید و از کید دشمن در این باب برحذر باشید.

توجه به وضعیت مصیبت بار ملت عراق

ج: یکی دیگر از مسایل کنونی جهان اسلام، مسأله ی عراق و وضع مصیبت بار و گریه آور ملتی است که بر اثر سوء نیت و سوء تدبیر زمامدارانش، علاوه بر اختناق و حکومت پلیسی شدید، و پس از این که از ده سال پیش به این طرف، به جنگ غیرعادلانه با همسایگان خود مجبور گشته و به خاطر تدابیر ابلهانه و جاه طلبانه ی سرانش، هزاران هزار زن و مرد و کودک و پیر و جوانش، در بمبارانها و تخریبها به قتل رسیده، یا داغدیده و یا مجروح و معلول و بی خانمان شده و بخش عظیمی از ثروت ملی و تاریخی اش نابود شده، اکنون از سوی همان زمامدارانی که مسبب همه ی این مصایب بوده اند، به صورت مستقیم تهدید می شود و با بمبارانها و سلاحهای دسته جمعی و شیمیایی، قتل عام و آواره و نومید از زندگی می گردد.

هنگامی که ارتش عراق برای ارضای جاه طلبی و افزونخواهی سران رژیم آن کشور، به کشور کویت حمله و آن را تصرف کرد و بهانه یی نقد به دست امریکا برای حضور بی سابقه ی نظامی و بالطبع نفوذ شوم سیاسی و اقتصادی در منطقه ی خلیج فارس داد و منطقه ی خلیج فارس از هر دو طرف- رژیم عراق و متحدین غربی- به آتش کشیده شد، کسانی از مسلمین غالباً از روی ساده اندیشی خیرخواهانه، و شاید معدودی از سر بدخواهی و حسابگرانه، به جمهوری اسلامی مصرانه پیشنهاد می کردند که به کمک رژیم بعثی عراق شتافته، به سهم خود ابعاد جنگ را گسترده تر سازد. این نظر، البته برخلاف اصول مسلّم اسلام بود که جهاد را فقط در راه گسترش دین خدا، یا دفاع از

۱- آل عمران: ۱۰۳

ملتهای مستضعف و یا دفاع از دولت اسلامی واجب می شمرد؛ و نه در دفاع از رژیمی مهاجم و اشغالگر و قدرت طلب، آن هم با ایدئولوژی حزب بعث که رسماً و علناً منکر و معرض دین و معنویت است، آن هم با سوابق ظلم و فساد و اختناق و نسل کشی که رژیم عراق در آن دارای وضعی استثنایی است، و بالخصوص رژیمی که سابقه ی تسلیم و فرمانپذیریش در برابر قدرتهای سلطه گر را ایرانیان در طول هشت سال جنگی که به خواست استکبار و با سلاح و کمک همه جانبه ی آنان بر نظام اسلامی تحمیل کرد، بخوبی دریافته اند.

آری، اسلام دفاع از چنین رژیمی را جهاد نمی شمرد و آن را جایز نمی داند؛ لیکن این پیشنهادکنندگان بعضاً تحت تأثیر اظهارات ریاکارانه و فرصت طلبانه ی مسؤولان ویرانی عراق، که در برهه یی کوتاه برای جلب نظر ساده لوحان، بدروغ دم از اسلام و مقدسات دینی می زدند و بعضاً با اعتراف به خباثت و فساد و ظلم سران آن رژیم، دفاع از ملت عراق را انگیزه ی خود از این پیشنهاد می دانستند، ما به آنان یادآوری می کردیم که کمک به مردم مظلوم عراق واجب است، اما ورود در جنگ به نفع رژیم عراق و تحکیم سلطه ی آن رژیم، کمک به مردم عراق نیست؛ بلکه کمک به رژیم ضد مردمی عراق و ظلم به مردم عراق است که ده سال است آن رژیم منحوس، جنگی ناخواسته را بر آنان تحمیل کرده است.

اکنون با تسلیم و فرار مفتضحانه ی رژیم و ارتش عراق در برابر امریکا و متحدین غربی و قبول همه ی شرایط مستکبران، آن رژیم توانسته خود را برای مدت نامعلوم دیگری بر سریر حکومتی بی افتخار و قدرتی ذلت آمیز تأمین کند؛ و در این حال، باز مردم عراق- این ملت مظلوم که سالهاست گروگان رژیمی خشن و ظالم و فاسد و شکنجه گرند- باید علاوه بر تاوان جنگی که فقط به هدف افزونخواهی سران رژیم بر آنان تحمیل شده، غرامت شکست و ذلت و عقده های حقارت آن رژیم را نیز بپردازند.

همان رژیم و ارتشی که بیش از صد ساعت نتوانستند با دشمنان خارجی که به داخل خانه ی آنان آمده بودند، بجنگند و از مرگ نترسند، اکنون بیش از صد روز

است که به جان ملت عراق افتاده، خانه ها را ویران، شهرها را بمباران، عتبات عالیات را هتک، مردم را از وطن آواره، علما و بزرگان را دستگیر و بسیاری را شکنجه و ملت را قتل عام می کنند. در شمال، کردها و در جنوب، اعراب را طوری کشتند و زدند و دربه در کردند و به عزای عزیزان نشاندند که واقعاً در مورد هیچیک از جنایتکاران شناخته شده در روزگاران اخیر ما نشنیده و گمان نبرده ایم. با مردم عراق رفتاری کردند که انسانهای باوجدان با حیوانات نمی کنند.

کردهای شمال عراق بر اثر اخم و تهدید امریکا و دولتهای غربی، فعلًا وضع بهتری دارند، تا بعدها چه پیش آید؛ اما شیعیان جنوب که به دلایل متعدد، مورد بغض و کینه ی امریکا و متحدینش می باشند- و دلیل عمده آن است که داعیه ی اسلام و تشکیل حکومت اسلامی در آنان هست- همچنان در تهدید دایم و مورد بلا و مصیبت دایم از سوی رژیم ضد دینی و طغیانگر و نسل کش عراقند. این، تصویر ساده یی از وضع عراق است که گفته شد؛ ملتی ستمدیده و مظلوم و بی پناه با دست خالی در برابر حکومتی بس خشن و بی اعتنا به همه ی معیارهای اسلامی و انسانی و بین المللی و بی باك در ریختن خون مردم و ظلم به مردم. ... و صدای یاللمسلمین آن مردم بلند است. و در همین چند روز، علایم آشکار محاصره و حمله یی خونین به صدها هزار نفر فراریانی مشاهده شد که از بیم ارتش، به مرداب های میان بصره و عماره و ناصریه پناهنده شده اند و زن و مرد و کودك بیمار و- بنا بر خبر- بعضاً وبا زده و دچار بیماریهای واگیر می باشند. غرب و بخصوص امریکا، جز نقل بعضی خبرها، آن هم کوتاه و بی کشش، هیچ کمکی نکرده اند و آنان تنها امیدشان به خداست و به توده های مسلمان، که البته می توانند حداقل به شکل اعتراض به این اعمال، آنان را یاری دهند.

توسل به روشهای غیر انسانی علیه مردم کشمیر

د: مسأله ی بعدی، وضع مسلمانان کشمیر است. دولت هند، با استفاده از اشتغال دنیای اسلام به مسایل حاد ماههای اخیر، که موجب غفلت عمومی از وضع آن برادران جداافتاده و مظلوم شده، حداکثر فشاری را که توانسته، بر آن مردم وارد آورده و جان و

مال و حتّی- بنا بر نقل- ناموس آنان را مورد تعرض و تاراج قرار داده است. این جانب اکنون درصدد آن نیستم که در ماهیت مسأله ی کشمیر قضاوتی بکنم- و مطلعین می دانند که این، یکی از زخمهای کهنه یی است که انگلیسی های استعمارگر درهنگام خروج اجباری خود از هند، بر پیکر شبه قاره وارد کرده و به وسیله ی آن از مسلمانان هند بزرگ انتقام گرفتند- سخن ما آن است که دولت هند در برخورد با این مسأله، از ابزارهای خشن ونامناسب استفاده کرده و با اطمینان به این که دولتهای بزرگ و سازمان های مدعی حقوق بشرهیچ دفاع واقعی از مسلمانان نخواهند کرد، به روشهای غیر انسانی متوسل شده است.

ملتهای مسلمان باید بدانند که مسلمان کشمیری از آنان متوقع آن است که از او دفاع کنند، و این وظیفه ی اسلامی و برادرانه ی مسلمین است، و دولت هند اگر تصور کند که می توان آن جمع کثیر از مسلمانان را بدون هیچ عکس العمل از سوی مسلمین جهان، برای همیشه تحت فشار نگهداشت، بی شک در اشتباه است.

در همین جا لازم است درباره ی اقلیتهای مسلمان در برخی از کشورها و از جمله کشورهای اروپایی اشاره شود که فشار وارد بر مسلمانانی که مایلند هویت اسلامی خود را حفظ کنند، افشاگر ماهیت دموکراسی و آزادی یی است که غرب پیوسته از آن دم می زند! حساسیتهایی که بعضی دولتهای اروپایی در برابر ساختن مسجد، یا تشکیل اجتماعات اسلامی، یا رعایت لباس اسلامی و امثال آن نشان می دهند یا در مردم برمی انگیزند، باید مسلمانان را به مواضع واقعی آن دولتها نسبت به اسلام آشنا سازد. اینها از جمله ی مسایل مهمی است که مسلمانان جهان باید درباره ی آن بیندیشند و از آن برای معرفت به وظیفه ی خود در این روزگار بهره گیرند.

دامن زدن به اختلافات فرقه یی؛ ترفند استکبار

ه: یکی از مسایل مهم این روزگار، مسأله ی اختلافات فرقه یی میان مسلمین است.

این البته مسأله ی تازه یی نیست و اختلافات و نزاع و بعضاً زدوخورد بر سر مسایل کلامی و فقهی و فرقه یی، از قرن اول اسلام همواره وجود داشته است؛ لیکن در این باب، سخن تازه آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر

آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه گیر اسلامی این بوده است که از سویی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه یی آن- و نه اسلامی به معنای عام- معرفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و نقار میان شیعه و سنی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده ایم این فتنه گری را خنثی کنیم و بحمداللّٰه با تفضل الهی توفیقات فراوان نیز داشته ایم، که یکی از آخرین آنها، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است و هم اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشنفکران و شعرا و نویسندگان و عامه ی مردم از همه ی مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنند؛ لیکن دشمن با پول و طرح و تبلیغ و خباثت فراوان مجهز است و متأسفانه در نقاطی از جهان کسانی را می یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلط یابد. لذا گاه به گاه در کشوری از یک سیاستمدار، و در کشور دیگری از یک عالم نما یا انقلابی نما شنیده می شود که به تشنیع و ناسزا به شیعیان یا به ملت ایران- که بزرگترین انقلاب معاصر را به وجود آورده و به گونه یی بهت انگیز از آن دفاع کرده اند- زبان می گشاید و قلم می راند. یا در کشور مسلمان پاکستان- که ملت آن، در شمار عزیزترین ملتها برای ما و همیشه در خط دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بوده و هست- کسانی با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر می کنند و کتاب و مقاله می نویسند، تا شیعه و تشیع اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به باد حمله بگیرند و به مقدسات اهانت کنند.

ما همه ی اینها را به حساب امریکا و دستیاران و مزدورانش می گذاریم و دامن ملتها و علمای راستین اسلام را از آن پاک می دانیم؛ لیکن این از جمله مسایلی است که باید با هوشیاری مسلمین حل شود و مجال تاخت وتاز به دشمنان اسلام داده نشود.

سلطه ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی

و: آخرین سخن، مسأله ی بسیار مهم سلطه ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی و حضور بیش ازپیش سیاسی و اقتصادی و حتّی نظامی آن در این

کشورهاست. این ابرقدرت ظالم و سلطه طلب، پس از تحولات اخیر جهان که منتهی به فرو ریختن نظامهای الحادی کمونیستی شد و شوروی از موضع رقابت با امریکا فرو افتاد، درصدد است که سراسر جهان و بخصوص مناطق زرخیز اسلامی را به منطقه ی نفوذ بی رقیب خود مبدل سازد و پس از فراغت از- به اصطلاح- جنگ سرد، به جنگ همه جانبه یی با بیداری اسلامی- که مانع مستحکمی در راه این نفوذ است- کمر بسته است.

این حکومت شیطانی، بنا بر مقتضای طبیعت ضد فطری و ضد انسانی خود، از درون دچار معضلات لاینحلی است؛ لیکن به اقتضای همان طبیعت استکباری و جهانخواری، می کوشد که مشکلات خود را به کل جهان منتقل کند و با تسلط بر همه ی مراکز حساس و ثروت خیز عالم، از جمله خاورمیانه و مخصوصاً خلیج فارس، به حیات خود قدرتمندانه تر از پیش ادامه دهد. اگر این رؤیای شوم به تحقق بپیوندد، روزگار سیاهی بر ملتهای این منطقه خواهد گذشت که در گذشته نظیر نداشته است.

رژیم امریکا، اینک از هر وسیله یی برای رسیدن به آن هدف شیطانی استفاده می کند و متأسفانه جهالت و غرور و قدرت طلبی حکام عراق- که زمینه ی آن را هم کمکهای قبلی امریکا و غرب به عراق فراهم کرده بود- اوضاعی را در این منطقه به وجود آورد که عواقب تلخ و دردناک آن را همه کم و بیش می دانند؛ و از جمله تبعات آن، یکی این است که امریکا به تصمیم گیرنده ی اصلی در بخش مهمی از این منطقه مبدل شده و دولتهای منطقه را مرعوب خود ساخته است؛ و این تهدیدی بزرگ برای موجودیت اسلامی، بلکه کیان انسانی در این منطقه و در هر منطقه از جهان که چنین اتفاقی بیفتد، به شمار می آید.

امروز به جز اسلام و انسانهای مؤمن و مصمم، هیچ نقطه ی امید دیگری برای مقابله با این تهدید بزرگ نیست. و خدا را سپاس که امروز خورشید منور اسلام حیاتبخش، دوباره بر دل و جان انسانها تابیدن گرفته و بسیاری ملتهای مسلمان در راه تحقق بخشیدن اسلام در زندگی خود، با عوامل دوری مردم از دین خدا مبارزه را آغاز کرده اند. این، حرکتی فرخنده و امیدبخش است و به توفیق الهی همین است که زنجیر سلطه ی شیطانی

امریکا و هر قدرت طغیانگر دیگر را خواهد گشود و همه را نجات خواهد داد؛ کَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِی. (۱) ملتها و دولتها در قبال روحیه ی گرایش به اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله- اسلامی که سرلوحه اش، قطع نفوذ شیطان بزرگ و بقیه ی شیاطین از زندگی ملتهاست- به یک اندازه مسؤولند. دولتهای اسلامی اگر به کشور و ملت خود علاقه مندند، باید بدانند این آن چیزی است که زندگی و شرف و استقلال ملتها و کشورها و قدرت دولتها را تأمین می کند.

از خداوند متعال، بیداری همه ی مسلمانان عالم و شرف و عزت و رهایی آنان از چنگال استکبار و پیروزی آنان در مصاف دشمنان خدا را مسألت می کنم.

پروردگارا! پرتو قرآن و اسلام را بر دلهای مسلمین مستدام بدار و رحمت و فضل خود را بر آنان نازل کن؛ آنها را تأیید بفرما و دلهاشان را با امید و ایمان مستحکم بدار؛ قلب ولیّ اللَّه الاعظم(ارواحنافداه و عجّل اللَّه فرجه) را از ما شاد و دعایش را در حق ما مستجاب کن؛ حج حاجیان و تلاش تلاشگران راه خودت را به نیکی مقبول فرما؛ دلهای مسلمین را روزبه روز به هم نزدیکتر و عوامل تفرقه را نابود فرما؛ ارواح مطهر شهدای راه حق و جسم و جان آسیب دیدگان این راه را مشمول رحمتت بفرما. پروردگارا! از هر حرکتی که در سراسر جهان برای حاکمیت دین تو انجام می شود، حضرت امام خمینی- آن بنده ی صالح و برگزیده ات- را جزای خیر عنایت کن. آمین ربّ العالمین.

والسّلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمهاللَّه

علی الحسینی الخامنه ئی

سوم ذی الحجهالحرام سال ۱۴۱۱ هجری قمری

مصادف با بیست وششم خرداد سال ۱۳۷۰ هجری شمسی

۱- مجادله: ۲۱

بیانات در دیدار با اعضای بعثه ی حج، به همراه حجهالاسلام والمسلمین محمّدی ری شهری، نماینده ی ولّی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

اشاره

(۲۳/ ۴/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

هرچه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود

در ابتدا باید به ناتوانی و عجز خودمان از ادای شکر حضرت باری تعالی اعتراف کنیم، که هرچه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود. همینی هم که خدای متعال بحمداللّه مردان لایق و کارآمدی را بر اداره ی این مراسم برانگیخت، خود از الطاف باری تعالی بود. واقعاً به مردم ما یک عیدی داده شد و دست شفایی از سوی مرکز غیبی لطف و رحمت، و از طرف ولیّ عصر(ارواحنافداه) بر سر این مردم کشیده شد، که بعد از رحلت امام بزرگوار، واقعاً این مردم سزاوار بودند که چنین لطفی از طرف پروردگار به آنها بشود. گمان من این است که روح مبارک امام هم از آنچه که پیش آمد، خشنود است.

ماها می دانیم، برادران دست اندرکار هم همه می دانند که ایشان در سال آخر حیات نورانی و مبارکشان، خیلی به فکر حج بودند و خیلی مایل بودند که این مسأله انجام بشود.

البته مقدر نبود که این کار در حیات آن بزرگوار انجام بشود، ولی بحمداللّه در این زمان شد؛ خدا را سپاسگزاریم. خودمان را کوچکتر از آن می دانیم که در این باران رحمت الهی، برای خویش کمترین نفعی قایل باشیم. امیدواریم که خداوند این زحمات فراوان را از شماها قبول کند و فضل و رحمت خود را همواره بر سر این مردم مستمر و جاری بدارد.

تشکر صمیمانه از خدمتگزاران حج

واجب و لازم است که من به عنوان یک فرد کوچک و خدمتگزار، از برادران عزیزی که در این کار از جان و فکر و وجود خودشان مایه گذاشتند و در این خدمت بزرگ همگانی نقش ایفا کردند، صمیمانه تشکر کنم؛ از برادر عزیزمان جناب آقای ری شهری، تا بقیه ی آقایان علمایی که تشریف دارند، جناب آقای جمارانی، تا برادران حج و زیارت، جناب آقای رضایی، و سایر کسانی که به نحوی دست اندرکار این قضیه بودند؛ هم در بخش اداری و تشکیلاتی و سیاسی و مدیریتی و تدارکاتی- که بخش واضح و بارزی است- و هم در بخش آن ظرافتها و محتواهای بسیار مؤثر- اگرچه در میدان ارزیابی کم نمود است- و نیز آن کسانی که همفکری کردند، آن کسانی که کارهای زحمتدار را انجام دادند- که جناب آقای پورنجاتی به بعضی از آنها اشاره کردند- همچنین کسانی که آن نوشته ها را منتشر کردند، آن عکس مبارک حضرت امام قدس سره را کشیدند- که جناب آقای ری شهری برای من نقل کردند، حدود دوازده روز، و هر روز چندین ساعت، یک نفر در آن فضای بسته خودش را مصروف این معنا می کرد، تا این عکس را زیبا از کار دربیاورد و جلوی چشم مردم رهگذر قرار دهد- کسانی که آن پلاکاردها و تابلوها را درست کردند، آن ماکت قدس را ساختند، و خلاصه این که نوشتند، کشیدند، ساختند، پرداختند، واقعاً میلیونها لحظه ی فعال دست به هم دادند، هزاران فکر صائب و هزاران نیروی مفید در کنار هم قرار گرفتند، تا توانستند این محصول را برای عالم اسلام فراهم کنند. خدا را شکر می کنیم و شماها را سپاس می گوییم.

امیدواریم که هر کدامتان هر مقداری که تلاش داشتید- که خدای متعال به آن اعلم و اعرف است و ما کوچکتر از آن هستیم که بخواهیم در این زمینه ها اظهار اطلاع بکنیم؛ شما خودتان بهتر از ما می دانید- ان شاءاللَّه خداوند به شما پاداش بدهد و توفیقاتتان را اضافه کند و از شما قبول نماید.

برنامه ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد

آن چیزی که من مفید می دانم عرض بکنم، این است که حج حادثه یی است که هر سال یک بار اتفاق می افتد؛ اما از آن حوادثی است که می سزد اگر یک سال یک جمع عاقل، عالم، هوشمند و توانا، برای آن چند روز برنامه ریزی و تلاش کنند. بله، من این حرف را که در گزارش آمده بود، قبول دارم که برنامه ریزی خوب، در صحنه ی عمل خودش را نشان می دهد؛ اگرچه هیچ سالی را با سال دیگر نمی شود مقایسه کرد و هر سالی مسایل خودش را دارد. امسال مسایل خاصی بود، شکل خاصی بود و مهره های سیاستهای جهانی، ترکیب خاصی داشتند. شما از این فرصت استفاده کردید و این حضور را به این شکل نشان دادید؛ سال دیگر نمی دانیم که چگونه است. این طور نیست که هر سالی قطعاً بتواند الگوی سال دیگر بشود؛ نه، ممکن است سال بعد حادثه ی کوچک یا بزرگی اتفاق پیدا کند که کل هندسه ی این صحنه و عرصه ی ترسیم شده را عوض کند.

آن وقت این مجموعه، مرکز و شعاع دیگری پیدا خواهد کرد. برنامه ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد. البته اگر جزییات هم فرض بشود، خوب و لازم است؛ منتها باید با آن حالت بلندنظری باشد، تا انسان بتواند هر شرایطی را به خدمت بگیرد.

باید ببینیم حج از ما چه می طلبد

آنچه که مهم است، این است که ببینیم حج از ماچه می طلبد. ما امروز حکومت اسلامی هستیم؛ ادعای ما این است. ما معتقدیم که حج، جا و میدان ماست. این میدان، باعظمت است. معلوم است که عظمت این میدان، همان یکی، دو میلیون آدمی که آن جا هستند، نیست؛ بلکه کل دنیای اسلام است؛ چون هر کدام به شهرها، کشورها و خانه های خودشان می روند و خبری از حج می برند. پس، شما از اندونزی تا اروپا را زیر پوشش گرفته اید.

مسلمانان همه در حج بودند و شما آن جا حضور داشتید. اگر شما در حج که هستید، بتوانید آن کاری را که وَ تَکُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ (۱)

ایجاب می کند، انجام بدهید، تمام

۱- حج: ۷۸

دنیای اسلام را زیر پوشش گرفته اید. کاری انجام شده، که با هیچ وسیله ی دیگری آن کار امکان ندارد. یعنی اگر ما روزنامه یی داشته باشیم و بتوانیم آن را درِ خانه ی این تعداد آدم در سراسر دنیا بفرستیم، نمی تواند آن اثری را داشته باشد که حضور این جمع و تشکیل این جماعت و دیدن اشخاص و ابدان شماها برای آنها ممکن است این اثر را بگذارد. این، یک چیز دیگر است؛ بخصوص که منطقه، منطقه ی عجیبی است. آن جا زمینها متبرک است. هر کس وارد مکه و مدینه می شود، به نظر من اول باید خم بشود و آن زمینها را ببوسد. این جا، جاهایی است که کف پای پیامبر، کف پای امیرالمؤمنین، کف پای فاطمه ی زهرا علیها السلام، کف پای سلمان به همین زمینها خورده است. این وادیهای مختلف مکه، این شِعبها، این مراکز گوناگون در مدینه و در مکه، تقدس بسیاری دارد.

اصلًا محوطه، محوطه ی عجیبی است؛ مثل این که از عالم دیگری آورده اند و در این دنیای ما گذاشته اند؛ برای ما این گونه است. از یک طرف، چنین جایگاهی وجود دارد؛ از طرف دیگر، این شمایید که باید وَ تَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ (۱)

باشید. باید از حالا برنامه را بر این اساس بریزید.

این مراسم برائت، مراسم بسیار مهمی است. واقعاً گـل سرسبد جمـاعی حـج ما همین مراسم برائت است. هر مجموعه، آرم و شعاری دارند؛ آرم ما هم این است؛ لیکن همه چیز، این نیست. ما باید خودمان را برای پاسخ صحیح و مناسب به هر سؤال احتمالی که بر زبانها بیاید و احیاناً بعضی بر زبانها نیاید، ولی از ما وجود دارد، آماده کنیم و آن پاسخها را به صورت جزوه، کتاب، انسانِ آماده ی به حرف، و تماسهایی که باید گرفته بشود، حاضر کنیم.

فرهنگ و اخلاق و رفتار مردم ما باید برای حجاج دیگر الگو باشد

امسال من داعی بیشتری بر استطلاع از مسایل حج داشتم و زیاد سؤال می کردم.

۱- حج: ۷۸

برای من از معنویت حجاج ایرانی در حج تعریف می شد؛ شاید سالهای دیگر هم همین طور بوده است. برادران نقل می کردند که نیمه شبها عده ی زیادی از ایرانیها در گوشه و کنار مسجدالحرام و یا در عرفات ایستاده بودند و نماز شب می خواندند، یا حال توجه داشتند. اینها خیلی مهم است. من خودم در حج مجموعه یی را دیدم که یک حال معنوی داشتند. وقتی فهمیدم متعلق به کدام کشورند، در احساس و درک من نسبت به مردم آن کشور اثر گذاشت. سالها هم گذشته، اما این قضیه از یادم نمی رود.

ما در حج باید بتوانیم فرهنگ و اخلاق و منش و رفتار مردم خودمان را طوری بکنیم که اینها الگو بشوند و کسانی که نگاه می کنند، یادشان نرود؛ لااقل چیزهای برجسته یی را از ایرانیها بگیرند. این شاید در مواردی، اثرش از آن سوءظن بیشتر باشد.

این قدمی نیست که بگویم برداشته بشود، تا شما بگویید که کار ما نیست؛ نه، همان مقداری که مربوط به حج است، باید انجام بگیرد. بنابراین، از دیدگاه تأثیر بر روی ملتهای مسلمان، این مسأله ی اساسی و مهم وجود دارد.

در ایام حج، تأثیرات زیادی می شود روی ذهنها گذاشت

اما از دید همان صدوبیست هزار نفری هم که خودمان برمی داریم می بریم یک مسأله ی مهم است. صدوبیست، سی هزار، صدوپنجاه هزار، ان شاءاللّه در آینده دویست هزار نفر زن و مرد و پیر و جوان را برای مدت بیست یا بیست وپنج روز، در حساسترین مناطقی که می شود انسان حرفی را مؤثر در ذهنها فرو کند، به ما می سپارند. این، فرصت بسیار استثنایی و خیلی عجیبی است. وقتی که یک مشت آدم را در مدت یک هفته به اردویی می برند، می گوییم برای تأثیرگذاری عجب میدان خوبی است. این اردوی صدوپنجاه هزار نفری را به دست ما سپرده اند و ما داریم آنها را می بریم؛ تأثیرات زیادی می شود روی ذهنها گذاشت. بحمداللّه ما سرمایه های گرانقدری هم داریم؛ آقایان اهل علم، صاحبان فکر، صاحبان زبانها یا روشهای مؤثر. با این دید نگاه کنیم که ما یک عده را به اردو برده ایم و می خواهیم روی اینها اثر بگذاریم، و وقتی که برمی گردند، منقلبشان کرده باشیم؛ که حج هم اصلًا برای منقلب شدن است. حج باید ما را معنوی کند. وقتی برمی گردیم، واقعاً باید معنوی شده باشیم. هر کس برمی گردد،

بایستی کأنه از عالم معنا و از بهشت برگشته باشد. افراد باید چنین حالتی داشته باشند. برای این هم بایستی برنامه ریزی مفصلی بشود. ...

ما باید از همه ی مظاهر و ظواهر و شعایر حج استفاده بکنیم. مثلًا ببینیم در عرفات چه استفاده یی می توان کرد. منظورم صرفاً استفاده ی سیاسی نیست. البته بخشی از آن، استفاده ی سیاسی و انقلابی است و هرچه می شود، باید استفاده کرد. یا مثلًا در منی، یا در خود مکه، یا در مدینه، چه استفاده یی می توان کرد. در بحبوحه ی اعمال حج، چه استفاده هایی می توان کرد. بعد از ایام حج- که یک مقدار فراغت و آرامش هست و احساسات مردم فروکش کرده و دنبال کارهای متفرقه اند- چه استفاده هایی می توان کرد.

یعنی ما باید برای دانه دانه ی اینها برنامه داشته باشیم. نمی گویم که از امسال تا سال آینده این برنامه ها تنظیم بشود؛ اما هدف و جهت باید این باشد.

امام روی نماز جمعه و حج خیلی تکیه می کردند

جمهوری اسلامی حج را شناخت. این، بصیرت امام بود. امام درست در سربندهای اساسی انگشت گذاشته بود. در اسلام خیلی واجب وجود دارد، روزه هم یک واجب اساسی است؛ اما امام روی نماز جمعه و روی حج- یعنی آن بخشهای حساس و سربندهای مهم- خیلی تکیه کرد و دایم از سال اول نسبت به حج حرف داشت و پیام می داد. البته من یادم است که ایشان از قبل هم- یعنی سال ۴۱- به حجاج پیام می دادند. بعد از آن مبارزات اولیه ی مربوط به انجمنهای ایالتی و ولایتی، و بعد از آن که دولت انجمنها را قبول کرد، فاصله یی شد. در این فاصله که بین زمستان تا فروردین بود، حادثه ی مدرسه ی فیضیه واقع شد، که فاصله ی تلخی بود؛ تحرک بود و تلاش بود و خطر، و ما نمی دانستیم که چه کار می خواهد بشود. من یادم است که یک شب به همراه مرحوم آقای شیخ علی حیدری نهاوندی- از شهدای حزب جمهوری اسلامی- و دو نفر دیگر خدمت امام رفتیم، تا پیشنهادهایی که راجع به حج به ذهنمان می رسید، با ایشان در میان بگذاریم. یکی از پیشنهادهای ما این بود که به مناسبت موسم حج، خوب است پیامی از جانب ایشان صادر شود؛ اما ایشان گفتند که من نوشته ام! معلوم شد که ایشان

برای حج اعلامیه نوشته اند و فرستاده اند. یعنی در سال ۴۱ که هنوز اول مبارزات بود و هیچ خبری نبود، ایشان آن مواقع اساسی دین را شناخته بودند و به آن اهمیت می دادند ....

یکی از کارهای اساسی، رفع جدی نقایص

شنیدم که بحمداللّٰه بازرسیها و گزارش گیریهای خوبی هم انجام گرفته است.

بخشهای گوناگون قاعدتاً نواقصی داشتند؛ هیچ کاری بی نقص نیست. یکی از کارهای اساسی که ان شاءاللّٰه بایستی خود جناب آقای ری شهری و برادران همکار ایشان دنبالش بروند، رفع جدی نقایص است. ببینیم در کدام بخش، کجای کار نقیصه وجود داشته است، آن نقیصه را باید برطرف بکنیم؛ هیچ ملاحظه کاری هم نباید انجام بگیرد. در این بخش، این برنامه ریزی شده بود، این مدیریت بود، این نقص را داشت؛ به هر قیمتی که هست، باید این نقص را برطرف بکنیم، تا ان شاءاللّٰه روزبه روز کامل بشود.

من مجدداً روی نوشته و جزوه و کتاب تکیه می کنم. ... باید کتابها و جزوه هایی نوشته بشود، پاسخهایی روشن به سؤالهای مقدر داده بشود؛ هر روز هم سؤالی وجود دارد. بعضی از سؤالها همیشه تکرار می شود؛ لیکن بعضی از سؤالها موسمی و وابسته ی به حوادث جاری است. بایستی این سؤالها با بهترین بیان، با زیباترین ترجمه و با چاپ مناسب آماده شود و در اختیار باشد و ان شاءاللّٰه در آن جا داده بشود.

بار دیگر از جناب آقای ری شهری و بقیه ی برادران عزیز که واقعاً همه زحمت کشیدند و من از مجاری اموری که هست، بی اطلاع نبودم- هم در خلال کار می فهمیدم، هم بعداً برادرانی که آمدند، نقل کردند- می دانم که چه قدر بیدارخوابی، چه قدر زحمت، چه قدر تلاش انجام گرفته، تا آن که این کار به این خوبی بحمداللّٰه ظاهر شد. از همه ی آنها صمیمانه تشکر می کنم و امیدوارم که خدای متعال خودش همه ی شما را مأجور و مثاب و موفق بدارد.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

بیانات در دیدار اعضای برگزار کننده ی «کنگره ی حج»(۱۶/ ۲/ ۱۳۷۱ ه. ش.)

بیانات در دیدار اعضای برگزار کننده ی «کنگره ی حج»

اشاره

(۱۶/ ۲/ ۱۳۷۱ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

همه باید خداوند متعال را شاکر باشیم

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز و مسؤول در این امر عظیم و این تکلیف الهی بزرگ. همه ی ما باید خداوند متعال را شاکر باشیم که بحمداللَّه این توفیق را بار دیگر به ملت ما ارزانی فرمود که بتوانند در موسم عظیم حج و در محشر بزرگ مسلمین عالم، در جایگاه مناسب خود قرار بگیرند و قیام و دعوت به حق کنند و قولًا و عملًا، راه را برای مسلمانان عالم، روشن و واضح کنند. این، توفیق بزرگی ست که انقلاب به ما ارزانی داشت. رهبری آن انسان بزرگ زمان ما و آن بقیّه ی اولیای خدا و قدرت معنوی او و عنایات الهی و توجهات ولیّ عصر، ارواحنافداه، این توفیق را به ملت ایران بخشید؛ و بحمداللَّه دوباره از سال گذشته، این توفیق به ملت ایران داده شد.

ما نمی توانیم همه ی خصوصیات حج را کشف و بیان کنیم

در باب موضوع حج، مطالب زیادی در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب از زبان امام بزرگوار قدس سره، و دیگر صاحبان معرفت شنیده و خوانده ایم. لکن حقیقت این است که حج، از آنچه که گفته ایم و شنیده ایم، باز هم بزرگتر است؛ و ابعاد مختلف این تکلیف و واجب الهی آن چنان است که اگر سالها درباره ی آن فکر و عمل کنیم و بیاموزیم و به

دیگران یاد بدهیم، باز هم بعید است که توانسته باشیم همه ی خصوصیات این واجب بزرگ را کشف و بیان کنیم. ما به قدر توان و ظرفیت خودمان چیزی می فهمیم و چیزی می گوییم و چیزی عمل می کنیم.

خودسازی؛ مقدمه و شرط دیگرسازی و جهان سازی

دو نکته ی اساسی در حج هست، که یکی مربوط به شخص هر زایر و هر حاجی است، و یکی هم مربوط به مجموعه ی مسلمین و سیاست دنیای اسلام و جهتگیری امت اسلامی ست. نکته ی اول، از این جهت حایز اهمیت است که اگر آن نباشد، کار دوّمی هم چندان درست نخواهد انجام گرفت. کار سیاسی و فریاد سیاسی، در دنیا زیاد است. آن فریادی که در دلها اثر می کند، جوامع را عوض می کند، دشمن را حقیقتاً می ترساند و راه را واقعاً روشن می کند، فریادی ست که از روی ایمان و از دلِ با تقوا و از انسان عاملِ صالح ناشی شده باشد؛ همان طور که در انقلاب اسلامی ایران مشاهده شد. پس، خودسازی، مقدمه و شرط اساسی برای دیگرسازی و جهان سازی و ایجاد تحول و پیمودن راههای دشوار است. لذاست که در آیات کریمه ی حج، از ذکراللّه و استغفار و بازگشت به خدا، مکرر سخن رفته است.

حج، یک هجرت است

حج، یک هجرت است. هجرت از خود ماست؛ هجرت از منیّت ماست، هجرت از آن زندانی ست که ما را احاطه کرده، و گوهر یکدانه ی بی نظیر انسانی را در وجود ما مخفی و پنهان نگه داشته است. حج، هجرت از خودپرستی هایی ست که از هوا و هوس ناشی می شود؛ هجرت از خودخواهیهایی ست که ما را از خدا دور می کند؛ هجرت از طبقه بندی ها و مرزبندی هایی ست که زندگی انسانها را از هم جدا می کند و فقیر و غنی، شریف و وضیع، بزرگ و کوچک- بر طبق معیارهای عامیانه ی مردمی- را به هم نزدیک می کند و در کنار هم قرار می دهد، و وجه مشترک همه ی انسانها، یعنی عبودیت را در همه زنده می کند.

درحج، عبودیت را در خود تقویت کنیم

اصل، این است. ما، در حج باید سعی کنیم عبودیت را در خودمان تقویت کنیم.

هجرت الی اللّه کنیم. حج را قبول و مقبول درگاه پروردگار قرار بدهیم. چگونه ممکن است حج ما مقبول باشد؟ وقتی که این حج، ما را به خدا نزدیک کند. در روایتی نقل شده است که «اگر می خواهید بدانید آیا حج شما قبول شده است یا نه، ببینید گناهانی را که مرتکب می شدید، بعد از حج کنار گذاشتید یا نه؟ اگر دیدید توفیق این را پیدا کردید که گناهان را کنار بگذارید، کشف کنید که خدای متعال، حج را از شما قبول کرده است، و به خدا نزدیک شده اید.» معیار، اینهاست: از گناه خارج شدن؛ به خدا نزدیک شدن؛ از خودخواهی ها و خودپرستی ها دور شدن؛ مثل قطره ای، در دریای فضل و رحمت الهی خود را غرق کردن. و این، اساسی ترین کارهاست. «علیکم أنفسکم.» خودتان را دریابید.

چیزی که جای ایثار ندارد، این است. آنجا که هرکس در درجه ی اول باید به فکر خودش باشد، اینجاست! نزدیک شدن به خدا؛ توجه پیدا کردن به خدا؛ باور کردن رحمت و فضل خدا؛ به زبان صادقانه با خدا سخن گفتن؛ کنار گذاشتن دنیا و زخارف دنیا و مادیات و ارزشهایی که اطراف ما مثل پیله ی کرم ابریشم می تند تا آن نفس ملکوتی را از بین ببرد و خفه کند. اصل، اینهاست. وقتی که انسان با دلی پاک و روحی تائب با خدای متعال روبه رو شد، آن مراسم عظیم را انجام داد، حقیقتاً به خدا بازگشت، حقیقتاً به خدا هجرت کرد، حقیقتاً در مقابل پروردگار عالم تضرّع کرد، آن وقت ابواب برکات هم باز می شود.

ارتباط امام با خدا؛ یکی از عوامل پیروزی انقلاب

من اعتقاد راسخ دارم، یکی از مهمترین عواملی که موجب شد این انقلاب پیروز بشود و بایستد و مقاومت کند و سختیها را پشت سر بگذارد و دشمن را ناکام سازد، این بود که محور این انقلاب، یعنی آن مرد الهی، آن انسان مؤمن و تقیّ زکیّ واقعی، با خدا در ارتباط روزافزون بود. چنین نبود که از روز اول انقلاب تا روز رحلت، امام در ارتباط با خدا یک طور مشی کرده باشد. خیر! او هر روز در هر برهه ای از برهه های حیات، از

برهه ی قبل بهتر بود؛ باکیفیت تر بود، ودر آن، به خدا نزدیک تر بود. این را انسان به خوبی احساس می کرد؛ و اینها واقعیتهایی ست.

به سمت حیات معنوی حرکت کنیم

چرا می بینیم در گوشه و کنار دنیا، این همه سرمایه گذاری های مردمی، گاهی به هدر می رود، و حضور قوی مردمی نتیجه ی مطلوب نمی دهد؟! چرا می بینیم در مقابل نهیب قدرتهای بزرگ، گروهها و افراد، دل و زهره ی ایستادن پیدا نمی کنند؟ چرا می بینیم هیبت مستکبرین، جای هیبت خدا را در دلها می گیرد؟! چرا به جای اینکه از خدا بترسند، از دشمنان خدا می ترسند و عقب می نشینند و مغلوب می شوند و سرمایه گذاری ها را بر باد می دهند و خونها ضایع می شود؟! برای اینکه معنویت کم است. آنجا که معنویت هست، ارتباط با خدا هست، اتصال هست، نسبت به فضل الهی باور هست، در مقابل خدا تسلیم هست، در پیشگاه پروردگار خضوع و تضرع هست، در آنجا دیگر ضعف و ترسی وجود ندارد. أَلا إِنَّ أَوْلِیاءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ. (۱) تأسفی هم وجود ندارد.

وقتی ما برای خدا کار کنیم، اگر به حسب ظاهر پیشرفت کردیم، خشنودیم. اگر پیشرفت هم نکردیم، باز هم خشنودیم. چون برای خدا کار کرده ایم. چون وظیفه مان را انجام داده ایم. چون ادای تکلیف کرده ایم. دیدید امام بزرگوار در تمام این مدت و در قضایای مختلف، هرگز متأسف نبود؛ هرگز ناامید نبود، و هرگز احساس پشیمانی نداشت! چون تکلیف برایش روشن بود و آن را فهمیده بود و برطبق آن عمل کرده بود. هر کس طبق تکلیف عمل کند، خوشحال و سرافراز است؛ بدون تأسف و اندوه است. ما باید خودمان را علاج کنیم. باید متحول بشویم. باید به سمت حیات معنوی اولیای خدا حرکت کنیم.

این، علاج همه ی دردها در دنیا و برای همه است.

حج، فرصت خوبی است که انسان به خدا نزدیک شود

حج، یک فرصت بسیار خوب است که انسان بتواند از دنیا و زخارف دنیا و

۱- یونس: ۶۲

وابستگیها وطبقه بندی ها وخطکشـی ها و همه ی آن چیزهایی که او را از معنا دور می کند و به مادیت و خودپرستی نزدیک می کند، جدا شود؛ دور بشود، و به خدا نزدیک شود.

این، یـک فرصت است. نه اینکه همه، این کار را می کننـد. نه اینکه همه، این توفیق را برای خودشان فراهم می کننـد یا از آن استفاده می کنند. ولی باید سعی بکنیم. این، اصل قضـیه است؛ که وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ. (۱) اسم و یاد خدا را همواره باید در نظر داشته باشیم. از شروع حرکت از وطن تا رسیدن به خانه ی خدا، تا شروع مناسک، تا اثنای آن روزهای حسـاس و تا پایان کار، دایماً یک چیز به یاد حاجی و زایر خانه ی خـدا بایـد باشـد؛ و آن اینکه رضای الهی را کسب کنـد؛ از گناهان توبه کند؛ از آنچه او را از خدا دور می کند، رو بگرداند و به خدا رو بیاورد. اگر به خدا رو کردیم، خدا راه را باز می کند. «أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَیْکَ قَرِیبُ الْمَسَافَهِ.» یک قدم به سـمت خدا برداشتن، دل انسان را روشن می کند. به انسان فتوح می بخشد. زنگارها را از جلو بصـیرت انسان پاک می کنـد، و قـدم بعـدی و ادامه راه را برای انسان راحت تر می کند. این، همان موضوع اساسی در جنبه ی فردی این مسأله است؛ هیچ چیز جای این را نخواهد گرفت.

مسلمان ها باید یکدیگر را بازیابند

نکته دوم در باب مسأله ای ست که به امت اسـلام مربوط است. خوب، حـج جای تزاور است: تشاور، تزاور، تعاهـد. مسـلمانها بایـد یکـدیگر را بـاز بیابنـد. نه فقـط اجسـام یکـدیگر را، بلکه دلها و فکرهای یکـدیگر را. ملتهای گونا گون بایـد شـکل امت اسـلامی را در آنجا پیدا کنند، احساس وحدت کنند، مشـکلات بین خودشان را برطرف سازند، از مشکلاتِ هم مطلع شوند، و مسائل اساسی امت اسلامی را جستجو کنند. این، آن هدف بسیار مهم حج است ...

برای امت اسـلام، منفعتی بالاـتر از این نیست. اگر حجّـاج بتواننـد در این مراسم یـا در هر مراسـمی در اکنـاف عـالم، میلیاردها تومان پول پیـدا کنند، ارزش این را ندارد که بتوانند در حج یک گره از گرههای عمده ی دنیای اسـلام و امت اسـلامی را باز کنند. امروز گره

۱- حج: ۲۸

چیست؟ امروز گره اساسی در زندگی مسلمانها، تسلط استکبار جهانی است. و برائتی که شما اعلام می کنید، برای این است. یک روز برائت از مشرکینی بود که لات و منات و هبل و عزّی را می پرستیدند، اما امروز برائت از سردمداران کفر جهانی و استکبار جهانی ست. امروز مظهر شرک و کفر، اینها هستند. آن روز اگر برائت از شیطانهایی بود که به شکل بتهای بی جان یا بتهای جاندار کم ارزش و کوچک ظاهر می شدند، امروز برائت از شیطان بزرگ است؛ برائت از امریکاست؛ برائت از قدرت و هیمنه ی شیطانی است؛ برائت از آن بلایی ست که بر همه ی مسلمین عالم و بر غیر مسلمینْ از ملتهای مظلوم و مستضعف نازل شده است؛ یعنی قدرت استکباری عالم. این، مهمترین کاری ست که یک ملت، بخصوص یک ملت مسلمان- اگر بخواهد علاج و چاره جویی کند- باید انجام بدهد و مدّ نظر داشته باشد.

برائت، روح حج است

برائت، حقیقتاً از ارکان حج است؛ بالاتر از ارکان حج است؛ روح حج است؛ معنا و هدف و جهت حج است. خطاست اگر کسی خیال کند که می شود هر یک از ارکان و اعمال حج را با روح حج و جهت کلی آن مقایسه کرد. برائت، این است. امروز شما به صحنه ی عالم نگاه کنید و ببینید در دنیا چه خبر است! البته قوام تخت قدرت مشئوم استکباری، فقط به امریکا و رژیم امریکا نیست. اما مهمترین پایه ی آن، امروز رژیم امریکاست. ملتها اسیر این رژیم اند. ملتها گرفتار این سیاستهایند. ببینید امروز با مسلمین عالم چه می کنند! اگر در هر نقطه از جهان حرکت و تپش نبضی از اسلام یا از مسلمین باشد- حتی بدون جهتگیریهای مترقی اسلامی- با آن مقابله می کنند؛ با آن روبه رو هستند و با آن دشمنی می کنند. مسائل فلسطین اشغالی را ببینید! قریب چهل وچهار- چهل و پنج سال است که سرزمین فلسطین را با این سرکوب وحشیانه، از مسلمین غصب کرده اند. با این همه حرکات ضد بشری که از سوی رژیم غاصب صهیونیستی انجام می گیرد، با این همه گناهان و خلافهای بیّن، که هر انسانی را دچار انزجار می کند، امریکا از پشتیبانی خود از این رژیم دست برنمی دارد. روزبه روز پشتیبانی خودش را از آن بیشتر می کند. این، به

چه معناست؟! کدام تضییع حقوق انسان، از این بالاتر است!؟ آن وقت، امریکاییها ادعای طرفداری از حقوق بشر می کنند؛ درباره ی حقوق بشر سخنرانی می کنند؛ حرف می زنند؛ سیاستگذاری می کنند، و موضعشان را نسبت به رژیمها معین می کنند. فلان رژیم در لیست سیاه آنهاست، چون به قول آنها «مراعات حقوق بشر را نمی کند»! فلان رژیم امروز از لیست سیاه خارج شد! فلان رژیم امروز وارد لیست سیاه شد! اینها، دنیایی را دارند بازی می دهند. افکار عمومی عالم را دارند با این ملعبه به تمسخر می گیرند، و بشریت را استهزا می کنند. برای انسانها بلایی از این بالاتر!؟ درباره ی جمهوری اسلامی حرف می زنند و گاهی در خلال حرفهایشان می گویند که شرط رابطه ی ما با جمهوری اسلامی این است که حقوق بشر را رعایت کند! خیلی فرق است بین آن حرفی که ما می زنیم و آن حرفی که امریکاییها می زنند! ما می گوییم آن کسی که باید برای روابط شرط معین کند، شما نیستید. ملت ایران با شما دشمن است. از شما به سبب گناهان بزرگی که بر دوش رژیمتان است، متنفر است. حالا می گویند که اگر چنین بشود و چنان بشود، ما رابطه برقرار می کنیم! ما رابطه برقرار نمی کنیم! ما تا وقتی که شما این همه در دنیا ظلم می کنید، تا وقتی که از رژیم غاصب اسرائیل حمایت می کنید، تا وقتی رژیمهای فاسد را در دنیا پشتیبانی می کنید، تا وقتی با رژیمهای طرفدار مردم و طرفدار استقلال، دشمنی می کنید، حاضر نیستیم به طرف شما نگاه کنیم. این شما نیستید که شرط معین می کنید!

دولتمردان امریکایی؛ روسیاه ترین سردمداران سیاسی عالم

می گویند «ما طرفدار حقوق بشریم»! ما می گوییم: اصلًا شما حقوق بشر را قبول ندارید. شما معتقد به حقوق بشر نیستید. شما معتقد به حقوق کمپانیها و سرمایه داران بزرگ امریکایی هستید. شما معتقد به منافع نامشروع رژیم امریکا در سراسر دنیا هستید.

شما به حقوق بشر کار ندارید! آن دیروزتان، این امروزتان! این قضایای داخل امریکا و مسأله ی سیاهان! دهها میلیون، شاید پنجاه میلیون یا بیشتر- الآن درست در ذهنم نیست- از سیاهان امریکا از حقوق انسانی محروم اند. در داخل شهرهای امریکا و در زیر سایه ی حکومتی که خود را پرچمدار حقوق بشر می داند و انسانهای عاقل و هوشمند دنیا را به

لبخند تمسخر وادار می کند، این هزاران انسانی که در سی و چند شهر امریکا در همین روزها سربلند کردند و خشم خود را ابراز کردند، به چه کسی اعتراض داشتند جز به شما؟! به سبب تضییع حقوقشان از که شکایت داشتند؟! شما شهروندان خودتان را فقط به این جرم که پوستشان سیاه است، زیر پاهایتان لگدمال می کنید؛ آن وقت دم از حقوق بشر می زنید؟! شما سالهای متمادی در مناطق گوناگون عالم، انسانهای مظلوم را ذبح کردید.

در ویتنام چه کردید! چندصد هزار از نیروهای امریکایی به ویتنام رفتند برای دفاع از یکی از فاسدترین رژیمها. رژیم آن روز ویتنام جنوبی، طرفدار حقوق بشر بود یا یکی از فاسدترین رژیمها بود؟! لشکرکشی کردند و رفتند آنجا. نه فقط مسلّحین مقابل خودشان، بلکه زن و بچه ها را کشتند. چقدر از بچه ها را نابود کردند! چقدر از زنها را نابود کردند! چقدر مزارع و کشاورزان را از بین بردند و کشتند، و گروههایی را در زیر خروارها خاک مدفون کردند! اینها حقوق بشر است؟! در همین ایران، سالهای متمادی از رژیم ظالم، فاجر و خشن پهلوی حمایت کردند. شاه، طرفدار حقوق بشر بود، که با همه ی امکانات از او حمایت می کردید؟! از همین صدام حسین که امروز و از مدتها بیش تا امروز، صفحات مجلات و تبلیغات امریکایی پر است از بیان خشونتهای او، چقدر حمایت کردند؟! به او کمک کردند، به او فناوری دادند، پول دادند، مواد غذایی دادند؛ و در مقابل جنایات بزرگ او، دم نزدند! جلو چشم مردم همه ی دنیا، شهر حلبچه بمباران شد؛ بمباران شیمیایی! زن و مرد و کوچک و بزرگ، در یک لحظه، با بمباران شیمیایی و باران زهری که بر سر آنها فرو ریخت، در میان کوچه ها و خانه ها افتادند و از بین رفتند. امّا اینها، دم نزدند. اینها حقوق بشر بود؟! کدام آدم عاقلی در دنیا به این پرچم حقوق بشری که اینها بلند کرده اند باور دارد!؟ چقدر ساده لوح اند آن دولتهایی که با این شعارها، از حرف خودشان عقب نشینی می کنند و مواضعشان را از دست می دهند! چرا؟ چون تبلیغات امریکایی این طور می گوید! غلط می کند این طور می گوید! اینها خودشان بزرگ ترین مجرمین دنیایند. اینها روسیاه ترین سردمداران سیاسی عالم اند. اینها چه حقی دارند نسبت به این و آن حرف بزنند!؟ حربه ای ساخته اند برای کوبیدن هر دولت و هر حکومتی که آن را قبول نداشته باشند؛ حالا یا حق، یا باطل.

ملتها در مقابل زورگویی ها بایستند

ملت اسلام باید اینها را بداند. ملتها باید در این زمینه تصمیم گیری کنند. ملتها باید در مقابل این زورگویی ها بایستند. دولتها ایستادگی نمی کنند. دولتها نمی توانند ایستادگی کنند. متأسفانه بسیاری از دولتها در دنیا، به خاطر انقطاع از مردم، قدرت ایستادگی ندارند. آنکه باید بایستد؛ آنکه اگر ایستاد هیچ قدرتی نمی تواند با او پنجه پنجه بیندازد، ملتها هستند. ملتها باید بایستند. ملتها این چیزها را در کجا باید بفهمند، جز در حج!؟ پیام برائت، یعنی این. پیام برائت، یک حرکت بزرگ اسلامی ست. شرکت در پیام برائت و در اعلام برائت، یک واجب قطعی و عینی ست. هیچ کس نباید از حضور در این حرکت عظیم انسانی اسلامی- الهی و سیاسی، سر باز بزند. این، روح و معنای حج است. آن جنبه ی جهانی حج؛ آن چیزی که مربوط به سرنوشت امت اسلام است، این است. حج برای این است. اینکه گفتند «در یک روز معیّن و در روزهای معیّن- فِی أَيَّامٍ مَعْلُوماتٍ- در ساعات معیّن و حتّی در جایی معیّن در یک نقطه ی محدود، از تمام اقصی نقاط عالم جمع بشوند»، برای چنین چیزی است. والّا می گفتند «در ایام حج، هر کس در خانه و شهر خود، اجتماعی برقرار کند: ایرانیها در ایران، عراقیها در عراق، حجازیها در حجاز، هندیها در هند، چینیها در چین، اروپاییها در اروپا.» چرا گفتند «همه راه بیفتند»؟- يَأْتُوكَ رِجالًا وَ عَلى كُلِّ ضامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۱)

-. چرا؟ لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ. (۲) آن منفعت، این است. «منافع لهم» برای همه شان، برای مجموعشان و برای امت اسلام. حج برای این است. آن وقت بعضی آدمهای ساده لوح، سؤال می کنند که «آقا! دلیل برائت چیست؟» توقع دارند که در رساله ی عملیه نوشته باشند «برائت»! همه ی حج، فریادبرائت است. همه ی احکام حج حاکی از وجود چنین جهتگیری ای است. آن کس که نمی فهمد، باید ذهن و فهم خود را تصحیح کند.

۱- حج: ۲۷

۲- حج: ۲۸

پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت را قولًا و عملًا نشان دهید

این است معنای برائت. و من به برادران عزیز- چه شما مسؤولین محترم و چه آحاد حجاج ایرانی- توصیه می کنم: سعی کنند این پیام را، که پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت است، قولًا و عملًا نشان بدهند. رفتار منظم، رفتار صحیح، رفتار مسلمانانه، رفتار حاکی از عبودیت خدا و رفتار همراه با نظم. این جور نباشد که در اعمال حج، بر اثر یک اختلاف فتوای کوچک و کم اهمیت، برادران از هم جدا شوند و هر کس یک جور عمل کند. اینجاباید همه چیز حاکی از وحدت و اتحاد باشد. امام قدس سره توصیه کردند، امر کردند که «در نمازهای جماعت شرکت کنید.» بنده هم عرض می کنم: در نمازهای جماعت در مسجدالحرام، در مسجدالنبی و نیز در مساجد دیگری که مقتضی ست و متعلق به برادران اهل آن مناطق است، شرکت کنید. وحدت را نشان بدهید. یکپارچگی را با عمل خودتان و با نظم و انضباط، بر محور همین دستگاهی که امروز متصدی ست، ندا کنید.

من لازم است از برادر عزیزمان جناب آقای ری شهری، به خاطر حسن اداره ی این امور و این تشکیلات، و همچنین از همه ی شمادست اندرکاران و همه ی برادرانی که از ماهها پیش، بلکه از سال قبل، در ستاد و در دستگاههای گوناگون مشغول انجام امور حج بوده اند و کمک و برنامه ریزی و سیاستگذاری کردند، تشکر کنم. از همه باید تشکر کنم.

عمل به این برنامه ها و برنامه ریزی ها، مستلزم آن است که ملت ایران مظهر این نظم و انضباط باشد. امیدواریم خدای متعال تفضل کند و وجود مقدس ولیّ عصر، ارواحنافداه، لطف و عنایت خود را شامل حال شما کند. ان شاءاللّٰه از برکات وجود و حضور آن بزرگوار، در مراسم حج برخوردار باشید؛ و از معنویات آن ولی الهی بهره مند شوید. و ان شاءاللّٰه که شما برادران و خواهران مسلمان، بخصوص برادران وخواهران ایرانی، با حج مقبول، با توجه به خدا، با حضور قلب، با دلهای رقیق شده و به خدا نزدیک شده و دلهای پاک شده و گناهان دور ریخته و ثواب و فضیلت کسب شده، از این سفر پربرکت برگردید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(۱۳/ ۳/ ۱۳۷۱ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(۱۳/ ۳/ ۱۳۷۱ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ

والحمدللّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی سیّدنا و نبیّنا محمّد و آله الأطیبین الطاهرین قال اللّه الحکیم:

وَ إِذْ قالَ إِبْراهِیمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِناً وَ اجْنُبْنِی وَ بَنِیَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنامَ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ کَثِیراً.

مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی وَ مَنْ عَصانِی فَإِنَّکَ غَفُورٌ رَحِیمٌ.

شکری به وسعت دریای رحمت حق

اکنون که موسم حج فرا رسیده و نغمه لبیک بر آمده از دلهای مشتاق، فضای حریم امن الهی را انباشته است و ملتهای مسلمان، از آفاق گسترده ی جهان، به میعاد ذکر و استغفار و قیام و اتحاد شتافته، و برادران مهجور، به یکدیگر رسیده اند، جبهه ی سپاس و خضوع به ساحت خدای عزیز و حکیم سوده، حمدی به عظمت صفات حسنی و شکری به وسعت دریای رحمت حق، نثار حریم حضرت احدیت می کنم، که یکبار دیگر به مسلمین مشتاق، توفیق این فریضه را عطا فرمود، و یکبار دیگر پرچم عزت و عظمت را بر فراز سر مسلمانان در خانه ی امن خود برافراشت و یکبار دیگر حجاج ایرانی را بر این سفره ی رحمت و عظمت نشانید. زبان و قلم از توصیف و تقدیر این نعمت بزرگ، قاصر است، خدا کند که نور معرفت بر دلهای روشن شما حج گزاران بتابد و حقیقت، بی واسطه ی حرف و گفت، در جان مشتاق شما متجلی گردد.

حج؛ نعمتی الهی برای مسلمانان

نکته ی مهمی که این جانب می خواهم به شما برادران و خواهران از هر کشور و ملت که هستید بگویم این است که حج، نعمتی الهی است که بر نسلهای مسلمان ارزانی شده است. قدردانی و شکرگزاری، آن را زیاد می کند و ناسپاسی و قدرناشناسی، آن را از مسلمین می گیرد که این همان عذاب شدید الهی است که: وَ لَئِنْ کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذابِی لَشَدِیدٌ.

گرفته شدنِ حج به این نیست که از مسلمانان کسی به حج نرود، بل به این است که مسلمانان از منافع بی شمار آن محروم بمانند و زیاد شدن آن به این نیست که هر سال گروههای بیشتری حج کنند، بل به این است که از منافع آن بهره مند شوند که: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ. خوب است به درستی بیندیشیم، آیا جهان اسلام توانسته است از منافع حج برخوردار شود؟ و اساساً این منافع چیست؟

منافع حج درست برای مسلمانان

حج درست می تواند تحولی درونی در یکایک مسلمین پدید آورد و روح توحید و ارتباط با خدا و اعتماد به او و رد همه ی بتهای درون و برون وجود آدمی که همان هواها و هوسهای پست کننده و قدرتهای اسیرکننده ی آدمی اند، و نیز احساس قدرت و اعتماد به نفس و رستگاری و فداکاری در آنان پدید آورد، و چنین تحولی است که از هر انسانی، موجودی شکست ناشناس و تهدید و تطمیع ناپذیر می سازد.

و نیز حج درست می تواند از اعضای جدا افتاده ی امت اسلامی، پیکره یی واحد و کارآمد و نیرومند بسازد، آنان را با هم آشنا و از حرفها و دردها و پیشرفتها و نیازهای یکدیگر، آگاهشان کند و تجربه های آنان را متبادل سازد. اگر حج با توجه به این هدفها و نتایج برنامه ریزی می شد، و در این برنامه ریزی دولتها و علما و صاحبنظران و روشنفکران جهان اسلام، همکاری می کردند، ثمرات گرانبهایی نصیب امت اسلامی می گشت که با هیچ دستاورد دیگری در دنیای اسلام قابل مقایسه نبود. به جرأت می توان گفت همین یک تکلیف اسلامی اگر درست و چنانکه شریعت اسلام خواسته است

مورد بهره برداری قرار گیرد، پس از زمانی نه چندان بلند، امت اسلامی را به عزت و قدرتی که در خور آن است خواهد رسانید.

فاصله شکل کنونی حج با وضعیت مطلوب آن

باید با تلخی اذعان کرد که شکل کنونی انجام این فریضه ی الهی، با وضعیت مطلوب آن فاصله ی زیادی دارد. امام راحل عظیم، تلاش مؤثری در این جهت مبذول داشت و تصویر روشنی از حج ابراهیمی، حج عظمت و عزت آفرین، حج سازنده و تحول دهنده، در برابر چشم امت اسلامی قرار داد و همین اندازه تاکنون منشأ برکات فراوانی در جهان اسلام شده است، لیکن با این همه گسترش این اندیشه و این نحوه ی عمل بر همه ی ملتهای مسلمان نیاز به مجاهدت مخلصانه ی علمای دینی و روشن بینی و مساعدت دولتمردان همه ی کشورهای اسلامی دارد، و امید است که این وظیفه ی بسیار اساسی مورد توجه و عمل آنان قرار گیرد.

برآورد موقعیت جهان اسلام

اکنون بجاست که با استفاده از این فضای معطر اخوت و به عنوان ادای بخشی از وظایفی که حج بر دوش ما می نهد، نگاهی به جهان اسلام افکنده و موقعیت آن را با توجه به حوادثی که پس از حج گذشته تا امروز در سراسر جهان پیش آمده، برآورد نماییم و وظایف خود را در این مجموعه باز یابیم.

حوادث یکسال گذشته از جمله ی مجموعه حوادث نادری است که کمتر زمانی به این کوتاهی را در تاریخ به یاد داریم که این همه حوادث بزرگ را در خود جای داده باشد.

در رأس این حوادث، فروپاشی ابرقدرت شرق و نابودی قدرت غول آسایی است که دهها سال، یکی از دو سلطه ی عظیم سیاسی و نظامی و تبلیغاتی جهان، به شمار می رفت. اضمحلال امپراتوری پهناوری با قدرت نظامی افسانه یی و دسترسی به سلاح اتمی و همه گونه وسیله و امکان برای سلطه و نفوذ در دیگران، در محاسبات معمولی و

مادی در شمار کارهای محال است. اما این حادثه اتفاق افتاد و نادرستی محاسبات مادی یکبار دیگر ثابت شد.

گسیخته شدن بلوک شرق، دگرگونی فاحش جغرافیایی سیاسی در اروپا، سر برآوردن ملتها و کشورهایی که سالیان متمادی بزور و غصب، در تصرف بیگانگان یا زیر نفوذ آنان بودند، نیز از جمله ی این حوادث شگفت آور است.

به همین اندازه جالب و هیجان انگیز است پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان و به قدرت رسیدن ملتی که چهارده سال با غُربت و مظلومیت و فقر مادی ولی با ایمان عمیق به اسلام، بار جهادی پر مرارت را بر دوش کشید، و نیز پدید آمدن چند کشور مسلمان مستقل در آسیای میانه با ملت هایی که علیرغم تبلیغات زهرآگین هفتاد ساله ی کمونیستها و علیرغم تلاش پس مانده های آن دوران که هرگز با اسلام آشتی نکرده اند و نخواهند کرد، ندای اسلام سرداده و به مسلمانی خود افتخار می کنند و در پی تحقق بخشیدن به احکام اسلامی هستند و نیز پدید آمدن حداقل دو کشور مسلمان در اروپا یعنی بوسنی و هرزگوین و آلبانی که هم اکنون موجب دغدغه ی دولتهای اروپایی شده است.

و نیز از نوعی دیگر، پیروزی گروههای اسلامی در الجزائر در انتخاباتی آزاد و با روش منطبق بر معیارهای دموکراسی که مایه ی امید و تفاخر همه ی مسلمانان و حاکی از عمق ایمان اسلامی در آن ملت مجاهد و مجرب بود، و در عظمت آن همین بس که قدرتهای ضد اسلامی و مرتجعین منطقه را به یک اندازه مشوش کرد، تا آن جا که با کودتای مزورانه، بر روی آن حرکت اسلامی سرپوش نهادند و فعلًا آن را مهار کرده و به بند کشیده اند، و البته هر روشن بین به وضوح درمی یابد که تا زمان درازی نخواهند توانست به این وضع ادامه دهند.

باری، سال گذشته ی ما سرشار از چنین حوادث کم نظیر و شگفت آور بود، و به جز آن، رشد حرکت های اسلامی و بیداری مسلمین و اصرار آنان بر بازیافتن هویت اسلامی و مبارزه با قدرتهای قُلدر و معارض، در بسیاری از مناطق عالم بخصوص در فلسطین عزیز و برخی کشورهای شمال افریقا و خاورمیانه نیز از ممیزات برجسته ی این سال بود.

وضعیت جدیدی برای اسلام و مسلمین

این حوادث مهم و عبرت انگیز که بسیاری از آنها بی واسطه یا با واسطه از اسلام، متأثر بوده است، برروی هم وضعیت جدیدی را برای اسلام و مسلمین به وجود آورده که وظیفه ی همه ی ملتهای اسلامی است آن وضعیت را درست بشناسند و بدون فوت وقت نسبت به آن، موضعی یکپارچه و متین و منطبق با محاسبه اتخاذ کنند.

این وضعیت جدید دارای دو بخش یا دو عنصر است: اول این که تفکر اسلامی و هویت اسلامی در گستره ی جهان، از شوکت و عزت و نشاط بیشتری برخوردار گشته و اسلام به صورت یکی از برجسته ترین حقایق موجود عالم، در سرتاسر جهان مطرح گردیده است.

و دوم آن که قدرت های مسلط جهان در موضع صریحتری از خصومت نسبت به اسلام و مقاصد اسلامی قرار گرفته اند، و تحقیقاً یکی از فصول اصلی در نظم نوین پیشنهادی امریکا برای جهان پس از سقوط کمونیسم، فصل اسلام زدایی و مقابله ی با رشد روزافزون حرکتهای اسلامی است.

هرکس اظهارات و اقدامات سردمداران رژیم امریکا را درباره ی اسلام، و نهضت های اسلامی معاصر، و کشورها و ملت هایی که دم از گرایش به اسلام می زنند و مدعی یا آرزومند تشکیل نظام اسلامی اند، تعقیب کند از عمق کینه یی تمام نشدنی به اسلام و نظام اسلامی اطلاع می یابد.

در حوادث جاری عالم نیز شواهد متعددی را براین مدعا می توان مشاهده کرد که از جمله ی تلخترین و غم انگیزترین آنها، حوادث جاری در بوسنی و هرزگوین و نیز جنگهای خانگی در قره باغ و منطقه ی عمومی قفقاز است. سرکوب خونین و قساوت آمیز مسلمانان در سارایوو که در قلب اروپای به اصطلاح متمدن جریان دارد به قدری خشن و وحشیانه است که آدمی را به یاد قتل عام های معروف اروپا در قرون وسطی و در جنگهای مذهبی و نژادی این قاره ی جنگ طلب می اندازد، با این تفاوت که امروز صربهای یوگسلاوی سابق، برای کشتار دستجمعی مسلمانان از ابزارهای جنگی مدرن استفاده می کنند! با این حال این دولتها که به بهانه ی حقوق بشر در کار کشورهای

دور دست هم دخالت و اعمال نظر می کننـد در برابر این فجایع دست روی دست گذارده اند. امریکا و کشورهای اروپایی در همین منطقه و نسبت به جمهوریهای دیگر همان کشور سابق، آن جا که پای مسلمانان در میان نبود به طور قاطع از پیش آمدن چنین کشتارهایی جلوگیری کردند. در منطقه ی قفقاز نیز دولتهایی که می توانستند با اعمال فشارهای معمول، مانع از کشتار مسلمانان قره باغ شونـد، نه تنها اقـدامی جـدی نکردنـد و بلکه تلاش میانجی گرانه ی جمهوری اسلامی را هم آماج توطئه و مخالفت خود ساختند و بی علاقگی خود را به سرنوشت ملت تازه استقلال یافته ی قفقاز، ثابت کردند.

ارتباطات فشرده ی امریکا و عواملش با دولتهای تازه مستقل آسیای میانه برای ترساندن آنان از گرایش های اسلامی و آنچه آنـان نام بنیادگرایی بر آن می نهنـد موضعگیری های خصمانه ی آنان در برابر بیـداری اسلامی در همه جا و بطور نمونه یی بارز با حرکت سیاسی پیروزمنـدانه ی مسلمانان در الجزایر، رفتار حیله گرانه و غـدرآمیز آنان با ملت عراق و افکندن آنان در وضعیت غم انگیز و مظلومـانه ی کنونی، دشمنی عنادآمیز آنان با زمامـداران سودان که صـرفاً عکس العمل گرایش اسلامی آنان است و دهها نمونه ی دیگر در سرتاسر جهان، مجموعاً شواهـد انکارناپذیری برخصومت علنی امریکا ودیگر سلطه گران نسبت به اسلام و بیداری اسلامی و بازیافتن هویت اسلامی از سوی مسلمین جهان است.

وظیفه ی مسلمین در برابر موضع عنادآمیز استکبار

ملت های مسلمان باید به این سؤال پاسخ دهند که وظیفه ی مسلمین در برابر این موضع عنادآمیز و کینه توزانه چیست؟ شک نیست که قُلدران عـالم فقـط به احساسـات خصـمانه اکتفـا نمی کننـد، و از همه ی امکانـات مـالی و سیاسـی و تبلیغاتی و اگر بتواننـد، نظامی خود برای اعمال دشمنی استفاده خواهند کرد، همچنان که تاکنون کرده اند. و ملت ایران در طول سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، این دشمنی ها را تجربه کرده و امت بزرگ اسلامی شاهد کینه توزی استکبار جهانی با ایران اسلامی یا سایر نمونه های حرکت اسلامی در نقاط دیگر جهان بوده است.

شک نیست که بی تفاوتی ملت های مسلمان در برابر این وضع، دشمن را تشویق می کند و صحنه را هر روز بر مؤمنین به اسلام تنگتر می سازد. مسلمانان باید نشان دهند، که جهان اسلام دارای قدرت برخورد است و می توانند در برابر تجاوز و دشمنی امریکا و هر متجاوز دیگری بایستد، تاکنون همه ی لطمات جبران ناپذیری که به امت اسلامی از سوی استعمارگران دیروز و مستکبران امروز وارد شده، عمدتاً ناشی از ضعف نفس و ضعف روحیه ی دولتها یا ملت ها بوده است. ایستادگی ملت ها، دشمن را به ستوه می آورد و او را در رسیدن به هدفهای متحیرانه اش ناکام می سازد. اگر رهبران و ملت فلسطین، همین شجاعت فداکارانه یی را که امروز انتفاضه ی اسلامی در برابر صهیونیست ها از خود نشان می دهد، در آغاز تشکیل دولت غاصب صهیونیست نشان می دادند، این سرنوشت مرارتبار و زهرآگین برای فلسطین رقم نمی خورد، و اگر امروز سران نهضت های اسلامی و مردم مؤمن، سختی های مبارزه را بر خود هموار کنند بی گمان امت اسلامی، آینده ی شیرینی را به دست خواهد آورد.

استکبار در تعرض خود به مسلمانان حدی نمی شناسد

استکبار در تعرض خود به ملت های مسلمان، حدی نمی شناسد. امروز صهیونیستهای غاصب و امریکا به عنوان حامی همه جانبه ی آنها تا آن جا پیش رفته اند که حتی ملیت فلسطینی را هم انکار می کنند و حقیقتی به نام ملت فلسطین را نمی شناسند. در حالی که ملت فلسطین، ملتی است با ریشه های عمیق تاریخی و پیوندهای انکارناپذیر جغرافیایی، و آن که نه ریشه ی تاریخی دارد و نه رابطه ی جغرافیایی، ملت جعلی و دروغین اسرائیلی است.

در کشورهای اسلامی که مردم با ایمانی ناگسستنی به اسلام وابسته اند- از قبیل جمهوریهای تازه استقلال یافته که علیرغم هفتاد سال تلاش اسلام زدایی کمونیستها، با گرمی و هیجان از حاکمیت اسلامی سخن می گویند- قدرتهای ضداسلامی تا آن جا پیش می روند که از خطر اسلام گرایی در این کشورها سخن می گویند و شیرین ترین دلبستگی های آنان را به عنوان خطر قلمداد می نمایند.

این گستاخی استکبار و عوامل آن، با یک اراده ی عمومی و یک اقدام هماهنگ از سوی ملت ها و آحاد مردم مسلمان باید پاسخ داده شود و شر توطئه های استکبار از سر ملت های مسلمان برطرف شود. کوتاهی دولتهای اسلامی در مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل، امریکا را به راه انداختن مذاکرات مستقیم اعراب و اسرائیل تشویق کرد و متأسفانه برخی از سران عرب بی آن که به ابعاد بسیار وسیع این ضربه ی استکباری توجه کنند، تن به این خفت دادند. نتیجه این شد که دولت غاصب اسرائیل به هدف خود یعنی شناخته شدن از سوی کشورهای عرب رسید؛ بدون این که سر سوزنی از مواضع متجاوزانه ی خود عقب نشینی کند.

اکنون صهیونیست ها علاوه بر ترور و آدم ربایی و غصب سرزمینهای فلسطین و لبنان و سرکوب فلسطینیان و کشتارهای جمعی و سایر جنایات هولناک خود در گذشته، به طور روزانه روستاهای جنوب لبنان را با حملات هوایی خود با خاک یکسان می کنند و با اعتماد به این که هرگز فشاری از سوی امریکا و اروپا بر آنان وارد نخواهد شد، خشن ترین جنایات را نسبت به مردم آن منطقه مرتکب می شوند. مذاکرات عربها با اسرائیل حتی نتوانسته از ادامه ی تجاوز و جنایات صهیونیستها جلوگیری کند.

این نمونه یی بود از عقب نشینی هایی که دشمن را طلبکارتر و گستاخ تر می سازد.

قدرت ملتهای مسلمان

این جانب نظر رؤسای کشورهای اسلامی را به قدرت عظیمی که در اختیار آنان است جلب می کنم، و آن قدرت ملت های مسلمان است. با پشتوانه ی این قدرت شکست ناپذیر، دولتهای اسلامی می توانند در برابر ابرقدرت امریکا که امروز جبهه ی ضد اسلامی استکبار را سرپرستی می کند، بایستند و از حق ملتهای خود و نیز از ملتهای مسلمان مظلوم دفاع نمایند. اسلام بهترین تضمین برای اداره ی زندگی یک ملت است و در سایه ی آن، ملتها می توانند طعم آزادی و استقلال کامل را بچشند و از آن بهره مند شوند، و ایمان اسلامی آحاد مردم در کشورهای مسلمان نشین، بهترین پشتوانه برای چنین منظوری است.

انتظار از دولتهای مسلمان آن است که به جای ترس و واهمه از اسلام- که امریکا و دیگر سردمداران استکبار سعی فراوان بر القای چنین ترس و واهمه یی در سران کشورهای اسلامی دارند- به این آیین الهی به چشم نجاتبخش ملتهای خود و به مثابه ی پیوندی میان ملتهای مسلمان یعنی اجزای امت اسلامی نظر کنند و با آن برای خود قدرت و عزت فراهم آورند.

این خود قوی ترین وسیله برای جلب و پشتیبانی ملت ها است، و دولتی که ملت خود را پشت سر داشته باشد می تواند از هیچ تهدیدی نترسد.

بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی

به ملت های اسلامی و آحاد مردم مسلمان نیز عرض می کنم که علاج همه ی دردها و ناکامی های ملل مسلمان، بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی و زیر سایه ی احکام اسلامی است. این آن چیزی است که عزت و قدرت و برخورداری از نعم بزرگ امنیت و رفاه را به مسلمانان برمی گرداند و سرنوشت تلخ و ذلت آمیزی را که طراحان استکبار برای امت مسلمان تدارک دیده اند، از آنان دور می سازد.

تبلیغات استکباری بر ضد اسلام که بخشی از حمله ی صلیبی جدید است، چنین وانمود می کند که اسلام قادر بر سازماندهی زندگی سیاسی و اقتصادی ملتهای مسلمان نیست و ملتهای مسلمان چاره ای جز این ندارند که با معیارها و شکل و محتوای حکومتها و نظام های سرمایه داری غرب زندگی کنند. این یک ترفند و دروغ مزورانه است که برای وابسته کردن کشورهای اسلامی به اردوگاه استکباری غرب و استثمار منابع مادی آن طراحی شده و سالها است تبلیغ می شود. نظام سرمایه داری غرب تا گلو در مشکلات انسانی لاینحل فرو رفته و با وجود ثروت های فراوانی که در اختیار دارد، از استقرار عدالت اجتماعی بکلی ناتوان مانده است. شورش اخیر سیاهان در امریکا نشان داد که نظام امریکا نه فقط نسبت به ملت های آسیا و افریقا و امریکای لاتین، که نسبت به ملت خود نیز با بی عدالتی عمل می کند و در این جا نیز مانند آن جاها، اعتراض را با خشونت و سرکوب پاسخ می دهد. درست است که اردوگاه کمونیزم متلاشی و نابود شد، اما رقیب

آن یعنی اردوگاه سرمایه داری هم با وضع فعلی و بخصوص با غرور و طغیانی که پس از یکه تاز شدن در میدان قدرت، بدان دچار شده ماندنی نیست و دیر یا زود دنیا شاهد سقوط و تلاشی آن نیز خواهد بود.

اسلام قادر است که مسلمانان و همه ی انسانیت را نجات دهد، مشروط بر آن که درست شناخته و سپس درست به آن عمل شود. نظام اسلامی در ایران به فضل الهی مظهر اقتدار و توانایی های اسلام و تجربه یی مجسم برای مسلمانان است. و این در حالی است که از عُمر سیزده ساله ی آن، هشت سالش در جنگی که با برنامه ریزی و کینه توزی استکبار شرق و غرب بر آن تحمیل شده بود، گذشت و پیش از آن و بعد از آن تا امروز هم بی وقفه آماج دشمنی ها و خباثت های اردوگاههای دشمن قرار داشته است.

امام خمینی عظیم(قدس اللّه نفسه الزکیه) ملت ایران را بیدار و مسلح به عزم پولادین و عملِ مخلصانه کرد، و این راه هم اکنون در برابر همه ی ملت ها قرار دارد.

دولتهای اسلامی از آمریکا نترسند

همه ی آنچه از دولتهای مسلمان انتظار می رود، با اراده و خواست ملتهای آنان قابل تحقق است. شما باید از دولت های خود، مقابله با صهیونیزم و استکبار، و دفاع از مسلمانان مظلوم سراسر عالم و یکپارچگی و برادری با ملت ها و کشورهای مسلمان دیگر را طلب کنید و در راه این هدفهای عالی، پشتیبان دلسوز و فداکار آنان باشید.

شما باید به آنان بقبولانید که از امریکا نترسند و در مقابل قُلدری های آن بایستند. و شما باید به آنان تفهیم کنید که اسلام و قرآن تنها راه نجات است و آنان را به حصار مستحکم لااله الااللّه سوق دهید.

و در این وظیفه ی بزرگ، علمای دین، روشنفکران، خطبا، هنرمندان، دانشجویان و جوانان دارای نقش و مسؤولیت سنگین تری می باشند، و زنان نیز مانند مردان و دوشادوش آنان در این وظیفه سهیم اند. این است آنچه دعای ابراهیم خلیل علیه السلام را در حق همه ی شما مستجاب می کند و شما را با پیوند الهی به آن مُنادی بزرگ توحید متصل می سازد. در پایان به حجاج محترم ایرانی توصیه می کنم که از این فرصت ارزشمند برای

تزکیه ی نفس و ارتباط با خدا و توبه و انابه به حضرت حق و تحصیل رستگاری روحی حداکثر استفاده را بکنند، و از دعا و تضرع و تفکر و تصفیه ی روح، لحظه یی غفلت نکنند و نگذارند که خدای نخواسته مظاهر بی ارزش مادی که همه جا نظائر آن را می شود یافت، چشم و دل آنان را به خود جذب کند و این روزها و ساعتهای استثنایی را که مخصوص معنویت و تکمیل نفس و تربیت روح و ارتباط با برادران مسلمان است، به بیهودگی از آنان برباید.

خداوند همه ی شما را مشمول تفضلات الهی و توجهات و ادعیه ی زاکیه ی حضرت ولی عصر(ارواحنافداه) قرار دهد.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّه

علی الحسینی الخامنه ئی

اول ذی حجهالحرام ۱۴۱۲

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج(۸/ ۲/ ۱۳۷۲ ه. ش.)

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج

اشاره

(۸/ ۲/ ۱۳۷۲ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيْمِ

عمل ما با قصد قربت باشد

اولًا از همه ی آقایان محترم و خواهران گرامی که متحمل زحمات و خدمات این واجب بزرگ وفریضه ی ممتاز اسلامی شده ایـد وان شاءاللَّه درحج آینده ونزدیک خواهید توانست و توفیق پیدا خواهید کرد که این واجب را به بهترین وجه برگزار کنید و به حجاج محترم خدمت کنید، صـمیمانه تشکر می کنم و به شما خوش آمد می گویم وامیدوارم که خدمات شما و زحمات واهتمـامی که مسؤولین محترم در امر حـج مبـذول می کننـد مورد توجه حضـرت ولی عصـر، ارواحنـاله الفـدا، و مقبول درگاه پروردگار عالم باشد.

یک مطلب اساسی وزیر بنایی فردی وجود دارد که به حسب طبع کار، مقدم بر همه مسائل و ضروریات دیگر است؛ و آن، این است: عملی که از ما سر می زند، ان شاءاللَّه باید همراه باشد با قصد قربت و با طلب مرضات الهی. این، پایه ی کار است. همه ی کارها این جور است که با قصـد خوب ونیت طاهر و قصـد خـدایی، بهتر انجام می گیرد؛ حتی کارهای دنیایی محض. لکن کارهـایی که طبع عبـادی و جنبه ی معنوی دارد، تأثیراتی فراتر از تأثیرات قابل محاسـبه ی مادی می گـذارد؛ که این حـج هم، یکی از اظهر مصادیق این جور کارهاست؛ و به نیت خالص و قصد الهی بیشتر احتیاج دارد.

اگر کار برای خـدا و به قصـد انجام تکلیف و کسب مرضات الهی شـد، خداونـد به آن برکت می دهـد، اثر می دهد، جذابیت می دهد و دلها را به طرف آن جلب می کند. در این

مورد خاص هم، آنچه که شما از تأثیرات حج دنبال آن هستید، آن را فراهم می کند. شما به این حرکت عظیمی که انجام گرفت- یعنی اصل پیدایش انقلاب، شروع نهضت و مبارزه و کارهایی که در این انقلاب شد، از جمله همین مسأله ی حج که امام راحل عظیم الشأن ما، رضوان اللَّه تعالی علیه و قدّس اللَّه نفسه الطیبه الزکیه، این کارها را شروع کردند- نگاه کنید درهمه ی این کارها، آن مردالهی و معنوی، نیتش نیت خدایی بود. خدا هم برکت داد. تبدیل حج از یک عمل نیمه تجاریِ نیمه سیاحتیِ تفننی به یک حرکت عظیم اسلامی با ابعاد جهانی، کار کوچکی نبود. این کار، با برنامه ریزیهای سیاسی و دنیایی و این چیزها قابل تحقق نبود. این راخدا کرد؛ و آن هم به خاطر نیت خالص آن مرد بود. ما هم باید این را یاد بگیریم و در کارهایمان نیتها را خدایی کنیم، ان شاءاللَّه شما که همین جور هم هستید.

حج؛ ذخیره یی برای دنیای اسلام

مطلب بعدی که از لحاظ تأثیرات اجتماعی و جهانی و بین المللی مهم است، خود این قضیه ی حج است. حج یک ذخیره است برای دنیای اسلام. اگر از این ذخیره خوب استفاده بشود، به دنیای اسلام سود خواهد بخشید. اگر از این ذخیره استفاده نشود، یا اینکه بد مصرف شود و بد استفاده شود، دنیای اسلام- با این همه احتیاجی که دارد- از آن محروم خواهد ماند و یا خدای نکرده احیاناً از آن ضرر هم خواهد برد. ما مردم مسلمانی که در این نقطه از دنیا داریم زندگی می کنیم، اختیار دار امور حج در ابعاد وسیع که نیستیم، ما خودمان و کار خودمان و تأثیرات آن را مالکیم. مابایدحج را به نحوی انجام بدهیم که دنیای اسلام از آن سود ببرد. حج یک مرکزاجتماع است. خدای متعال می توانست برای زیارت خانه ی خودش دوره ی سال را بگذارد. اگر فقط رفتن و دورخانه طواف کردن و حال و توجه پیدا کردن بود، چه لزومی داشت که همه ی مردم دنیا موظف باشند دریک روز، در یک مقطع زمانی، در روزهای مشخصی، این جا را زیارت کنند.

می گفتند که وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ، (۱) که در دوره سال بیایند. هرکس هر وقت می تواند

۱- حج: ۲۷

بیاید حج بکند! این را نگفتند. حج را أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ قرار دادند؛ زمان مشخص قرار دادند. در داخل حج، اجتماعات یک روزه، یک شبه، دو- سه روزه قرار دادند؛ خواستند همه همزمان در آن جا جمع بشوند. این برای چیست؟ برای این است که لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ (۱)

پس این منافعی که مسلمانها در دوران حج باید شاهد باشند و آن را ببینند، منافعی است که با حیثیت تجمع مردم و با این حالت اجتماع ارتباط پیدا می کند. اگر اجتماعی تشکیل بشود که در آن ارتباطی نباشد، هزارها تَن بیایند بی ارتباط با هم، بی تماس باهم و بدون خبرگیری از هم، بدون کمک معنوی به هم، بدون همفکری، مقصود حاصل نشده است. چه معنی دارد که عده ای را یک جا جمع کنند، درحالی که از آن جمع شدن هیچ فایده ای برای آنها متصور نیست؟ چرا نگفتند دوره ی سال را بیایید؟

لابد می خواستند که مسلمانها در این وقت معین در این جا اجتماع کنند، مجتمع بشوند، تا از این اجتماعشان فایده ای ببرند. چه فایده ای از این اجتماع می شود برد؟ دهها فایده! مگر می شود اینها را سر دستی اینها را شمرد؟ اگر به عمق مسأله پی ببرید، دهها فایده ی بزرگ دارد، که همه برای دنیای اسلام لازم وحیاتی است.

حج؛ یک فرصت استثنایی

اگر زمانی لازم باشد از اجتماع حج، استفاده ای بشود که دنیای اسلام به تمام معنا نیازمند آن باشد، آن زمان حالاست. هیچ وقت مسلمانها مثل امروز احتیاج به اجتماع کردن و تماس گرفتن با همدیگر و ارتباط پیداکردن با هم نداشته اند. مدتها بود که مسلمانها خواب بودند، غافل بودند، نوری نبود، برقی نبود؛ بیدار نبودند. نه اینکه گرفتاری نداشتند! گرفتاری بود، اما نه آن قدری مایه ی تنبه و بیداری بشود و آن گرفتاریها را درک کنند و دنبال علاج باشند. آن دوره، که دوران رکود بود، گذشت، امّا اجتماع حج برایشان فایده ای نداشت. یک عده آدم خواب، ملتهای در خواب غفلت نگه داشته

۱- حج: ۲۸

شـده، غافل از وضـعیت خود، به فکر این بودنـد که گلیم خود را از آب حـج بیرون بکشـند و واجبشان رااانجام بدهند و بروند. یـک مـدتی چنین بود. امروز هم مسـلمانها، به خـاطر گرفتاریهـایی که برای آنها در همه جای دنیا به وجود آورده انـد، نهایت احتیاج را به همفکری و همکاری دارند. این همکاری وهمفکری امروز ممکن است، لکن در گذشـته ممکن نمی شد. لذا این فرصت، یک فرصت استثنایی است و باید از آن استفاده کرد.

می خواهند مسلمانها را در خواب غفلت نگه دارند

شمـا نگاهی بکنیـد به اکناف عالم، ببینیـد این قـدرتهای سـتمگر با مسـلمانها چه دارنـد می کننـد. اولین نیت آنها این است که مسـلمانها را درخواب غفلت نگه دارنـد و اگر کسـی هست که به مسـلمانها هشـدار می دهد، هر جور می توانند او را از صـحنه خارج کنند. این، بزرگترین همت استکبار وقدرتهاوقلدرهای جهانی است. می خواهندمنذری نباشد؛ منبهی نباشد؛ بیدار کننده ای نباشد؛ و به همین سـبب با جمهوری اسلامی مخالف اند. مخالفت باجمهوری اسلامی به خاطر این تهمتهایی که به دروغ به جمهوری اسلامی می زنند، نیست. اینکه ادعا می کنند در جمهوری اسلامی حقوق بشر رعایت نمی شود- که البته حرف غلط و دروغ و افترای محض است- این به خاطر این نیست که واقعاً آنها به حقوق بشـر اهمیت می دهند، برای بشر ارزشی قائلند. ما تـا مـدتی پیش گمان می کردیم که این غربیها و امریکاییهایی که پرچم حقوق بشـر را به دروغ در دست گرفته انـد برای بشـر آسـیایی و افریقـایی و امریکای لاتین و اینها ارزشـی قائل نیسـتند و ارزش را فقط برای خودشان قائلنـد؛ امّا حالا معلوم شـد که برای هیـچ بشـری ارزش قائل نیسـتند و اگر یک وقت خواسـتها و شـهواتشان اقتضا بکند حاضـرند هرجور انسانی را، مربوط به هرمنطقه ی از عالم که هست، نابود کنند. درهمین چند هفته پیش دیدید در امریکا یک گروه را که عقیده ی انحرافی داشـتند کشـتند. حالاـ عقیـده ی آنهـا برای مـا درست هم روشن نیست. امّا آنها که می گوینـد: «عقیـده اشـکالی نـدارد، همه آزادنـد» درهمان روزها رئیس جمهور و مسؤولین عالی رتبه ی امریکایی ایسـتادند تا برای همجنسبازان حقوقی قائل بشوند. پس داشتن یـک عقیــده ی منحرف و غلـط و باطـل چـه جرمی محسـوب می شـود کـه جمع شدنــد و اینهـا را نـابود کردنــد و در آتش سوزاندند؟!

روی جمهوری اسلامی فشار می آورند

ما از کسی دفاع نمی کنیم. ما، آن گروهی را که کشته شدند، نمی دانیم چه جور کسانی بودند. امّا می خواهیم این نکته برای همه و از جمله مردم ما روشن بشود- که بحمداللَّه روشن هم هست، حتی وسواسیهای داخل جامعه هم، دیگر حالا می دانند- این کسانی که ادعا می کنند که طرفدارحقوق انسانهاهستند، اینها راست نمی گویند، اینها خلاف می گویند، اینها دروغ می گویند. کسانی که این قدر به بشر بی اعتنا هستند، اگر به یک کشوری ایراد گرفتند که در آن جا حقوق بشر نقض می شود، آدم عاقل باید نگاه کند ببیند مقصودشان از این حرفها چیست؟ چه هدفی پشت سر این حرف قراردارد؟ آن هدف معلوم است چیست. اینها نمی خواهند یک جمهوری اسلامی ای باشد، که قیام این جمهوری اسلامی، وجود این جمهوری اسلامی، به این معنی است که مسلمانان در همه جای دنیا می توانند مشابه چنین کشوری را تشکیل بدهند. از این می ترسند! اینها می خواستند که جمهوری اسلامی نابود بشود؛ می خواستند ناکام بشود، می خواستند در راه هدفهایش پیش نرود؛ می خواستند گرفتاریهای بزرگ پیدا کند.

حالاکه می بینند بحمداللَّه با همت مردم، دولت و مسؤولین، کشور به طرف سازندگی پیش می رود، به طرف آبادی پیش می رود، مردم یکپارچگی خودشان را در حد اعلا حفظ کرده اند، عزت جهانی کشور روزبه روز رو به افزایش است، حالا که می بینند جمهوری اسلامی مقتدر است، سر بلند است، مستقل است، از کسی ملاحظه نمی کند، به قدرتی اعتنا نمی کند، ناراحتند. از اینکه می بینند چنین نظامی، با حضور خود، ملتهای مسلمان را تشویق می کند که بیدار بشوند و به اسلام خودشان فکر کنند، ناراحتند. بیداری مردم اولین چیزی است که اینها درصدد هستند مانع آن بشوند، لذا فشار می آورند روی جمهوری اسلامی. البته فشار آنها اثری ندارد. اگر قرار بود فشارهای امریکا و امثال امریکا برروی جمهوری اسلامی، برای آنها اثر مطلوب داشته باشد، جمهوری اسلامی- به فضل الهی و به توجهات ولی عصر- این جور پیشرفت نمی کرد.

کید دشمنان به جایی نمی رسد

بودن این ملت، قیام جمهوری اسلامی، عزت جمهوری اسلامی، بزرگترین دلیل و

روشن ترین دلیل بر این است که کید دشمنان به جایی نمی رسد و به کوری چشم آنها، مسلمانها در همه جای دنیا، کم و بیش بیدار شده اند؛ ملتها به خود آمده اند و قدر اسلام را می دانند. با وجود این همه فشاری که بر مسلمانها وارد می کنند، نیروی اسلامی و روح اسلامی، رو به فزونی و ازدیاد است. حالا مثلًا به اصطلاح مذاکرات صلح راه انداخته اند، برای اینکه قیام مسلمانان فلسطین را خاموش کنند! مگر توانستند؟ مگر می توانند؟

اسمش راگذاشته اند «صلح»! این صلح است یاظلم است؟ مخالفت ما با این مذاکراتی که دارد بر سر فلسطین مظلوم انجام می گیرد، به خاطر مخالفت باصلح نیست. ما طرفدار صلحیم، ما منادی صلحیم، ما منادی بالاتر از صلح هستیم. ما می گوییم: بین مسلمین عالم و بین آحادبشر برادری باشد. ما طرفدار برادری هستیم، ما مخالف با صلح نیستیم؛ اما این مذاکراتی که امروز در امریکا در جریان است، مذاکره ی صلح نیست؛ این، مذاکره ی ظلم است. می خواهند یک ظلم راتثبیت کنند؛ می خواهند یک ظلم را قانونی و رسمی کنند.

البته که ما مخالفیم! همه ی جوانمردان عالم باید مخالف باشند. همه مسلمانان باید مخالف باشند و با آن مخالفت بکنند. خانه ی ملت فلسطین را از آنها گرفته اند و یک مشت غاصب را در آن جا، جا داده اند، پشتیبانی کرده اند، و به دست آن غاصبین، صاحبخانه ها را به فجیع ترین شکل سرکوب کرده اند. حالا هم برای اینکه دهان صاحبخانه ها را ببندند و به کلی ادعای آنها را از مایملک خودشان پس بگیرند، می خواهند با دولتهای عرب و اسرائیل بنشینند مذاکره کنند!

امریکا اشتباه می کند

مگر کسی حق دارد از طرف ملت فلسطین چیزی را امضا بکند! مگر کسی حق دارد عوض کسی، خانه ی او را به غاصبی بفروشد! ما امیدواریم این مذاکرات به یک قرار داد امضا شده ای نرسد؛ اما اگر قراردادی هم درست بشود؛ اگر پای آن را دولتهای عربی که حضور پیدا کرده اند امضا بکنند؛ آن امضا ازنظرمردم فلسطین و از نظر مسلمانهای عالم و از نظر ما اعتباری ندارد. امریکا اشتباه می کند؛ امریکا با جمع کردن دولتهای عرب دور یک میز برای چنین مذاکره ی ننگینی، دولتهایی را که در آنجا جمع شده اند، در پیش مردمشان منفورتر می کند. مگر مردم کشورهای عرب حاضرند موافقت کنند که

رؤسایشان برونـدخانه ی ملت فلسطین رابه دیگران بفروشـند! با این کار فاصـله ی بین این رؤسا- اگر خـدای ناکرده به چنین امضایی برسند- و ملتهایشان بیشتر خواهد شد.

ملتهایشان راخشـمگین تر خواهـدکرد. ملت مصـر را خشـمگین تر خواهـدکرد. آن بیچاره ی مصـری بلندمی شود مثل سائل به کف، می رود به امریکا برای شـکایت کردن ازایران! شـکایت بکنـد پیش آن بیچاره ای که خود او بیشتر از این دلش از ایران پُر است وشکایت دارد! از ایران چرا شکایت می کنی؟! ازاسلام شکایت کن. از ملت مسلمان خودت شکایت کن. آن آقا اگر قرار است از کسی شکایت کند، از ملت مصر باید شکایت کند.

ملت مصـر، ملت مسلمانی است. ملت مصر، دارای سابقه ی در اسلام است. ملت مصر افتخارات بزرگی درراه افکار نو اسلامی و مبـارزات اسـلامی دارد. این ملت، ملت غیـوری است. یقین است که این ملت حاضـر نیست خیـانت سـران خـودش را تحمل کند، و با آنها درگیری پیدا می کند. درگیری مردم مصـر به ماچه ارتباطی دارد؟ ما هر جا مسلمانها بیدار بشوند، خوشحال می شویم. هر جا مسلمانها مشتشان راگره کنند، ما خوشحال می شویم.

هر جامسـلمانها کتک بخورند، ما غمگین می شویم واحساس مسؤولیت می کنیم. اما ما نیستیم که بخواهیم وارد بشویم و ملتی مثل ملت مصـر را متوجه تکالیفشان کنیم. خودشان تکلیفشان را می داننـد. خودشان آگاهنـد چه بایـد بکنند؛ و درست فهمیده اند. درست فهمیده است ملت مصر، درست فهمیده اند جوانهای مصرکه در مقابل آن حکومتی که دارد به آرمان اسلامی و به آرمان فلسـطین و به سـرنوشت کشورهای اسـلامی خیانت می کنـد، ایسـتاده انـد. این به ماارتباطی ندارد. اشـتباه اینها در همین است که قوت اسلام و نیروی اسلام و تأثیر اسلام را نمی توانند بفهمند.

فاجعه آفرینی قدرتها در تاریخ خواهد ماند

امروز شـما ملاحظه کنید در بوسـنی و هرزگوین چه خبر است! این بوسـنی و هرزگوین واقعاً یک تابلو ماندنی است. خیانت و فاجعه آفرینی قدرتهایی که امروز به ظاهر دم از دلسوزی برای مردم بوسـنی می زنند در تاریخ خواهد ماند. مَثَل این امریکاییها و بعضی از اروپاییها که زبانی دلسوزی می کنند، مَثَل دو نفر است که در مقابل هم قرار گرفته باشند. بعد شمشیر یکی را از او بگیرند و شمشیر دیگری را تیز کنند؛ و همین که او

شمشیر را در بدن این مرد غیر مسلح فرو برد و نزدیک است که وارد قلبش بشود، شروع کنند در اطراف او به آه و ناله کردن که «حالا ـ چطور است دعوا را متوقف کنیم؟ چطور است دوا و درمان کنیم؟ چطور است نگذاریم؟» این حرفها، انسانهای هشیار را به خنده ی تمسخرآمیز وادار می کند.

مردم بوسنی بیشتر از یک سال است که زیر فشار هستند. شما می گویید «ما دل می سوزانیم، آذوقه می فرستیم، صربها را محاصره ی اقتصادی می کنیم؟!» اینها همه اش حرف مفت است؛ اینها ادعای دروغ است؛ اینها منافقانه عمل کردن و حرف زدن است.

اگر اینها راست می گفتند ودلشان برای مسلمانها می سوخت، بایستی محموله های سلاح را می بردند به دست آن مسلمانها می دادند. آن مسلمانها احتیاج به نان وغذای کسی ندارند؛ احتیاج به کاروان غذای سازمان ملل ندارند؛ احتیاج به دلسوزی دروغانه ی این و آن ندارند. اگر سلاح داشتند، از خودشان دفاع می کردند. می بینید چه فاجعه ای را همین امریکا و بعضی از کشورهای اروپایی به پشتیبانی از قصابان و ستمگران صرب وکروات دارند انجام می دهند!

شکوه و قدرت اسلام روزبه روز بیشتر خواهد شد

اما این را می خواهم عرض کنم؛ و این یک نکته ی اساسی است: علی رغم همه ی اینها، به فضل پروردگار، پس از چندی شکوه و قدرت اسلام، با پشتیبانی همین مردمی که برای اسلام مقاومت می کنند، در اروپا روزبه روز بیشتر خواهد شد، و خواب همان کسانی که می خواهند اسلام نباشد، بر آشفته خواهدشد. این، قدرت اسلام است؛ این، معنویت اسلام است؛ این، آمادگی مسلمین است؛ این، نیاز جهان اسلام و جامعه ی اسلامی به همفکری و همکاری است واین صحنه ی عظیم حج است و این شما خدمتگزاران که باید حجاج را راهنمایی کنید، هدایت کنید، احکام آنهارابه آنها تعلیم بدهید، آنها را از لحاظ عمل شخصی شان، از لحاظ استفاده ی بهتر از مراسم حج راهنمایی کنید. ان شاءاللّٰه خدای متعال پشتیبان شما باشد و توجهات حضرت ولی عصر، ارواحنا له الفدا، شامل حال شما باشد و حج مقبول و سعی مشکوری داشته باشید.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام(۲۸/ ۲/ ۱۳۷۲ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۲۸/ ۲/ ۱۳۷۲ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

الحمـدللَّه ربّ العـالمين والصّـلاه على رسوله النّبىّ الأـمين و على آله الميامين و أصـحابه المنتجبين والسّـلام على جميع عباداللَّه الصّالحين.

قال اللَّه الحكيم: وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ أَنْ لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً.

وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ.

تجدید بهار ایمان و حیات دینی

بـار دیگر اراده ی نافـذ الهی، مؤمنین را در زادگـاه توحیـد و بارگـاه رحمت و فضل ربوبی و بر گرد کعبه ی دلها و در ساحت قبله ی جانهای مسـلمین عالم گرد آورده و ندای ملکوتی: وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ، بر فواصل طبیعی و تحمیلی برادران مسـلمان فـائق آمـده و انبوه دلهـایی را که با ایمان و عشق و نیاز یکسان می تپنـد، به سوی مرکز توحیـد و وحـدت امت کشانیـده است. سالیان دراز، دست جهل و عناد، سـعی کرده است خانواده ی بزرگ اسلامی را در آن واحد، هم از ریشه ی اعتقادی اش وهم از علقه و پیونـد فیمابین ایمانی اش جـدا کنـد، اما از این سو نیز همه ساله، فریضه ی حـج، درس توحید و وحدت را، در کالبد این خانواده ی کهنسال و ریشه دار تزریق می کند و هر سال شـکوفه های تازه یی، بیش از گذشته، تجدید بهار ایمان و حیات دینی و انس و مودّت اسـلامی را، نویـد می دهـد، و سـاخته هـای دست دشـمن را باطل می سازد. این معجزه ی حـج است که علیرغم وجود درگیریها و منازعاتی که، در آن، حکومتهای مسلمان بارها در برابر یکدیگر

صف آرایی کرده انـد، هرگز پیونـدهای فکری و عـاطفی و ایمـانی میان ملتهای مسـلمان قطع نشـده و تأثیرات متقابل این ملتها همواره رو به افزایش بوده است.

سه ویژگی برجسته ی حج

اگر چه رازها و رمزهای حج بیش از آن است که در گفتاری بتوان آن را گزارش کرد ولی در آن میان، هر چشم رازشناسـی، سه ویژگی برجسته را در نگاه اوّل، در آن باز می شناسد: نخست آن که حج، یگانه فریضه یی است که خداوند برای ادای آن همه ی آحاد مسلمین هر آنکس از آنان را، که دارای استطاعت باشد از سراسر عالم و از خلوت خانه ها و عبادتگاهها، به یک نقطه فرا می خوانـد و در ایّام معلومات، در گونه گون تلاش و حرکت و سـکون و قیام و قعود، آنان را به یکـدیگر پیونـد می زند: ثُمَّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ. دوم آن که در همین کار دسـتجمعی و علنی، برترین منزل مقصود را ذکر خـدا، یعنی کاری قلبی و نفسانی، معرفی می کنـد: وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّام مَعْلُوماتٍ عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَهِ اْلأَنْعام. سوّم آن که در صفحه ی روشن و همه کس شناس آن، تصویری از نمای کلّی زندگی انسان موحّد را عرضه می کند و در عملی رمزی، به مسلمان درس زندگی هدف دار و جهت دار می دهد.

از ورود در میقات و حضور در ساحت احرام و تلبیه و تروک تا طواف، گرد مرکز کعبه و سـعی میان صـفا و مروه و وقوف در محشـر عرفـات و مشـعروذکر و تضـرّع و تعارفی که در آن است، و تا رسـیدن به منا و قربانی اش و رمی جمره اش و حلقش و سپس دوبـاره برگشـتن بـه طـواف و سـعی، همـه و همه درسـهای رسـا و روشن حرکت جهت دار و دسـتجمعی و معرفت آمیز مسلمان، در عرصه ی توحید و در مسعای حیات و برگرد محور «اللّه» است.

زندگی در آیینه ی حج؛ یک صیرورت دائمی

زندگی در آیینه ی حجّ، یک سیر دائمی بلکه یک صیرورت دائمی به سوی خدا است، و حج، آن درس همیشه زنده ی عملی و سازنده است که اگر به هوش باشیم راه و

رسم زندگی ما را در صحنه یی عملی و روشن ترسیم می کند. میعادی همگانی، هر سال تشکیل می شود تا مسلمان، در آن محیط وحدت و تفاهم، و در پرتو ذکر الهی، راه و جهت زندگی را بیاموزد، آنگاه به سرزمین خود و به میان کسان خود برگردد، و در سالهای بعد گروههای دیگر و گروههای دیگر بیایند و بروند، بیاموزند و بیندوزند، بگویند و عمل کنند، بشنوند و تدبّر کنند، و در نهایت همه ی امتّ، به آنچه خدا خواسته و دین آموخته، برسند. نظر افکندن به عرصه ی عظیم زندگی امّت اسلامی، فراتر از ابعاد ملتها و نژادها و قوم و قبیله ها، و نظر افکندن به اعماق وجود خود و فراگرفتن راه و جهت و شیوه ی زندگی، چنانکه شایسته ی اوست، و همه در پرتوی از ذکر خدا. این است آن سرچشمه ی معرفتی که هر ساله در حجّ، فیّاض و بی زوال، بر انبوه خلایق گرد آمده در حرم امن خدا سیلان می یابد و کسانی را که ظرف ذهن و دل خود را بگشایند، از این زلال معرفت، سیراب می سازد.

سعی شده حج را فریضه ی فردی قلمداد کنند

در گذشته و امروز، نیز کوششهایی شده است و می شود تا حج را فریضه یی فردی، که در آن هر کس فقط سرگرم عبادت و نیایش خود با خداوند است، قلمداد کنند.

بگذریم از آن غفلت زدگانی که به سفر حج، به چشم سفری سیاحتی و تجارتی نگاه می کنند. حج با برجستگیهایی که در هیچ فریضه ی دیگر اسلامی، مجموعه ی آن را نمی توان یافت، بسی برتر از بینش تنگ نظرانه ی آنان و نگاه بی فروغ و خطابین اینان است. در دوران ما بزرگترین کسی که حج را از پرده ی اوهام بیرون کشید و رازهای آن را در ذهن و نیز در عمل جمع عظیمی از مسلمانان، نمایان ساخت امام راحل کبیر ما بود. او حجّ ابراهیمی را ندا کرد و خلایق را بدان فرا خواند. یکبار دیگر صلای: وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ را به گوش جهانیان رسانید. حجّ ابراهیمی همان حجّ محمّدی است که در آن، حرکت به سمت توحید واتحاد، روح وسرلوحه ی همه ی مراسم وشعائر است؛ حجّی مایه ی برکت و هدایت و ستون اصلی در حیات و قیام امّت واحده، حجّی سرشار از منافع و پربار از ذکر خدا، حجّی که در آن ملتهای مسلمان، وجود امّت فراگیر محمّدی صلی الله علیه و آله و

حضور خود در آن را لمس می کننـد و بـا احسـاس برادری و نزدیکی ملتها، از احساس ضـعف و عجز و خود باختگی رها می شونـد. حـجّ ابراهیمی، آن است که در آن مسـلمین، از تفرقه به جمعیّت حرکت کننـد و کعبه را، که بنای یاد بود توحید و رمز برائت و نفرت از شـرك و بت پرستی است، با معرفت به معنای رمزی آن طواف کننـد و از ظاهر و پیکره ی مناسک به باطن و روح آن برسـند و از آن برای زندگی خود و زندگی امت اسـلام، توشه برگیرند. اکنون این جانب، با امید به رحمت و هدایت الهی و با دعا برای قبولی و پرباری حجّ شـما برادران و خواهران مسلمان از سراسر جهان اسلام، فرصت تدبّر در مناسک حجّ را مغتنم شمرده، مطالبی را که توجه به آن برای همه ی آحاد مسلمان سودمند است، تذکّراً عرض می کنم:

توحید؛ روح اساسی حج

۱- نخستین مطلب در باب توحید است، که روح اساسـی حجّ و مضـمون بسیاری از اعمال و مناسک آن است. توحید با مفهوم عمیق قرآنی آن، به معنای توجّه و حرکت به سوی اللّه و ردّ و نفی بتها و قـدرتهای شـیطانی است. خطرناکترین این قـدرتها در درون وجـود آدمی، نفس امّاره و هواهـا و هوسـهای گمراه کننـده و پسـت کننـده اسـت، و در سـطح جـامعه و جهـان، همـان قـدرتهای اسـتکباری و فتنه انگیز و فساد انگیزند که امروزه بر زندگی مسـلمانان چنگ انداخته و با روشـهای شـیطانی، جسم و روح بسـیاری از ملتهـای مسـلمان را دسـتخوش سیاسـتهای خود ساخته انـد. مراسم برائت در حـجّ، اعلان بیزاری از این قـدرتها است. هر چشم روشن و نگاه عبرت آمیزی می توانـد در زندگی جوامع مسـلمان، نشانه ی سـلطه ی قدرتها یا تلاش آنان برای تسـلّط بر کشورهای اسـلامی را مشاهده کند. در برخی از این کشورها، سیاست و اقتصاد و روابط بین المللی و موضعگیری در برابر حوادث عـالم، همسو و تحت تـأثیر قـدرتهای سـلطه گر و در رأس آن امریکـا است. رواج فسـاد و رسـمی بودن فحشاء و محرمات شـرعی در بسـیاری از این کشورها، متأثر از سیاسـتهای شـیطانی آن قدرتها است. وظیفه یی که حج و اعمال و شـعائر توحیدی آن بر مسلمان حج گزار لازم می سازد، ابراز برائت و بیزاری از این همه است، و

این اوّلین قدم، در راه تجسّم اراده ی اسلامی در نفی این پدیده های شیطانی و استقرار حاکمیت اسلام و توحید، بر همه ی جوامع اسلامی است.

ایجاد تفرقه میان مسلمین؛ سیاستی استعماری

۲- مطلب بعدی در باب اتحاد و یگانگی مسلمین است که مضمون برجسته ی دیگری از مناسک حجّ است. از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاستهای قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده است. گاه با حربه ی اختلافات فرقه یی و گاه با ابزار ملی گرایی و قوم گرایی و گاه با غیر اینها. متأسفانه با وجود فریاد مصلحان و منادیان وحدت، این حربه ی دشمن، هنوز تا حدودی بر پیکر امّت اسلامی، ضربه ها و جراحتهایی وارد می سازد. دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، عرب و عجم، آسیایی و افریقایی، و عمده کردن ناسیونالیسم های عربی، تورانی و فارسی، اگر چه به وسیله ی بیگانگان آغاز شده است اما متأسفانه، امروز به وسیله ی خودی هایی که بر اثر کج فهمی و یا نوکری اجانب، آب به آسیاب دشمن می ریزند، ادامه می یابد. کار این انحراف گاه به آن جا می رسد که برخی از دولتهای مسلمان، با صرف پول تلاش می کنند، میان مذاهب اسلامی یا ملتها و اقوام اسلامی تفرقه ایجاد کنند، و یا بعضی از عالم نمایان صریحاً فتوا به کفر بعضی از فرق اسلامی، که سوابق درخشانشان در تاریخ اسلام واضح است می دهند. ملتهای مسلمان شایسته است انگیزه های خبیث این کارها را شناخته، دست پنهان شیطان بزرگ و ایادی و اذنابش را در پشت سر آن ببینند، و خیانتکاران را افشا کنند.

مبارزه ی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمانان

۳- نکته ی مهمّی که شایسته است همه ی مسلمین آن را دانسته و برای مقابله با آن احساس تکلیف کنند، آن است که امروز تقریباً در همه جای جهان، مبارزه ی سرسختانه و توطئه آمیزی از سوی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمین در جریان است. اگر چه اصل این مبارزه، تازگی نداشته و نشانه های آن در تاریخ استعمار اروپایی کاملًا

شناخته شـده است، ولی می توان گفت که شیوه هـای متنوّع آن، علنی بودن آن و در مواردی شدیـداً قساوت آمیز بودن آن، تاکنون سابقه نداشته و پدیده ی این روزگار است.

نگاهی به اوضاع کنونی عالم اسـلام، علّت این پدیـده؛ یعنی شـدّت گرفتن و علنی شـدن مبارزه با اسـلام را آشکار می سازد. علّت، چیزی جز گسترش بیداری مسلمین نیست.

حقیقت آن است که مسـلمین در یکی دو دهه ی اخیر در شرق و غرب جهان اسلام و حتی در کشورهای غیر اسلامی، نهضت حقیقی و عمیقی را شـروع کرده اند، که باید نهضت «تجدید حیات اسـلام» نامیده شود. اینک، این نسل جوان و تحصیلکرده و برخوردار از معارف زمان است، که بعکس توقّع مسـتعمران دیروز و مسـتکبران امروز، نه تنها اسـلام را فراموش نکرده، بلکه با ایمـانی پر شور، که بـا اسـتفاده از پیشـرفت معارف بشـری، بسـی روشن بینانه تر و ژرف تر نیز شـده است، بـدان روی آورده و گمشـده ی خود را در آن می جویـد. قیام جمهوری اسـلامی در ایران و اسـتقرار و ثبات و اقتدار روزافزون آن، اوج قله ی این نهضت جوان و ریشه دار است، که خود در گسترش بیـداری مسـلمانان، بیشترین نقش را ایفـا کرده است. این آن چیزی اسـت که جبهه ی اسـتکبار را که همیشه از تظاهر به مبارزه با عقایـد و مقـدّسات ملتها پرهیز می کرد، وادار می سازد که در مبارزه با اسـلام، علناً و با همه ی روشـهای ممکن، و گاه با قساوت و خشونت وارد میدان شود. در امریکا و کشورهای اروپایی، رؤسا و سیاستمداران متعددی را می توان شناخت که حداقل یکبار در گفته های خود صریحاً رشد و گسترش ایمان اسلامی را خطری بزرگ دانسـته و مبارزه با آن را لازم شـمرده اند. هر چه گرایش عمومی جوانان مسـلمان، به ایمان و عمل اسـلامی گسترده تر شـده، این اظهـارات ناشـی از سراسـیمگی و دشـمنی، واضـح تر گردیـده است و اکنون کـار به جـایی رسـیده که حتی رؤسا و سیاسـتمداران بعضـی از کشورهای اسـلامی نیز، که همیشه عناد خود با اسـلام را در زیر پوششـی از نفاق پنهان می کردنـد، به پیروی از اربابان امریکایی و اروپایی شان علناً و صـریحاً از خطر اسلام دم می زنند! و ایمان مقدّس مردمی را که بر آنان فرمان می رانند، برای خود خطر می شـمرند. مبارزه با بیداری اسـلامی در سـطح جهان، شکلهای گوناگون دارد: در الجزایر، اکثریت قاطع مردم در انتخاباتی آزاد و کاملًا دموکراتیک به حاکمیت جبهه ی اسلامی رأی می دهند، کودتایی خشن،

انتخابات را باطل و منتخبین را زندانی و محکوم و مردم را سرکوب می کند، و آنگاه قدرتهای مستکبر- امریکا و اروپا- نفس راحت کشیده بطور کامل پشت سر کودتاگران قرار می گیرند و دست پنهان خود در آن را افشا می کنند. در سودان گروه های اسلامی با پشتیبانی قاطع ملت به حکومت می رسند، و آنگاه غرب انواع تحریکات خود را شروع می کند و از داخل و خارج مرزهاشان آنان را بطور دائم تهدید می کند. در فلسطین و لبنان، فلسطینیان مسلمان از سوی صهیونیستهای غاصب به وحشیانه ترین وجهی سرکوب و شکنجه می شوند، آنگاه امریکا، آن آدم کشان ددصفت و شکنجه گر را کمک و آن مظلومان مسلمان یا مدافعان لبنانی آنان را به تروریسم متهم می کند. در جنوب عراق، بخش عظیمی از ملّت عراق، که مبارزه با رژیم بعثی را، با انگیزه ها و شعارهای اسلامی در پیش گرفته اند، از سوی آن رژیم مورد وحشیانه ترین حملات قرار می گیرند، و امریکا و غرب، که انگیزه ی خود برای برخورد قدرتمندانه با صدّام را در قضایای دیگر، آشکارا نشان داده اند، این جا با سکوتی رضایت آمیز و تشویق کننده ظاهر می شوند. در کشمیر و هند، تعصّب کور و جهالتبار هندوها، با استفاده از اغماض و گاه کمک دولت، به ناموس و جان و مقدّسات مسلمین تعرّض می کند و این با خونسردی و لبخند بی تفاوت امریکا و غرب مواجه می شود. در مصر روشنفکرترین نسلهای مسلمان، مورد تعقیب خشن و خشم آلود رژیم فاسد و نالایق آن کشور قرار می گیرند، و حکومت وابسته و حقیر آن کشور بزرگ مورد تشویق و کمک مالی و امنیّتی امریکا قرار می گیرد. در تاجیکستان اکثریت مردم مسلمان و مشتاق زندگی در سایه ی اسلام، به وسیله ی پس مانده های رژیم کمونیستی، بشدّت سرکوب و جمع کثیری از آنان از خانه و کاشانه ی خود آواره می شوند و غرب با همه ی دغدغه اش از بازگشت کمونیستها در شوروی سابق، این حرکت آنان را مغتنم می شمرد و در مقایسه میان اسلام و کمونیزم، آشکارا جانب دشمنان اسلام را می گیرد. در امریکا و اروپا مسلمانان و گروههای اسلامی مورد اهانت و تهمت قرار می گیرند و در مواردی تظاهر به پایبندیهای اسلامی از قبیل حجاب زنان ممنوع می گردد. اهانت علنی به اسلام در قالب حجاب تحریم شده و به وسیله ی نویسنده یی مهدورالدّم مکّرر مورد حمایت علنی سردمداران رژیم های اروپایی قرار

می گیرد و حتی رئیس رژیم بـدنام و بـدسابقه ی انگلیس، بـا آن نویسـنده ی قلم به مزد و بی ارزش ملاقات می کنـد. از اینها همه بدتر، فاجعه ی بی سابقه ی نسل کشـی مسـلمین در بوسـنی است، بیش از یکسال است که صربهای نژادپرست- و اخیراً با همراهی کرواتها- با تکیه بر سلاح و امکانات رژیم صربستان و کمکهای خارجی، زشت ترین و غیر انسانی ترین نوع کشتار و ظلم و قساوت را با مسـلمانان، یعنی صاحبان اصلی بوسنی و هرزگوین انجام می دهند، و غرب و امریکا، نه تنها هیچ کمکی به آنـان نکرده و هیـچ ممانعتی از جنایت صـربها نشان نـداده انـد، بلکه با اسـتفاده از امکانات شورای امنیت از رسـیدن سـلاح به مسـلمانان مظلوم نیز جلوگیری کرده و با اعزام نیروهای سازمان ملل، محاصره ی آنان را کامل کرده اند. مسلمانان، امروز و در آینده بدانند که امریکا و دول بزرگ اروپایی در فاجعه ی بی نظیر بوسـنی، مقصّر و مسؤول مسـتقیم اند. در این یکسال مشتی حرف پوچ و وعده ی دروغ تحویل داده امّا از کشـته شدن حتّی یک نفر از هزاران نفر کشـته ی مظلوم آن سـرزمین جلوگیری نکرده، و بالاـتر، از قـدرت دفـاع یـافتن آنـان نیز ممـانعت کرده انـد. این تصویر مجملی از دشـمنی غرب و امریکـا بـا اسـلام و مسلمین در روزگار ما است. نه التماس، نه تسلیم، نه مذاکره و نه هیچیک از راههایی که بعضی ساده لوحانه آن را به مسلمانان پیشنهاد می کنند، گره گشا و مایه ی نجات مسلمین نیست.

تنهـا یـک چیز علاـج است و بس، و آن اتحاد مسـلمانان، پافشاری بر اسـلام و ارزشـها و اصول آن، مقاومت در برابر فشارها و تنـگ کردن عرصـه، در بلنـد مـدت بر دشـمن اسـت. و امروز چشم امیـد دنیـای اسـلام، به جوانـان غیـور و بسـیجی در سراسـر کشورهای اسلامی است، که از کیان اسلام دفاع کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.

استکبار نتوانسته جریان بیداری اسلامی را متوقف کند

۴- نکته ی مهم دیگری که باید مورد تأکید قرار گیرد آن است که استکبار با همه ی تدابیر شیطانی اش و با وجود بکارگیری زور و ترفند سیاسـی و تبلیغات دروغ، نتوانسته و هرگز نخواهد توانست، جریان رو به رشد بیداری اسلامی و نهضت گرایش به اسلام را متوقف سازد. فعالیّت همه جانبه ی سیاسی و امنیّتی و بیش از همه، تبلیغاتی امریکا و دیگر

کشورهـای اسـتکباری و ایـادی منطقه یی آنـان بر ضـدّ نهضت اسـلامی در کشورهای مختلف و از جمله بر ضـدّ نظام مقـدّس جمهوری اسلامی در ایران، در سالهای اخیر، بی سابقه و بسیار وسیع بوده است. و در این میان رژیم صهیونیستی همچون زائده ی امریکـا در منطقه، در منتهـای رذالت و خبـاثتی که از آن انتظـار می رود، ایفـای نقش کرده است. محاسـبات مـادّی عـادی، حکم می کرد که بایـد بر اثر این تلاش همه جانبه یی که مسـتکبرانه و از سـر خشم و عناد ترتیب می یابد، نهضت اسـلامی در کشورهای اسـلامی ضـعیف یا ریشه کن شود. ولی درست بعکس، همه شاهدند که این نهضت به مرور وسـیعتر و عمیقتر شده است. اکنون کشورهای اسـلامی متعدّدی را می توان نشان کرد که اگر انتخاباتی نظیر آنچه دو سال قبل در الجزائر اتفاق افتاد، در آن برگزار شود احزاب یا فعّالان اسـلامی، اکثریت آراء مردم در آن کشورها را به خود جلب خواهنـد کرد، و این در حالی است که در بیشتر این کشورهـا فعـالیّت گروههـای اسـلامی و حتی تظـاهرات سیاسـی و تبلیغاتی اسـلامگراها، ممنوع است. در همین سالها است که در داخل سـرزمینهای غصب شـده ی فلسـطین مبارزات مردم، با شـعارهای اسـلامی و با مرکزیّت مساجد، عرصه را بر صهیونیسـتها تنـگ کرده است، و در همین سالهـا است که گروههـای مبـارز اسـلامی در لبنـان، حتی در انتخابـات پارلمانی و نیز در موقعیّتهای مردمی به توفیق چشم گیری دست یافته اند. و در همین دوره ی زمانی است که جمهوری اسلامی ایران، که کسانی ساده لوحانه انتظار داشـتند یا به بن بست برسد و یا از اصول و آرمانهای خود چشم بپوشد، با سرعتی بیش از توقّع و در عین پافشاری بر اصول انقلابی خود به پیش رفته است.

این جانب به برادران و خواهران مسـلمان در همه جای جهان اسـلام، عرض می کنم که ترفند بزرگ دشمن، نومید کردن و به آینده بدبین کردن شما است. و همین کافی است که هیچ مسلمان روشن بینی نومیدی را به دل راه ندهد. هیچ چیز به ما اجازه ی نومید شدن نمی دهد، اگر دشمن قادر بر نابودی این حرکت الهی بود، باید لااقل می توانست از رشد آن جلوگیری کند، و همه می بینیـد که نتوانسـته است. سـنّتهای الهی و واقعیتهـای خارجی خبر از آینـده ی روشن نهضت نوین اسـلامی می دهنـد و قرآن بارها می فرماید: وَالْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ.

تبلیغات مدرن؛ کارآمدترین حربه ی استکبار

۵- تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی، بی شک کارآمدترین حربه ی استکبار است. امروز تعداد رسانه های صوتی و تصویری و مطبوعاتی یی که بیشترین تلاش خود را وقف دشمنی با اسلام کرده اند، بسیار زیاد و همچنان رو به افزایش است. کارشناسانی مزدور، فقط سرگرم ساختن و پرداختن مطلب و خبر و تحلیل، برای گمراه کردن ذهن مستمعان خود و معرفی نادرست و ترسیم زشت از نهضت اسلامی و شخصیتهای بزرگ اسلامی اند، و جمهوری اسلامی در سالهای پس از پیروزی انقلاب تا امروز بی وقفه و روزافزون با چنین تبلیغات خصمانه یی مواجه بوده است. باید گفت که این ترفند نیز در مقابل حرکت اسلامی اصیل و نشأت گرفته از فطرت و نیاز، توفیق زیادی نداشته و مقصود دشمن را برنیاورده است. گسترش موج دعوت انقلابی امام راحل عظیم الشأن در سراسر دنیای اسلام و حضور فکر و نام و رهنمود و عکس و نشان آن بزرگوار در شرق و غرب عالم، با وجود آنهمه تبلیغ دروغ و سخن ناحق که به نیّت مخدوش کردن سیمای ملکوتی آن وارث پیامبران، گفته و پخش شده است، روشنترین دلیل این مدّعا است. با این همه باید اذعان کرد که عامل مهم در حفظ سلامت و سداد فکر ملّتهای مسلمان، روشنگریهای علما و روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و جوانان فعّال و آگاه است. و همه بخصوص علمای متعهّد دین در این مورد وظیفه یی بزرگ بر عهده دارند. دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همواره تا امروز سیاهه یی از اتهامات را متوجه ایران اسلامی کرده است. می بینیم که همان تهمتها امروزه به همه ی نهضتهای اسلامی در هر جای دنیا که باشند نیز زده می شود. تهمت تعصّب و جمود فکری که از آن، با عنوان «بنیادگرایی» نام می برند، تهمت تروریسم، تهمت بی اعتنایی به حقوق بشر، تهمت ضدیّت با دموکراسی، تهمت بی اعتنایی به حقوق زنان، تهمت ضدیّت با صلح و طرفداری از جنگ. اندکی انصاف، هر کسی را به دروغ بودن این تهمتها و بی شرمی وارد کنندگانش آگاه می سازد. ایران اسلامی در حالی متهم به مخالفت با دموکراسی می شود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا ۱۴ ماه پس از آن، دو همه پرسی عمومی، که در یکی از آنها مردم ایران، جمهوری اسلامی را به عنوان نظام سیاسی کشور

برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رأی دادند، و سه انتخابات که در آنها به ترتیب:

اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس جمهور، و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معین شدند، در آن برگزار شده، و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام گرفته است. تهمت به تروریسم را، کسانی به ایران اسلامی می زنند، که خود از دولت تروریست صهیونیستی بیشترین پشتیبانی را کرده و گروههای تروریست ضدّ انقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار می دهند و حقوق بگیران آنان صدها بار در داخل ایران اسلامی بمب گذاری کرده و هزاران نفر از مردم عادی و عناصر انقلابی و مرد و زن و کودک بیگناه را به قتل رسانده اند. ضدیّت با صلح را کسانی به جمهوری اسلامی نسبت می دهند که جنگی هشت ساله را با تشویق رژیم بعثی عراق و به دست او بر ایران تحمیل کردند و در همه ی آن مدّت، انواع کمکها را به آن رژیم که به خاطر حمله به ایران اسلامی، رژیم محبوب آنان به شمار می رفت مبذول داشته اند. تضییع حقوق زنان، تهمت از سوی کسانی است که شأن والای زن ایرانی را که با حفظ حجاب و حدّ شرعی، در برترین فعالیّتهای کشور شرکت می ورزد، نمی پسندند و ابتذال حاکم بر روابط زن و مرد و بهره کشی ناجوانمردانه از زن در جوامع غربی را، نسخه ی مطلوب در حیات اجتماعی زن می شمرند. تهمت نقض حقوق بشر را رژیم هایی متوجه ایران می سازند که خود قلم های بزرگ و حیرت انگیز پایمال کردن حقوق انسانها را مرتکب شده یا زمینه سازی کرده اند. آیا در دنیای جدید، هرگز حقوق بشر، آنچنان که امروز در بوسنی پایمال می شود، نقض شده است؟ آیا نقض حقوق یک ملت مانند ملت فلسطین نقض حقوق بشر نیست؟ آیا راندن دستجمعی بیش از چهار صد نفر از شهروندان فلسطینی، به بیرون از خانه و میهن خود، در برابر چشم دنیای باصطلاح طرفدار حقوق بشر، قابل اغماض است؟ آیا سرنگون کردن هواپیمای مسافری ایران به وسیله ی امریکا برفراز خلیج فارس، یا بی عدالتی نسبت به سیاهان در امریکا، یا حمایت از کودتاگران در الجزائر، یا حمایت از رژیم فاسد مصر، یا زنده سوزانیدن دستجمعی عدّه یی در امریکا و امثال آن، شکستن حریم انسانیّت و نقض حقوق آن نیست؟ آیا دولتهایی که این گونه

بی محابا حقوق بشر را پایمال می کننـد یا پایمال کنندگان را با نگاهی خونسرد و بی تفاوت بلکه رضایتمندانه و تشویق آمیز تماشا می کننـد، حقیقتاً از این که بنا به ادّعای آنان در ایران اسلامی، حقوق بشر نقض شود ناراحتنـد؟! حقیقت آن است که خود تهمت زننـدگان و از جمله سردمداران کنونی امریکـا که اخیراً بر سر این حربه ی تبلیغـاتی زنگ زده و قـدیمی، جنجال تازه یی به راه انداخته اند، به خوبی می دانند که سخن به گزاف می رانند، آنچه آنان از جمهوری اسلامی نمی پسندند اینها نیست، چیزهای دیگری است که مصلحت سیاسی به آنان اجازه نمی دهد آن را صریحاً اعلام کنند، اگر چه بررسی اظهارات نظریه پردازان و نویسندگانشان مقصود آنان را آشکار می سازد. در نظام جمهوری اسلامی چیزهایی که امریکا و هر مستکبر دیگری را خشمگین می سازد اینها است:

اوّل- جدا نبودن دین از سیاست و پایه ی اسلامی جمهوری اسلامی. دوّم- استقلال سیاسی این نظام، به معنای تسلیم ناپذیری اش در برابر زورگوییهای معمول ابرقدرتها.

سوم- اعلام راه حلّ مشخص جمهوری اسلامی درباره ی مسأله ی فلسطین، کـه عبـارت است از انحلال رژیـم غاصب صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی، متشکل از خود فلسطینیان و همزیستی مسلمانان و مسیحیان و یهودیـان در فلسطین. چهارم- حمایت معنوی و سیاسی از همه ی نهضتهای اسلامی و تقبیح فشار بر مسلمانان در هر جای عالم.

پنجم- دفاع از حیثیت اسلام و قرآن و پیـامبر اعظم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیـای الهی و مقـابله بـا تـوطئه ی رواج دادن اهـانت به این مقـدسات، نظیر آنچه در بـاب نویسنده ی مهدورالـدّم آیات شیطانی دیـده شـد. ششم- تلاش برای اتحاد امّت اسلامی و همکاری سیاسی و اقتصادی دولتها و کشورهای اسلامی و حرکت در جهت تثبیت اقتدار ملتهای مسلمان در قالب «امّت بزرگ اسلامی». هفتم- ردّ و نفی فرهنـگ تحمیلی غرب، که دولتهای غربی با تنگ نظری و تعصّب، برآننـد که همه ی ملّتهای عالم را به پذیرش آن وادار سازند، و اصرار بر احیای فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان. هشتم- مبارزه با فساد و بی بنـدوباری جنسی، کـه بعضـی از دولتهـای غربی بخصـوص امریکـا و انگلیس اخیراً انحرافی تریـن شـکل آن را بی شرمانه رسمیّت داده یـا در راه آننـد، و از دهها سال پیش برای ورود اشکال گوناگون این فساد به کشورهای اسلامی برنامه ریزی و تلاش می کنند.

اینها است آنچه موجب دشمنی کینه آلود امریکا و همپالگی هایش، با جمهوری اسلامی است. بدیهی است که اگر آنان، صریحاً علت دشمنی خود را بیان کرده، این فهرست را برملا کنند، به دست خود بر اعتبار جمهوری اسلامی در چشم ملتهای مسلمانی که همه دلبسته ی این اصول اند، خواهند افزود. بدین جهت است که آنان در تبلیغات خود، از سویی ایران اسلامی را به تروریسم و امثال آن متّهم می کنند و از سوی دیگر با تحلیل های دروغین و خبرهای ساختگی چنین وانمود می سازند که گویا جمهوری اسلامی از اصول خود دست برداشته و به خواست دشمن تسلیم شده است! این هر دو سخن، دروغ و ناشی از طبیعت خدعه گر استکبار است. اصول جمهوری اسلامی که همان راه امام و مبانی مسلّم اسلام است، به رغم دشمن، در ایران اسلامی، معتبر و مبنای زندگی سیاسی و اجتماعی ما است و دولت و ملّت ایران، زندگی در سایه ی اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله را که با فداکاری و بذل عزیزترین جانها به دست آمده، در هیچ شرایطی از دست نخواهند داد و اصول امام خمینی قدس سره و در رأس آن اصل عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادّیگری مدرن، برای منزوی کردن اسلام و قرآن، اصول همیشه زنده ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

از فرصت حج حداکثر استفاده را بکنید

۶- در پایان، به حجّاج عزیز، توصیه می کنم از فرصت حجّ، حداکثر استفاده را برای کسب آشنایی با برادران مسلمان خود بکنند و اوضاع جهان اسلام را از زبان و رفتار مسلمانان به دست آورند، تجربه ها، آرزوها، دستآوردها و تواناییها را با هم مبادله کنند و حجّ خود را به حجّ مورد نظر اسلام هر چه نزدیکتر سازند. به برادران و خواهران عزیز ایرانی نیز توصیه می کنم که با زبان و عمل، مبلّغان و پیام رسانان انقلاب پرشکوه و کشور بزرگ و ملّت قهرمان خود، به برادران کشورهای دیگر باشند. جوار کوتاه مدت خانه ی خدا و حرم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مواقف با ارزش حجّ و سرزمین پرخاطره ی حجاز را، برای زنده کردن دل با یاد خدا و تحکیم پیوند معنوی خود با رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و عترت طیّبه ی آن بزرگوار علیهم السلام و بخصوص توجّه و توسّل به حضرت ولی اللّٰه الاعظم که بی شک فیض

حضور مقدّسش در مراسم حج شامل دلهای با معرفت است، و انس با قرآن و تدبّر در آیات بیّنات آن و دعا و تضرّع و توسّل که مایه ی تقرّب به خدا است، مغتنم بشمرند و از آن بهره ببرند و برای رفع گرفتاریهای مسلمین و قوّت و عزّت روزافزون اسلام و جمهوری اسلامی دعا کنند و علوّ درجات روح مطّهر امام راحل و ارواح طیّبه ی شهدای اسلام را از خداوند مسألت نمایند.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّه

۲۴ ذی القعده ۱۴۱۳ برابر با ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲

علی الحسینی الخامنه ئی

بیانات در دیدار مسؤولان و دست اندرکاران حج(۳۱/ ۱/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

بیانات در دیدار مسؤولان و دست اندرکاران حج

اشاره

(۳۱/ ۱/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

از دست اندرکاران حج تشکر می کنم

برادران و خواهرانِ خدمتگزار و عزیز! خیلی خوش آمدید. امیدواریم خداوند متعال، این خدمات ارزشمند را که متوجه به یکی از مهمترین وظایف مسلمین است، مورد قبول قرار دهد و به شما کمک کند و به تلاشهای شما برکت بخشد تا بتوانید ان شاءاللَّه به بهترین وجهی این فریضه ی عظیم عالی قدر را اقامه و احیای نمایید. وظیفه ی خود می دانم که از همه ی دست اندرکاران حج، به خصوص کسانی که در طول سال، ساعات متوالی وقت صرف می کنند تا به انجام صحیح این فریضه کمک شود، سپاسگزاری و تشکر کنم. این کارهایی که در راه آموختن به مردم و تشویق و تحریض آنها بر حجِّ صحیح و تهیه ی مقدمات آن انجام می شود، واقعاً ارزشمند است. بنده بالاخص از جناب آقای ری شهری(حفظه اللَّه و ابقاه) که حقیقتاً این کار را به وجه زیبا و نیکویی پیش بردند و ادامه دادند، سپاسگزارم.

حج؛ واجب بی نظیر

واجبِ حجّ، حقیقتاً یک واجب بی نظیر است؛ چنان که اگر ما در همه تعالیم اسلامی غور کنیم، شبیه آن را نخواهیم یافت. حج، وضع مخصوصی دارد و جنبه ی معنوی در آن فوق العاده است. مثلًا یک نوبت نماز را که شما ملاحظه کنید، چند دقیقه ذکر خداست؛

اما حج از آغاز پرداختن به اعمال مربوطه که طی چند روز انجام می گیرد؛ چه در داخل خانه ی خدا، در مسعای شریف، در عرفات، در مشعر، در منی، در اعمال گوناگون، در طوافهای مختلف، در نشست و برخاستها و در افاضه ی از نقطه ای به نقطه ی دیگر، همه اش ذکر خداست. این از جنبه ی معنوی، که معلوم می کند ذکر الهی در حج، یک قلم بسیار درشت است. از طرف دیگر، جنبه ی دنیایی و مربوط به زندگیِ حج هم بی نظیر است. یعنی واجبی است که فقط مربوط به یک فرد یا یک ملت نیست، بلکه مربوط به همه ی دنیای اسلام است. خدای متعال، نقطه ای را معین فرموده و در زمانی معلوم- ایّام معلومات- همه ی مسلمانها را به آن نقطه ی دعوت کرده است. آیا می شد که همه ی مسلمانان، نه یکپارچه که در گروههای مجزّا و نه در ایامی معلوم که در طول سال، در این نقطه جمع شوند؟ این نکته از حج باید مورد اهتمام بیشتری قرار گیرد که خدای متعال فقط اراده نفرمود که همه در مکه و منی و مشعر و عرفات، جمع شوند؛ چون اگر حرکت مردم به این مناطق، اصل قضایا بود، می شد همه را در طول یک سال در آن جا جمع کنند.

این که خدای متعال امر به تجمّع همه ی مسلمانان در این نقطه، آن هم در یک مجموعه از روزها داده است، برای چیست؟ نکته ی اساسی و مهم، همین است. بدیهی است تجمّعی با این کیفیت به خاطر آن است که آحاد مردم مسلمان، خود را در کنار یکدیگر بیابند؛ یعنی احساس وحدت و جماعت کنند و در بعدی وسیعتر، احساس عظمت ناشی از اجتماعِ ملتها و شعوب، بر همه حاکم گردد. اگر این احساس، مورد توجه نبود، لزومی نداشت که ایام معلومات و معدودات در حج، مقرّر شود.

تصمیم گیری درباره ی سرنوشت امت اسلامی

و اما این که امت اسلام- هر ملتی از ملتهای مسلمان- کسانی از خودشان را در یک روز به یک نقطه می فرستند تاآنها باهم اجتماع کنند، این اجتماع برای چیست؟ اینها نکات و دقایقی است که به تعبیر امام صادق علیه السلام: «يُعْرَفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»؛ باید هرمسلمانی از مفاهیم قرآنی واسلامی، بداند. خدای متعال از همه ی ملل مسلمان، جماعتی را دعوت می کند و به آنها می گوید بیایید در این ایام معلوم، دور هم و با هم باشید.

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ؛ (۱) همه با هم حرکت کنید. همه با هم افاضه کنید و همه با هم به طواف بپردازید. این اجتماع همگانی برای چیست؟ مسلمانان نقاط مختلف دنیا، در یک نقطه گرد هم بیایند که چه کنند؟ دور هم جمع شوند و در سکوت به صورت همدیگر نگاه کنند و بعد از چند روز هم به اوطان خود برگردند؟! چرا دور هم جمع می شوند؟ جمع شوند تا اختلافات خود را با هم مطرح کنند؟ این جمع شدن به چه معنی است؟ جواب این است که جمع شدن افرادی از همه ی ملتها در یک نقطه؛ آن هم یک نقطه ی مقدس، فقط می تواند یک فایده و یک معنا داشته باشد و آن فایده و معنا این است که دور هم جمع شوند تادرباره ی سرنوشت امت اسلامی، تصمیم گیری کنند و در این مجمع، به حیث امت، یک قدم خوب برداشته شود و کاری سازنده و مثبت صورت گیرد.

این کار سازنده و مثبت به چه کیفیتی می تواند باشد؟ به این کیفیت که یک وقت است ملتهای اسلامی آن قدر پیشرفته اند- امیدواریم آن روز برسد- که وقتی در حج جمع شدند، در خلال این کنگره ی عظیم مردمی، از برگزیدگان ملتها، مجلسِ مفصّلِ چند هزار نفره ای تشکیل گردد واین مجلس، مصوّباتی داشته باشد و آن مصوّبات در همان کنگره ی عظیم به تصویب آحاد حجاجِ آمده از کشورها برسد و بعد برای اجرا به دولتها و ملتها ابلاغ گردد. این بهترین کار است که متأسفانه امروز عملی نیست؛ زیرا ملتها هنوز در این زمینه، آن قدر پیش نرفته اند؛ به خصوص که دولتها هم به آنها کمکی نمی کنند. اما تا وقتی که چنان تصمیم گیریِ عملی در موسم حج، امکان ندارد، کار واجب در آن جا چیست؟

این است که ملتها به هر نحوکه بتوانند، نسبت به مصالح دنیای اسلام دلبستگی نشان دهند و ضمن تأکید بر وحدت بین خود، به اظهار برائت از دشمنان دنیای اسلام بپردازند. این کمترین کاری است که می شود در حجّی که اسلام معین کرده است، انجام داد و متوقّع بود.

برائت، روح حج است

برائت را ما از بیرون نیاورده ایم وارد حج کنیم؛ جزو حج، روح حج و معنای واقعی اجتماع عظیم حج است. بعضی اشخاص دوست می دارند که در مطبوعات و در

۱- بقره: ۱۹۹

اظهارات و نیش زدنهای خود در اطراف دنیا، مرتب بگویند شما حج را سیاسی کردید! حج را سیاسی کردید یعنی چه؟ اگر منظور این است که ما یک مفهوم سیاسی را در حج داخل کردیم، باید گفت حج، هیچگاه عاری از مفهوم سیاسی نبوده است. اگر کسی مفهوم سیاسی را در حج نبیند، باید دعا کرد که خدا او را شفا دهد تا بتواند ببیند! کسی که با اسلام و آیات حج در قرآن آشناست و هم از این طریق به اهمیت وحدت پی برده است، چطور ممکن است نفهمد این اجتماع عظیم برای مقاصد و مفاهیم عالی سیاسی و الهی- سیاسی است که مربوط به همه ی مسلمین و برای وحدت و برای حل مشکلات دنیای اسلام و برای اجتماعِ دلها و نزدیک شدن آنها به یکدیگر است؟ اگر مراد این است که حج وسیله ای برای پیشبرد سیاستهای ظالمانه ی قدرتهای بزرگ نشود، درست است و ما قبول داریم. کسانی که به نحوی با حج ارتباط دارند، نباید این فریضه ی الهی و این واجب مورد عشق و محبت مسلمین را با سیاستهای جهانی مصالحه کنند. ما این را قبول نداریم.

هر کس حج را به این معنا سیاسی کند، نسبت به حج خیانت کرده است. اما مسائل دنیای اسلام، مسائل مهمی است. این مسائل، کجا باید مطرح شود؟ مسلمین جز در مراسم حج، در کجا می توانند صدای واحد خود را در اعتراض به این همه نامردمی که در سرتاسر دنیا نسبت به آنها صورت می گیرد، به گوش دنیا و سیاستهای خائن برسانند؟

امروز در اروپا با مسلمین چه می کنند؟

ببینید امروز در اروپا با مسلمین چه می کنند! قضایای بوسنی و به خصوص قضایای هفته ی اخیر گوراژده واقعاً گریه آور است. انسان نمی تواند هیچ توصیفی برای اهمیّت و عظمت این فاجعه پیدا کند! هر چه در کلام بگوییم، کوچکتر از آن واقعیت است.

سردمداران استکبار جهانی در دنیا، نشسته اند و به قربانی ای که در مقابلشان است می نگرند و منتظرند ببینند کار این قربانی چه وقت تمام می شود! این قربانی هم مسلمین یوگسلاوی سابقند. جرمشان چیست؟ مسلمان بودن. این دیگر موضوعی نیست که ما بگوییم. من این واقعیت را سه سال پیش در پیام حج نوشتم و عنوان کردم. اگر چه آن روز انکار می کردند، اما امروز خودِ بلندگوهای استکباری می گویند که چون اینها مسلمانند

نبایـد کمکشـان کرد! مجبور شدنـد اعتراف کننـد که جرم مردم بوسـنی مسـلمانی است! چون در دل اروپا، یک ملت مسـلمان سربرکرده است، اسـتکبار به خشم آمـده است. نمی گوییم یک حکومت اسـلامی؛ چرا که اگر قرار بود بوسـنی حکومتی پیـدا کند، معلوم نبود یک حکومت صد در صد اسـلامیِ به آن شـکل باشد. بالاخره مردم این سرزمین نزدیک به پنجاه سال زیر بار حکومت کمونیستی بودنـد. قبـل از آن هم سالهـای متمـادی زیر بـار حکومت فاسـد حکـام عثمانی یا امثال آنها و یا بعضـی از دولتهـای فاسـد اروپـایی و امپراتوریهای اروپایی مثل اتریش و بقیه ی کشورها بوده انـد. اینها که نمی توانسـتند یک شـبه یک حکومت اسـلامی و قرآنی به وجود آورند. این امر متوقّع نبود. آن چه که اسـتکبارِ مسـلط بر دنیا را نسـبت به مسلمین مظلومین بوسـنی و هرزگوین، این طور خشـمگین کرده است، وجود کشوری در اروپاست که ملت آن مسلمانند. آنها نمی توانند چنین ملتی را تحمل کننـد. این وضع مسـلمین در دنیاست. آن وقت سازمانهای بین المللی و بدتر و زشت تر از همه، سازمان ملل، در این قضیه بدترین امتحانها را دادند.

ننگِ حاکم بر نظام نوین دنیا

بنـده عرض می کنم دبیر کلی که امروز در رأس تشـکیلات سازمـان ملـل است، بدانـد چنـان سابقه ی بـدی برای خود در بین مسـلمین ایجاد کرد که دیگر به هیچ قیمتی این سابقه اصـلاح نخواهد شد. مسلمانهای دنیا می بینند که در بوسنی چه اتفاق می افتد. لذا در برهه ای گفتند به ما اجازه بدهید برویم به آنها کمک کنیم؛ چرا که به طرف مقابل مسـلمانهای بوسـنی کمک می شود. گفتنـد نمی شود. گفتنـد اجازه بدهیـد تسـلیحات برایشان بفرستیم. گفتند نمی شود. ظاهر حرف هم این است که به هیچ طرف، تسـلیحات نمی دهیم. امـا یک طرفِ نزاع تمام امکانات تسـلیحاتی دولت سابق یوگسـلاوی را در اختیار دارد؛ امکانات همان دولتی را که سالهای متمادی از عراق پشتیبانی تسـلیحاتی می کرد و تانک و دیگر سلاحها برایش می فرستاد. امروز، آن همه امکانـات در اختیار صـربهاست. یک طرف هم دست خالی است؛ مردم بی پناه یک شـهر. زن و بچه ای که در یک شـهر زندگی می کنند. معنای این حرف که می گویند به هیچیک از طرفین درگیری،

اسلحه نـدادیم چیست؟ در مقابل افکار دنیا، تقلّب می کننـد و می گویند به هیچ طرف کمک نمی کنیم! یک طرف مسلح و یک طرف غیر مسلح، به جان هم افتادند. شـما به جای این که یا سلاح را از دستِ مسلح بگیرید، یا سلاح به دست غیر مسلح بدهیـد، به کنـاری ایسـتاده ایـد و می گوییـد به هیـچ طرف کمک نمی کنیم! این حرف، معنایی جز این نـدارد که شـما منتظر نشسته اید تا ببینید طرف غیر مسلح بیچاره، چه وقت بر خاک می افتد! معنایش این است دیگر. واقعاً هم منتظرند که چه وقت مسلمانها از پا بیفتند. گفتند سربازان سازمان ملل را می فرستیم. ملتهای اسلامی گفتند اجازه بدهید ما هم جزو سربازان سازمان ملـل برویم آن جـا و حائل شویم. گفتنـد نمی شود. نه فقط از جمهوری اسـلامی که تقریباً از هیـچ کشور مسـلمانی نگذاشـتند نیروی حائل به آن جا فرستاده شود! این یعنی چه؟ یعنی به سربازهایی که آن جا می فرستند، باید بگویند وقتی رفتید، به صربها کمک کنید! به مسـلمان که نمی توانند این را بگویند؛ لذا نمی گذارند مسلمان برود. امروز چنین ننگی بر نظام نوینی که اینها می خواهند در دنیا به وجود آورند، حاکم است. آن رفتار امریکاییها، آن وعده های دروغشان نسبت به مسأله مسلمانان بوسنی و هرزگوین، آن مطلقـاً کمـک نکردنشـان و آن هم رفتار سازمانهای بین المللی و بعض دولتهای اروپایی و انگلیس و دیگران. خوب، یـک مشت مسـلمان در آن جا مظلوم واقع شـده انـد و منتظرنـد که چه وقت قتل عام شونـد! مسـلمانها در این مورد چه کنند؟ آیا راهی غیر از حج وجود دارد؟

حضور ملتها، قدرتهای استکباری را می لرزاند

آن عاملی که قدرتهای استکباری را می لرزاند، سوادالنّاس یعنی توده ی مردم است.

والّـا چنـد دولت در فلاـن کنفرانس که در فلاـن گوشه ی دنیا برگزار می شود، بنشـینند و قطعنامه ای هم صادر کننـد، اهمیتی نمی دهند. صد قطعنامه هم صادر کنند بی نتیجه است.

مگر علیه صهیونیسـتهای غاصب، تا کنون چنـدین قطعنامه صادر نشـده است؟ یعنی هیچ، یعنی باد هوا! قطعنامه فایده ای ندارد. آن عاملی که قـدرتهای اسـتکباری را به معنای واقعی می ترسانـد و متوقف می کند، حضور آحاد ملتهاست. کجا بهتر از حج؟ دو میلیون مسلمان

از همه ی کشورهای اسلامی در آن جا جمع می شوند. از هر کدامشان بپرسی احساس شما نسبت به گوراژده چیست؟ خواهد گفت دلم می خواهد به گوراژده بروم و از مسلمانهای مظلوم گوراژده دفاع کنم. حیف نیست که ما این جماعت را از دست بدهیم؟ حیف نیست اجتماعی به این خوبی که این همه می تواند برکت داشته باشد و جان این همه مسلمان را نجات دهد از دست برود؟ آن وقت، این سیاسی کردن حج است؟ به جمهوری اسلامی اعتراض می کنند که چرا حج را سیاسی کردید؟ این است معنایش؟ برائت یعنی این.

برائت یعنی مردم در آن جا جمع شوند و علیه دژخیمهایی که با کراوات و لباس اتو کشیده و ادکلن زده می آیند و مثل وحشی ترینِ وحشیها، انسانها را می کشند و نیز علیه کسانی که از اینها حمایت می کنند و نیز علیه کسانی که به نفع اینها در مجامع جهانی تصمیم می گیرند، فریاد سردهند. این معنایش برائت است. می شود که حج خالی از این باشد؟ آیا حجِّ خالی از برائت، حج است؟ کسانی که با قرآن و اسلام آشنا هستند، جواب بدهند.

منصفانه هم جواب بدهند. معنای آن حرف امام که فرمود حج بی برائت حج نیست، یعنی این. برائت جزو حج و تنیده در ذات حجّ است.

حضور معنادار مسلمانها در حج

حضور مسلمانها در حج باید یک حضور معنی دار باشد؛ والّا اگر فقط جنبه ی معنوی و ذکر خدا منظور بود، انسان می توانست در خانه ی خودش بنشیند و ذکر خدا کند! دیگر یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (۱)

لازم نبود. اگر اجتماع معنا نداشت، دیگر ایام معلومات لازم نبود. می گفتند هر کس در هر وقت از سال توانست به مکه برود. مگر نمی شد؟ این که گفتند یک جا جمع شوید، برای همین مسائل است. برای این است که ذکر خدا هم دستجمعی گفته شود. اعتصام به حبل پروردگار هم دستجمعی صورت گیرد. می فرماید: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً، و نه فرادا. مسأله این است.

۱- حج: ۲۷

در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم

البته این که دیگران در حج چه می کنند، به ما ربطی ندارد. ما باید آن چه را که وظیفه مان است در حج انجام دهیم و به فضل پروردگار، انجام هم می دهیم. این که نسبت به ملتهای مظلوم، دیگران چه می کنند، به ما مربوط نیست. البته مربوط به ما نیست، به این معناست که اگر دیگران به ملتهای مظلوم کمک نکردند، ما متوقف نمی شویم. چرا؛ تلاش هم می کنیم. کما این که به فضل الهی، دولت و مسؤولین تلاش کردند تا شاید بتوانند ملتهای دیگر را نیز برای کمک به مظلومین بوسنی ترغیب کنند. اگر ترغیب شدند، چه بهتر و اگر هم نشدند، ما به کمکهای خودمان ادامه می دهیم. بحمداللّه تا امروز دستگاههای مختلف جمهوری اسلامی و آحاد مردم در قضیه بوسنی و هرزگوین، سنگِ کم به ترازو نگذاشتند؛ خوب به میدان آمدند و باز هم باید به میدان بیایند. امروز هم باید هلال احمر، هر کاری می تواند انجام دهد تا شاید امکان این را بیابد که به مظلومین محاصره شده از لحاظ غذا و لوازم زندگی کمک برساند. آحاد جوانهای مؤمنِ مسلّح از سپاه و ارتش و بسیج باید اعلام آمادگی کنند تا هر لحظه که گفتند برای رفتن به آن جا مانعی وجود ندارد و وقتی که راه باز شد، بتوانند بروند. انقلاب و امام این را به ما یاد دادند. یاد دادند که در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم. لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ. (۱) وقتی که شما می توانید پا در رکابِ وظیفه باشید، باشید؛ ولو ملتهای دیگر نباشند؛ ولو دولتهای دیگر اجازه ندهند. دولت و ملت ایران، به فضل الهی در راه انجام وظیفه ی اسلامی، پیشگام باشند؛ حال آن وظیفه ی اسلامی هر چه که می خواهد باشد.

اعمال سیاستهای استکباری در بوسنی

البته بنده امروز راجع به فجایع یوگسلاوی سابق، عرض کردم. فقط هم آن نیست.

در همین نزدیکی خودمان، آن چه که با مسلمینِ منطقه ای از جمهوری آذربایجان در قره باغ می شود مثل همان فجایع است. آن چه که با مسلمانان تاجیکستان می شود نیز مانند

۱- مائده: ۱۰۵

همان است. آن چه که با مسلمانان کشمیر می شود، آن هم دست کمی از آن فجایع ندارد.

البته هیچکدام به عظمت فجایع بوسنی نیست. آن جا دشمن، دشمن محلی نیست. در مناطقی که اسم بردم، دشمن، دشمن محلی است. در بوسنی- در قلب اروپا- سیاستهای استکباری اعمال می شود؛ زیرا آن جا برایشان مهمتر است. اصل این است که باید آن چه را تکلیف است، بدون خوف و واهمه از احدی انجام داد. ملت ایران رشته های ترس از قدرتها را برید تا توانست مستقیم و راست بایستد و راست قامتی او برای ملتهای دیگر درس شود. می بینید که جوانها امروز در دنیا به نام اسلام شعار می دهند.

وحدت خود را حفظ کنید

از اول انقلاب، پانزده سال گذشته است، از رحلت امام قدس سره قریب پنج سال گذشته است. همه خیال می کردند که هر چه از مبدأ دور شویم؛ به خصوص بعد از رحلت امام بزرگوار(قدّس اللَّه نفسه)، دیگر شور و شوق ملتهای مسلمان نسبت به ایران و انقلاب اسلامی تمام می شود. اما می بینید که این شور و شوق، روزبه روز بیشتر شده و به موازات آن روزبه روز برای استکبار جهانی، مشکل جدّی تر شده است. این کارِ خداست، کار ما نیست. این اراده ی الهی است. منتها ملت ایران به کمک خدا و توفیقات الهی، زمینه ی این تفضل الهی را با گذشت خود، با فداکاری خود، با تلاش خود، با خون دادن خود، با ابراز عقیده ی خود و با حفظ وحدت خود فراهم کرد. وحدت را حفظ کنید. دشمن، بسیار خواستار آن است که منادی وحدت را در خانه ی خودش دچار اختلاف و تفرّق کند. همه این را همیشه به یاد داشته باشند. گروههای مختلف، مذاهب مختلف، شهرهای مختلف و آدمهای مختلف، این را بدانند. دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی، خیلی دوست دارند بگویند این هم جمهوری اسلامی که همه اش دم از وحدت می زد؛ ببینید در خانه ی خودش دچار اختلاف و تفرقه است. دلشان می خواهد چنین وضعی را پیش بیاورند. به فضل پروردگار، تا امروز نتوانستند و به هدایت و کمک الهی و بیداری و هشیاریِ شما ملت عزیز، بعد از این هم نخواهند توانست. امیدواریم که خداوند این حجّ مقبول را از شما و آحاد موفّقی که ان شاءاللَّه امسال به حج مشرف خواهند شد، بپذیرد.

ان شاءاللّه زحمات همه را قبول کند و توفیق دهد که حجّ خوبی برگزار گردد. کسانی که به حج می روند قدر حج را بدانند.

زیارت مکه را فدای بازارگردی نکنید

من این یک کلمه را نیز فعلًا عرض کنم تا اگر تفصیلی داشت، بعداً راجع به آن بیشتر بگوییم. کسانی که به مکه می روند، مکه را فدای بازارگردی و دکان گردی نکنند.

مکه بالاتر از این حرفهاست. می توانند بعداً یک سفر هم برای تجارت بروند و هر جا می خواهند بگردند. اما در حج، این ایام معلومات را برای خودشان و برای زیارت و توجه و تذکر نگه دارند و آن را فدای کارهای بی ارزش نکنند. در نمازهای جماعت شرکت کنید. در اجتماعات شرکت کنید. نماز اول وقت را به جماعت، در حرمهای عالی مقام حتماً درک کنید. بگذارید حضور شما، حضور مؤمنانه و پرهیزگارانه ای باشد که از ملت ایران انتظار می رود. پروردگار عالم، ان شاءاللّه همه ی شما را موفق بدارد و مشمول ادعیه ی زاکیه ی ولیّ عصر(ارواحنا فداه) باشید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(۲۵/ ۲/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(۲۵/ ۲/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ الحمدللّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی رسوله الکریم الأمین و علی آله المیامین وأصحابه المخلصین والسّلام علینا و علی عباداللّه الصّالحین وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ.

گستردگی مصالح و منافع فریضه ی حج

ذی حجهالحرام با ذخیره ی ابدی اش برای امّت اسلامی از راه رسیده است. خدا را سپاس، بر این هدیه ی تمام نشدنی و سرچشمه ی همیشه جوشان که مسلمانان جهان به قدر همت و معرفت خود، می توانند هر ساله از آن بهره مند گردند و توشه بردارند.

گستردگی و تنوع مصالح و منافعی که دست علم و حکمت الهی در فریضه ی حج گنجانده، به قدری است که در هیچ فریضه ی دیگر اسلامی شبیه آن دیده نمی شود، از ذکر و حضور معنوی و خویشتن یابی انسان مسلمان در خلوت خود با خدا و شستشوی دل از زنگارهای گناه و غفلت، تا احساس حضور فرد در جمع و احساس وحدت هر مسلمان با همه ی امت اسلامی و احساس اقتدار ناشی از عظمت جماعت مسلمین. و از تلاش هر فرد برای شفا یافتن از زخم ها و بیماری های معنوی یعنی گناهان، تا کنجکاوی و تلاش برای شناختن و درمان کردن دردها و جراحتهای عمیق پیکره ی امّت، و همدردی با ملتهای مسلمان، یعنی اندامهای این پیکره ی عظیم، همه و همه در حج و در کالبد اعمال و مناسک گوناگون آن گنجانیده شده است.

اعمال حج، شعائر است

قرآن اعمال حج را «شعائر» می نامد. این بدان معنی است که اینها فقط عملی فردی و برای ادای تکلیفی شخصی نیست، بلکه نشانه یی است تا برانگیزاننده ی شعور و معرفت انسان به چیزی باشد که این عمل، علامت و نشانه ی آن است. در ورای این نشانه ها، توحید قرار دارد یعنی نفی همه ی قدرتهایی که به نحوی جسم و جان آدمی را در قبضه ی اقتدار خویش گرفته اند، و اثبات حاکمیت مطلق الهی بر همه ی وجود و به عبارت روشن و آشنا: حاکمیت نظام اسلامی و مقررات اسلامی بر زندگی فردی و اجتماعیِ مسلمین. در خلال آیات حج، قرآن همه را به برائت از بتهای مشرکین فرا می خواند فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ. این بتها ممکن است یک روز همان بتهای آویخته بر کعبه باشد، اما بی شک امروز و همیشه، همان قدرتهایی است که حاکمیت بر نظام زندگی آدمی را بناحق در دست گرفته اند و امروز واضحتر از همه- قدرت استکبار و قدرت شیطانی امریکا و قدرت فرهنگ غرب و فساد و ابتذالی است که بر کشورها و ملتهای مسلمان تحمیل می کنند. البته عالم نمایان وابسته و مزدور حکومتهای پوشالی اصرار خواهند کرد که خیر، بتها همان منات و لات و هبل اند. همانها که در روز فتح مکه زیر پای سپاهیان پیروزمند پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله خرد و نابود شدند! مقصودِ این آخوند السّطنه ها آن است که حج را به زعم خود از هرگونه مضمون سیاسی، تهی سازند! غافل از آن که همین اجتماع میلیونی مسلمانان از هر گوشه ی جهان، در یک نقطه، در یک زمان، خود دارای بزرگترین مضمون سیاسی است. این نمایش امت اسلامی است که در آن اختلافات نژادی و زبانی و جغرافیایی و تاریخی همه رنگ باخته و از همه، یک «کلّ» پدید آمده است. آنان و اربابانشان برای این که مسلمین از این واحد بزرگ چیزی نفهمند و فردها احساس «جمع» نکنند، همه گونه دروغ و فریب و سخن باطل به میان آورده اند و می آورند تا عرصه را بر دعوت کنندگان به وحدت و منادیان برائت از سردمداران شرک، تنگ کنند.

جمهوری اسلامی ایران بر پیروی از قرآن و اسلام پا می فشارد

ایران اسلامی خواسته است اگر نه بیشتر، کمترین کاری را که با مضمون حج مناسب است انجام دهد، و آن دعوت مسلمین به اتحاد، و کسب خبرهای راستِ ملتها از یکدیگر، و ابراز نفرت و بیزاری از سردمداران شرک و فساد است، هر کس با این هدفهای ارزشمند و والا مقابله کند هر چه بگوید ناحق گفته است: که قرآن درباره ی آن می فرماید: وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ. قول زور، سخن باطل کسانی است که بدِ جمهوری اسلامی را می گویند، زیرا: جمهوری اسلامی حاکمیت دولت صهیونیست بر فلسطین اسلامی را رد می کند و سازش چند فرد فاسد و مطرود با غاصبان را فاقد ارزش می شمارد، دخالت مالکانه ی امریکا بر کشورهای عربی را محکوم می کند، خیانت بعضی از سران اسلامی به ملتهای مسلمان خود را برای خوشامد امریکا و صهیونیستها، زشت می دارد، مسلمانان را به شناختن قدرت عظیم خود که امروز هیچ ابرقدرتی تاب مقابله با آن ندارد، فرا می خواند، معرفت اسلامی و مقررات شریعت را قادر بر اداره ی کشورهای اسلامی می داند، فرهنگ تحمیلی غرب را که مظهر آن برهنگی و مستی و بی ایمانی است، برای کشورهای اسلامی زیانبخش می شمارد، و کوته سخن، بر پیروی از قرآن و اسلام پای می فشارد. امروز هر یک از کشورهای اسلامی که آشکارا همین سخن را بگوید و همین مواضع را اتخاذ کند، یعنی اسرائیل غاصب را نفی کند، دخالتهای قلدرانه ی امریکا را نفی کند، میگساری و بی بند و باری و فساد جنسی و آمیختگی زن و مرد را نفی کند، خیانت سازشکاران با صهیونیستها را نفی کند، مسلمانان را به وحدت و مقاومت در برابر ابرقدرتها فرا بخواند، احکام اسلامی را در حکومت و اقتصاد و سیاست و غیره عملی کند، همین تبلیغاتی که امروز بر ضدّ ایران اسلامی همه جا می پراکنند، بر ضدّ آن کشور و سران آن عیناً همه ی این تهمتها و دشنامها و نارواها را خواهند گفت و خبرگزاریهای استکباری و صهیونیستی و رادیوهای امریکا و انگلیس و پیروان آنها همین بددهنی و یاوه پردازیها را درباره ی آن خواهند کرد. این است قول زور که خداوند آن را همتای شرک و در کنار آن آورده است. شگفتا که وعاظالسلاطین نیز در بعض مناطق جهان در این کار حرام و ضدّ اسلامی، مقلد تبلیغاتچی های امریکا و

صهیونیست اند! البته تسلیم مطلق آنان در برابر حکّام جائر که متأسفانه سرنوشت روحانیون بعضی کشورهای مسلمان است، جایی برای تعجب نمی گذارد! اینک حجّ، نعمت بزرگ خدا در برابر شما است، باید آحاد مسلمین و امّت اسلامی از آن سود ببرند و چنانکه فرموده است: جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرامَ قِياماً لِلنَّاسِ. از آن برای اقامه و صلاح دین و دنیای خود بهره گیرند.

امروز دین و دنیای مسلمانان در خطر است

امروز دین مسلمانان به وسیله ی تهاجم فرهنگی دشمن و ترویج فساد و ظلم و بی ایمانی و بی بندوباری در میان جوامع اسلامی که غالباً با ابتکار قدرتهای ضدّ اسلامی و به کمک تبلیغات و رسانه های آنان و غیر آنان انجام می گیرد در خطر است، و دنیای آنان به وسیله ی سلطه ی روز افزون استکبار بر امور کشورهای اسلامی و فشار و دشمنی مضاعف بر هر دولت یا گروهی که بخواهد افکار را به سوی حاکمیّت واقعی اسلام و استقلال و اقتدار ملتهای مسلمان متوجه کند. و البته جلودار این تهاجم همه جانبه به اسلام، شیطان بزرگ یعنی دولت ایالات متحده ی امریکا است. هر چشم دقیقی می تواند دست یا اراده ی آن دولت ضدّ اسلام را در پشت سرِ مصائبی که بر اسلام و مسلمین وارد می شود، ببیند. در فلسطین اشغالی عمده ترین عامل خیره سری و گستاخی صهیونیستها و مهمترین عامل به سازش کشانیدن بیشتر دولتهای عرب در برابر زیاده طلبی در برابر اسرائیل، امریکا است. بدون پشتیبانی امریکا دولتهای مرتجع منطقه که به سرسپردگی در برابر امریکا شناخته شده اند، تبدیل به مدافع دولت غاصب و مدّعی فلسطینیانِ ضدّ سازش نمی شد و آنهایی که باید طبق وظیفه ی اسلامی خود، با اسرائیل مقابله کنند، لباس مقابله با مخالفان اسرائیل را نمی پوشیدند. و بدون حمایت بی قید و شرط امریکا، دولت غاصب نمی توانست فاجعه ی عظیمی مانند کشتار حرم شریف ابراهیمی علیه السلام را پدید آورده و آن چنان بی دغدغه خود را از عواقب آن بر کنار دارد. شبیه این مطلب در مورد مسلمانان بوسنی و هرزگوین نیز صادق است. قتل عام تاریخی مردم گوراژده و سارایوو، به وسیله ی صربها که حقیقتاً در شمار لکّه های ننگ بشریت در دوران معاصر

است، مسؤولیت سنگینی بر دوش قدرتهای مسلّط جهان و بیش از همه امریکاست. اگر دخالت و سیاستگذاری آنان نمی بود، مسلمانان بوسنی در برابر صربهای مسلّح و مجّهز، از دریافت کمکهای تسلیحاتی ممنوع و محروم نمی شدند و ملّتی دست بسته و محاصره شده، قربانی مهاجمینی خونخوار و گستاخ و تشویق شده، قرار نمی گرفت. دردآور آن است که امریکا و ناتو پس از این زمینه سازی بیرحمانه برای قتل عام مسلمانان بوسنی، و پس از این که سازمان ملل و دبیر کلّ آن را کاملًا در جهت همین سیاست به کار انداخته اند، و پس از نشان دادن علائم رضایت خود از قلع و قمع مسلمانان به دست صربها، و پس از گذشت چند هفته از حمله ی سبعانه ی مهاجمین به زن و کودک و پیر و جوان مسلمان، و کشته شدن هزاران بیگناه و پدید آمدن محنتی بدان عظمت برای مردم شهر گوراژده. پس از این همه، با تهدید صربها به بمباران هوایی، شکنجه را متوقف می کنند و آنگاه این را به حساب انساندوستی و صلح دوستی و بیطرفی خود می گذارند! آیا اگر جلّادی پس از ساعتها و روزها، شکنجه ی شخصی را موقوف کند می تواند مدعی انساندوستی خود شود و ادامه ندادن شکنجه را دلیل بیاورد؟! همین موضع ظاهراً بیطرف ولی عملًا خصمانه نسبت به مسلمین، در همه ی قضایایی که در آن مسلمانان مظلوم، یک طرف قضیه و مورد ستم و فشار دشمنان خود هستند، نیز از امریکا و همدستان اروپایی اش مانند انگلیس دیده می شود. که نمونه ی آن، قضایای گریه آور کشمیر و محنت شدید مسلمانان قره باغ و تاجیکستان است. هر جا دولت یا جمعیّتی شعار اسلام می دهند و برای حاکمیت اسلام تلاش می کنند، بطور بی قید و شرط مورد اهانت و تهمت و سختگیری و دشمنیِ خباثت آمیز امریکا قرار می گیرند، مثال واضح، دولت سودان، نهضت اسلامی الجزائر، حزب اللّه لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، مسلمانان مصر و امثال آنهایند. در همه ی این موارد، عناصر استکبار جهانی و بیش از همه امریکا، رفتاری همراه با تعصّب و شبیه رفتارهای قبیله یی جوامع قبائلی از خود بروز می دهند. ماجرای دشمنی های کینه توزانه و همراه با خشم و بی انصافی از سوی امریکا نسبت به ایران اسلامی و البته به فضل و اراده ی الهی، غالباً بی اثر هم خود داستان جداگانه یی دارد که بسیاری در سطح جهان از آن باخبرند.

حج؛ فریضه یی سیاسی

اکنون آیا امت بزرگ اسلامی و رؤسا و سیاستمداران و روشنفکران و علمای دینیِ آن، نسبت به این وضع دردناک مسلمانان در سراسر جهان، هیچ مسؤولیتی ندارند؟ آنان که به صدق فرموده ی پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لا یَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِینَ فَلَیْسَ بِمُسْلِم»، عقیده دارند آیا برای بروز دادن این اهتمام، جایی بهتر از حجّ بیت اللّه و زمانی مناسبتر از ایّام معلومات سراغ دارند؟ یقیناً بی دلیل نبوده است که پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله برای اعلام برائت از مشرکین که یک عمل کاملًا سیاسی و در چهار چوب سیاست کلّی نظام و دولت اسلامیِ اوّل بود ایّام حجّ را انتخاب فرمود و دستور الهی و قرآنی، اعلام کرد که: وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِینَ کَفَرُوا بِعَذابٍ أَلِیم. آری، حج فریضه یی است که مهمترین گرفتاریهای سیاسی امت اسلامی در آن و با آن قابل حلّ است. بدین معنی، حج، فریضه یی سیاسی است و طبیعت و خصوصیات آن، این را به روشنی نشان می دهد. کسانی که این را انکار و بر ضدّ آن تبلیغات می کنند در واقع با حلّ آن گرفتاریها مخالف اند. بطور خلاصه، حج، فریضه ی امت، فریضه ی وحدت، فریضه ی اقتدار مسلمین، فریضه ی اصلاح فرد و جمع و در یک کلمه: فریضه ی دنیا و آخرت است. آنان که نمی خواهند مضمون سیاسی حج را بپذیرند، در واقع اسلام را دور از سیاست، و دین را از سیاست جدا می خواهند، شعار جدایی دین از سیاست از همان چیزی است که دشمنان حاکمیت اسلام بر جوامع اسلامی، دهها سال است آن را مطرح کرده اند و امروز که حکومتی بر اساس دین مقدس اسلام در ایران پدید آمده و شوق روز افزون به تشکیل حکومت اسلامی همه ی جهان اسلام را فرا گرفته است، آن شعار را سراسیمه تر و خشن تر از همیشه مطرح می کنند، و هرجا مقدّمات تحقّق این هدف فراهم شده باشد، اگر بتوانند با خشونت و جدیتی تمام بر ضد آن وارد میدان می شوند. حاکمیت اسلام، متضمّنِ مقابله با دخالت مستکبران در کشورهای اسلامی و نیز مستلزم کوتاه شدن دست وابستگان به این قدرتها و بندگانِ شیطانِ نفس و شیطان استکبار، از اداره ی این کشورهاست. پس طبیعی است که استکبار

و وابستگانش و شیطانها و پیروانشان، از آن ناراضی و خشمگین باشند. و به همان اندازه باید مؤمنان به خدا و روز جزا و معتقدان راستین اسلام از آن استقبال و در راه آن مجاهدت کنند.

چند توصیه به حجاج بیت اللّه الحرام

اینک که از همه جای جهان، سعادتمندانی توفیق آن یافته اند که ایام معلومات و حجّ خانه ی خدا را درک کنند این جانب با ابتهال و تضرّع، از خداوند متعال می خواهم که حجّ آنان را مقبول و مأجور و آنان و همه ی امت اسلامی را از منافع آن برخوردار فرماید، و ضمناً برادران و خواهران را به اموری چند توصیه می کنم:

۱- این فرصت را برای خودسازی و انابه و تضرّع، مغتنم بشمارید و توشه یی معنوی برای همه ی عمر خود از آن برگیرید.

۲- رفع گرفتاریهای بزرگ مسلمین را از خداوند متعال بخواهید و بارها و بارها این خواسته را در دعا و مناجات خود بگنجانید.

۳- از هر فرصتی برای آشنا شدن با مسلمین کشورهای دیگر و نقاط مثبت و منفی زندگی جاری آنان استفاده کنید. و مسلمانان غیر ایرانی بخصوص حقایق و قضایای ایران اسلامی را از زبان برادران ایرانی خود بشنوند و درست و نادرستِ تبلیغات جهانی را کشف کنند. همچنین امروز و همیشه تلاش کنند تعالیم امام عظیم الشأن راحل حضرت امام خمینی(قدس نفسه الشریفه) را درباره ی مسائل مسلمین فرا گیرند و آن مصلح بزرگ تاریخ اسلام را بهتر و از نزدیک بشناسند.

۴- هر اطّلاع و معرفت درستی از وضع امت اسلامی یا خصوص کشور خود را که در اختیار دارید، به مسلمین کشورهای دیگر منتقل کنید.

۵- در گفتگو با برادران مسلمان خود از هر جای جهان اسلام، مسأله ی «امت اسلامی» و نگرش یکپارچه به جهان اسلام را مورد توجّه قرار دهید. اندیشه ی خود و دیگران را از چهارچوب مرزهای جغرافیایی، نژادی، عقایدی، حزبی و امثال آن فراتر ببرید و به اسلام و مسلمانان بیندیشید.

۶- اقتدار خداداده ی بیش از یک میلیارد مسلمان و دهها کشور اسلامی با این همه ثروت مادّی و معنوی و با میراث عظیمی از فرهنگ و تمدن و دین و اخلاق را همواره به یاد مخاطبان خود بیاورید.

۷- افسانه ی قدرت لایزال غرب و خصوص امریکا را که استکبار همواره سعی کرده است آن را چندین برابر بزرگ کرده و بی وقفه به ذهن مسلمانان القا کند، بشکنید. به یاد خود و دیگران بیاورید که قدرتِ ظاهراً تسخیرناپذیر کمونیسم، در همین نزدیکیها در برابر چشم همین نسل، شکست و فرو ریخت و از آن هیچ باقی نماند. قدرتهای بزرگنمای کنونی و از جمله قدرت امریکا هم ممکن است به همان آسانی، نیست و نابود شوند.

۸- مسؤولیت علمای دین و روشنفکران کشورهای مسلمان را که بسی بزرگ و سنگین است همواره به یاد خود آنان و دیگران بیاورید.

۹- وظیفه ی رؤسای کشورهای اسلامی را در قبال امت اسلامی و ایجاد وحدت مسلمین و دوری از قدرتهای استکباری و گرایش و تکیه به ملتهای خود و ایجاد حسن رابطه میان مردم و حکّام را به عنوان «النَّصِیحَهُ لِأَئِمَّهِ الْمُسْلِمِینَ» به آنان یادآور شوید و اصلاح این امر را از خداوند متعال بخواهید.

۱۰- همواره به یاد داشته باشید که مسؤولیت رؤسا، به معنای رفع مسؤولیت از آحاد ملت نیست و آنان در همه ی این هدفهای بزرگ می توانند نقش تعیین کننده یی ایفا کنند.

امید است به فضل الهی و با توجهات حضرت ولی اللّه الاعظم(اروحنا فداه و عجّل اللّه فرجه)، حج مقبول نصیب حجاج محترم، و تفضّلات و رحمت واسعه ی الهی شامل حال امت اسلامی و آحاد مسلمین بشود.

والسّلام علی جمیع عباداللّه الصالحین

چهارم ذیحجه الحرام ۱۴۱۴ برابر با ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۳

علی الحسینی الخامنه ئی

بیانات در دیدار اعضای شورای بعثه ی حجّ مقام معظم رهبری(۱۰/ ۳/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

بیانات دردیدار اعضای شورای بعثه ی حجّ مقام معظم رهبری

اشاره

(۱۰/ ۳/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

تفضّل الهی در برگزاری مراسم حج

اولًا: خیلی خدا را شاکریم که امسال هم این حرکت عظیم- حجّ بیت اللَّه الحرام- با حضور دهها هزار مردم مؤمنِ مخلصِ کشورمان و به هدایت جناب آقای ری شهری و آقایان محترم، علما و برادران عزیز انجام گرفت. روزی که گفته شد حجّاج می آیند، بنده ضمن این که خدا را شکر کردم که بحمداللَّه امسال هم حجّمان به خوبی انجام گرفت، در قلبم احساس مسرّتی همراه با شکرانه ی الهی و احساس افتخار داشتم. واقعاً تفضّل الهی است که ما هر سال می توانیم فریضه ی الهی حج را به این خوبی، با این شکوه و به این پرمغزی انجام دهیم و این نیست مگر لطف الهی و زحماتِ شما آقایان که این زحمات، خیلی خیلی ارزشمند است و هر کدام در جای خود، دارای اجر الهی است. البته ما که قابل نیستیم و تشکرمان اهمیتی ندارد. با این حال واقعاً از یکایک همه ی شما آقایان متشکریم.

حج؛ یک کار استراتژیک و اساسی

ثانیاً: حج یک کار استراتژیک و اساسی برای ماست. صرفاً این نیست که برویم آن را به عنوان یک فریضه انجام دهیم و برگردیم و در واقع از سر واکنیم. نه؛ حج یک فرصت و یک میدان است و به این چشم باید به آن نگاه کنیم. مثل این است که یک نفر

را پشت تریبونی ببرنـد و بگوینـد اینک این تریبون و این هم شـما. نمی شود گفت که حـج، فریضه ای از سـر وا کردنی است؛ آن را از سـر وا کنیم و برگردیم. خیر؛ حج فرصتی است که جلوی شـما گذاشته شده و بایستی از پیش، خودتان را آماده کنید تـا بهترین و موجزترین و پرمغزترین و رساترین سـخن را از آن چه که در ذهن داریـد، در چنین فرصتی فوراً بگوییـد و بیاییـد. برای مـا حـج این است. اگر چنـان دایره را بر ما تنگ کننـد که هر سال بیش از هزار نفر هم نتوانیم به حـج بفرستیم، علی رغم دشـمن و به کوری چشم او، از این فرصت حـداکثر اسـتفاده را خواهیم کرد. مبـادا خیـال کننـد وقتی دیـدیم مثلًا محـدود شـد، خواهیم گفت دیگر حـج چه حجّی؟ خیر؛ حـج مـال مـاست و فرصتی است در اختیـار مـا و در اختیار انقلاب و نظام جمهوری اسـلامی و این ملت عظیم که این همه هم حرف دارد و بایستی بتواند آن جا بزند. با این دید که نگاه می کنیم، از همین امروز که آقایان بحمداللَّه برگشتید، بایستی بعثه مثل هر سال- هر سال هم همین طور بوده، اما به دلیلی که عرض خواهم کرد، امروز مهمتر است- شـروع به تـدوین برنـامه ی سال آینـده بر فروض مختلف کنـد. آن هم با رعایت این نکته که چه کنیم تا بلیغتر و پرمضمونتر و مؤثرتر، کار خودمان را در سال آینده در حج انجام دهیم.

برائت، واجب سیاسی است

نکته ی بعد این است که مسأله ی برائت، البته یک امر واجب در حج است. منظور ما این نیست که برائت از واجباتی است که اگر کسـی عمـداً ترک کرد، حجش باطـل شود. نه؛ اهل معرفت می فهمنـد که مراد از وجوب آن چیست. قطعاً واجب است به این بیانی که عرض می کنیم. امانه مثل بقیه ی واجبات حج، ماننـدوقوف درعرفات یادرمشعرویا طواف.

نه؛ نـوع دیگری از وجوب است که آن نوع دیگر، گـاهی اوقـات اهمیتش بیشـتر از واجبـات این سـبکیِ غیرِ سیاسـی می شود. برائت، واجب سیاسـی است. یعنی چه؟ یعنی خـدای متعال حـج را برای اعلام حضور مؤمنین در حج- لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ، (۱) قِياماً لِلنَّاسِ (۲)

-

۱- حج: ۲۸

۲- مائده: ۹۷

و بقیه ی جهاتی که در آن است، معین کرده است. عده ای در طول سالیان دراز، بر اثر غفلت و نادانی و یا اغراض و مطامع، نگذاشتند حجْ چنان که باید انجام گیرد، برگزار شود.

ما اکنون می خواهیم حج را به نقطه و مرکز اصلی خودش برگردانیم. آیا این کار واجب است یا واجب نیست؟ آیا کسی می تواند بگوید شرعاً گذاشتن حج در جایگاه حقیقی خودش واجب نیست؟ می شود کسی بگوید این مستحب است؟ می شود کسی بگوید که این اجتناب پذیر است؟ کسی که می تواند اندکی در این راه کاری بکند، می شود بگوید که من این کار را نمی کنم؟ یا نه، این جزو واضحات است. حج باید در جای خود قرار گیرد. باید همچنانی که خدای متعال خواسته و مقرر کرده است، اجرا و اعمال شود. امروز ما می توانیم این کار را بکنیم. چگونه؟ به کیفیّتِ برائت. به کیفیّتِ ایجاد بعثه و تشکیلاتی که امروز هست. به شکلِ حضور متعرّض در حج. یعنی با همه چیز کار داشتن، نه منفعل، نه گریزان از برخورد؛ بلکه به شکل آماده ی برخورد. منتها منظورمان بر خورد خشن و خصمانه و خونین نیست، بلکه برخورد جهادی در مقام تبلیغ و بیان است. ما می توانیم این کارها را انجام دهیم. آیا انجام ندهیم؟ می شود کسی بگوید که می توان انجام نداد؟

می شود کسی بگوید برائت چیست که به آن چسبیدید؟ ممکن است بعضی چنین حرفی بزنند. اما کسی که خدا را قبول دارد، اراده ی الهی را در حج می داند. آیه ای که در آن قیاماً للناس آمده است، ناظر به همین معناست. آیا کسی می تواند آن را قبول داشته باشد ولی در عین حال بگوید ما نمی خواهیم شما کاری کنید که حج «قیاماً للناس» باشد؟

می شود چنین چیزی گفت؟ مثل این است که کسی بگوید چه لزومی دارد حکومت اسلامی تشکیل بدهیم؟!

از حکومت اسلامی غفلت شده بود

از حکومت اسلامی نیز مثل حج نبوی، غفلت شده بود. احکام الهی هم از مرکز و محور خودش قرنها دور بود. این همه حکّام آمدند، این همه سلاطین آمدند، این همه سیاسیّون در این کشور آمدند، این همه فتوحات در این کشور کردند؛ اما بدون محوریت دین خدا و بدون محوریت شریعت. اینها درست بود؟ کسی اگر بتواند شریعت را در

محور خودش قرار دهـد، آیا پیش خدای متعال عذری دارد که در این راه قدمی بر ندارد؟ این همان حرفی است که امام، تمام وجود خودشان، آن وجود ذی قیمت را، در این راه مصـرف کردند. این که ایشان خطاب به بعضی از حوزه ها فریاد می زدند: ساکت! می فرمودنـد: ای فلان جایی ساکت! ای فلان کسـها ساکت! برای همین بود. این که امام می گفتند امروز تقیّه حرام و اظهار حقایق، واجب است، برای همین بود. پانزده سال زحمت و تلاش و خونِ دل و خون و شکنجه و شلّاق و سیلی و مرارت، برای این بود که حکومت اسـلامی در مقرّ خودش و شـریعت اسـلامی در جای خودش قرار گیرد و اگر همه ی دنیای اسلام از شریعت سـیراب نمی شود، لااقل بخشی از دنیای اسلام و جامعه ای، ازاین شریعت سیراب گردد و قوانین و مقررات زندگی در آن جـامعه، برخاسـته از شـریعت باشـد. امـام در ایـن مـدت ایـن همـه تلاش و ایـن همه کـار کردنـد. همه ی مؤمنین، همه ی مجاهـدین، همه ی شـهدا، همه ی علمـای واقعـاً علاقه منـد وهمه ی شـما نیز دراین کار و تلاش شـرکت داشتیـد تا پیروز شـد. آنهایی هم که قبلًا در این زمینه، خیلی تلاش نمی کردنـد، بعـد از پیروزی امیدوار شدند و بنای کار بیشتر را گذاشـتند. آیا می شود کسـی بگویـد این کجای دین نوشته شـده است؟ یا بگویـد کجای توضـیح المسائل نوشـته شده که بعد از نماز و روزه و فلان، یکی از واجبات هم اقامه ی دین خداست؟ این توضیح المسائل می خواهد؟ این، بیان فرعی فقهی می خواهد؟ این، لازم است بـا مسأله ای که می گویـد دسـتمان را دو بـار بـا آب بشوییم پـاک می شود یا یک بار کافی است و نظیر چنین مسائل و احکـامی مقـایسه شود؟ این، اصـلًا قابـل مقـایسه بـا آنهاست؟ البته از آن واجباتی هم هست که اگر کسـی ترک کنـد، تعزیر و حدّی در شـرع برایش مقرّر نشده تا بگوید به ترک کننده این قدر حد بزنند و یا به عنوان فسقِ مبانِ واضـحی ذکر نشده است؛ اگر چه تشخیصها مختلف است. پس این، یک واجب سیاسی است؛ همان طور که برائت یک واجب سیاسی است.

حج بی برائت، حج نیست

مسـأله ی برائت واقـامه ی حـجّ اسـلامی واقـامه ی حـجّ نبوی واقـامه حجّی براسـاس قِیاماً لِلنَّاسِ و مَنافِعُ لَهُمْ، درست مثل همین است. امام، برای این تلاش می کردند؛ والّا ایشان

آدمی نبودنـد که بخواهنـد مسأله و موضوعی را که از دین نیست، به دین اضافه کنند و یا مسأله ای را که از دین هست از دین کم نماینـد. ایشـان آدمی بودنـد که مو را از ماست می کشـیدند. امام، آدمی دقیق بودنـد. اگر همه ی دنیا مقابل امام جمع می شدند و موضوعی را که مورد پسـندشان بود- همه از آن خوشـشان می آمد، همه دوستش می داشتند و حتی جوانها برایش به به می گفتنـد- مطرح می کردنـد و می گفتنـد این را بگوییم از دین است؛ اگر ایشـان آن موضوع را از دین نمی دانسـتند، می گفتنـد نـه. امـام آدمی نبودنـد کـه بخواهنـد راجـع به موضـوعی که به دین برمی گردد، بـا کسـی معـامله و سـازش کننـد و یا رودربایستی داشـته باشـند. صـریح می گفتند که برائت جزو حجّ است. برائت واجب حجّ است. حجّ بی برائت حج نیست. اینها تعبیرات امام است. جایگاه برائت در حج این است.

اجرای احکام الهی، موکول به قدرت شرعی است

البته «لقائـل ان یقـول»؛ ممکن است گفته شود اگر این طور است، پس چرا تعطیلش کردیـد؟ جواب این است که خودِ حـج را هم یک وقت مانع می شوند. صدٌّ عن سبیل اللَّه می کنند و حج، تعطیل می شود. در ابواب فقهیه، حجِّ مسدود داریم. کسی که مسـدود است چه کار کند؟ امسال نشد، سال دیگر بکند. اگر فلان وقتش سدی انجام گرفت، علاج شـرعی اش چیست؟ وقتی نشـد، انسـان نمی کنـد دیگر. همه ی احکـام الهی، موکول به قـدرت و توانـایی است. قـدرت هم قـدرت عقلی نیست، قـدرت شرعی است. وقتی انسان می بیند دماء مسلمین در خطر است و مشکلات فراوان و صعوبات زیاد بر سر راه است و تکلیف بر او غیر قابـل تحمـل می شود، می گویـد فعلًـا این کـار انجـام نگیرد. امسال نتوانستیم برائت را انجام دهیم، به فضل پروردگار سال دیگر انجام خواهیم داد. اگر سال دیگر هم نتوانستیم انجام دهیم، سال بعدش انجام می دهیم. اگر ده سال نتوانستیم، پنجاه سال بعـدش انجـام می دهیم. مسـأله که شوخی بردار نیست. این طور نیست که کسـی خیـال کنـد بالاخره برائت هم یک چنـد سال انجام شـد؛ ناشـی از شـلوغی انقلاب بود و همه چیز کم کم به حال اوّل بر می گردد. خیر. مثل این است که بگوییم چنـد سال حکومت اسلامی بود، دین خدا بود، مجلس شورای اسلامی بود، ولی بعد همه چیز به شکل اول بر گردد.

پادشاهی بیاوریم، دولت غیراسلامی بیاوریم. مگر ممکن است؟ ما وارد راه جدیدی شدیم. آن، برگشت است. آن، رجعت است.

روی راهکارهای نو و ناپیموده فکر کنید

و اما نکته ی آخر. برادرانی که یک حجّ مفید را طراحی می کنند، ببینند اگر قرار شد ما در حجِّ سال آینده باز هم نتوانیم برائت را به شکلی که تا پارسال معمولمان بوده انجام دهیم، چه باید بکنیم؟ ممکن است دیگر. ممکن است پیش بیاید. ممکن است خدای نکرده، العیاذ باللّه، سال آینده عرفات را آب بگیرد و نتوانیم وقوفِ عرفات کنیم. چنین فرضی ممکن است. ممکن است پیش بیاید دیگر. به هرحال راهی دارد. علاجی دارد.

به هرحال اگر سال آینده نتوانستیم برائت را انجام دهیم، چه کار کنیم که آن کار، بهترین باشد، برای این که حج «قیاماً للناس» شود. حج، حجّ نبوی و علوی شود. راجع به این مسأله باید فکر کنیم. همه ی راههای نو و ناپیموده و ابتکاری و ممکن را فکر کنید. با دقت برنامه ریزی کنید و همه ی مقدماتش را از همین امروز فراهم نمایید. اگر بناست، کاری انجام گیرد، کتابی برود، نوشته ای برود، کسی برود؛ این کارها را انجام دهید تا سال آینده حج ما به صورت بهترین حج انجام گیرد.

ما کمک و وعده ی خدا را باور داریم

ان شاءاللّه که خداوند متعال به شما کمک خواهد کرد. ما حقیقتاً سخن خدا و وعده ی خدا را قبول و باور داریم. این که می فرماید: وَالَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا، (۱) این که می فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ، (۲) این که می فرماید: «هر کس با خدا باشد، خدا با اوست»؛ وَمَنْ جاهَدَ فَإِنَّما یُجاهِدُ لِنَفْسِهِ (۳)

همه ی اینها را قبول داریم. ما کمک الهی را قبول داریم. واقعاً اعتقاد داریم اگر جایی از طرف خدا کمک نمی شود، به خاطر عیب و

۱- عنکبوت: ۶۹

۲- عنکبوت: ۶۹

۳- عنکبوت: ۶

اشکالی است که در کار ما وجود دارد. بنابراین خدای متعال، ان شاءاللَّه کمک خواهد کرد. روزبه روز، حجْ بهتر و کاملتر خواهد شد و ان شاءاللَّه جمعیت بیشتری را به حج خواهیم فرستاد. ان شاءاللَّه در سال آینده صدوبیست، سی هزار نفر بفرستیم و بتوانیم یک حج، آن چنان که دلخواه بندگان خوبِ خداست، داشته باشیم. ان شاءاللَّه بعد از حجّ سال آینده، باز هم شما برادران عزیز را زیارت کنیم و همین طور سرشار از افتخار و سرور، کارها انجام گیرد.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّه

بیانات در دیدار با کارگزاران حج(۱۶/ ۱/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

بیانات در دیدار با کارگزاران حج

اشاره

(۱۶/ ۱/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

خداوند، خدمت شما را قبول کند

اولًا بایـد از همه ی برادران و خواهران عزیز تشـکر کنم که یک بار دیگر این فرصت را برای بنـده فراهم آوردیـد که در جمع محترم کارگزاران فریضه ی عظیم حج بتوانم راجع به این واجب الهی مطالبی را در میان بگذارم و عرض کنم. همچنین باید از زحمـات شـما عزیزان، بخصوص مسؤولین محـترم در اجرای هر چه بهتر این واجب الهی و پر کردن این خلاء تشـکر کنم و از خـدای متعـال بخـواهم که شـما را منظـور نظر حضـرت بقیهـاللَّه الا عظم و مشـمول ادعیه زاکیه ی آن بزرگوار قرار بدهـد و به بهترین وجهی از شما این خدمت را قبول کند.

توجه به مسائل معنوی در حج

دو نکته مهم در باب حج وجود دارد که همیشـگی و فراموش نشدنی است. یکی مسأله ی معنویت در حج است. در خلال این واجب، از اول تـا آخر یـک روحی وجـود دارد که آن روح عبـارتست از تـوجّه و اخلاص به ذات مقـدس احـدیّت و اظهـار عبودیت در مقابـل پروردگـار. در فرائض و واجبـات دیگر، به این حجم و کیفیت، این ویژگی را نمی شود مشاهـده کرد؛ اگر چه قوام هر واجب و عبادتی، به توجّه و ذکر حضـرت پروردگار جلّ و علی است. وقتی انسانها به مرکز اقامه ی فریضه ی الهی حج، جذب می شوند از

محدوده ی زندگی مادی، خارج و به فضایی کاملًا معنوی وارد می شوند. در این فضای معنوی، انسان بطور حقیقی شستشویی می کند و برمی گردد. فرض بر این است که اگر انسان، یک بار در مدت عمر خویش چنین شستشویی بکند، برای او کافی است؛ چون حج یک بار واجب شده است و واجبات بر اساس نیازها و حاجت بشر است. اگر ما برای سیر تکامل و عروج الی اللّه به بیش از هفده رکعت نماز در روز احتیاج داشتیم، خدای متعال آن را واجب می کرد. حداقل واجب آن چیزی است که برای ما به صورت حکم واجب درآمده است. حج، برای هر کسی که بتواند؛ «من استطاع»- که نباید خیال کرد «من استطاع» واجب را محدود می کند، نه این واجب را توسعه می دهد- بدون استثنا، یک بار در عمر واجب است و اگر کسی نتوانست، خوب نمی تواند، بر او چیزی واجب نیست، چون قدرت وجود ندارد. پس یک بار، رفتن در آن مخزن و چشمه ی جوشان معنویت برای شستشو و پاکیزه شدن، کافی است. البته اگر بیشتر بشود، بهتر و بیشتر شستشو خواهدشداماّحداقل لازم همان یک باراست. ببینید چه قدر جنبه ی معنویت حج باید قوی باشد. اینها نکاتی است که ما باید واجب را از این دریچه ها درست بشناسیم و بفهمیم. اگر ما دیدیم که حج جنبه ی مادی و ظاهرسازی و دوری از معنویت پیدا کرد و در سفر حج رفتارهایی که برای خودمان انتخاب می کنیم یا بر ما تحمیل می کنند، ضد معنویت است، باید بدانیم از فلسفه ی حج دور افتاده ایم. کسانی که حج و ایام حج را، به میزان زیادی صرف چیزها و کارهایی می کنند که در جهت مقابل معنویت، غرق شدن در مادیّت و دوری از خداست، در حقیقت، بدون اینکه خودشان بدانند، دارند از آن سرمایه ای که خدای متعال در حج به آنها هدیه کرده است، کم می کنند. آنها خیال می کنند چیزی به دست می آورند، در حالی که دارند چیزی از دست می دهند و با غرق شدن در مادیات، هدیه ی معنوی را ناقص می کنند. حج اول با «لبیک» یعنی پاسخ گویی و اجابت دعوت الهی، شروع می شود. تمام مناسک و کارهای حج از قبیل: حالت احرام، لباس و محرّمات احرام، طواف، سعی، نماز ووقوفین، هرکدام به نحوی، گوشه ای از وجود ما را به معنویت و به خدای متعال جذب می کند. این مجموعه ی مرکب در واقع چشمه ی زلالی است که باید خود را در آن، شستشو بدهیم. مراقب باشید که حج، این جهت را از دست ندهد.

حاجی را به روح و معنویت حج نزدیک کنید

در دوران گذشته- البته در زمانی که سردمدار امور حج کسانی بودند که معنویات را بو و لمس نکرده بودند- توقعی نبود. آنجا البته کسانی بودند، خودشان اهل معنا، توجه و تذکر بودند و خود را به نحوی تأمین می کردند، اما دستگاهی وجود نداشت که آنها را به سمت معنویت حرکت بدهد. امروز وضع فرق می کند. امروز کسانی که متصدّی حج اند، اهل معنویت تذکر و انس باخدا هستند. طعم معنویت را می فهمند و شیرینی انس با خدا و ذکر خدا را درک می کنند. فرق می کند وقتی که مسؤولین حج، این جور افرادی باشند، یا افرادی که اصلًا نمی فهمند حج چیست. نمی دانند فرق بین یک مسافرت معمولیِ گردشی با حج عظیم الهی چیست. خیال می کنند این هم یک مسافرتی است که آدم برای سفر و گردش می رود و برمی گردد. امروز شما مسؤولین حجّ اید. اهل معنویت متصدی امور حجّ اند. من از همه ی آقایان محترم، مسؤولین، برادران و خواهران و هر کسی که به نحوی با حاجی ای ارتباط دارد، خواهش می کنم که یکی از کارها و کوششهایشان این باشد که این حاجی را به روح و معنویت حج، نزدیک کنند و مردم را با تأثیراتی که حج، منهای مسائل اجتماعی، برای تکامل فرد انسانی دارد؛ از قبیل اینکه فرد را کامل و پاک می کند، پالایش، تزکیه و مزیّن به زینت معنویت می کند، سرمایه ای به او می دهد، مشت او را پر می کند و برمی گرداند، آشنا کنند. همه اش هم با بیان و گفتن نیست بلکه با عمل، حضور، توجّه و با رفتار، بایستی مردم را به معنویت سوق داد. اگر این بشود، نکته ی دوم حج هم که نکته ای فراموش نشدنی و یکی از اهّم نکات در باب حج است، آسانتر خواهد شد.

توجه به مسائل اجتماعی حج

نکته ی دوم، همان نکته ی اجتماعی است. خدای متعال این واجب را به نحوی انجام داده است که مسلمانها، چشم در چشم یکدیگر واقع بشوند. اگر حج نبود، یک فرد مسلمان ممکن بود تا آخر عمر بسیاری از این ملیّتها را، نه تنها نبیند، بلکه اسم آنها را هم نشنود. حج، ملتها، رسوم، زبانهای مختلف و افراد ناآشنا که اگر دوتایشان در نقطه ای،

روزهای متمادی با هم باشند، معلوم نیست یک ذره با یکدیگر انس پیدا بکنند، را در یک نقطه جمع می کند و به همه آنها عمل، ذکر، عشق و هدف واحد می بخشد که دنبال یک هدف بروند. خوب توقع چیست؟ توقع این است که دستاورد واحدی پیدا بکنند.

آن دستاورد واحد چیست؟ آن چیزی که به همه ی ملتها ارتباط پیدا می کند، نه به یک ملت واحد، فضلًا از شخص واحد، آن چیست؟ آن عبارت است از چیزی که بین ملتها است، که همان اسلام است. بین ملتهای صاحب نژادهای مختلف؛ که همه مسلمانند، آنچه مشترک است چیست؟ آن، آرمانها، آرزوها، اهداف و عشقهای اسلامی است که اسلام برای آنها معین کرده است. پس حج می خواهد این را تأمین بکند. چرا این نکته ی واضح را بعضی نمی فهمند و باید برایشان تشریح کرد؟ بعضی با وجود تشریح کردن هم نمی فهمند و شقاوت را به حد اعلی رسانده، با این امر واضح و حق صریح، مبارزه هم می کنند. شرقی، غربی، سیاه، سفید و صاحب لغات گوناگون که اینجا جمع شده اند، چند روز عمل واحد انجام می دهند، در یک نقطه عبادت می کنند، می خوابند و می نشینند.

این کارها برای یک امر فرا ملّیتی و فراشخصیتی است والّا ممکن بود این اعمال را هر کسی در مسجد جامع شهر خودش هم انجام بدهد. چرا مردم را به یک نطقه ی خاص کشاندند؟ برای اینکه با هم باشند و با هم بودن را حس کنند و آن چیزی که فراتر از مجموعه های ملّی است، یعنی مسلمان بودن و وحدت اسلامی را به اینها بفهمانند. آن، همان چیزی است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی از روز اول دارد روی آن تأکید می کند و می گوید آقا حج، برای آشنایی مسلمانان، اتحاد و تأمین منافع مشترک مسلمانان و احتراز از دشمنان مشترک؛ یعنی برائت از مشرکین است. اینجا چون مرکز اسلام است و لُب، روح و حقیقت اسلام توحید است و خانه ی خدا، مرکز اقامه و مظهر و نماد و رمز توحید است، لذا شعار، شعار توحیدی است و برائت هم برائت از شرک است. این امر واضحی است. حالا ـ می گویند آقا توی کتاب مسأله، کجا نوشته اند برائت از مشرکین جزء واجبات حج است؟ خوب کجا نوشته اند که حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است و اگر کسی این را منکر باشد، اسلام را نفهمیده است؟ یک چیزهایی هست که نوشتن ندارد. هر جایی که شما به اثری از دین نگاه کنید، این را به وضوح می بینید. البته انسان

باید بصیرت، فهم، معرفت و قدرت درک داشته باشد. کیست که توحید، شعار معنویت و وحدت مسلمین را در حج ببیند و نفهمد که این اجتماع عظیم برای این است که اسلام و توحید به رخ کفر کشیده بشود؟ برخلاف آنچه امروز دشمنان می خواهند، در حج، توحید در مقابل شرک سینه سپر می کند.

دشمنان، با عزت اسلام مخالفند

ببینید امریکا با چه فضاحتی با جمهوری اسلامی دشمنی می کند! این دشمنی برای چیست آقا؟ برای این است که نمی خواهد کلمه ی حق، معنویت و اسلام در جایی سینه سپر کند و خودش را نشان بدهد. اگر جمهوری اسلامی شعارهای اسلامی مانند نماز، دعا، عبادت و قرآن و از این حرفهایی که ما می زنیم را می گفت، امّا در مقابل استکبار سینه سپر نمی کرد و هر چه آنها می گفتند، می گفت بله چشم، هر چه شما بفرمایید، به جان شما، هیچ کاری با آن نداشتند. اینها که با ذلت اسلام مخالف نیستند. اگر اسلام، العیاذباللَّه ذلیل باشد، اینها مخالفتی با آن ندارند. اینها با عزت اسلام مخالفند. اگر در جایی، کشوری بود، پرچم اسلام و لااله الّااللَّه هم داشت، شعار اسلام هم داد، امّا در مقابل استکبار جهانی ذلیل بود، استکبار مگر دیوانه است با او بجنگد یا با او مخالفت کند؟

اسلامی که در مقابل امریکا به خاک می افتد، برای امریکا ضرری ندارد؛ چرا باید با او مبارزه کنند؟ خوب نوکر خودشان است. پول و کمک هم بخواهند، از او می گیرند و حرف خود را هم به او تحمیل می کنند. این جور اسلامی که دشمن ندارد. آنها، اسلامی را نمی پسندند که سینه سپر می کند، داعیه دارد و مردم را به خود دعوت می کند. پیغمبر اسلام خودش را در مکّه حبس نکرد. اگر پیامبر خودش را در مکّه یا در خانه حبس می کرد، دعوت نمی کرد و متعرض کسی نبود، کسی به او کاری نداشت. اسلام عزیز است. عزّت اسلامی که سینه سپر می کند؛ می ایستد، سرش را بالا می گیرد، زیر بار دشمن نمی رود، بلکه بارها و بارها استکبار را ذلیل می کند و بینی او را به خاک می مالد، باید تثبیت شود. همچنان که جمهوری اسلامی، علی رغم بدبینها، ضعیف النفسها، منفی بافها وکوته نظرها، که می گفتند آقا نمی شود، نکنید، بترسید، و به کمک همین مردم و با عنایت

الهی و رهبری آن مرد موحد- که حقیقتاً آن امام بزرگوار موحّد بود و توحید در سراسر وجود او جریان داشت. همه ی وجود او خدا، عظمت و عزت الهی را قبول داشت- توانست دشمن را ذلیل بکند و خودش عزیز باشد.

با ملت ما، به خاطر آرمانهایش دشمنی می کنند

از این جمهوری اسلامی ناراحتند؛ بدشان می آید، می خواهند بکوبندش. تهمت هم می زنند. شعار هم می دهند. خلاف و دروغ هم می گویند، ظلم هم می کنند. می بینید که همه ی آنچه که می گویند ظلم است. توطئه هم می کنند. در داخل هم، انگشت مفسد گندیده ی خودشان را وارد کشور می کنند. اینجا و آنجا را از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، دچار مشکل هم می کنند. خرابکاری می کنند و جلو بازسازی ملت را می گیرند. ساختن، سخت است امّا ویران کردن آسان است. امروز دولت دارد می سازد و بازسازی می کند. یک ساختمان را خشت باید روی خشت گذاشت تا بالا برود، امّا با یک ماده ی منفجره راحت می شود آن را منفجر کرد. جلوی این کارِ مشکل را می گیرند.

مزاحمت ایجاد می کنند. خباثت می کنند. برای چه؟ برای اینکه می بینند اینجا یک ملتی هست که با دعوت و با شعارهای اسلامی، کمر بسته است به اینکه زندگی، دنیا و آخرت خود را بسازد، آباد کند و می خواهد زیر بار دشمن هم نرود؛ این است که با این ملّت دشمنی می کنند. به همین دلیل با شعار توحید در حج هم دشمن اند.

حج را با ویژگیهای آن بشناسید

عزیزان من، حج را با این دو خاصّه بشناسید؛ خاصه ی تأثیر شخصی، فردی و معنوی، ایجاد یک انقلابی در هر دل، این هزاران دلی که از اینجا احرام می بندند و به خانه خدا، به میعاد و میقات الهی می روند تا منقلب، الهی و معنوی بشوند و برگردند. دلها از خانه ی خودشان احرام می بندند. دلهای ذاکر و خاشع، در واقع قبل از میقات دلها مُحرم اند. این، یک ویژگی بود. [که این قابل اغماض نیست. و دومی هم معنا و مفهوم جمعی، اسلامی(این قسمت در نوار نیست)]، امتی و فراملیتی مربوط به امت اسلام و

عبارت است از اثبات عزت توحید، نفی شرک، برائت از شرک و مشرکین و داعیان الی الشرک و مخالفان توحید، به هر شکل و به گونه ای که بتوانند. مثل خود حج که؛ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، متوقف بر استطاعت است.

دلهای آشنا، خود را با کانون معنویت مرتبط کنند

البته دلهای مؤمن پیروان آل محمّد صلی الله علیه و آله در آن سرزمینها دنبال یادگارهای عزیز خودشان هم می گردند. دنبال یاد ائمه مظلوم خودشان که آنجا، پایگاه اشعاع و نورانیت و درس آنها بوده است. ائمه در طول دویست و پنجاه سال امامت شیعه، در آن شهرها و توی همان کوچه، خیابانها و خانه ها، در همان سرزمین، در همان بقاع متبرکه، نشستند اسلام را به مردم تشنه، مشتاق و با معرفت تعلیم و تدریس کردند و یاد، ذکر، آثار، قبور مطهره و یادگارهای آنها آنجا است. امروز هم بازمانده ی عزیز و دردانه ی قیمتی این عالِم وجود در روی زمین در ایام حج در همان جا است. سیّد و مولای آفرینش و محبوب دلهای مشتاقان، در عرفات، منی، مشعر الحرام و طواف آن جا است. دلهای آشنا سراغ بگیرند و خودشان را با کانون معنویت مرتبط کنند.

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد دلهای ما را با منابع نور و معنویت و حقیقت آشنا کن. دلهای ما را با خودت مرتبط کن. ما را از اولیائت جدا مفرما. پروردگارا به محمّد و آل محمّد حج را از امت اسلام قبول کن. حج را برای امت اسلام مبارک کن. کارگزاران حج عظیم اسلامی را مورد رحمت و برکات خودت قرار بده!

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(۱۴/ ۲/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(۱۴/ ۲/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ و الحمدللّه ربّ العالمين والصّلاه والسّلام على خيرخلقه محمد المصطفى وآله الطاهرين وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (۱)

موسم حج، چون بهار طبیعت فرا می رسد

چون بهار طبیعت، که همواره در میعاد همیشگی خود، لبریز از نشاط زندگی فرا می رسد، موسم حج، نوبهار جان و دل، و فصل رویش و پیدایش روح زندگی توحیدی در دل هر مسلمانی که خود را به میقات رساننده باشد، همه ساله در موعد خدایی و همیشگی باز می گردد تاچون چشمه سار مبارکی رشحات حیات طیّبه ی اسلامی را بر سراسر جهان اسلام بپاشد وکسانی راکه توفیق یافته اند که تن به این سرچشمه ی مبارک بزنند، از غبار و کدورت گناه و شرک و ماده گرایی و میل به پستی و بدکرداری، پاک کند و در آنان اگر اهل توجّه وتذکر باشند، مایه ی صلاح وفلاح یک عمر را ذخیره سازد.

اکنون بیش ازچهارده قرن است که ندای ابراهیم خلیل ازحلقوم محمّدمصطفی صلی الله علیه و آله، همه ساله میهمانان بیت را در این موسم به پایگاه معنویت و وحدت می کشاند تا گرد مرکز توحید، همراه با آن جریان ابدی عروج، طواف کنند، و در پشت مقام ابراهیم به سمت

۱- حج: ۲۷

کعبه ی محمدی صلی الله علیه و آله، نماز گزارند، و میان صفا و مروه، سعی ابدی مؤمن از منشأ صفا را مجسّم سازند. و معرفت به حقارت خویش و عظمت و عزت حق تعالی را در عرفات، و زمزمه ی ذکر و انس و عشق به حضرت احدیت و درک نور تابان آن بی همتارا در صحرای ظلمانی وجود خود در مشعر بیاموزند، و در منی شیطان بزرگ و شیطانهای دیگر را هدف رمی خود سازند، و به نشانه ی قربانی کردن هواها و تمایلات منحرف ساز، ذبیحه یی قربانی کنند- و این همه را در حال احرام که حریم جان و دل حاجی در برابر میوه های ممنوع این بهشت است و در کنار دیگر مسلمانان از هرجا و هر نژاد و باهر رتبه ی مادی یا معنوی و دارای هر زبان و فرهنگ به جای آورند و آنگاه به نشان زدودن همه ی چرکها و پلیدی هایی که در فضای آلوده ی زندگی مادّی برجان و دل آنان نشسته است، حلق وتقصیر کنند وسپس بار دیگر با طراوتی که از زدودن گناه و تجلّی معرفت و محبت خداوند، در جان و دل آنان پدید آمده است، به خانه ی خدا برگردند وطواف ونماز و سعی را این بار در آفاقی برتر از پیش به جای آورند و با ذخیره یی سرشار از توحید ومعنویت و صفا، و عزمی راسخ در مبارزه با شیطانها، و قدرتی فائق بر نفس خویشتن، آماده ی برگشتن به دیار خود و پراکندن عطر حج در اقطار گیتی باشند.

حج، یکپارچگی امت اسلامی را تأمین می کند

حکمت بدیع اسلام، این آزمایش شگفت آور و پر از رمز و راز را چنان ترتیب داده است که همین یک واجب بتواند در همه ی قرون و اعصار، و با هراندازه گسترشی که دامنه ی اسلام در شرق و غرب گیتی به دست آورده است، یکپارچگی و اتصال اجزاء این پیکر عظیم را تأمین کند ... همه در یکجا و همیشه در یک فصل، ... چه آن هنگام که سفر کعبه ی مشتاقان بیت از برخی نقاط عالم یکسال به طول می انجامید و چه امروز که دشمنان امت اسلامی برای پوشش تبلیغات زهرآگین خود به سراسر کره ی زمین به بیش از یکساعت نیازندارند، همیشه اجزاء این پیکر عظیم و پراکنده، به این مرکز وحدت و قدرت که برای آنان کانون صفا و برادری و معنویت و توحید و معرفت واطلاع است نیاز داشته اند .. و اسلام اگر از حج خالی می بود رکنی اصلی و جزیی جوهری را فاقد بود.

دو عنصر اصلی حج

حج در جوهر و ذات خود دارای دو عنصر اصلی است: تقرب به خدا در اندیشه و عمل، و اجتناب از طاغوت و شیطان با جسم و جان .. همه ی اعمال و تروک حج، برای این دو و در جهت آن و تأمین ابزارها و مقدمات آن است، و این در حقیقت خلاصه یی از اسلام و همه ی دعوتهای الهی نیز هست که: وَ لَقَدْ بَعَثْنا فِی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (۱)

در آیات حج تعبیرات: حُنَفاءَ لِلَّهِ غَیْرَ مُشْرِکِینَ بِهِ، (۲) یا فَإِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا ...، (۳) یا: فَإِذا قَضَیْتُمْ مَناسِکَکُمْ فَاذْکُرُوا اللَّهَ کَذِکْرِکُمْ آباءَکُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِکْراً (۴)

وامثال آن ناظر به همین دو عنصر اصلی است.

تقرّب به خدا، ذکر ونماز وتسلیم واحرام وبه خود وخدا اندیشیدن وسعی و صفا را می طلبد ودرنهایت زاد وتوشه ی تقوا را درکوله بار حاجی می گذارد: وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَیْرَ الزَّادِ التَّقْوی وَ اتَّقُونِ یا أُولِی الْأَلْبابِ. (۵) و اجتناب ازشیطان وطاغوت، دل کندن ازشهوات و هوسهای خوارکننده وکمک گرفتن ازنیروی صبر واراده ی خود ونیز نیروی عظیم امت اسلامی را لازم دارد که همانادرحرکت دستجمعی وهمراهی وهمدلی و همگامی و هم زبانی همگان در طواف وسعی، و وقوف در عرفات و مشعر ومنی، وهدف گرفتن دستجمعی جمرات شیطان و رمی از همه جا و همه سو به آن و ابراز برائت عمومی از آن، حاصل می شود و درنهایت، گره خوردن دستها و دلها وعزم های مسلمین از همه جای امت اسلامی به یکدیگر واحساس قدرت وامنیت در سایه ی وحدت را پدید می آورد که: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثابَهً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً. (۶)

۱- نحل: ۳۶

۲- حج: ۳۱

۳- حج: ۳۴

۴- بقره: ۲۰

۵- بقره: ۷

۶- بقره: ۱۲۵

اگر حج، چنانکه قرآن خواسته وپیامبر صلی الله علیه و آله فرموده وعمل کرده، به جای آورده شود و چنانکه فرموده: «خُذُوا عَنِّی مَناسِکَکُمْ»، مناسک آن از عمل او گرفته شود، تأمین کننده ی کمال فرد و عزت امت است.

هرکس باچنین حجّی مخالفت کند وحج را جدا ازاین خطوط و نشانهای اصلی آن بخواهد، باکمال جویی فرد مسلم و عزت امت اسلامی مخالفت کرده است.

مبارزه ی استکبار با اسلام و مسلمین

امروز استکبار جهانی باپرچمداری امریکا و با طرّاحی صهیونیسم به مبارزه یی آشکار با اسلام ومسلمین سرگرم اند. این البته دنباله ی خصومتهای دیرین دشمنان اسلام است، لیکن با شیوه های تازه و انگیزه های تازه وابزارهای تازه. وامت اسلامی از چنین کانون مقاومت ونیرو و وحدتی برخوردار است. آیا سزاوار است که مسلمین از حج برای مقابله بادشمن ستیزه جو و تفرقه ساز و توطئه گر بهره نگیرند وخود را بیدفاع در برابر دشمن قراردهند؟

حجّ درست وکامل، می تواند بوسیله ی نزدیک کردن دلها و تبادل آگاهیها و افشای توطئه ها، خطرناکترین توطئه های دشمن علیه اسلام ومسلمین را خنثی کند. امروز دشمن اسلام یعنی سردمداران استکبار وصهیونیسم، تفرقه افکنی میان مسلمین و غوغاگری در عرصه ی تبلیغات را برضدّ هرکشور ودولت وجمعیّتی که ازبیداری اسلامی وحاکمیت قرآن دم زند وداعیه ی عزّت مسلمین را داشته باشد، مهمترین کار خود می داند. زیرااگر بتواند بخش های فعّال و پرتحرک از امت اسلامی را از دیگربخش های این امت جداکند، مطمئن خواهد شد که دربرابرخودپیکر عظیم و یکپارچه ی امت را نخواهد دید، ونقشه های خباثت آلودش در باره ی امت اسلامی را بی دردسر پیش خواهد برد.

این روزها مردم دنیا، شاهد حجم انبوه و متراکم وسطح وسیع تبلیغات بوقهای استکباری بر ضد جمهوری اسلامی ایرانند. این همان سیاست است که البته به فضل الهی تاامروز ناکام مانده ولی باهمه ی توان استکبار، دنبال می شود.

مهمترین انگیزه ی دشمنی با ایران اسلامی

مهمترین انگیزه ی دشمنی با ایران اسلامی از دوران حیات امام راحل قدس سره تاکنون، آن است که دراین کشور، همه ی سیاست ها با معیارهای اسلامی، محک زده شده و انتخاب یا مردود می شود. همه ی موضعگیریهای سیاسی براساس دستورات اسلام، شکل می گیرد.

سازش دولتها با صهیونیسم مردوداعلام می شود، چون این به معنی آوارگی همیشگی ملت فلسطین واشغال همیشگی کشور فلسطین بوسیله ی دشمن است.

ازملت های فلسطین و بوسنی وتاجیک وافغان و کشمیر و چچن وآذربایجان و الجزائر ودیگر ملتهای مظلوم مسلمان حمایت می کند، چون قرآن صریحاً حمایت ازمستضعفان را لازم شمرده است: وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَهِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیّاً وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصِیراً (۱)

باسلطه ی امریکا ونفوذ و دخالت آن درکشورهای اسلامی و همه ی کشورهای مظلوم مخالفت می کند، چون قرآن فرموده است: ... لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلِیاءَ تُلْقُونَ إِلَیْهِمْ بِالْمَوَدَّهِ (۲)

درکشورخود احکام اسلامی را منشأ وملاک قانونگذاری قرارداده است، چون عزت واستقلال و رفاه وکمال مادّی و معنوی برای یک ملت را درعمل به احکام اسلامی می داند ..

اینهاهمه موجب آن شده است که سردمداران جبهه ی استکبار با دلّالی و خنّاسی توطئه گران صهیونیست، ایران اسلامی را دشمن شماره یک خود بدانند وبقدر وسع خود باآن دشمنی کنند.

شور و شوق در سراسر امت اسلامی

نکته ی مهم آن است که امروز درسراسر امت اسلامی شوروشوق به این هدفها و موضعگیریها همه جا را فراگرفته است، دربسیاری از کشورهای اسلامی، جوانان

۱- نساء: ۷۵

۲- ممتحنه: ۱

وقشرهای برگزیده و زبده ترین و پاکترین عناصر از علمای دین واساتید مجامع علمی و هنرمندان وشعرا و نویسندگان وحتی بسیاری از کارکنان دولتی وقشرهای میانه ی مردم، دل و حتی زبان وقلم خود را به این هدفها سپرده اند. باسازش عربی- اسرائیلی مخالف اند، با تسلّط روز افزون امریکا بر دولتهاشان مخالف اند، بابی تفاوتی دولتهادربرابر قضایای اسلامی در اروپا و آسیا و افریقا مخالف اند .. استکباراینهمه را نتیجه ی پیروزی اسلام درایران، و اقتدار روزافزون ایران اسلامی می داند، و ازاینرو حقد وکینه یی دیوانه وار نسبت به جمهوری اسلامی را در دل می پروراند.

این یکی از مهمترین انگیزه های کسانی نیز هست که با حج ابراهیمی وحجّ معنی دار و جهت دار مخالف اند. زیرا تدبّر درحجّ، عامل معجزه آسایی درگسترش این اندیشه درمیان همه ی مسلمانان است، بعلاوه چهارراه عظیمی برای تبادل اطلاعات ملتها از شرق وغرب وشمال وجنوب جهان اسلام است.

توصیه به مسلمانان حاضر در مراسم حج

من به همه ی برادران وخواهران مسلمان که درمحشر عظیم حج گردآمده اند متواضعانه توصیه می کنم که درحج تدبر کنند وآن دونکته ی اصلی را یعنی دل سپردن به خدا و نزدیک کردن خود به ذات مقدس الهی دراندیشه وعمل با عبودیت خالص وحقیقی ازیکسو واجتناب وبرحذر بودن از شیطانها ودشمنان راه وجهت الهی ازسوی دیگر، برای خود تأمین کنند وباروحی مجهّز به تقوا و دلی سرشار از اعتماد به خدا و روحی لبریز از امید به آینده ی امت اسلامی وتصمیمی راسخ درپیگیری هدف های اسلام و به قصد حاکمیت یافتن معارف وقوانین و فرهنگ اسلامی برجوامع مسلمان، به دیار خود بازگردند.

قدرت پوشالی دشمن نباید چشمها را خیره کند

قدرت پوشالی دشمن، نباید چشم ها را خیره سازد. آنان از تفرق و ضعف روحیه ی مسلمین استفاده می کنند و قدرتی دروغین برای خود در برابر چشم ساده اندیشان

می نمایانند. استکبار در همه ی صحنه هایی که مسلمانان به راستی در برابر زورگویی آنان ایستاده اند شکست خورده یا در مقاصد خود ناکام گردیده است. نگاهی به ایران اسلامی که به حول وقوه ی الهی درمواجهه باحجم عظیم وافسانه یی خصومتهای امریکا و همدستانش در طول شانزده سال گذشته پیروز بیرون آمده و امروز از همیشه مقتدرتر، موفق تر، بانشاطتر وامیدوارتراست، ثابت کننده ی این مدّعا است. امروز امریکا که پرچمدار استکبار در مبارزه اش با حرکت بیداری اسلامی است نه تنها دراین مبارزه ی ناعادلانه، سرشکسته و ناموفق است که خود در درون خود نیز از لحاظ اقتصادی و امنیتی وسیاسی با مشکلات بزرگ و لاینحل روبه رو است. کمااین که درتلاشهای ابرقدرتانه ی خود هم که به گمان باطل سردمداران خام و مغرور امریکا، ازحقوق ابرقدرتی آنان است! طعم تلخ شکستهای پیاپی را چشیده است وان شاءاللّه درآینده هم خواهد چشید. نگاهی به وضع فلسطین و خواب خوش ولی تعبیرنشده ی حلّ مسأله فلسطین که اکنون به گره ی دشواری بدل شده است، یا به شرق افریقا و خروج مفتضحانه و منفورانه ی نیروهای امریکا ازسومالی، یا به اروپا ونقش خنثی وبی خاصیت امریکا در قضایای بالکان، یا به تلاش دریوزه گون و بی پاسخ امریکا در چهارگوشه ی دنیا برای قطع روابط تجاری همه ی کشورها با ایران، یا به تکاپوی زشت و نفرت انگیز امریکا برای متهم کردن ایران در حوادثی همچون حادثه ی آرژانتین سرانجام رسوایی آنان با روشن شدن حقایق، وقضایای دیگر ومتعددی از این قبیل اثبات می کند که قدرت فائقه ی ادّعایی استکبار، مانند بسیاری از مدّعاهای آنان چون طرفداری ازحقوق انسان وامثال آن، سخنی پوچ است.

مسلمانان درصورت عزم وایستادگی ومعرفت، از استکبار قوی ترند. نیروهای استکبار درعرصه ی مسائل انسانی به ضعف های مفرط وبی علاج، دچارند وهیچ جمعیّت ودولت و بخصوص ملّت دارای تصمیم راسخ واندیشه ی روشن- چه رسد به امت بزرگ اسلامی- نباید ازآنان بیمی به دل راه دهد.

در پایان بار دیگر همگان را به تدبّر در یکایک اعمال و شعائر حج و نیز به استمداد از قدرت لا یزال الهی و تمسک به حبل اللّه دعوت می کنم و

امیدوارم کسانی که دل در گرو استضائه از انوار الهی حج دارند، مورد تأئیدات و تفضلات الهی قرار گرفته و مشمول ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیّه اللَّه الاعظم(ارواحنا فداه و عجّل اللَّه فرجه) گردند و با حج مقبول و دعای مستجاب و ذخیره ی ارزشمند معنوی به دیار خود باز گردند.

والسّلام علیکم ورحمهاللَّه

چهارم ذیحجهالحرام ۱۴۱۵ برابر با چهاردهم اردیبهشت ۱۳۷۴

علی الحسینی الخامنه ئی

بیانات در دیدار با آقای ری شهری و اعضای بعثه ی حج(۳۰/ ۲/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

بیانات در دیدار با آقای ری شهری و اعضای بعثه ی حج

اشاره

(۳۰/ ۲/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیْمْ

زبان ما از شکر نعمتهای پرورگار قاصر است

اولًا باید عرض کنم که زبانهای ما از ذکر، و دلهای ما از فکر و احصاء قلبی و شکر نعم پروردگار قاصر است. این کار عظیمی که امسال به همّت شما آقایان انجام گرفت، این حجِ مقبول و عزیز، همراه باعظمت، عزت، شوکت اسلام، مسلمین و جمهوری اسلامی، نعمت پروردگار بود. القای این افکار به اذهان شریفه ی آقایان، قوّت و عزم دادن و قاطعیت بخشیدن به شما در اجرای این کارهای دشوار و خطرناک، لطف الهی است. ما همین طور از دور این الطاف الهی را نگاه می کردیم تا آنجایی که می توانستیم احصاء می کردیم، می دیدیم که واقعاً وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لا تُحْصُوها الطاف خداوند قابل شمارش نیست. انسان نمی تواند واقعاً شکر بگزارد، جز اینکه به قصور، کوتاهی، ضعف، انکسار و حقارت خودمان در مقابل عظمت این نعمت های پروردگار اعتراف کنیم و بگوییم: «مَا بِنَا مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنْکَ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ». امیدواریم که خدای متعال نعمتش را بر این امت عزیز، مردم خوب و شما برادران فعال، فداکار و زحمتکش مستدام بدارد.

ان شاءاللَّه هر سال، همیشه و در همه ی میدانها این توفیقات را به ملت ایران ارزانی بدارد.

قبول الهی؛ بزرگترین پاداش شما

در مرتبه ی دوم، حقیقتاً خیلی دشوار است که انسان بتواند از شما آقایان؛ جناب

آقای ری شهری با این همه تلاشها و فعالیت و حسن نظر نسبت به مسأله و تصمیم گیری بجا وبموقع و همچنین همه ی آقایانی که در این کار به نحوی از انحاء چه در تصمیم گیری و تمهید مقدمات، چه در عمل و اجرا با ایشان همکاری داشتند، سپاسگزاری کند. از بس که این زحمات شما باارزش و بزرگ است، انسان احساس می کند که نمی شود واقعاً به آسانی از شما تشکر کرد. اجمالًا عرض می کنیم که خیلی متشکریم. خداوند ان شاءاللَّه به شما اجر بدهد و از شما این زحمات را قبول بکند. قبول الهی بزرگترین پاداش شماست.

طبیعتِ بعضی از اعمال، نشان می دهد که مقبول پروردگار هم هست. الآن جناب آقای ری شهری برای من نقل می کردند که بعضی می آیند و اظهار علاقه می کنند، استفسار می کنند که برائت کی است؟ یا در محل رمی یا در جاهای دیگر از امریکا اظهار برائت می کنند. این صدای برائت، یک روز غریب بود. یک وقتی آن سالهای اول انقلاب حتّی گاهی اوقات کسانی که از کشور ما نبودند، می دیدند که مسلمانهای مؤمن و انقلابی اظهار برائت می کنند، به آنها می گفتند که چه خبر است دیگر، مثلًا اظهار ناهماهنگی هم می کردند. بنده هم خودم این را در یک سفر که سال اول انقلاب چند روزی مشرّف شدم، در مواردی مشاهده کردم، بعد هم از دیگران می شنیدم. دأب امام رضوان اللَّه علیه این بود که وقتی انسان حرف حق را می زند، باید پایش بایستد. والّا صرف انداختن حرف حق در فضا و رهاکردن و رفتن کافی نیست. باید پای این بذر بنشینید تا سبز بشود.

خود آن بزرگوار پای دانه، دانه ی بذرها نشست تا این جور شجره ی طیبه ای را که أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ به وجود آورد. خودش ذره، ذره کارها را دنبال کرد.

خوب، طبعاً آثار و نتایج تاریخ این استقامت، دنبال گیری و دؤوب در این عمل را خدای متعال می بخشد. الحمدللَّه.

باید نواقص را برطرف کنیم

البته همان طور که فرمودند نقصها زیاد است. بعضی از نقصها را ما می دانیم و بعضیها را نمی دانیم. باید حتّی بگردیم نواقصی را که هست پیدا کنیم و روزبه روز آن نواقص را برطرف کنیم. خوب، اینکه شما می فرمایید، دشمنها دارند علیه شیعه

تبلیغات می کنند، روشن شد که مطلب چیست. دشمن با عکس العمل و حساسیتش نسبت به یک بخش از کار ما، خودش را لو می دهد و نشان می دهد که بخش مؤثر در کار ما کجاست. پس معلوم شد که آن چیزی که دشمن از آن می ترسد، تفکر و دید شیعی و انقلابی است. به همین خاطر می خواهد آن را در ذهنها مشوّش و مغشوش کند تا بگوید کسانی که این کارها را می کنند، آدمهای بی ریشه ای هستند. پس آن نقطه، نقطه ی حساسی است. ما بایستی به آنجا به عنوان نقطه ی حساس، توجه مضاعف بکنیم.

طبیعت انقلاب، حمله است

امام قدس سره می گفتند: «هر وقت دشمن یک حساسیتی نشان می دهد(این را هم به زبان مکرراً گفتند، هم عملشان این جوری بود) ما باید از حساسیت دشمن بفهمیم که باید روی چه چیزی حساسیت داشته باشیم». چیزی را که او خیلی از آن بدش بیاید، ما خیلی به آن احتیاج داریم. ما هم همین کار را می کنیم. الحمدللّٰه بیان ما که از آنها ناقص تر، حجّتمان ضعیف تر و توانایی مان کمتر که نیست. ما هم می توانیم. آنها دارند عکس العملی کار می کنند. در حقیقت ماشروع کردیم. انقلاب شروع کرده. همه در مقابل انقلاب مدافع اند. انقلاب که لزومی ندارد از خودش دفاع کند. انقلاب باید حمله کند.

طبیعت انقلاب حمله است. حالا این حمله را ادامه بدهید. خیلی خوب، حالا بعد از این راجع به عقاید شیعه به بهترین بیان، به ابلغ وجه و زیباترین شکل، کار درست انجام دهید.

کارهای کوچکِ در دسترس و جزوه های چند صفحه ای را به تیراژ میلیون، در اختیار افراد قرار بدهید. لازم است که ما این جوری، میلیونی حرکت بکنیم. ... این یک نکته.

حج را باید به اهدافش نزدیک کرد

نکته بعد به نظر من این است که حج را باید به طرف اهدافش نزدیک کرد. یکی از بزرگترین هنرهای امام قدس سره این بود. امام حج را به طرف مواضع اصلی خودش بردند. ما باید نگاه کنیم ببینیم کجای حج از آن حجِّ نبوی و ولوی فاصله گرفته، آن جا را فشار بگذاریم و نزدیک کنیم. اعمال حج عبارتند از: قضیه ی برائت، مسأله ی وحدت

اسلامی، مسأله ی اشاره به افکار عالی اسلامی و تبلیغ و توجیه آن، مسأله ی زهد و ریاضت. حج، برای زهد و ریاضت است. آدم وقتی در روایات و اعمال حج نگاه می کند، می بیند اصلًا برای این است که انسان برود آنجا ریاضت بکشد. اصلًا حج جای خوشگذرانی نیست. حالا اگر کسی می خواهد خوشگذرانی کند یک جور دیگر سفر کند، یک زیارتی هم بکند. حج جایی نیست که انسان متنعم بشود و راحت برود و بیاید.

آنجا باید مُغبرّالوجه و مغبرّالشَّعر باشد. آفتاب روی انسان را بسوزاند و موهایش را ژولیده کند. لباس زیبا و عطر نداشته باشد. از بوی متعفن اجتناب نکنند بلکه از بوی طیّب اجتناب بکنند. در حج همه ی وسایل فشار و ریاضت الهی برای یک مدّت محدود و کوتاه فراهم است. مجموع اعمال حج سه، چهار روز بیشتر نیست. در این مدّت انسان باید یاد بگیرد که چه کار بکند. نمی شود فرض کنیم که لباس، مرکب و رفتار انسان تجملاتی نباشد، اما خوراکش، یک خوراک اشرافی درجه یک باشد. این باور کردنی نیست. اصلًا ظاهراً مثل تناقض صدر و ذیل با هم نمی سازند. ...

حج را به سمت ریاضت انتخابی ببرید

به نظر من یک مقداری حج را به سمت یک ریاضت انتخابی ببرید. یک وقت است که حجاج را بدون نان، آب، هتل و سرپناه رها می کنیم. این خیلی بد است. یک وقت هم برنامه ریزی می کنید که حالا یک مقدار در عسرت و ریاضت زندگی کنید. به خودمان هم می گوییم، به آنها هم می گوییم، اول هم خودمان در ریاضت زندگی می کنیم. اولین کسی که مرتاضانه زندگی می کند، خود ما خواهیم بود و بعد مردم هم یاد می گیرند و عادت می کنند. ان شاءاللّه به این سمت نزدیک بشوید. ان شاءاللّه امیدواریم آن نفس شریف امام قدس سره و ادعیه ی زاکیه حضرت بقیهاللّه همچنان پشتوانه ی کار باشد. دخالت دست قدرت پروردگار که همان عنایات ولی اللّه الاعظم ارواحنا فداه است، در همه ی قضایا بخصوص در قضیه ی حج که به احتمال قریب به یقین خود آن بزرگوار هم آنجا حضور دارند و از نزدیک شاهد و ناظرند، از اوضح واضحات است. اذان شد و دیگر وقت نماز است. ان شاءاللّه که آقایان موفق و مؤید باشید.

بیانات در دیدار نماینده ی ولی فقیه و سرپرست حجاج ...(۱۵/ ۱/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بیانات در دیدار با امیر الحاج و سرپرست حجاج ایرانی و مسؤولان بعثه و جمعی از دست اندرکاران سازمان حج و زیارت

اشاره

(۱۵/ ۱/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

حج، برای امت اسلامی عید است

آقایان عزیز و برادران فعال در یکی از مهمترین امور مسایل اسلام و نظام جمهوری اسلامی! خیلی خوش آمدید. امیدواریم که خداوند، این تلاش و مجاهدت را از شما قبول بفرماید و به آنچه که رضای او در آن است، هدایت و کمک کند و عافیت و فضل خودش را، در همه ی احوال شامل حال شما قرار بدهد.

این موسم، به خاطر نزدیکی زمان حج، همه ساله موسم شادمانی ملت ماست. حج، برای امت اسلامی عید است و حادثه یی می باشد که از اول تا آخر آن، معنا و مضمون عید و خیرات و برکات در آن است. همچنان که در آیه ی مبارکه ی: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ آمده است، در این سفر و عبادت و اعمال پیچیده و مرکب و پرمعنا، منافع مادّی و معنوی برای امت اسلام- بخصوص برای حجاج- مندرج و متضمن شده است. لذا وقتی نزدیک به این مراسم می شویم، همه ی مردم- چه آن کسانی که به این معنا توجه دارند و چه آنهایی که عازم سفرند و چه کسانی که مسافر دارند و چه آنهایی که با برکات حج آشنا هستند- حقیقتاً احساس شادمانی می کنند.

شکر نعمت فرایض الهی

من هم از خدای متعال شاکرم، به خاطر این که این فریضه را بر ما قرار داد. اولین

شکری که بایـد بکنیم، شـکر فرض این فریضه است. حکیم عزیز علیم، مصالـح مـا را ملاحظه فرمود و درست بر طبق نیاز و در چـارچوب اسـتعداد و توانایی ما، این فریضه را بر ما قرار داد. یکی از شـکرهایی که ما همیشه بایـد بکنیم، شـکر نعمت فرایض الهی است.

باید این واجبات الهی را شکر بکنیم. نباید شکر این نعمت بزرگ- از جمله حج- مغفولٌ عنه بماند.

همچنین بایـد شـکرگزاری کنیم که بحمـداللّه در جمهوری اسـلامی و به برکت این نظام، خیلی از چیزهای فوت شده ی ما در قبـل از انقلاـب، به مـا برگشت. «حـج» هم در این نظـام به ما برگشت. نمی گوییم کسانی که قبل از انقلاب به مکه می رفتنـد، حج نمی کردند.

آن وقت هم مؤمنین و صـلحا و مخلصانی بودنـد که به حـج می رفتند و بهره ی خود را از آن می بردند. حجِ افراد بود؛ اما حجِ جامعه ی اسـلامی و امت نبود و اسـتفاده ی جمعی از آن نمی شد. هر کسی به قدر همت و ظرفیت خود- اگر کاسه ی گدایی را پیش برده بود- چیزی می گرفت و بر می گشت. بعضـیها هم دست خالی بر می گشتند. امروز مسأله، مسأله ی خود آن حج کننـدگان و حـج گزارنـدگان نیست؛ مسـأله ی امت است که اسـتفاده می کنـد. مثل این مورد، خیلی چیزهای دیگر هم وجود دارد.

هزار ماهی که در آن لیلهالقدر نیست

فرمود: لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَـهْرٍ لیس فیها لیلهالقدر. هزار ماهی که در آن لیلهالقدر نیست. مسلّم در هزار ماه متوالی، دهها لیلهالقدر هست؛ اما آن لیلهالقدر نیست.

لیلهالقـدری که در آن امـام نیست و و تَنَزَّلُ الْمَلائِکَهُ وَ الرُّوحُ نیست یا اگر تنزّل ملائکه هست، مردم از او اسـتفاده نمی کننـد؛ این چه لیلهالقـدری است؟ لیلهالقـدر برای کسـانی است که آن را دارنـد. در زمـان حکـومت بنی امیه، لیلهالقـدری برای مردم وجود ندارد و کسـی از آن اسـتفاده نمی کند. خود امام و خواصـش، از آن استفاده می کنند. این، غیر از آن لیلهالقدری است که امت اسلام از آن استفاده کنند.

ما واقعاً لیلهالقـدر نـداشتیم. ما جماعت و جهاد و حـج و امر به معروف و نهی از منکر و خیلی چیزهای دیگر هم نـداشتیم. تنها مسأله ی ولایت عملی و فعلی و مجسم و مجسد

در حیات اجتماعی و زندگی نبود که نداشتیم؛ خیلی چیزهای دیگر بود که از برکات ولایت است- مثل حج- ولی آن را نداشتیم. حج هم از برکات ولایت و برای ولایت است و به خاطر آن است که تحکیم عمود دین بشود. حج، خیلی فواید و برکات دارد که بحمداللّه امروز زمینه فراهم است. این، شکر الهی را لازم دارد. باید شکر کرد و بزرگترین شکر هم همین است که از این فرصت استفاده بشود و هیچ کس کمترین امکانی را فروگذار نکند و ضایع و مهمل نگذارد.

از دست اندرکاران حج تشکر می کنم

ما باید حقیقتاً از آقایان محترم و از شخص جناب آقای ری شهری هم تشکر کنیم.

من به سهم خود، به عنوان یک خدمتگزار کوچک، واقعاً متشکرم. مجموعه یی که برای حج فراهم شده است، متشکل از علما و مجتهدان و فضلا و بزرگان و مسؤولان کارآمد در کشور و کارآمدان و مجرّبان و فعالان عرصه ی سیاسی و اداری کشور می باشد. ایشان، بحمداللّه یکی از بهترین مجموعه ها را در این خصوص فراهم کرده اند. این هم جای سپاسگزاری از ایشان و از یکایک همه ی شما آقایان عزیز است که امیدواریم روز به روز کاملتر بشود.

نمی توانیم ادعا کنیم حج ما کامل است

البته، ما ادعا نمی کنیم حجی که بجا می آوریم، حج کاملی است. نه، کمال چیزی نیست که به عقل و تصور ما بگنجد. شما حجی را که وجود مقدس ولیّ اللّه الاعظم(سلام اللّه علیه و ارواحنافداه) در آن حضور دارد و خودش حج می کند و مردم پروانه وار گرد او می گردند و از اشاعه ی بیاناتش، جانها و روحها و ذرّه ذرّه ی وجود استفاده می کنند، در نظر بگیرید که واقعاً کامل است. ببینید ما چه قدر با آن حج فاصله داریم. ما هم به قدر توان، بایستی بال و پری بزنیم و حرکت و تلاشی بکنیم. البته، باید روز به روز چیزهایی را که در اختیار ماست، تکمیل کنیم.

برائت، جزو حج است

این مسأله ی برائت که اشاره شد، حقیقتاً جزو حج است و لازم نیست که در روایات جزو فروع حج آمده باشد. چیزهایی وجود دارد که معنای حج و روح و مضمون حقیقی یک عبادت و عمل و فریضه ی الهی است و نمی شود این را از آن منفک کرد. اهمیت این، از یکایک فرایض بیشتر است. هر یک از این فرایض، چنانچه فوت شد، ممکن است به نحوی آن را جبران کرد یا مثلًا اضطراری آن را بجا آورد؛ اما آنچه روح یک عبادت محسوب می شود، قابل تفکیک از آن نیست.

حج؛ مظهر توحید الهی

بنابراین، در مسأله ی برائت و این که حج باید مظهر توحید باشد، تردیدی نیست.

حج مظهر توحید الهی است. توحید دو جزء دارد که یک جزئش برائت است؛ برائت از «اندادالله» و کفار و از عبده ی اوثان و اصنام. در این، تردیدی نیست. اوثان و اصنام هم، که فقط «لات» و «عزّی» و «هبل» نیستند. سران استکبار و طاغوت و کفر و فتنه انگیزان عالم، بزرگترین بتهای زمانند. کفر به اینها که اوجب از کفر به بتهای بی جان و بی روح و بی توان است. در این که شکی نیست. بنابراین، امروز برائت از استکبار و صهیونیسم و کفر و الحاد جهانی و برنامه های اینها و فعالیتی که علیه اسلام و مسلمین می کنند، جزو مسایل مسلم حج است.

ما مظهر این کار را در اجتماع خودمان دانستیم. این اجتماع را هم بر پا خواهیم کرد.

اگر روزی عقل ما به مظهری اوفی و اظهر و ابلغ از این رسید، این را رها خواهیم کرد و آن را خواهیم گرفت؛ لیکن چنین چیزی نداریم. ما امروز هر چه نگاه می کنیم، می بینیم که مظهر این برائت، همین تجمع و دور هم گرد آمدن و سخن برائت را بر زبان آوردن است. ...

بالاخره ما این اجتماع را تشکیل می دهیم. این، قابل تفکیک نیست. نهایتاً باید این مُظهر و مَظهر آن واجب و آن روح اصلی عبادت، به نحوی حصول تحقق پیدا کند؛ هر طور هر چه که باشد. «المیسور لایدرک بالمعسور». آنچه که ممکن است، ما آن را بجا

می آوریم. آنچه که برای ما حکمش باقی است، آن را عوض قرار می دهیم از آنچه که حکمش به خاطر اضطرار بقیه ی موانع، زایل شده است. بنابراین، نباید تردید کرد. ...

نمی شود برائت نداشته باشیم

مطلقاً این حرف قابل قبول نیست که آنها فکر کنند روزی فرا خواهد رسید که ما برائت نداشته باشیم. نه، نمی شود که ما برائت نداشته باشیم. می شود طواف نداشته باشیم؟ این که گفتیم به یک معنا از طواف هم بالاتر است. بنابراین، این تشکیلات هست و البته ما به درایت و عقل و کاردانی و حکمت جناب آن ری شهری و همکاران محترم و عزیزشان و آن مجموعه یی که آن جا هستند و تصمیم گیری می کنند و آنچه را که به هر شکلی مناسب بود، انجام خواهند داد، مطمئنیم؛ لیکن به هر حال باید این کار انجام بگیرد.

در حج، چه کاری باید از ما صادر شود؟

عزیزان من! آنچه که ما باید در حج بیان کنیم، خیلی مهم است. چه چیزی باید از ما صادر بشود؟ این، به نظر من جای خیلی بررسی و تأمل دارد. من می دانم که برادران در بعثه و مسؤولان محترم حج، از سال قبل که از سفر مبارک حج برگشتند، برای این مسایل مشغول برنامه ریزیند و یقیناً ذهن و فکرشان، به جاهای خوبی منتهی شده است که حتماً ارزشمند می باشد و آثار و برکاتی دارد. حالا آنچه که به ذهن قاصر من هم می رسد، اجمالًا در این جا مطرح می کنم، برای این که معلوم باشد.

حاکمیت اسلام و قرآن در ایران

امروز، حقیقتی در عالم واقع و خارج تحقق پیدا کرده است که بعد از صدر اسلام تا امروز، نظیر و شبیهی ندارد و آن، حاکمیت اسلام و قرآن و حکومت علم و تقوا و فضایل اسلامی است. این، شوخی ندارد. شما نگاه کنید ببینید، بزرگانی مثل «علامه ی حلی» که پادشاه مغول را به طمع هدایت و بعد به خاطر آن حُشاشه یی که از هدایت در وجود او

پیدا شده بود و آن نور ضعیفی که تابیده بود، چه خود کُشانی می کردند و اسم پادشاه مغولی را در مقدمه ی کتاب می آورد. یا حکومت صفویها که البته آنها به ایران و اسلام و تشیع، خیلی خدمت کردند. حالا یک عده عادت کرده اند که تا از هر جا حرف شروع می شود؛ منتهی به این کنند که به صفویه بدگویی نمایند. صفویه حق حیات به گردن ما دارند. شما این را بدانید. اگر آنها مردمان فاسقی بودند، بین خودشان و خدا، به نتیجه ی آن خواهند رسید و اگر مردمان بدی بودند، خدا با آنها هر کاری می خواهد بکند، بکند؛ لیکن آنها برای ما مفید بودند. اگر آنها نبودند، معلوم نبود من و شما امروز چه فکر می کردیم و از اسلام چه می فهمیدیم. بنابراین، صفویه انصافاً کار خیلی بزرگی را در این کشور انجام دادند. «جزاهم اللّٰه عن الاسلام و اهله خیرالجزاء».

لیکن اگر شما به واقعیت زندگی صفویه خوب نگاه کنید و شخصیتهای صفویان را با یک حکومت و حاکم حق اسلامی مقایسه کنید، خواهید دید که زمین تا آسمان، با آن فاصله دارند. بهترینشان که «شاه طهماسب اول» است، شما ببینید که با یک عالم دین چقدر تفاوت دارد. چه قدر فاصله است بین آن کسی که امر و نهی و حکم دست اوست و آن کسی که باید باشد و شرطش علم و آگاهی از دین و عدالت و تعبد است.

خیلی فاصله دارند؛ در عین حال شما ببینید که علمای بزرگ آن روز، با آنها و تبعه شان چه کردند.

«شیخ بهایی»، آدمی به آن عظمت که به نظر من، با الفاظ قابل بیان نیست، یا کسی مثل میرداماد یا مثل علامه ی مجلسی، یا کسی مثل صاحب ذخیره محقق سبزواری و دیگران و یا حتی مثل محقق ثانی و محقق کرکی، ببینید که اینها به خاطر همان رقیقه یی از حقیقت که در وجود آنها و در حکومتشان بود، برای سلاطین صفویه چه کردند.

حکومت آنها را با حکومت اسلامی در امروز که مُرّ حقیقت و لبّ قرآن و احکام الهی در حد فهم و استنباط امروز فقها و علمای ماست، مقایسه کنید. ما که البته به صفحه ی غیب نظری نداریم و آشنا با غیب هم که نیستیم. امروز، همانی که طرق استنباط احکام الهی است، اجرا و بیان می شود. ببینید وجود چنین چیزی چه قدر در دنیا اهمیت دارد. این، بالاترین چیز است.

همه چیز تحت الشعاع حفظ نظام است

این که امام قدس سره فرمودند: همه چیز تحت الشعاع حفظ نظام است، این به خاطر همین است والّا شما خیال نکنید که امام انسانی بود که آن گوشه نشسته بود و ضعفهای نظام را نمی دید و احیاناً خلافهایی که انجام می شد و کوتاهیها و بدکرداریها و بددلیهایی که صورت می گرفت، از اینها غافل بود. خیر، او بیشتر از خیلی ها هم می دانست. در عین حال، حفظ آن نظام را با همان طور آدمها، اوجب واجبات دانست و بر این زندگی و حکومت کرد و بر همین، خدا را ملاقات نمود و بلاشک بر همان طریق، از پروردگار عالم ثواب الهی و اجزل ثوابها را گرفت.

نظام اسلام، خود را در دنیا نشان داده است

این نظام، شوخی نیست. این نظام و حقیقت درخشان، مثل الماس درخشانی است که لازم نیست از آن تعریف کنند. الماس، درخشندگی دارد. کسی هم که اسم الماس را نشنیده است، اگر در بیابان یک تکه الماس پیدا کرد، آن را با یک تکه سنگ خارا فرق می گذارد، ولو نمی داند که اصلًا الماس چیست و قیمتش چه قدر است. اگر به او بگویند یکی را بردار، بلاشک الماس را برخواهد داشت و او را نگه خواهد داشت. الماس این گونه است و درخشندگی دارد. به همین خاطر است که شما می بینید در افریقا و امریکای لاتین و اروپا و آسیا، در زیر سایه ی سنگین و شوم حکومت استکبار و حتی در خود ایالات متحده ی امریکا، عده یی نسبت به امام و این نظام، عاشقانه حرکت کرده اند و حرف زده اند و نوشته اند و خطر قبول کرده اند و زندان رفته اند و تا امروز هم کارشان همچنان بر این اساس باقی است. این، برای چیست؟ برای این است که آن حقیقت درخشنده یی که در این جا تحقق پیدا کرده است، خودش را در دنیا نشان می دهد؛ با این که این همه هم علیه آن حرف زده اند و هنوز هم حرف می زنند.

شما بایستی حج را به جمیع اجزا و خصوصیاتش، حاکی از این نظام قرار بدهید.

این، آن پیام اصلی است. کار اصلی این است. حالا ببینید چه طوری می شود این کار را کرد. البته، شما قطعاً برنامه ریزی کرده اید. باید رفتار اشخاص و حجاج و رفتار مسؤولان

با مردم و نیز عبادت و سیاست، همه حکایت از معنویت و رشد و پیشرفتگی و ترقی خواهی و اهداف عالیه ی نظام بکند.

به دنیای اسلام احتیاج دارند

امروز، دنیا بخصوص به نهایت دنیای اسلام احتیاج دارد. الآن شما ببینید اسرائیل یک حکومت غاصب قطعی است و واقعاً «لاریب فیه» است. معنای «ریب»، شک قائم به نفوس اشخاص نیست؛ یعنی هیچ حرف وسوسه یی و هیچ غباری در اطرافش نیست.

امروز، غاصب بودن اسرائیل این گونه است. واقعاً هیچ کس نمی تواند هیچ مستمسکی ذکر بکند که از آن بشود استفاده کرد که اسرائیل غاصب نیست. افراد و دولتهایی هستند که می گویند اسرائیل غاصب است؛ اما آمده یک کشور مثلًا خراب شده ی لم یزرعی را آباد کند! آنها حالا دارند زندگی می کنند، آنها مترقی و اروپایی اند و فرهنگ غربی دارند؛ بگذارید بمانند! والّا کسی ادعا نمی کند که اینها عن حق به این جا آمده اند.

در حقیقت، صهیونیستهای امریکا و انگلیس و فرانسه و اروپا و شرق و غرب دنیا به این جا آمده اند و زندگی می کنند. به هر حال، آنها غاصبند. یک حکومت غاصب، با کسانی که خودشان را مغضوب عنهم می دانستند و سالهای متمادی کسی حق نداشت اسم فلسطین را بیاورد و می گفتند قضیه ی ماست! کارش به این جا رسیده است که حالا به کشورهایشان می رود و از او استقبال می کنند و آغوش باز می نمایند و او را بغل می گیرند و با هم عکس بر می دارند و افتخار هم می کنند که این قدر بدند! خیلی انحطاط لازم است که این عمل صورت گیرد. البته، این انحطاطِ دولتهاست، انحطاطِ ملتها نیست؛ اما ملتها به منشأ الهامی احتیاج دارند تا بفهمند و بدانند که چه دارد اتفاق می افتد.

بزرگترین غصه ی دنیای اسلام

خلیج فارس- یعنی در واقع مرکز حیات اقتصادی دنیای اسلام- چنین وضعی دارد.

این زایده ی جهان اسلام و این انگل و غده ی بدخیم، به این اکتفا نکرد که یک تکه زمین را بگیرد و تصرف بکند؛ حالا مشغول شده است که خودش را به شریانهای اصلی حیات

اقتصادی در دنیای اسلام بچسباند و این مادّه ی حیاتی را بمکد. راهش هم این است که با اینها ارتباط برقرار کند و تماس اقتصادی بگیرد و کارهای اقتصادی انجام دهد.

یکی از سران خود باخته ی مزدور عرب در چند ماه قبل از این، همین حقیقت را بیان کرد و گفت: در صلح با اسرائیل، مادامی که این مسأله ی اقتصادی با اسرائیل حل نشود، نقشی بر روی کاغذ است و ارزشی ندارد. راست هم گفت. اصل قضیه این است که اسرائیل، منابع اقتصادی را بمکد. او در این فکر است و دارد قدمهای اولیه را بر می دارد و موفق هم شده است. این اقدام، برای دنیای اسلام عزا و مایه ی غم است. این، بزرگترین غصه برای دنیای اسلام است. مسلمین می فهمند که چه دارد می گذرد و چه دارد اتفاق می افتد؟ آیا می دانند که با فشار امریکا و حکام خود فروخته ی مزدور آن و با پشتوانه قرار دادن علم و صنعت و پیشرفت و تکنولوژی و ثروت برای یک هدف سیاسی این قدر پست و ننگین و لئیمانه، چه اتفاقی دارد در دنیای اسلام می افتد.

حج؛ گنج پایان ناپذیر

مسلمین باید این واقعیات را بدانند. اینها را از کجا بدانند؟ یکی از طرق و منافذ و منابر ما «حج» است. باید برنامه ریزی بشود. البته هوشیاری و ظرافت لازم است. چگونه عمل کردن، در موفق شدن خیلی نقش دارد. غرض، «حج» این طور چیزی است. به نظر من، «حج» گنجی لایفنی است. تمام مشکلات دنیای اسلام، از طریق حج قابل رفع است.

اعتقاد من این است که هم مشکلات سیاسی و هم مشکلات معنوی و انسانی و هم حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام، به برکت حج قابل حل است. آن روزی که در دنیای اسلام، چند دولتِ حقیقتاً مؤمن به اسلام و حج وجود داشته باشد، می توان از طریق حج، حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام را هم برطرف کرد.

ما به سمت فرج حرکت می کنیم

ما باید امروز این زمینه را نگه داریم. البته، حالا چنین امکانی نیست؛ اما نباید بگذاریم این زمینه از دست برود. باید این زمینه را نگه داریم. این حالت ترغب و انتظار

را بایـد حفظ کنیم. تا ان شاءاللّه لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذلِكَ أَمْراً. مسـلّماً خدای متعال فرج را پیش روی ما قرار داده است. ما به سمت فرج حرکت می کنیم؛ در این که تردیدی نیست.

هر قدمی که ما بر می داریم و هر نفسـی که این ملت می کشد، نفسـی به سـمت رسـیدن به فرج است. انتظار و عاقبت و فرجام کار ما، فرج است. ما به سـمت فرج حرکت می کنیم؛ پس بایستی با شوق و امیـد بیشتری حرکت نماییم. به هر حال، هر کاری که در این زمینه بکنید، با ایمان و ثبات و اطمینان به این که خدای متعال اثر خواهد داد، یک حسنه و ثواب بزرگ است.

ان شاءاللّه خدای متعال، شـما را مأجور و مثاب خواهد داشت. امیدواریم که خداوند این زحمات را از شما قبول بفرماید و حج مقبولی برایتان مقـدر فرموده باشـد. خداونـد برای همه ی کسانی که آرزومنـد این سـفر هسـتند، تسـهیل و تیسـیر فراهم کند تا بروند آنها هم زیارت کنند. ان شاءاللّه شما هم بتوانید بیشترین بهره را از این سفر معنوی بگیرید و با دست پر برگردید.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

ص: ۱۸۴

پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج(۴/ ۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج

اشاره

(۴/ ۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ والحمدللَّه ربّ العالمين و صلّى اللَّه على سيد الأوّلين و الآخرين محمّد المصطفى و آله الميامين و السّلام على بقيهاللَّه فى الأرضين.

وجود دو گونه تهدید در محیطهای اسلامی

حج، سرچشمه ی جوشان تقوی و معنویت و خیر و برکت، همه ساله تا ابد، فیضان خود را بر جهان اسلام و بر یکایک مسلمانانِ موفق جاری می سازد تا هر کس و هر مجموعه، به اندازه ی ظرفیت و قابلیت خود از آن بهره بگیرد.

حجاج بیت اللَّه الحرام، تنها بهره مندان از این سرچشمه ی فیاض نیستند. اگر این فریضه ی عظیم به درستی شناخته و عمل شود ملتها و آحاد مسلمان در همه جای جهان، مشمول برکات آن خواهند شد.

افراد و مجموعه های بشری همواره از دو سو آسیب می بینند، اول از درون خود که منشأ آن ضعفهای بشری و هوسهای مهار گسیخته و تردیدها و بی ایمانی ها و خصلتهای منهدم کننده است، و دوم از دشمنان بیرونی که بر اثر طغیان و افزون طلبی و تجاوز و ددمنشی، محیط زندگی را بر انسانها و ملتها تنگ و فشار آلود می سازند و با جنگ و ظلم و تحمیل و زورگویی، بلای جان آنان می شوند.

محیط اسلامی- چه افراد و چه ملتها- همواره در معرض این دو گونه تهدید قرار

داشته و امروز بیش از همیشه قرار دارد. ترویج متعمدانه ی فساد در کشورهای اسلامی و تحمیل فرهنگ غربی که از سوی برخی رژیم های وابسته نیز به آن کمک می شود و از رفتار فردی تا شکل شهرسازی و محیط عمومی زندگی و مطبوعات و غیره را در بر می گیرد، از یکسو و فشارهای نظامی و سیاسی و اقتصادی بر بعض ملتهای مسلمان و کشتارهای لبنان و فلسطین و بوسنی و کشمیر و چچنستان و افغانستان و غیره از سوی دیگر، شاهد بارز وجود این دو گونه تهدید در محیطهای اسلامی است.

حج، آن شط همیشه جاری و آن عطیه ی بی زوال الهی است که مسلمانان تا ابد می توانند غبار رنج و مرارت و آلودگی و بیماری خود را در آن بسترند، و به کمک این ذخیره ی ابدی، هر دو نوع آسیب پذیر را در همه ی زمانها از خود دور سازند.

راه مقابله با تهدیدات

در حج، عنصر تقوا و ذکر و حضور و خشوع و توجه به حق متعال، متکفل مقابله با تهدید اول است و عنصر تجمع و وحدت و احساس عظمت و قدرت در امت بزرگ اسلامی که حج مظهر آن است، عهده دار مقابله با تهدید دوم.

هر چه این دو جنبه در حج تقویت شود، مصونیت و مقاومت افراد و جامعه های اسلامی در مقابل آن دو گونه تهدید، بیشتر خواهد شد. و هر گاه یکی از این دو جنبه یا هر دو، ضعیف یا منتفی گردد، به همان نسبت امت اسلامی- چه افرادش و چه ملتها و کشورهایش- آسیب پذیرتر می گردند.

در متون شرع مقدس اسلام و در نص قرآن کریم، به هر دو جنبه ی حج تصریح شده و برای چشم های بینا و دلهای با انصاف، جای تردید گذاشته نشده است. در کنار فرمان: فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْراً، دستور: وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِى ءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ (۱)

آمده، و هماهنگ با کریمه ی حکمت آمیز: لَنْ يَنالَ اللَّهَ لُحُومُها وَ لا دِماؤُها وَ لكِنْ يَنالُهُ التَّقْوى مِنْكُمْ كَذلِكَ

۱- توبه: ۳

سَخَّرَها لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلى ما هَداكُمْ وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ (۱)

آهنگ امید بخش: لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ نازل گرديده است.

هر توصیه و تبلیغ و کوشش برای کمرنگ کردن یا کنار گذاشتن هر یک از این دو جنبه، مقابله با آیات و فرامین قرآن کریم است.

هیچ خسارتی برای امت اسلامی، سنگین تر از آن نیست که تعالیم و رهنمودهای اسلام که ذخیره های حیاتی ابدی برای مسلمانان و همه ی بشریت است، دستخوش غفلت و جهالت رهبران دینی و سیاسی آنان گردد و مجال بهره مندی مردم از آن، سلب شود.

حج یکی از این ذخیره های ابدی است، و بر همه ی مسلمین واجب است که آن را بهتر شناخته و بیشتر مورد بهره برداری امت اسلامی قرار دهند.

جهان اسلام دچار مشکلات بزرگی است

امروز جهان اسلام دچار مشکلات بزرگ و تهدید کننده یی است که اگر مسلمانان با نیروی ایمان و مجاهدت و توکل و با همتهای بلند و چشمهای باز و استفاده از ذخائری که خداوند در این دین حنیف قرار داده است، این مشکلات را بر طرف نسازند دشمنان مستکبر اسلام که به سلاح قدرت سیاسی و نظامی و تکنولوژی مسلح اند، هر روز دائره ی مشکلات را تنگتر خواهند کرد و آزادی و نجات را برای ملتهای اسلامی باز هم دهها سال بلکه قرنها به عقب خواهند انداخت و شاید برخی ملتها را بکلی استحاله کرده، خصوصیت اسلامی آنان را با تحمیل و ترویج نیمه ی فاسد و مفسد فرهنگ غربی، بتدریج نابود خواهند ساخت.

تبلیغات دروغین، بسیاری از حقایق را واژگون می سازد

امروزه- پس از قیام جمهوری اسلامی در کشور ایران و شکوفا شدن نهضت بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی- پرده از روی بسیاری از حقایق تلخ و

۱- حج: ۳۷

شیرین برداشت شـده و افراد زیادی در سراسـر جهان اسـلام قادر بر تحلیل حوادث و فهم واقعیات انـد. ولی بایـد قبول کرد که دست جـادویی تبلیغ رادیو و تلویزیون و مطبوعـات که در سـطح جهان، عمـدتاً از آستین صهیونیسـتها و همکاران غربی شان و احیاناً مزدوران ظاهراً مسـلمان دولتهای مسـتکبر، خارج می شود، بسیاری از حقایق روشن را واژگونه می سازد. لذا بجاست که فهرست مجملی از مشکلات و نیز امکانات دنیای اسلام آورده شود:

استفاده از امکانات امت اسلامی

در بخش امکانـات بایـد از جمعیت یـک میلیـارد و چنـد صـد میلیونی مسـلمین آغـاز کرد که بیش از پنجاه دولت، و سـرزمین گسترده یی در میـانه ی اقیـانوس آرام و اقیـانوس اطلس را در اختیار دارنـد. در میان این جمعیت عظیم، ملتهایی که معروف به هوش سـرشارند. و تمـدنهایی که دارای سـابقه ی چنـد هزار سال است، و شخصـیتهای بارز علمی و سیاسـی وجود دارنـد. این مجموعه که نامش امت اسـلامی است دارای فرهنگی غنی با میراثی زخار و همراه با شـکوفایی و درخشندگی استثنایی است و در عین تنوع و گوناگونی گسترده، از وحـدت و هم آهنگی شـگفت آوری بهره مند است که از احاطه و نفوذ اسـلام و توحید خاص و خالص آن در همه ی اجزاء و ارکان و زوایایش، پدیـد آمـده است. این ملتهای برادر و همـدل که از نژادهای سـیاه و سفید و زرد تشکیل شده و به دهها زبان سخن می گویند، همه خود را اجزاء برابر امت بزرگ اسلامی می دانند و به آن افتخار می کننـد و همه روزه به یک مرکز رو کرده با یک زبان خدا را نیایش کرده، از یک کتاب آسـمانی درس و الهام می گیرند. و آن کتاب آسـمانی متضـمن تبیین همه ی حقایق و مشـتمل بر دستور همه ی نیازها و تکالیف آنهاست: وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ ءٍ وَ هُدىً وَ رَحْمَةً وَ بُشْرى لِلْمُسْلِمِينَ (۱)

منطقه ی جغرافیایی این مجموعه ی بشـری، یکی از غنی ترین- اگر نگوییم غنی ترین- سرزمینهای جهان از لحاظ منابع طبیعی است،

۱- نحل: ۸۹

و بطور ویژه منابع نفت آن پشتیبان تمامی چرخ و تمـدن ماشـینی امروز جهان است، یعنی اگر این مجموعه برای چنـد ماه نفت خود را به روی مشتریـان ببنـدد، بیشترین بخش جهـان و از جمله کشورهایی که دولتهای آنان از قرنها و هم اکنون، سرنوشـت ملتهای مسلمان را بازیچه ی آزمندی و زورگویی خود کرده اند، در تاریکی و سرما و واماندگی غرق خواهند شد.

بجز اینهـا، فهرست امکانات امت اسـلامی، مشـتمل بر صـدها عنوان و سـرفصل برجسـته ی انسانی، فرهنگی، مادی و اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که هر کسی با ژرف بینی و بازنگری می تواند از آن آگاه شود.

فهرست مشکلات بزرگ امت اسلامی

اکنون به مشـکلات بزرگ این مجموعه ی عظیم- یعنی امت اسـلامی- نظر بیفکنیم؛ مشکلاتی که موجب شده است این واحد پر اسـتعداد، نتواند از آنهمه امکانات استثنایی و کارساز بهره ببرد و در نتیجه ملتها و کشورهای اسلامی از قافله ی دانش بشری عقب؛ و از ثروت عظیم مـادی خود بی بهره؛ و در مسـابقه ی بزرگ فرهنگی جهـان، مقهور فرهنگهـای بیگـانه؛ و در عرصه ی سیاست بین المللی، تابع دیگران؛ و از لحاظ نظامی غالباً در معرض تجاوز و سرکوب قدرتهای استکباری، بوده باشد.

این مشـکلات که بیشـتر بر اثر کوتـاهی و غفلت یـا بـد کرداری و خیـانت از درون امت اسـلامی، پدیـد آمـده است، فهرسـت طولانی یی را تشکیل می دهد، که به عنوان ردیفهای اول آن می توان اینها را بر شمرد:

- اختلافات فرقه یی که بیشتر به وسیله ی علمای سوء و نویسندگان مزدور ترویج و تشدید می شود.

- اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی گراییِ افراطی که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می شود.

- تسلیم در برابر قدرتهای مداخله گر که برخی کشورها را به اقمار قدرتهای بزرگ بدل ساخته است.

- تسلیم در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه های سیاسی یا عقیدتی.

- بی اعتقادی و بی اعتنایی برخی از دولتها به مردم خود و اراده و عقیده و نیازهای آنان، و خودکامگی در برابر آنان.

- مرعوب بودن بسیاری از شخصیتهای سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرتهای مسلط جهان و امروز مشخصاً از امریکا.

- حضور دولت غاصب صهیونیستی در قلب منطقه ی اسلامی که خود عامل بسیاری از مشکلات دیگر است.

- ترویج جدایی دین از سیاست و معرفی اسلام به عنوان یک تجربه ی فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل: حکومت و سیاست و اقتصاد و غیره ندارد.

اینها و دهها مشکل بزرگ و اساسی دیگر که غالباً با وجود ریشه های تاریخی، در صورتی که رهبران سیاسی و دینی از خود اخلاص و همت و آزادگی نشان می دادند قابل علاج می بود، منشأ گرفتاریهای کنونی جهان اسلام شده و در پی خود، فقر و جهل و تبعیض و فرو دستی سیاسی و عقب ماندگی و جنگ و ویرانی و خرافه و تعصب به ارمغان آورده است.

حج، ناکامی های امت اسلامی را درمان می کند

سخن آن است که حج اگر درست و کما فرض اللّٰه اقامه شود قادر است همچون دارویی شفابخش، همه ی این بیماریهای اصلی و علتهای ناکامی را درمان کند. این کار یکباره اتفاق نمی افتد، ولی در طول سالهای دراز، اجتماع میلیونی برادران و خواهران از چهار گوشه ی جهان اسلام در یک نقطه، آنهم در عرصه ی اعمالی هماهنگ و پر معنی، و در زیر لوای با عظمت توحید، و همراه با تجدید خاطره های صدر اسلام و یاد آوری بدر و احد، و زیارت مسجدی که نغمه ی روح بخش آیات قرآن از حنجره ی مبارک رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله هنوز از در و دیوار آن به گوش می رسد، و نوای پر قدرت اللّٰه اکبر مجاهدان صدر اسلام در آن موج می زند، و در فضایی لبریز از ذکر و حضور و مناجات

خدای عزّوجلّ، که انسانها را از نفس ضعیف و خود خواه و کج اندیش جدا کرده، به معدن مجد وعظمت و قدرت ربوبی متصل می سازد سرچشمه ی شفابخشی است که دلها را قوی، وهمتها را بلند، واراده ها را استوار، و جانها را سرشار از اعتماد، و دیدها را وسیع، و آرمانها را نزدیک، و برادران را متحد، و شیطان را خوار، و کید او را ضعیف می سازد.

آری، حج درست و کامل، حج توحیدی، حجی که منبع عشق به خدا و مؤمنین و برائت از شیطانها و بتها و مشرکین باشد، رشد همه ی مشکلات امت اسلامی را ابتدا متوقف و سپس آن را مرتفع می سازد و منشأ عزت اسلام و شکوفایی زندگی مسلمین و استقلال و آزادی کشورهای اسلامی از شر اجانب می شود.

حج، در صدر اقدامات بین المللی جمهوری اسلامی

بر پایه ی همین درک درست از اهمیت حج بود که پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی در ایران، مسأله ی حج در صدر اقدامات بین المللی حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت و دولت کریمه، جنبه ی سیاستُ اللهی این فریضه را که مظهر عزت و قدرت حضرت حق است با جنبه ی عبادتُ اللهی آن که جلوه گاه غفران و رحمت ربوبی است، به هم آمیخته، حج امروز را به حج صدر اسلام نزدیک ساخت، و به عنوان نمادی از این همه، مراسم برائت از مشرکین را در حج، بار دیگر زنده کرد و تاکنون با وجود همه ی سختگیری های سیاسی و شدت عملهای ناشی از انگیزه های غیر اسلامی، این وظیفه ی اسلامی را دنبال کرده است.

جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که علیرغم تبلیغات و تلاشهای ضد اسلامی صد سال اخیر، حیات و پویایی و قدرت اسلام را در اداره ی جوامع عظیم بشری، ثابت کرده است، به حج نه همچون وسیله یی برای خود، بلکه همچون عرصه یی برای بیداری مسلمین و دمیدن روح تقوا و ایمان به اجرای شریعت اسلام و عزت و استقلال مسلمانان جهان، نظر افکنده است.

آنان که تحرک و جامعیت حج را نفی و رد می کنند، در واقع عزت و استقلال مسلمانان و نجات آنان از پنجه ی خونین استکبار و صهیونیسم را رد می کنند. هر گونه

فتوی و نظریه ی دینی در این بـاره، حکم به غیر مـا انزل اللّه است که به گمـان زیـاد، از روی جهـل به حقایق جهان و محیط و نداشتن چشم باز و بصیرت لازم در امور مسلمین صادر می شود.

از دست دادن فرصت حج، خسارتی جبران ناپذیر

امروز هر کس وضع دشوار ملتهای مسلمان و تسلط دولت جبار ایالات متحده بر آنان را بداند، هر کس از جنایات صهیونیستها و توطئه هـای پنهـان آنـان علیه کشورهـای مسـلمان آگـاه باشـد، هر کس از پیشـرفت این غـده ی بـدخیم سـرطانی در ارکـان اقتصادی و سیاسـی دولتهای منطقه احساس خطر کنـد، هر کس وضع تیره ی ملت فلسـطین را ببیند که در اردوگاههای غربت، رنج می برند و خانه و کاشانه ی خود را در تصرف جلادان خویش می بینند، هر کس از وضع جنوب لبنان و منطقه ی اشغالی آن به دست صهیونیسـتها و مناطق دائماً در معرض تهاجم آن با خبر باشد، هر کس فاجعه آفرینی اخیر در لبنان را شـنیده باشـد که صهیونیستها با پشتیبانی دولت امریکا اکنون دوازده روز است که یکسره از هوا و زمین و دریا بیش از نیمی از این کشور را بمبـاران می کننـد و کودکـان و زنـان و مردم غیر نظـامی را قتـل عـام می کننـد؛ هر کس از بوسـنی و افغانسـتان و کشـمیر و تاجیکسـتان و چچنسـتان مطلع باشد، هر کس توطئه های پی در پی و اقدامات خصـمانه ی امریکای طغیانگر و صهیونیسم ضد بشـر را بر ضد جمهوری اسـلامی که امروز مظهر حاکمیت قرآن و اسـلام است، بداند، آری هر کس این حقایق را دانسته و از غیرت اسـلامی و احسـاس وظیفه ی دینی برخوردار باشـد، تردیـد نخواهـد کرد که از دست دادن ذخیره ی عظیم حـج و ضایع کردن این پشتوانه ی مستحکم الهی برای اسلام و مسلمین، خسارتی بی جبران و گناهی بی غفران است.

ضعف کنونی دولتهای مسلمان

ضعف کنونی دولتهای مسلمان، و تفرقه ی مصیبت بار کشورهای اسلامی، واقعیاتی نیستند که بشود کتمان یا انکار کرد. امروز جهان عرب به دست خود، خود را در شرائطی

قرار داده است که متأسفانه قادر نیست حتی برای یک روز پای در میدان جنگ با دشمن غاصب سرزمینهایش بگذارد و از ملت لبنان که قربانی جنایت دولت غاصب صهیونیست است دفاع کند. امروز در حالی که ابزارهای جنگ هوایی و دفاع هوایی با قیمتهای افسانه یی از کارخانجات غربی در انبارهای این کشورها انباشته شده، هواپیماهای صهیونیستهای خونخوار آزادانه خانه و کاشانه ی مردم عرب را بر سر آنان ویران می کنند و هیچیک از این دولتها نمی توانند راه آن را ببندند. این حقایق تلخ به اضافه ی نفوذ سیاسی قدرتهای استکباری در بسیاری از این کشورها؛ و هجوم بدون مانعی که برای تسخیر فرهنگی کامل آن کشورها می شود و مصائب فراوان و هشدار دهنده ی دیگر، برای هر وجدان پاک و عقل سالمی کافی است تا تشخیص دهد که کشورها و ملتهای اسلامی و مجموعه ی نمونه برداشته ی آن که اینک در گرد کعبه ی شریف و در مواقف متبرک سرزمین وحی حضور دارند، بیش از همیشه به معنی و روح حج و به ذخیره های انباشته ی آن نیازمندند و حتم است که از آن بهره بردارند. این است سخن ما و این است داعیه ی ما درباره ی حج و درباره ی دیگر شعائر نجاتبخش اسلامی.

اتهامات واهی به جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی به خاطر همین موضع استوار و شجاعانه در دفاع از اسلام و احکام اسلامی، از آغاز تاکنون مورد خشم و انزجار قدرتهای استکباری و در رأس آنان شیطان بزرگ امریکا قرار داشته و دارد.

آنها جمهوری اسلامی را به توسعه طلبی و جنگ طلبی و صدور ناامنی متهم می کنند تا در برابر افکار عمومی مردم جهان و مسلمین، دلیلی برای کین توزی و دشمنی خباثت آمیز خود تراشیده باشند. رادیوهای مزدور آنان و مطبوعاتی که با سرمایه های صهیونیستها یا دست نشاندگان امریکا و صهیونیسم در همه جا از جمله در کشورهای اسلامی منتشر می شود، بی وقفه تهمتها و شایعه ها و تحلیلها و خبرهای دروغ و غرض آلود را بر ضد جمهوری اسلامی منتشر می کنند، تا مدّ نفوذ معنوی انقلاب اسلامی و قداست و محبوبیت نام امام راحل ما(قدس اللّه نفسه) را بشکنند و متوقف کنند. آنها با

مدرن ترین روش های تبلیغی نامردانه می کوشند با لجن پراکنی بر ضد جمهوری اسلامی، طرفدارانش در دنیای اسلام را از آن رویگردان کنند و حائلی از دروغ و تهمت میان ایران سربلند اسلامی و دیگر کشورهای اسلامی که آنان از تکرار تجربه ی ایران در آنها می هراسند پدید آورند. رسواترین تروریستهای عالم یعنی سران حکومت غاصب صهیونیست و حامیان بد سرشت آنان در دولت امریکا، ایران اسلامی را به تروریسم متهم می کنند. سردمداران امریکا و اسرائیل به هر بهانه یا بی بهانه، انگشت اشاره ی تهمت آمیز خود را به سوی جمهوری اسلامی نشانه می روند و در هر چند کلمه ی سیاسی خود یک بار، نام مقدس و عزیز و درخشان ایران اسلامی نشانه می روند و در هر چند کلمه ی سیاسی خود یک بار، نام مقدس و عزیز و درخشان ایران اسلامی را با خشم و نفرت بر زبان می آورند.

جمهوری اسلامی، با قدرت و عزت پیش می رود

این مایه ی افتخار ما است که بد سیرتان و روسیاهان مشهور عالم از ما متنفر باشند.

ما نیز از آنان و کردارهای زشت و دستهای آلوده ی آنان متنفر و بیزاریم. خدا و رسولش هم از آنان متنفر و بیزارند. أَنَّ اللَّهَ بَرِی ءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ (۱)

امروز جمهوری اسلامی به فضل الهی و به رغم دشمنی و کارشکنی بدخواهان، با قدرت و عزت و با اراده و عزم استوار به پیش می رود. کشوری با ثبات، سازندگی و آبادانی یی روز افزون، مدیریتی محبوب و محشور با مردم، حضور و عزتی بسزا در جهان، ایمانی پرشور به اسلام، جوانانی زنده و با نشاط و رها از گرفتاریهای غم انگیز جوانان بسیاری از کشورها، مردمی هوشمند و شجاع و آماده ی دفاع از اسلام و ایران، معنویتی دامن گستر در کنار زندگی یی رو به توسعه و رشد، و بالاخره وحدت کلمه یی کم نظیر و مثال زدنی.

و بحمداللَّه چنین است که حجم انبوه تبلیغ دشمن بر ضد ما، نشانه ی عظمت و اقتدار روز افزون ملت و کشور ماست.

۱- توبه: ۳

حجاج، فرصت این ایام را مغتنم بشمارند

در پایان، همه ی حجاج عزیز را به اغتنام فرصت این ایام بزرگ فراخوانده، همگان را به تدبر در حج و توشه برداری معنوی و روحی برای بقیه ی عمر دعوت می کنم. از آقایان روحانیون محترم می خواهم که این مضامین را در جمع کاروانهای ایرانی و غیر ایرانی به گونه های مناسب مطرح فرمایند و دلها و جانها را به معنویت حج و نیز به مضمون سیاسی آن متوجه سازند.

از خداوند متعال عزت اسلام و مسلمین و استقلال واقعی کشورهای اسلامی و رهایی آنان از نفوذ سیاسی و اقتصادی مستکبران عالم را مسألت می کنم و بقای مجد و عظمت ایران اسلامی را در زیر سایه ی الطاف و عنایات ویژه ی حضرت بقیهاللّه الاعظم(روحی فداه) از حضرت احدیت طلب می نمایم.

والسّلام علی جمیع اخوانناالمؤمنین

علی الحسینی الخامنه ئی

چهارم ذی الحجه ۱۴۱۶ هجری قمری

برابر با چهارم اردیبهشت ۱۳۷۵ هجری شمسی

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت(۲۰/ ۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت

اشاره

(۲۰/ ۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیْمْ

مژده یی بس شیرین

خدا را سپاسگزاریم که بحمداللّه، یک سال دیگر هم به ما عمر داد تا ببینیم عناصر برگزیده ی نظام اسلامی و کسانی که در واقع در یک جبهه ی خطر، کار بزرگی را با همه ی توان و تلاش، در این موسم خاص انجام می دهند، مجدداً پیروزمندانه برگشتند و زیارتشان می کنیم. همیشه بعد از سفر حج، زیارت آقای ری شهری برای ما یک واقعه ی شیرین، مثل سپیده و طلوع فجر است. وقتی خبردار می شوم که ایشان از سفر حج برگشته اند، برایم مژده ای بس شیرین است و هنگامی هم که به این جا می آیند، فرصت دیدار، شیرین تر است، چرا که می بینم بحمداللّه سفر پرمشقت و پرفایده ای را پشت سرگذاشته اند. البته فایده، منحصر نیست به آنچه که برادران عزیزمان انجام می دهند و حس می کنند که انجام داده اند؛ بلکه فایده ی بزرگ، مربوط می شود به دنیای اسلام و تأثیراتی که دهها هزار مسلمان ایرانی، با حرکات خودشان، با کار خودشان، با انواع شیوه هایی که هست و با طبقات مختلفی که دارند، از عالمشان، از جاهلشان، از کارکنشان، از مترجمشان، از جوانشان، از عکاسشان و از قاریشان می گذارند.

حضور ما در حج، کار خودش را می کند

مجموع این کارها، مسأله ی پیچیده ای است که هیچ ذهنی، اگر بخواهد ابتدائاً

به وجود بیاورد، نمی تواند چنین امری را تدبیر کند. به برکت اسلام و به برکت همین فریضه ی حج است که خدا این فایده ی بزرگ را به ما داده است. تأثیراتی که این مجموعه بر روی ذهنیت حجاج و دنیای اسلام می گذارد، قابل اندازه گیری نیست و در قالب گزارش که شما بخواهید به ما بدهید، نمی گنجد؛ چرا که اصلًا نمی شود به میزان و مقیاس سنجید. اما بنده به روشنی و وضوح مشاهده می کنم و می دانم که تأثیراتش خیلی زیاد است و روز به روز هم این تأثیرات بیشتر خواهد شد و دشمن چه بخواهد، چه نخواهد، حضور ما در حج- حضور مؤمنین باللَّه- و تلاشهایی که بحمداللَّه انجام می گیرد، کار خودش را می کند و علی رغم دشمنان و کفار، در ذهن مردمی که آنها نمی خواهند متأثر به این مسائل بشوند، تأثیرات لازم را خواهد گذاشت. به هر حال، بنده از آقایان خیلی تشکر می کنم. از شخص جناب آقای ری شهری که حقیقتاً خدمات و تلاشهایشان خیلی ارزنده است و نیز از آقایان علمایی که تشریف دارند تشکر می کنم.

حضور ارزشمند روحانیون در بعثه

همانطور که آقای امینی فرمودند، من واقعاً می دانم حضور یکی مثل جناب آقای کریمی در حج و در عمره، با این مایه ی بحمداللَّه غزیر (۱) علمی که در ایشان و بعضی برادران دیگر هست و آمادگیشان برای این که هر سؤالی را جواب بدهند و هر جهالتی را برطرف کنند، چقدر ارزشمند است! واقعاً که چقدر ارزشمند است! اگر انسان بخواهد اینها را احصاء کند، اصلًا به حساب در نمی آید. اگر این آقایان آن جا حاضر نباشند و زحمت نکشند، ممکن است مسأله ای که یک جاهل، جوابش را نمی داند، مشکل آفرین و مسأله ساز باشد. ایشان را زیاد زیارت می کنیم. از سفرهای ایشان، بنده با خبرم ولی از سفرهای دیگر آقایان مطلع نیستم. لابد آنها هم زیاد سفر می کنند و چقدر هم این کار، پرزحمت است. رفتن کسی مثل ایشان و این آقایان در آن جا و حضورشان در بعثه، یا در مسجدالحرام، یا در مسجدالنبی و در معرض استفاده ی کسانی که دنبال این مسائلند، که

۱- غزیر: فراوان، بسیار.

اگر یکی از این مسائل را کسی نداند، گاهی حجش باطل است، گاهی کفاراتی به گردنش می آید، گاهی حیرتی برایش پیدا می شود که از همه ی اینها بالاتر است؛ آن گاه راحت پیدا کردن عالم و آگاه و عارفی که حقیقت برایش روشن است و جواب مسائل را به راحتی در معرض دید او می گذارد؛ واقعاً خیلی ارزشمند است. همین طور حضور آقایان و برادران عزیزی که در زمینه های مختلف، خدمت می کنند، دارای ارزش است.

کار تبلیغی- فرهنگی دشوار است

جناب آقای ری شهری یک کلمه می گویند، تحتش کارهاست! بنده چون خودم مختصری اهل همین کارهای تبلیغی- فرهنگی هستم و اندکی آگاهی دارم، می دانم که اینها یک کلمه گفتنش آسان است: «جزوه تهیه شد». خوب، این جزوه چطور تهیه می شود؟ چگونه تدوین می شود؟ به چه نحو تکثیر می شود؟ یا مثلًا مترجم این گونه گفت، یا فلان کار فرهنگی این طوری شد، و ... اینها گفتنش آسان است ولی انجامش واقعاً خیلی دشوار است. من از یکایک آقایان تشکر می کنم. اگر چه من کسی نیستم که تشکر کنم؛ چون این کار، مالِ من نیست، کارِ من نیست. این کارِ خداست و کار خودتان است که انجام می دهید. بنابراین خدا باید از همه ی شما آقایان و از کسانی که در پشت جبهه بیشتر بوده اند و کار و تلاش کرده اند، تشکر کند. ما نیز به هر حال به عنوان وظیفه، لازم می دانیم که از شما تشکر کنیم. کارتان خیلی کار ارزشمندی است.

تشکر از بخش اجرایی حج

همانطور که آقای ری شهری گفتند: «فراموش نکنیم»، ما هم داشت فراموشمان می شد تا از بخش اجرایی که مربوط به وزارت ارشاد و آقای رضایی است، یادی بکنیم.

انصافاً بخش اجرایی، بخش مظلومی است، چون قالب کلّی کار است دیگر. قالب کلی کار را هم آدم نمی فهمد که موارد ریز و درشتِ کمی و کیفی اش چگونه انجام می پذیرد.

طبیعی است که دائم در چرخش است. این بخش هم خیلی با عظمت است. تشکیلات عظیمی است با کاری واقعاً خیلی گسترده و بزرگ. لازم است جناب آقای میرسلیم هم از

قول ما از برادرانی که این جا حضور ندارند و بعضـی شاید در ایران نیستند، تشکر و قدردانی کند. به هر حال هم در این زمینه ها و هم در زمینه های محتوایی، واقعاً تلاشهای دولت- وزارت خارجه و بقیه ی بخشها- خیلی ارزشمند است. ...

امیدواریم خداوند مجموعه ی شما را کمک کند. بنده مجدداً از همه ی آقایان تشکر می کنم. ان شاءاللّه که روزبه روز بهتر و موفقتر باشید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان حج(۱۶/ ۱۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان حج

اشاره

(۱۶/ ۱۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

همه ی منافع در حج لحاظ شده است

اولًا: به شما برادران و خواهران محترم، خوشامد عرض می کنم و از زحمات ارزشمندتان در تدارک حج برای ملت مؤمن و خدا دوست و حقیقت طلب ایران، صمیمانه سپاسگزارم.

ثانیاً: همه ی مسلمین باید به خاطر فریضه ی حج، شکرگزارِ پروردگار باشند. فریضه ی حج با این وضعی که در اسلام مقرر شده است- که همه ی مذاهب اسلامی هم، تقریباً در کیفیت آن متّفق القول و متّحد الرأی هستند- یک گنجینه ی عظیم، یک ذخیره ی تمام نشدنی ویک سرچشمه ی همیشه فیاض برای مسلمین است. درحج، هم دنیابرای مسلمانان است و هم آخرت. هم تربیت فردی و تهذیب نفسانی است و هم تربیت اجتماعی و سیاسی. علاوه بر این، احساس اخوت هست، احساس وحدت و یگانگی هست، نظم و ترتیب هست، نشان دادن عظمت اسلام به غیرمسلمین وتقویت ورحیه ی مسلمین به خاطر مشاهده ی عظمت اسلامی هم هست. نهایتاً این که، حج مجمعی برای متحد کردن آراء و دلها در زمینه های گوناگون است. همه چیز در این مجموعه ملاحظه شده است.

آن جا که قرآن کریم به منافع اشاره می کند و می فرماید: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ، (۱)

۱- حج: ۲۸

مقصودش فقطمنفعت معنوی نیست، فقط مسأله ی شخصی نیست، فقط جنبه ی روحی و روانی یا جنبه ی عبادی نیست و یا فقط جنبه ی دنیایی و تجارت نیست؛ بلکه همه چیز است. سیاست است، اقتصاد است، معنویت است، روحیه ی فردی است، روحیه ی جمعی است و اقتدار جهانی است. همه چیز در این واجب الهی قرارداده شده است. لذا شما ملاحظه می کنید امیرالمؤمنین علیه السلام از جمله وظایف مهمی که در مجموعه ی اسلام در کنار قرآن لحاظ می کند، یکی هم حج است. می فرماید: «اللَّهَ اللَّهَ فِی بَیْتِ رَبِّکُمْ» (۱)

؛ همان طور که می فرماید: «اللَّهَ اللَّهَ فِی الْقُرْآنِ» (۲)

. یک رهبر دلسوز و دین شناس که هنگام وفات خود مایل است حرفی بزند که در طول تاریخ، دنیای اسلام از آن استفاده کند، طبعاً بر روی قرآن تکیه می کند، چون قرآن محور اصلی این دین مقدس است. لذا در کنار «اللَّهَ اللَّهَ فِی الْقُرْآنِ»، «بَیْتِ رَبِّکُمْ» را نیز عنوان می کند. پیداست که تأثیر حج و اجتماع عظیم و شگفت آور و بی نظیر آن، تأثیری ژرف و عمیق و ماندگار است. بنابراین همه ی مسلمانان باید به خاطر این نعمت موهوب، از خدای متعال سپاسگزار باشند و شکر این نعمت بگویند.

شکر نعمت، عمل هم لازم دارد

البته شکر نعمت، فقط به زبان یا به زبان و دل نیست. شکر، عمل هم لازم دارد. عمل شاکرانه این است که انسان با نعمت خدای متعال به گونه ای رفتار کند که او اراده فرموده است. اگر با این نعمت، طبق اراده ی الهی رفتار شد، باقی می ماند، و الّا زایل می گردد.

بحمداللَّه و المنّه، مسلمین در طول تاریخ، از جهت جنبه ی ظاهری، حج را حفظ کرده اند.

لذا این نعمت برای آنها باقی و ماندگار است. لکن از جنبه ی قدرشناسیِ معنوی، شکر

۱- نهج البلاغه/ وصیتنامه ی امام علی علیه السلام.

۲- همان مدرک.

کاملی نسبت به این نعمت انجام نگرفته است. بنابراین برکتِ این جنبه از واجب عظیم، از بیشتر مسلمانان سلب شده و لذاست که از حج، استفاده نمی کنند.

دنیای اسلام مورد تهاجم است

امروز دنیای اسلام مورد تهاجم است. در هر جا که منافع استکبار جهانی، اندک معارضه ای با روش و حرف و حضور اسلامی در یک کشور اسلامی یا غیر اسلامی دارد، به شدت علیه مسلمین نقشه کشی و فعالیت می کند. این فعالیت یا به شکل جنگ است، یا به شکل مسلط کردن سیاسیون وابسته ی فاسد است، یا به شکل فشارهای گوناگون امنیتی و سیاسی است و یا به شکل فشارهای تبلیغاتی و اقتصادی و غیره است. استکبار با همه ی دنیای اسلام، رفتار خصمانه دارد. البته در کشور ما، با اسلام در جمهوری اسلامی، با مردم مسلمان و جامعه ی اسلامی، رفتارش خشن تر و همه جانبه تر است که عللش هم معلوم است. علی ایّ حال اگر به دقت نگاه کنید، خواهید دید که استکبار در همه جای دنیای اسلام، هر جا بتواند چنگی می زند و دندانی نشان می دهد.

استکبار با فکر اسلامی برخورد می کند

استکبار، علاوه بر اینها، با فکر اسلامی هم- که به شکل مدرنش، جدید است- برخورد می کند. در واقع دنیای استکبار، امروز با استعانت عوامل صهیونیست یا دوستان صهیونیستها، هر چه بتواند، علیه فکر اسلامی و دنیای اسلام به فعالیت می پردازد. آنها به زبان می گویند ما با اسلام دشمنی نداریم و با مسلمانان مخالف نیستیم. اما تاکنون چه کسی توانسته است به انسانهای بدسابقه و دروغگو، به صرف قول، اعتماد پیدا کند؟ قولی که با عمل یکی نیست، قولی که به طور واضح در عمل نقض می شود، اعتباری ندارد. آنها در مصاحبه های خود عنوان می کنند که با اسلام و مسلمین، مخالفتی نداریم. پس مخالفت چیست؟ امروز هر کس به صحنه ی تبلیغات جهان و برخوردهای استکبار، صهیونیستها، عوامل رسانه های جمعی امریکایی و امثال آن نگاه کند، خواهد دید که یکی از خطوط اصلی تلاش آنها، ضدیّت و معارضه با اسلام است. برای ما به شکل واضحی اثبات شده است و دلایل روشن و متقنی وجوددارد که آنها هر طور بتوانند با اصل اسلام، مخالفت می کنند.

ایجاد تفرقه و اختلاف توسط استکبار

در زمینه ی انواع مخالفت، یک بخش از اعمال خصومت، ایجاد تفرقه و اختلاف است که استکبار بر روی آن به شدت تکیه دارد. به هرجای دنیا که بنگرید، عامل تفرقه ای مشغول فعالیت است. هنگامی که به کاوش می پردازید، متوجه می شوید که این عامل تفرقه با یک یا ده واسطه، به ایادی خبیث استکبار منتهی می شود. تفرقه بین قومیتها، تفرقه بین ملتها و تفرقه بین مذاهب از طرف استکبار در همه جای دنیا رواج دارد. امروز استکبار کار را به جایی رسانده است که با پول و تشویق و تدبیر و نقشه ریزی خود و ایادی اش، بعضی از مسلمین در جاهایی بعضی دیگر از همکیشان خود را تکفیر می کنند و آنها را کافر می دانند. اصلًا تحریک تعصّبها یکی از رؤوس برنامه ی آنها در مخالفت با اسلام است. دیگر از این بالاتر چه مخالفتی وجود دارد؟ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و یکی از اولین پیامهای این انقلاب و امام بزرگوار این انقلاب، وحدت بین مسلمین بود؛ آن هم وحدت عاطفی، نه وحدت دینی. یکی شیعه است، یکی سنّی است و یکی شش امامی است؛ هر کس مذهب خودش را داشته باشد. در بین شیعه، فِرَق مختلفی وجوددارد؛ همانگونه که در بین اهل سنّت، فِرَق مختلفی دیده می شود.

مسأله ای نیست. اما از لحاظ سیاسی و عاطفی، همه با هم در مقابل دشمن، متّفق و یکدل باشند. دشمن می خواهد فِرَق مختلف مسلمان را با هم دچار اختلاف و تفرقه کند.

می خواهد بأس اینها را بین خودشان قراردهد. نیّت دشمن این است که نیروهای فِرَق مسلمان صرف معارضه ی درونی بین خودشان شود. به خواسته ی دشمن، نبایدتن در داد.

وحدت؛ یکی از پیامهای بزرگ انقلاب

وحدت بین مسلمین یکی از پیامهای بزرگ انقلاب بود که انصافاً بسیار موفق شد.

امام بزرگوار در این میدان، یکی از درخشانترین موفقیتها را به دست آورد. اما دشمنان به مرور به توطئه و وسوسه و خنّاسی پرداختند. آنها هنوز هم کاری می کنند که دلهای فِرَق مسلمان را نسبت به همدیگر پر از کینه کنند. امروز هر کس که موجب جدایی دلهای

مسلمانان و فِرَق اسلامی از یکدیگر شود، در حالی که در مقابل دشمنان دین و دشمنان اسلام و دشمنان قرآن، احتیاج به وحدت و همدلی دارند، به همان اندازه ی تلاش خود، نسبت به اسلام و مسلمین خیانت آشکار کرده است. این را همه باید بفهمند.

مسؤولیت حج چیست؟

در چنین حالتی که دشمن، با اسلام به مخالفت پرداخته و به خصوص روی تفرقه بین مسلمین، سرمایه گذاری می کند، مسؤولیت حج چیست؟ ببینید حج در چنین شرایطی چقدر می تواند معنی دار، رسا، پرسود، دست رد کوبنده به تمام ترفندهای دشمن و خنثی کننده ی نقشه های استکبار و صهیونیست باشد. حج، این گونه است. چرا بعضی نمی خواهند از این نعمت الهی، آن چنانی که خدا اراده کرده است، استفاده شود؟! چرا نمی خواهند دلها به هم نزدیک شود، ذهنها روشن گردد، دشمنان اسلام معرفی شوند و مسلمین نسبت به دشمنان اسلام ابراز نفرت و انزجار کنند و از آنها بیزاری و برائت جویند؟ چرا؟ حج فرصت عظیم و بزرگ و ذی قیمتی است که استفاده از آن صرفاً به نفع یک گروه مسلمان یا یک ملت خاص هم نیست. فایده اش برای همه ی مسلمانان است و به همه برمی گردد و همه از آن سود می برند. دشمن وقتی می خواهد علیه ما فعالیت کند، مگر ملاحظه ی ما را می کند که بدمان نیاید؟

چرا ما باید ملاحظه ی دشمن را بکنیم که بدش نیاید؟ استکبار وقتی می خواهد ما رابه جان یکدیگر بیندازد، وقتی می خواهد اسلام را خرافی و زشت جلوه دهد، مگر ملاحظه ی خوش آمدن و بدآمدن مسلمانان را می کند؟ ما وقتی که می خواهیم بگوییم استکبار دشمن اسلام و مسلمین است، چرا باید ملاحظه ی او را بکنیم؟! یکی از بی نهایت افتخارات امام بزرگوار ما، مسأله ی حج و احیای حج ابراهیمی و اسلامی است.

افتخار مردم مسلمان ما نیز چنین حجی است.

عزت اسلامی را حفظ کنید

شما خدمتگزار چنین حجّی هستید، پس قدر آن را بدانید. مردمی که به حج مشرف

می شونـد، قدر این نعمت بزرگ را بدانند و عزت اسـلامی؛ عزت ناشـی از برافراشـتن پرچم اسـلام در ایران اسـلامی را، حفظ کننـد. مبـادا رفتـار حاجی ایرانی به گونه ای باشـد که عزت این نظام و انقلاب و شـکوه و عظمتی که به اسـلام در این جا داده شده است، خدای نکرده اندکی مخدوش شود. بعضـی اشـخاص ملاحظه نمی کنند. بعضـی اشـخاص مسائل شخصی خودشان را، روح مصـرفی خودشان را و موارد گوناگونی از این قبیل را برمصالح یک ملت، بر آبروی یک کشور، بر آبروی اسلام و بر آبروی پرچم برافراشته ی جمهوری اسلامی ترجیح می دهند. این رویّه خوب نیست، مصلحت نیست. همه باید ملاحظه و توجه کنند. حُجّاج عزیز ما در بین خودشان به افرادی که می بینند ملاحظه ی مصالح اسلام و انقلاب را نمی کنند، تذکردهند. چنین تذکری مسلماً مصداق نهی از منکر است. البته خدای متعال، تفضّلات خود را بر کسانی که در راه او و برای او کار می کنند و بـه عبـادت و تلاـش می پردازنــد، قطعاً و بلاشـک نـازل خواهــد فرمـود. ایـن امیــدواری وجـوددارد کـه وجـود مقـدّسِ ولیّ عصـر(ارواحنافداه) در این محشـر عظیم مردمی- حج- حضور خود و تفضّلات خود را بر دلهای مستعد و روحهای آماده، نازل فرمایـد و از این دریای رحمت و لطف، هر کسـی بتواند انواع مختلف بهره را ببرد. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، حج را بر همه ی مسلمین و مسلمات در سراسر عالم مبارک گردان. به ملت عزیز ما هم، حج را مبارک کن.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج(۲۱/ ۱/ ۱۳۷۶ ه. ش.)

پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج

اشاره

(۲۱/ ۱/ ۱۳۷۶ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ الحمدللّه رب العالمین والصّلاه والسّلام علی سیدنا محمّد و آله الطاهرین. قال اللّه الحکیم: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ

روزهای عید و میعاد

این روزها بار دیگر خانه ی خدا میزبان خیل عظیم دلهای پر شور و شوقی است که از سراسر جهان در آن کعبه ی امید گرد آمده اند؛ میلیونهایی که در سایه ی عبودیت خالص حضرت احدیت، احساس وحدت و جمعیت می کنند؛ چشمهایی که با گلاب اشک خود، قدمگاه پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله و اولیاء خدا علیهم السلام و مجاهدان و بزرگان اسلام را شستشو می دهند؛ جانهایی که در پرتو معنویت بیت اللّه الحرام و حریم تربت مصطفوی صلی الله علیه و آله، نورانیت و صفا می یابند؛ دستهای به دعا برافراشته یی که قافله ی نیاز و حاجت را روانه ی درگاه بی نیاز می کنند؛ دردمندانی که بر در سرای طبیب، علاج دردهای مزمن جهان اسلام را می جویند و در آن، همدردانی از هر نژاد و زبان و رنگ و از هر گوشه ی عالم می یابند؛ ضعیفان تنها مانده یی که در آن جا احساس قدرت و عظمت می کنند. این روزها بار دیگر پیکره ی عظیم امت اسلام، نمایی از ابهت و شکوه خود را در برابر چشم کسانی که دچار غفلت از آنند، می گذارد؛ دوستان را امیدوار و دشمنان را

بیمناک می سازد. ابر رحمت و حکمت بر تشنگان می بارد، دلهای افسرده یی را طراوت می بخشد، و مغزهای راکدی را به شکفتن و اندیشیدن وا می دارد.

آری، این روزها برای جهان اسلام و امت اسلامی روزهای عید و روزهای میعاد است و بجاست که مسلمین در همه جای گیتی و به ویژه حجاج بیت اللّٰه الحرام، ساعتها و لحظه های آن را برای تعبد و تعقل، مغتنم بشمارند و آنان که به فرصت گرانبهای حج و زیارت دست یافته اند، با دستانی پر از رحمت و حکمت الهی، و با تصمیم و اراده یی تازه برای آینده ی خود و امت اسلامی، به دیار خویش باز گردند.

جنبه ی فردی و اجتماعی حج

در میان فرایض دینی، حج بزرگترین فریضه یی است که در آن هر دو جنبه ی فردی و اجتماعی به شکلی نمایان، گنجانیده شده است.

در جنبه ی فردی، هدف، تزکیه و رسیدن به صفا و نورانیت و پیراستگی از زخارف بی ارزش مادی و فراغت با خویشتن معنوی و انس با خدای متعال و ذکر و تضرع و توسل به حضرت حق است، تا آدمی به عبودیت- که صراط مستقیم الهی به سوی کمال است- راه یابد و در آن گام بردارد.

در این بخش، تنوع فرصتها و آزمایشگاهها به حدی است که هر گاه کسی با توجه و تدبر از آن عبور کند، بی گمان دستاوردی گرانبها خواهد داشت؛ فرصت احرام و تلبیه، فرصت طواف و نماز، فرصت سعی و هروله، فرصت وقوف در عرفات و مشعر، فرصت رمی و قربانی و فرصت ذکراللّٰه که همچون فضای سرشار از روح و حیات، در همه ی این مراحل، گسترده شده است. مجموعه ی این فرصتها می تواند برای هر فرد، دوره ی کوتاهی از ریاضت شرعی و تمرین زهد و سِتلم و حلم و برخی خلقیات پسندیده ی دیگر نیز باشد.

در جنبه ی اجتماعی، حج در میان همه ی فرایض اسلامی بی همتا است؛ زیرا مظهری از قدرت و عزت و اتحاد امت اسلامی است. هیچ فریضه ی دیگری بدین سان به آحاد مسلمان، درباره ی مسایل امت اسلامی و جهان اسلام، درس و عبرت نمی آموزد و

آنـان را در روحیه و واقعیت، به قـدرت و عزت و وحـدت نزدیك نمی كنـد. تعطیل این بخش از حـج، بسـتن سرچشـمه یی از خیرات به روی مسلمین است كه از هیچ رهگذر دیگری نمی توانند بدان دست یابند.

قدرت ملی؛ كلید همه ی كامیابی ها

قدرت ملی برای جوامع بشـری، كلید همه ی كامیابیها و وسـیله ی لازم برای رسیدن افراد جامعه به حیات طیبه است. مقصود از قدرت ملی آن است كه جامعه و كشور، از اخلاق، علم، ثروت، نظام سیاسی كارآمد و عزم و اراده ی عمومی برخوردار باشد.

درست است كه جوامع قدرتمنـد، اگر فاقـد هـدایت و نظـارت و اجرای عـدالت باشـند، همـان ثروت و علم، آنـان را به طغیان خواهد كشانید و اخلاق و اراده ی آنان را زایل كرده، مسیر آنان را به سمت انحطاط رقم خواهد زد- همان طور كه امروز در كشورهایی همچون امریكا و غیره، نشانه های آن دیـده می شود- ولی فقـدان آن تواناییها و اقتـدارها، بلای انحطاط اخلاقی و سیاسـی را بسـی سـریعتر بر جـان كشورهـا می انـدازد و دنیـا و آخرت و علم و اخلاـق و همه چیز را از ملتها می سـتاند. از آن روست كه تعـالیم سیاسـی و اجتمـاعی اسـلام، همه در جهت آن است كه ملـل اسـلامی به اقتـدار و سـیادت علمی و اخلاقی و سیاسـی و روحی و مادی دست یابند. و امروز همه ی رهبران هوشیار ملتهای جهان در صددند كه از هر امكان و ذخیره یی كه می تواند آنان را قدرتمند كند، بهره گیرند.

امت اسلامی؛ فاقد عزت و قدرت بین المللی

امت بزرگ اسـلامی با وجود عِـدّه و عُـده ی خود، فاقـد عزت و قدرت در سـطح بین المللی است؛ چگونه باید عزت و قدرت شایسـته ی خـود را بـه دسـت آورد؟ همه ی آحـاد مسـلمان، بخصـوص زمامـداران و مسؤولاـن كشورهـای اسـلامی و علمـا و روشنفكران و شخصیتهای مسلمان، باید همواره این سؤال را در ذهن و زبان خود داشته و به دنبال پاسخ آن باشند.

امروز بیشترین منابع نفت كه بی اغراق به منزله ی خون برای تمدن كنونی جهان

است، در کشورهای اسلامی است. حساسترین مناطق سوق الجیشی عالم، در اختیار مسلمانان است. بخش عظیمی از منابع زیرزمینی که برای بنای امروز و فردای جهان مورد نیاز ضروری است، در این کشورها است. یک پنجم همه ی جمعیت دنیا متعلق به آنان است. بزرگترین بازار مصرف مصنوعات کشورهایی که خود را بر مسلمانان تحمیل کرده اند، در دست آنان است. فرهنگ غنی و ریشه دار و علوم و معارف آنان، اولین گامهای عروج به اوج دانش کنونی جهان را به غربیها آموخته و حق حیات به گردن دانش و تمدن غرب دارند. با این همه، مسلمانان، امروز در سطح جهان، در روند عمومی سیاست جهانی، در تصمیم گیریهای بزرگ عالم و در تعیین نظام همبستگی جهانی، هیچ نقشی ندارند؛ و از این بالاتر، بسیاری از کشورهای اسلامی در سیاست ملی خود، دنباله رو و محکوم یکی از چند دولت مستکبر و زورگوی جهانند؛ دولتهاشان دست نشانده و ضعیف النفس، ملتهاشان دچار اختناق یا بی خبری، و علما و روشنفکرانشان دستخوش ترس و تغافل و عشق به راحتی ... و نتیجه آن شده است که سرمایه های آنان بر باد می رود؛ جایگاه سیاسی آنان به اشاره ی دولتهای مستکبر تعیین می شود؛ و عِدّه و عُده ی آنان به حساب نمی آید؛ و امت بزرگ اسلامی که امروز باید از همه ی موجودی خود برای کسب عزت و اقتداری که مستحق آن است، برخوردار شود، بدین گونه از بخش عظیمی از عِدّه و عُده ی خود محروم می ماند و دشمن اسلام و مسلمین، از آن به زیان اسلام و مسلمین استفاده می کند.

وضع کنونی جهان اسلام و حوادث محنت باری که در هر گوشه ی آن، زندگی را بر میلیونهای اسلامی تلخ و دشوار کرده است، فاجعه ی بی نظیر فلسطین مغصوب، محنت تاریخی مسلمانان بالکان، اوضاع کشمیر و افغانستان، اوضاع انفجار آمیز خلیج فارس، وضع اقلیتهای مسلمان در برخی از کشورهای اروپایی، همه و همه شواهد گویای این حقیقت تلخند.

جبهه ی خودی نتوانسته از همه ی امکانات خود استفاده کند

جهان اسلام در همین هفته های اخیر شاهد آن بود که دولت ایالات متحده دو بار

پیاپی، رأی شورای امنیت سازمان ملل را بر محکومیت رژیم صهیونیستی برای ویران سازی خانه های مسلمانان بخش شرقی بیت المقدس، وتو کرد؛ و این همان امریکاست که بخش عظیمی از ثروت و قدرت خود را از موجودی کشورهای عربی مسلمان کسب می کند و دولتهای بسیاری از این کشورها، صریحاً دوستی و احترام و ثروت خود را، بلکه بخشهایی از خاک خود را تقدیم آن کرده اند. چرا امریکا در مقابل این دوستیهای قولی و عملی، حتی یک بار هم حاضر نیست در مسأله ی فلسطین، میل و خواست آنان را رعایت کند. بی شک هیچ دولتمرد عرب و مسلمان نمی تواند در برابر تجاوزهای اخیر رژیم صهیونیست که یاد آور و دنباله ی جنایات پنجاه ساله ی آن رژیم است، و حتی مخالف قرارهایی است که به نام صلح در سالهای اخیر بسته شده است، بی تفاوت باشد و از آن خشمگین نشود، ولی چرا دوستی و وفاداری دیرین دولتمردان عرب با امریکا، کمترین تأثیری در روند روزافزون حمایت امریکا از رژیم غاصب نمی گذارد؟ درست است که دولت کنونی امریکا بیش از اسلاف خود به صهیونیستها سرسپردگی نشان می دهد؛ ولی کِی و کجا اتفاق افتاده است که دولتهای متعاقب امریکا، دوستان عرب خود را با برادران صهیونیستِ خود برابر بشمارند و یک بار هم که شده، غاصبان صهیونیست را از خود ناراضی کنند؟

در این باب، سخنان گریه آور بسیار است و حدیث غفلت و احیاناً خیانت خودیها و استکبار و خباثت بیگانگان و دشمنان، چیزی نیست که در این گفتار مختصر بگنجد؛ آنچه این جانب می گویم، آن است که جفای دشمن به خاطر آن است که جبهه ی خودی نخواسته است از همه ی نیرو و امکان خود استفاده کند و عِده و عُده ی خود را به مصاف دشمن بیاورد.

امت بزرگ اسلامی؛ بزرگترین پشتوانه ی جهان اسلام

بزرگترین پشتوانه ی جهان اسلام، امت بزرگ اسلامی است؛ یعنی ملتهای مسلمان که وحدت و اتفاق و تفاهم آنها و غریو رعد آسای اعتراض آنها و قدرت اندیشه و بازوی کار و ثروت طبیعی و خداداده ی آنها، می تواند دل هر دولت مستکبر را آب، و

گوش او را کر، و پشت او را خم کند.

حج، مظهری و نمونه یی از این پشتوانه ی عظیم و تمام ناشدنی و غیر قابل شکست را در برابر چشم ما می گذارد.

این جاست که معنای حقیقی فریاد برائت در حج آشکار می گردد؛ و چنین است که غریو دستجمعی مسلمانان در برائت از مشرکین، در حج روح می دمد و مضمون می بخشد.

آیا اکنون هیچ مسلمانی می تواند در این سخن حکیمانه شک کند که «حج بی برائت، حج نیست»؟

ملتهای مسلمان بدانند که اگر با هم باشند، دست خدا با آنها است و دست خدا مقتدرتر از هر پدیده ی قدرتمند در عالم وجود است. و دولتهای مسلمان بدانند که ملتهای آنان، قویترین پشتیبان در مقابله با بیگانگان پر توقع و متجاوز و غارتگر و بیرحمند. اگر ملتها به صحنه راه داده شوند، اگر به ملتها اعتماد شود، اگر با ملتها صادقانه عمل شود، دولتها آن چنان اقتداری خواهند یافت که نه در میدان نبرد لازم است از دشمنی بترسند، و نه در عرصه ی بنای کشور و زندگی عمومی لازم است به بیگانه یی احساس نیاز کنند.

امروز دولت و ملت ایران به برکت همین یگانگی است که با توکل به خدا در برابر زورگوییهای امریکا ایستاده اند و تهدیدهای مکرر او آنان را تکان نمی دهد و چنان احساس قدرت می کنند که با تکیه بر حقانیت خود و با وجود فشارهایی که به وسیله ی ایادی استکبار، از همه طرف بر آنان وارد می آید، آینده را درخشان و راه خود را روشن و دلهای خود را سرشار از امید و اطمینان می یابند.

میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید

برادران و خواهران عزیز در همه جای جهان! میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید؛ آشنایی و الفت میان خود را در آن تحکیم بخشید؛ از سرنوشت یکدیگر با خبر شوید؛ از تجربه های یکدیگر درس بگیرید؛ راز ایستادگی و ثبات جمهوری اسلامی و ملت بزرگ

ایران را از آنان بشنوید.

در حج به صدای بلند اعلام اتحاد کنید؛ به صدای بلند بیزاری خود را از جبهه ی استکبار و ظلم و نفاق فریاد کنید؛ علما و روشنفکران و شخصیتهای سیاسی و علمی خود را به تبادل نظر با یکدیگر فراخوانید؛ حمایت عمومی خود را از ملت مظلوم فلسطین و طلبکاری خود را نسبت به مسأله ی فلسطین، به گوش دشمن برسانید.

تجربه ی ذی قیمت ایران برای دولتها و ملتهای مسلمان

برخلاف تبلیغات مغرضانه ی دشمنان، ملت ایران حج را جایگاه رفیعی برای رشد آگاهی امت اسلام می شمارد و از حضور خود به نفع همه ی جهان اسلام- و نه فقط منافع خود- بهره می طلبد. ملت ایران حامل تجربه ی گرانقیمتی برای همه ی کشورهای اسلامی است. این ملت عظیم الشأن توانسته است به برکت حاکمیت اسلام، در همه ی عرصه ها به موفقیتهای بزرگ دست یابد؛ استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را که در دوران طاغوت یکسره از دست رفته بود، به دست آورد و حفظ کند؛ عظمت و شوکت اسلام را در مواجهه با قضایای جهانی نشان دهد؛ از مرزهای خود در برابر تهاجم چندین ساله یی که با فکر و سلاح و پول دشمنان اسلام به راه افتاده بود، به طور کامل دفاع کند؛ پس از جنگ هشت ساله، کشور را بازسازی کند و معجزه ی انقلاب را در نوسازی زیربنایی کشور نشان دهد؛ در مجموعه ی جهانی، جایگاهی عزیز و رفیع به دست آورد؛ دولتهای مردمی و منتخب خود را یکی پس از دیگری در کشور بر سر کار آورد؛ کاروان علم و تحقیق و پیشرفت صنعتی و کشاورزی را به راه اندازد و گامهای بلندی در راه توسعه ی کشور بر دارد؛ در سیاست جهانی، صریحاً از مواضع حقی که بدان مؤمن است، دفاع کند؛ مسأله ی فلسطین را در صدر مسائل جهان اسلام دانسته و علی رغم امریکا و صهیونیزم که خواسته اند این مسأله به فراموشی سپرده شود، به طور مداوم آن را در همه جا و همه وقت مطرح سازد؛ به مردم مظلوم بوسنی کمکهای مؤثر برساند؛ در همه ی قضایای محنت بار ملل اسلامی، دست یاری به سوی آنان دراز کند و با وجود فشارهای روز افزون استکبار و تهدیدهای مداوم امریکا، با صلابت و قدرت، در این راهها به جلو رود. این تجربه ی

ذیقیمتی برای همه ی دولتها و ملتهای مسلمان است.

این جانب با صدق و خلوص، دست دوستی به طرف همه ی دولتهای مسلمان دراز می کنم و به آنان برای همکاری و همفکری در راه رفع هموم دنیای اسلام خوش آمد می گویم و به همه ی ملتهای مسلمان متواضعانه عرض می کنم که قدر خود و قدر اسلام و احکام نورانی قرآن را بدانند.

بازگشت به اسلام؛ درس بزرگ امام خمینی قدس سره

درس بزرگ امام راحل عظیم الشأن ما قدس سره، بازگشت به خود، بازگشت به اسلام و شناختن قدر خود و قدر ذخایر معنوی بی شمار خود بود. ملت ایران با عمل به این درس، در راه سعادت قدم نهاد و در آن، مراحل متعددی را طی کرد و همچنان در آن راه پویاست. راه ملتهای دیگر نیز به سعادت، چیزی جز این نیست.

اگر چنین شود، دولت غاصب صهیونیست، توان مقاومت در برابر قدرت امت اسلامی را نخواهد داشت و ایالات متحده بیش از این جرأت بازی با سرنوشت ملت فلسطین و استهزای دولتهای عرب را نخواهد یافت.

اگر چنین شود، دولتهای عرب خود را مجبور نخواهند پنداشت که بر خلاف حق و برخلاف واقع، ملت فلسطین را نادیده بگیرند و مسأله ی فلسطین را به دست فراموشی بسپرند و با ایجاد رابطه ی سیاسی و اقتصادی با رژیم غاصب و متجاوز، صهیونیستها را به میان جوامع عربی راه دهند و بدین آسانی حصاری را که می تواند رژیم صهیونیست را به مرور خفه کند، از گرد او برچینند.

ما شک نداریم که در آینده ی نه چندان دور، عاقبت ملت فلسطین در سایه ی فداکاری خود و آگاهی دنیای اسلام، به حق مغصوب خود دست خواهد یافت و بیگانه ی متجاوز و ستمگر را از خانه ی خود بیرون خواهد افکند؛ ولی تصمیم و اراده ی دولتها و ملتهای مسلمان به فضل الهی خواهد توانست این آینده را تسریع کند و از محنتهای آن بکاهد.

در خاتمه، همه ی حجاج عزیز را به اغتنام فرصت گرانبهای حج برای خودسازی

شخصـی و آینـده سازی اجتماعی دعوت می کنم و امیدوارم همه ی مسـلمانان جهان، بخصوص ملتهایی را که گرفتار حوادث تلخ و شدتهای زندگی اند، به دعای خیر یاد کنند و این حقیر را هم از دعای خیر فراموش نکنند. «والسّلام اللّه علی بقیهاللّه فی أرضه و عجّل اللّه تعالی فرجه».

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

علی الحسینی الخامنه ئی

دوم ذیحجهالحرام ۱۴۱۷ برابر با بیست ویکم فروردین ماه ۱۳۷۶

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران مراسم حج(۸/ ۲/ ۱۳۷۶ ه. ش.)

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران مراسم حج

اشاره

(۸/ ۲/ ۱۳۷۶ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

سپاسگزاری از پروردگار متعال

من هم تشکر می کنم؛ اولًا از پروردگار متعال سپاسگزاری می کنم که بحمداللَّه امسال هم دل ملت ایران را با یک حج باشکوه و موفق و سرشار از افتخار، شاد کرد. هر سفر که کاروان حجاج، مشرّف می شوند و برمی گردند، فضایی از احساس اعتزاز به اسلام و به جمهوری اسلامی در کشور به وجود می آید؛ بحمداللَّه امسال هم این فضا بود- شاید از جهاتی بهتر و بیشتر از سالهای قبل- از جناب عالی (۱) و از همه ی آقایان محترمی هم که تشریف دارند، و از کسانی که در این جلسه نیستند و هر کدام به نحوی دست اندرکار برگزاری این حرکت عظیم بودند، به سهم خودم صمیمانه تشکر می کنم.

خداوند ان شاءاللَّه شما و همه ی آقایان عزیز را موفق و محفوظ بدارد؛ ان شاءاللَّه بتوانید سالهای متمادی این برنامه ی بزرگ را با همین روند و همین جهت و ان شاءاللَّه خیلی بهتر اجرا کنید.

حج؛ یکی از آیات لطف الهی به ایران

به نظر من یکی از آیات لطف الهی به ایران، همین حج است؛ چون همچنان که در طول زمان- چه نسبت به اصل اسلام، از طرف دشمنان اسلام، و چه نسبت به مذهب

۱- خطاب به آقای ری شهری.

اهـل بیت و پیروان اهـل بیت، از طرف دشـمنان این جریـان- فشارهایی وجود داشـته است که حیات و اصل موجودیت آنها را تهدید می کرده، امروز هم علیه هر اظهار وجود و هر نشانه ی حضوری از جمهوری اسـلامی، دشـمنهای فراوانی هسـتند که به طور دایم مشغول تعامل و تهاجم اند.

و همچنـان که خـدای متعـال در طول تاریـخ، جریـان حق را از لابلای این همه ماجراها- یعنی اسـلام را و مـذهب اهل بیت و پیروان اهـل بیت را از میان موانعش- به سـلامت عبور داده و روزبه روز هم آنها را تقویت کرده است، بحمـداللّٰه نظام مقـدس اسـلامی و این ملت مـؤمن را هم همین گـونه از لابلای همه ی این موانع و مشـکلات، بـا دست قـدرت خود، جوری که برای اهلش قابل پیش بینی نیست و بسیار فوق انتظار آنهاست، عبور داده و می دهد و آنها را به سمتی هدایت می کند که برای آنها به عنوان هدف متکامل و متعالی مفروض است؛ و آنها را دارد پیش می برد و حرکت می دهد.

باید ایمان و تسلیم ما در برابر خدا بیشتر شود

تعجب من از این نیست که خـدای متعـال، ملت ایران و جمهـوری اسـلامی را حمـایت می کنـد؛ چـون خودش فرموده: إِنَّ اللَّهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا. از این صـریحتر چه می خواهیـد؛ اینهـا که الَّذِینَ آمَنُوا هسـتند دیگر. اگر کسـی در هر چیز جمهـوری اسلامی و مردم مسلمان ایران شک کند، در ایمانشان که نمی تواند شک بکند، چرا خدای متعال إِنَّ اللَّهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا را- این وعده ی صـریح واضح روشن را- در این جا تحقق نبخشد؟ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِیلًا؛ آیا چه کسی می تواند صادقتر از خدای متعال وعده بدهد؟! پس باید حمایت بکند؛ این تعجب ندارد.

تعجب از کسانی است که این اعتماد را ندارند! تعجب از کسانی است که این خوش بینی و امید را در دلهای خودشان، به زور از بین می برنـد! من می بینم که متأسـفانه کسانی واقعاً با تشبّث به بهانه های واهی، این امیـد را که امیـد حقی و امیـد صـدقی است، کأنه می خواهند با دست خودشان در دلهایشان از بین ببرند! چرا؟

این راه خدا و وعده ی خداست؛ باید همین طور بشود. اگر این گونه نمی شد، جای

تحلیل و توجیه و استدلال و دفاع بود- که بگوییم خدا فرموده است دفاع می کند، حالا چرا دفاع نمی کند- اما خدا فرموده است که دفاع می کند، دارد هم دفاع می کند. این دیگر تأملی ندارد، باید هم بکند؛ یعنی کسی که طلبکار نیست، تکلیف هم برای خدا معین نمی کنیم، خودش فرموده است، طبیعت امر این است دیگر، غیر از آنچه که فرموده، چیزی نیست. قالُوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلَّا إِيماناً وَ تَسْلِيماً.

از هر حجی، از هر حادثه و هر قضیه یی که در تاریخ جمهوری اسلامی پیش می آید- که بحمداللَّه همه ی آنها هم در جهت حقانیت جمهوری اسلامی تمام می شود- باید ایمان و تسلیم ما در مقابل خدای متعال، بیشتر بشود؛ وعده ی خدا همین است، خدا هم درست فرمود، صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ.

حج؛ مظهر حمایت الهی از جمهوری اسلامی

علی ایّ حال بحمداللَّه حج، مظهر حمایت الهی از نظام جمهوری اسلامی است. این برائت هم واقعاً یکی از برکات بزرگ حج است؛ اگر حج نبود، کجا می خواست برائتِ دسته جمعیِ مسلمین انجام بگیرد؟! من تعجب می کنم، کجا جای این بود که این آهنگِ برخاسته ی از دلهای امت اسلامی که بالاخره وجود دارد- این غریوی است که دلهای مسلمین، انباشته ی از آن است- ظهور پیدا می کرد؟! غیر از حج، واقعاً جایی وجود ندارد.

اگر چه به نام اسلام، اجتماعات و مجتمع هایی هست، اما هیچ کدام از آنها حج نیست که مرکز همه ی مردم- مثابةً للناس- محل اجتماع و رجوع آحاد مردم و آحاد ناس باشد. خدای متعال حج را این گونه قرار داده است. برائت، مربوط به حج است و یکی از آن احکام حکیمانه ی اسلام که ما هم می فهمیم و عقل به حکمتش می رسد، همین است؛ که خدای متعال این را در حج قرار داده است.

بحمداللَّه امسال هم برائت شما به طور مضاعف انجام گرفت؛ هم شما برائت را انجام دادید، هم دیگران انجام دادند. عیبی هم ندارد، ما می خواهیم برائت در حج انجام بگیرد؛ مضاعف هم انجام بگیرد، چه بهتر. دیگران هم انجام بدهند، ما خوشحالیم.

بحمداللّه انجام شد، خیلی خوب و مایه ی عزت اسلام بود. ما هم امیدواریم که ان شاءاللّه خدای متعال از شما به احسن وجه، قبول کند. حقیقتاً زحمات آقایان مشکور است؛ من صمیمانه تشکر می کنم.

آن شکوه و عظمت اسلامی که حج ما دارد، بحمداللّه آن رسایی و بلاغی که حج ما دارد، بر اثر جنبه های معنوی است، والا جنبه های مادی و ظاهری و تشریفات، کمترین اثر را دارد- اگر نگوییم بعضی اوقات، جنبه ی تعویق و مانع و عایق هم دارد.

به هرحال از زحمات جناب عالی و آقایان مجتهدین، علما، بزرگان و زحمت کشان این راه، حقیقتاً صمیمانه تشکر می کنم. خداوند ان شاءاللّه به همه ی شماها اجر بدهد.

همچنین از همه ی کارکنان سازمان حج، آقایانی که در آن جا مشغول هستند، صمیمانه تشکر می کنم؛ این تشکر ما را به آقایان هم ابلاغ بفرمایید. ان شاءاللّه خدای متعال از آنها شکرگزار باشد و قلب مقدس ولی عصر از آنها راضی باشد.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(۱۲/ ۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(۱۲/ ۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ الحمدللّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی البشیر النذیر والسّراج المنیر سیّدنا ابی القاسم المصطفی محمّد و علی آله الأطیبین الطاهرین و علی الخیره من أصحابه المنتجبین

موسم حج؛ مژده ی بزرگترین دیدار سالیانه ی مسلمانان

موسم حج با مژده ی بزرگترین دیدار سالیانه ی مسلمانان، از راه رسیده است، و بجاست اگر صدها هزار دل مشتاق که در این موسم، مجال بهره مندی از فیض لقاء خواهند داشت، پیوسته در جوش و شور و هیجان آماده سازی خویش باشند، و میلیونها مسلمان آرزومند که امسال در فهرست بهره مندان نهاده نشده اند، به یاد لحظه لحظه ی ایّام سعادتمندان و دعا برای خود و آنان، دل و ذهن خویش را رنگین و معطر سازند، و همه ی مسلمانان صاحبدل به گونه یی در ایام حج، با حج و شعائر و آیات جلال و جمال آن سپری کنند.

مراسم حج در هر سال، یک حادثه ی بزرگ است که رواست اگر در آن ایام معلومات، مرکز اصلیِ فکر و توجه و اندیشه و احساس مردم در سراسر جهان اسلام باشد؛ و هرکس بسته به جایگاه روحی و فکری و سیاسیش، به نوعی بدان بیندیشد و با آن بسر برد. و بدیهی است که بهره مندان از فیض حج، در مرکز این تکلیف و توقعند؛ و چون جسم و جان و اندیشه و تلاش آنان آمیخته به حج و برکات و آثار آن است، شایسته است

که بیشترین بهره ی معنوی و روحی و فردی و اجتماعی را از آن به دست آورند، و ان شاءاللّٰه چنین خواهد بود.

معرفت؛ نخستین هدیه ی حج

اگرچه برکات حج، همه ی جنبه های حیات بشری را فرا می گیرد و این باران رحمت بی دریغ، از خلوت دل و اندیشه ی آدمی تا عرصه ی سیاست و اجتماع و قدرت ملّی مسلمانان و تعاون میان ملتهای مسلمان را، بارور و سرزنده و برخوردار از شور زندگی می سازد، لیکن شاید بتوان گفت که کلید این همه، «معرفت» است؛ و نخستین هدیه ی حج به کسی که مایل است چشم خود را به حقایق بگشاید و از نیروی خداداده ی «فهم پدیده ها» بهره بگیرد، همان معرفت و شناخت منحصر بفردی است که عادتاً جز در حج، در اختیار خیل عظیم مسلمانان قرار نمی گیرد، و هیچ پدیده ی دینی دیگری نمی تواند مجموعه ی شناختهایی را که در مراسم حج، قابل وصول است، یکجا در اختیار امت اسلامی قرار دهد.

این معرفت، عبارت است از مجموعه یی از شناختها که از جمله ی آنهاست:

شناخت خود به عنوان یک فرد

شناخت خود به عنوان یک فرد، شناخت خود به عنوان جزیی از مجموعه ی عظیم امت اسلامی، شناختِ نمونه و نمایی از آن امت واحده، شناخت عظمت و رحمت خدا، و شناخت دشمن.

شناخت خود به عنوان یک فرد، به معنی تأمل در وجود خویش و شناخت ضعفها و تواناییهای آن است.

آن جا که تعیّنات مادی و تشخّص به مال و مقام و نژاد و عنوان و زیور و لباس، رنگ می بازد و آدمی جدا از آن مایه های تمایز، در کنار صدها هزار انسان دیگر به طواف و سعی و نماز و افاضه و وقوف می رود، و فقیر و غنی، و حاکم و محکوم، و تحصیل کرده و امّی، و سیاه و سفید، همه با یک لباس و در یک جایگاه، رو به سوی خدا می کنند و دست

نیاز به سوی او می گشایند و خود را در برابر مرکز جمال و عظمت و قدرت و رحمت می یابند، هر انسان با تدبّری می تواند ضعف و تهیدستی خود را در برابر خدا، و علوّ و اقتدار و عزت خود را در اتصال به خدا، بخوبی بشناسد، توهّم باطل و غرورانگیز درباره ی هستی ضعیف خود را به دور افکند، و شیشه ی کبر و خودپسندی را، که مایه ی زشت ترین خُلقیات و رفتارهای او است، به خاک بکوبد، و از سوی دیگر حلاوت ارتباط با معدن عظمت و به او پیوستن و از بتهای درونی خویش گسستن را بیازماید و بچشد.

این شناخت اساسی که جوهر همه ی عبادات و مضمون همه ی مناجاتها و راز و نیازهای اولیای خداست، آدمی را صیقل و صفا می بخشد و او را برای دیگر شناختها، مستعد و بر پیمودن همه ی راههای کمال، توانا می سازد. در زندگی عادی، گرفتاریهای دنیوی و سرگرمی افراطی به تکاپوی مادّی و درگیریها و جدالهای تمام نشدنی در زندگی روزمرّه ی انسانها، دل را غافل و مشغول می سازد و او را از این معرفت روشن بازداشته، دچار تار عنکبوت توهّم و گمانهای باطل می سازد و دل را به تکدّر و تیرگی می کشاند؛ و حج علاج قاطع این گرفتاری است.

شناخت خود به عنوان جزیی از مجموعه ی امت اسلامی

شناخت خود به عنوان جزیی از مجموعه ی امت اسلامی، به معنی نگرش به مجموعه ی حاجیان و به همه ی ملتها و سرزمینهایی است که مردم خود را به طواف خانه ی خدا فرستاده اند. نگرش به کلّ حجاج و در آئینه ی این جمع متراکم، نگرش به امت بزرگ اسلامی است که امروزه از دهها ملت و صدها میلیون انسان در سراسر جهان تشکیل شده، و از مهمترین امکانات مادی و معنوی برای حیات و رفاه اجتماعی برخوردار است و همه ی بشریت و تمدن صنعتی با همه ی حجم مادّیش، به آن و منابع عظیم آن و بازارهای رایج آن و میراث فرهنگی و علمی آن، محتاج و از آن بهره مندند.

شناخت خود به مثابه ی جزیی از این واقعیت عظیم، حجگزار را با پیوندی عاطفی و واقعی با برادران و خویشاوندانش متصل می کند؛ و افسون جدایی را که سالهاست

دستهای استعمار دیروز و استکبار امروز، به نام نژاد و زبان و مذهب و ملی گرایی می دمند، باطل می سازد.

سردمداران جهانِ طبقاتی، یعنی سیاستمدارانی که همّت گماشته اند جهان را همیشه در دو قطب قوی و ضعیف، یا مستکبر و مستضعف نگهدارند، و مرکز قدرت را به زیان ملتهای مستضعف، میان خود تقسیم کنند، از دو قرن پیش تا امروز، از وحدت امت اسلامی بیمناک بوده و بر سر راه آن مانع تراشیده اند! همان کسانی که در دهه ی حاضر، با قتل عام مسلمانان بالکان، یا تبعیض و بی عدالتی نسبت به اقلیتهای مسلمان اروپا، یا بی تفاوت ماندن در برابر اینها، عزم مسیحی کردن یکسره ی اروپا را آشکار ساختند، از یکپارچه شدن دنیای اسلام با عنوانهای اهانت آمیز یاد کردند و در تبلیغ و عمل، از آن جلوگیری نمودند.

تقویت این احساس در فرد، که وی عضوی از پیکر بزرگ امت است و هدایت درست آن، باید بتواند بر همه ی آن ترفندهای تفرقه ساز، غلبه کند؛ و ضمن این که هویت ملّی و فرقه یی را در بخشهای گوناگون امت اسلامی پاس می دارد، از فوایدی که در یکدلی و اتحاد است، همه ی این مجموعه ی بزرگ را بهره مند سازد و عزّت و اقتدار و خیر کثیری را که در یکپارچگی امت اسلامی نهفته است، شامل همه ی اجزا و اعضای آن کند.

طواف و سعی و نمازهای جماعت و همه ی حرکات و سکنات دستجمعی در حج، این درس را به حجگزار می رساند و آن را در اعماق وجود او نفوذ می دهد.

شناخت نمونه و نمایی از امت واحده

شناخت نمونه و نمایی از آن امّت واحده، به معنی گامی عملی در راه تحقق آن آرزوی بزرگ- یعنی اتحاد اسلامی- و در نهایت سر برکشیدن قدرت واحده ی اسلامی در میدان سیاست جهانی است. دیدن توده های عظیم حجگزار از نقاط گوناگون عالم، و با زبانها و رنگها و نژادهای گوناگون، افق دید مسلمان را گسترش می دهد و از مرزهای شخصی و قومی و ملّی فراتر می برد، و وظیفه ی اسلامیِ رفتار برادرانه، وی را با آنان به

تعارف و همزبانی و همدلی می کشاند، خبرهای اختصاصی ملتها را به سراسر جهان اسلام می بَرَد و توطئه ی تبلیغاتی دشمن را که همیشه، و امروز بیش از هر زمان، دست اندرکار قلب حقیقت و دروغ سازی و شایعه پراکنی است، خنثی می کند و فاصله های مکانی و زبانی و پنداری را از میان برمی دارد. با تبیین موفقیت یک ملت، در دل ملتهای دیگر، امید می دمد و با تشریح تجربه ی یک کشور، کشوری دیگر را مجرّب می سازد. احساس انزوا و تنهایی را از افراد و ملتها می زداید و ابّهت دشمن را در چشم آنان می شکند، مصیبتهای بزرگ یک کشور را برای دیگران شرح می دهد و آنان را به فکر علاج آن می افکند.

توقف حجگزاران در موسم حج در یک نقطه، و بخصوص وقوف در عرفات و مشعر و مَبیت در منی، همگی، زمینه های مستعد این شناختِ کارساز و کارآمدند.

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج، به معنی تأمل در پایه گذاری این خانه است که درعین حال، هم خانه ی خداست و هم خانه ی مردم؛ إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبَارَکًا وَ هُدًی لِّلْعلَمِینَ. (۱) هم جایی است که انسان نیازمند، بدان روی می کند و هم نقطه یی است که عظمت آیین الهی در آن جلوه گر می شود. آمیزه یی از شکوه و عظمت و صفا و سادگی، یادگاری از نخستین ندای توحید، و جایگاهی برای تحقق وحدت کلمه. هم نشاندار جای پای مجاهدان صدر اسلام، که غریبانه در آن مبارزه کردند و مظلومانه از آن هجرت نمودند و فاتحانه و مقتدرانه بدان بازگشتند و آن را از نشانه های جاهلیت عرب پیراستند؛ و هم معطّر به نَفَس نیایشگران و جای سجده ی متعبدان و دست نیاز ثناگویان. هم مَطلَع خورشید اسلام در آغاز و هم مشرق طلوع مهدی موعود در انجام. هم پناهگاه دلهای رمیده و هم امید بخش جانهای به ستوه آمده!

۱- آل عمران: ۹۶

تشریع فریضه ی حج و ترتیب مناسک آن، هم نشانه ی عظمت است و هم آیت رحمت. با این شناخت است که دلها به مشاهده ی کعبه ی شریف در مسجدالحرام منقلب می شود و بیراهه ها به صراط مستقیم می پیوندد و انسانها دگرگونه می شوند.

شناخت دشمن

شناخت دشمن، محصول همه ی آن شناختها و متمم و مکمّل آنهاست. بدون آن، دل و ذهن مسلمان، مخزنی بی حصار است که از دستبرد راهزن و خائن و غارتگر، مصون نیست. در خودِ اعمال حج، رَمی جمرات، نماد دشمن شناسی و دشمن ستیزی است؛ و پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله، اذان برائت را در حج سر داد و آیات برائت را از حنجره ی امیر مؤمنان علیه السلام در مراسم حج تلاوت فرمود. اگر جهان اسلام و امت اسلامی، روزی از وجود دشمنان جرّار فارغ گردد و چنین چیزی ممکن شود، برائت نیز بی فلسفه خواهد بود. ولی با وجود دشمنها و ستیزه گریهای کنونی، غفلت از دشمن و بی مبالاتی به برائت، خطایی بزرگ و پُرخسارت است.

اگر آن شناختهای پیشین به دست آید، دشمن جهان اسلام نیز شناخته می شود. هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامیشان بیگانه کند، یا به تفرّق و پراکندگی بکشاند، یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه می کند؛ و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است!

یاد و نشان دشمن نباید مورد غفلت قرار گیرد

شیطان درقرآن، تعبیری ازنیروهای شرآفرین و فساد آفرین و انحطاطآفرین است که در صف مقابل انبیا قرار می گیرد؛ وَکَذلِکَ جَعَلْنَا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیاطِینَ الْانسِ وَالْجِنِّ. (۱) و در سراسر قرآن، یاد و نشان شیطان تکرار شده و در تمام طول مدت نزول وحی، از آن نام برده شده است. این بدان معناست که یاد و نشان دشمن، هرگز نباید مورد

۱- انعام: ۱۱۲

غفلت جوامع مسلمان قرار گیرد.

امروز بیشترین تلاش شیطان که همان جبهه ی سیاسی استکبار است، مصروف آن می شود که مسلمانان را از آینده ی خود، نومید و به ذخیره ی گرانبهای فرهنگ و دانش خود، بی اعتنا سازد. هر پدیده یی که به مسلمانان جهان، امید ببخشد و آنان را به فکر بنای آینده بر پایه ی اسلام بیفکند، در چشم استکبار، بشدت منفور و مبغوض است. دشمنی شیطان بزرگ با ایران اسلامی، از آن است که تشکیل جمهوری اسلامی و اداره ی کشوری پهناور، با جمعیتی انبوه و با ثروت مادی و معنوی بی پایان، به مسلمانان، نوید عزت و عظمت اسلامی می دهد و فروغ امید را در دلهای آنان زنده می کند.

نشانه های امید در رفتار ملتهای مسلمان

در نوزده سالی که از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران گذشته است، همه ی جهان، نشانه های امید را در رفتار ملتهای مسلمان دیده اند و می بینند و هرچه گردونه ی زمان، به پیش رفته و تدابیر دنیای استکبار در برابر این موج بلند و دنباله دار، بیشتر شکست خورده، این امید بیشتر شده است.

بیداری فلسطینیان و آغاز مجاهدتهای آزادی طلبانه ی آنان با شعارهای اسلامی در برابر صهیونیستهای غاصب، بیداری ملتهای مسلمان در اروپا و تشکیل کشور مسلمان بوسنی- با وجود فاجعه ی خونباری که به دست، یا با سکوت رضایت آمیز اروپاییان برای آنان پیش آمد- به حکومت رسیدن معتقدانِ به حاکمیت اسلام در ترکیه و الجزایر، از راههای معمول دموکراسی غربی- که البته در هر دو مورد، با کودتا و دخالت قدرتهای نامشروع و خصومت دشمنان جهانیِ قدرت اسلام، موفقیت آنان نیمه کاره ماند- تشکیل حکومت بر پایه ی مبانی اسلامی در سودان- که با وجود کارشکنیهای خارجی، بحمداللّٰه همچنان در راه اقتدار اسلامی به پیش می رود- زنده شدن شعارهای اسلامی در بسیاری از کشورهای مسلمان- که سالهای متمادی این شعارها در آن فراموش شده بود- و مثالهای متعدد دیگر، همه و همه، نشانه های تأثیر عمیق و روزافزون ولادت جمهوری اسلامی در ایران، بر سراسر جهان اسلام و امت اسلامی است.

دشمنی استکبار با ایران، بغض آلودتر شده است

دشـمنی اسـتکبار، به همین نسـبت با ایران اسـلامی، روزبه روز سخت تر و بغض آلودتر شده است! پس از شکست توطئه های پیاپی نظامی و اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی، استکبار جبهه ی تازه یی گشوده که تاکنون نیز بر ضدّ ایران اسلامی فعال است.

این جبهه، یـک جبهه ی جنـگ تبلیغـاتی است؛ و هـدف آن، متهم کردن ملت و دولت ایران و بر اثر آن، خاموش کردن فروغ امیـد در دل ملتهـای مسـلمان است! در این جنـگ تبلیغاتی، این طور وانمود می شود که ملت ایران، از حرکت عظیم انقلاب و شعارهای آن و از حاکمیت اسلام و قرآن، پشیمان شده و مسؤولان کشور، به اسلام و انقلاب پشت کرده اند! و به عنوان شاهد و نمونه، ادعـا می شود که دولت ایران، در صـدد ایجـاد روابـط دوسـتانه بـا دولت امریکـا است! انکـار مکرر این ادعا از سوی مسؤولان کشور و تأکید همیشـگی آنان بر عشق و پایبندی به اسلام و انقلاب و خط امام راحل قدس سره مانع از آن نیست که دسـتگاههای تبلیغاتی و حتی مسؤولان سیاسـی اسـتکبار و بخصوص رژیم مسـتکبر امریکا، ادعای خود را با زبانها و شـیوه های گونـاگون، تکرار کننـد و آن را در تفسـیرها و خبرهـا و گزارشـهای جهـانی، مخصوصاً در سـطح جهان اسـلام، بیش از پیش، تکرار نمایند!

شناخت دشمن در حج، به معنی شناخت این روشها و انگیزه های آن، و برائت در حج، به معنی افشای توطئه ی دشمن و اعلام بیزاری از آن است.

ملت ایران حیات دوباره ی خود را بازیافته است

ملت و دولت ایران، بـا انقلاب عظیم خـود که به رهـبری امـام خمینی عظیم الشـأن قـدس سـره و ادامه ی خطّ و راه او، پرچم عظمـت اسـلام و ایران را برافراشـت، عزت و اسـتقلال ملّی خـود و حیـات دوبـاره ی تـاریخی خـود را بازیـافته است. به برکت انقلاب اسـلامی، ملت ایران از فساد روزافزون و انحطاط علمی و اخلاقی و اسـتبداد سیاسی و وابستگی به امریکا نجات یافت و نشاط زنـدگی و سازندگی را دوباره به دست آورد. از حاکمیت مهره های نوکر مآب و بی کفایت و غیرامین و فاسق و بدکار و مستبد و ظالم، خلاص شد و حکومتی مردمی و مدیرانی دلسوز و کاردان و مؤمن و امین یافت. سرنوشت کشور و

منابع ملّی وثروتهای خدادداه اش را، که به وسیله ی بیگانگان غارت می شد، خود به دست گرفت. نیروی ابتکار و سازندگی را که بر اثر ضعف و فساد پادشاهان خائن و وابسته، سالها به خمودگی و رکود کشیده شده بود، در خود زنده کرد و در همه ی میدانهای علمی و عملی، به جبران دو قرن عقب افتادگی، گامهای بلند برداشت و برای آینده نیز همت بلند و عزم قاطع و فکر روشن را با تجربه ی دوران نوزده ساله، چراغ راه ساخته است.

اسلام و انقلاب اسلامی و امام کبیر آن، حق حیات، بر گردن ایرانی و ایران دارند، و ملت و دولت ما این حقیقت را از یاد نخواهد برد و این راه روشن و صراط مستقیم را از دست نخواهد داد.

خصومتهای رژیم امریکا با ایران و ایرانی

رژیم امریکا از اولین سالهایی که در نیم قرن پیش در صحنه ی سیاسی ایران قدم نهاد، به ایران و ایرانی جفا و خیانت کرد، از رژیم فاسد و ضدمردمی پهلوی حمایت کرد، دولتهای وابسته و ضعیف و نوکرمآب را بر سر کار آورد، اراده ی خود را بر ملت ما تحمیل و منابع ملی را غارت کرد، ثروت عظیمی از این ملت را از طریق معاملات خسارتبار نفت و سلاح، ربود، نیروهای مسلّح ایران را در قبضه ی خود گرفت، دستگاه ضدّ امنیتی شاه و شکنجه گران آن را آموزش داد، موجب اختلاف میان ملت ایران و بسیاری از ملتهای مسلمان، از جمله اعراب شد، فساد و فحشا را در ایران ترویج کرد، با رژیم شاه در سرکوب نهضت اسلامی در مقاطع گوناگون، همکاری و آن را راهنمایی کرد!

و پس از آن که علی رغم مجموعه ی آن جبهه ی ظلمت و کفر و طغیان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی، انواع دشمنیها و کارشکنیها و تهاجمها و توطئه ها را بر ضد ایران و ملت انقلابی آن، به کار بست! از کمک فعال به رژیم عراق در جنگ هشت ساله، تا فعالیت برای محاصره ی اقتصادی کامل ایران، تا کمک به عناصر خائن و فراری، تا تبلیغات دایمی در همه ی دستگاههای تبلیغی مربوط به خود، تا آتش بیاری در اختلافات منطقه یی، و سعی وافر برای ایجاد

اختلاف میان ایران و همسایگانش، تا تلاشهای براندازی و تروریستی به وسیله ی مزدبگیران سازمان سیا، تا فعّالیت شدید برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای گوناگون جهان، تا دهها حرکت موذیانه و تهدیدآمیز دیگر در همه ی جبهه ها و همه ی زمینه های ممکن!

این فهرست کوتاهی از طومار بلند خصومتهای رژیم امریکا با ایران و ایرانی است.

و البته همه می دانند و خود سردمداران رژیم امریکا بیش از همه بتلخی می دانند که رژیم امریکا در اغلب این زمینه ها شکست خورده و ناکام مانده و در انزوا قرار گرفته است! و ملت ایران به کمک الهی و به برکت اقتدار و عزتی که از اسلام و انقلاب به دست آورده، در بیشتر این موارد توانسته طعم زهرآگین شکست و ناکامی را به دشمن خود بچشاند.

با توجه به این حقایق روشن، چگونه ممکن است که ملت و دولت ایران، به سوی دشمنی که هنوز هم با دلی پرکینه و کامی تلخ از شکستهای پی درپی، درصدد ضربه زدن به ایران و ایرانی است، دست دوستی دراز کند و فریب لبخند زهرآگین دشمن را که همین امروز هم با خنجری زهرآلود، در دست وی همراه است، بخورد؟!

پایبندی به اصول عزت، حکمت و مصلحت

جمهوری اسلامی ثابت کرده است که در پی تشنّج آفرینی در روابط خود با کشورها نیست، و به روابطی برابر که با سه اصل عزت و حکمت و مصلحت، در سیاست خارجی منطبق باشد، علاقمند و پایبند است؛ و ثابت کرده است که در این روابط، منافع مادی و معنویِ کشور و رعایت مصلحت و عزت ملت عظیم الشأن ایران و صیانت از آرامش و سِلم در فضای سیاسی جهان، شاخص و راهنمای اصلی اوست.

روابط ما با همسایگان و با دیگر کشورهای جهان- از جمله با کشورهای اروپا- دلیلی گویا و روشن است، و تلاش همیشگی ما برای گفتگوهای برادرانه با کشورهای مسلمان- که بحمداللّه هم اکنون شاهد نتایج شیرین تعدادی از آنها هستیم- در برابر چشم مردم جهان است؛ لیکن در کنار این همه، شناخت دشمن و هشیاری و سرسختی در برابر آن را نیز دستورالعمل همیشگی خود ساخته و به اغوای شیاطین، فریب نخورده است، و

ان شاءاللّه از این پس نیز نخواهد خورد.

و دشـمن صـهیونیست را که دولتی غاصب و اشغالگر در سرزمین اسلامی فلسطین برپا کرده، هرگز به رسمیت نخواهد شناخت و اعتقـاد خـود به لزوم محـو آن دولت اشـغالگر و تشـکیل دولـتی از مردم خـود کشور فلسـطین را، هرگز پنهـان نخواهـد کرد. همچنین امریکا را که شیطان بزرگ و رأس فتنه ی اسـتکبار است، تا وقتی به روشهای کنونی خود پایبند است، دشمن خود به حساب خواهد آورد و دست دوستی به سوی او دراز نخواهد کرد.

چند توصیه به حجاج بیت اللّه الحرام

برادران و خواهران عزیز از سراسـر جهان اسـلام و حجّاج عزیز ایرانی! با اسـتعانت از خدای بزرگ، بکوشید تا معرفت را که از بزرگترین دسـتاوردهای حج است، در همان گستره یی که تبیین شد، به دست آورید و با شـناختهای تازه یی در زمینه های یاد شـده، به کشور خود بازگردیـد و آن را دسـتمایه ی تلاش و حرکت خود برای آینده بسازید. در این موسم، بخصوص، محنت مسـلمانان کوزوو را که دنباله ی سرگذشت خونبار مناطق بالکان و تجربه ی دیگری از نوع تجربه بوسنی و هرزگوین است، با یکـدیگر بازگو کنیـد. برای پیروزی و نجات آن مردم مظلوم، دعا و در راه کمک به آنها اقـدام کنید. همچنین برای مسـلمانان دیگر منـاطق محنت زده ی اسـلامی، چـاره جویی و دعا کنیـد و اصـلاح امور مسـلمانان را از قـدرت و رحمت مطلقه ی الهی، مطالبه نمایید.

امیـد است همگی با حـج مقبول و دستی پُر از دسـتاوردهای معنوی و اخلاقی و سیاسـی، به خانه های خود برگردیـد. والسّـلام علی بقیهاللّه فی أرضه و عجّل اللّه فرجه.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

علی الحسینی الخامنه ئی

سوم ذیحجهالحرام ۱۴۱۸ برابر با دوازدهم فروردین ماه ۱۳۷۷

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت(۳۱/ ۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت

اشاره

(۳۱/ ۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

حجِ امسال از جهات مختلف، موفق بود

امیدواریم خداوند این زحمات و خدمات شما آقایان عزیز را به شرف قبول خودش مشرف کند و توفیقات خود را بر شما زیاد کند، تا بتوانید باز هم این خدمت ارزنده را به مردم خوب و عزیز ما تقدیم کنید. من به سهم خودم از جناب آقای ری شهری و بقیه آقایانی که هر کدام به نحوی در این کار دسته جمعی و خدمت بزرگ همکاری داشته اند، صمیمانه تشکر می کنم. بحمداللَّه همان طور که در خبرها و نشانه های گوناگون می شد مشاهده کرد، حج امسال از جهات مختلف خیلی خوب و موفق بود. هم توانستید حجاج بیشتری ببرید، هم توانستید بی دغدغه آنها را حج بدهید، هم توانستید دعای کمیل را که یکی از بهترین وسایل جلب رحمت الهی است در موسم حج برگزار کنید. قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ نفس تشکیل این مراسم و آن سوز و گداز و آن توجه و عشق و نیازی که مردم ما در آن منطقه ی بخصوص ابراز می کنند، یقیناً در جلب رحمت الهی تأثیر دارد؛ و نفوس مسلمین هم به خاطر همین است که به شما جلب می شود. چون اشاره ی الهی است. والّا اگر خذلان الهی باشد- که خدای متعال نیاورد آن روزی را که ما از طرف پروردگار، به شومی اعمال خودمان دچار خذلان بشویم- در آن صورت دعای کمیل هم فایده ای نخواهد بخشید و آن هم، مردم را دفع می کند. حالا چون مظهر رحمت الهی است مردم را به مجموعه ی شما و نظام جمهوری اسلامی و

حرفهای ما متوجه می کند. همچنین توانستید ماجرای بسیار مهم و پرارزش و پرمعنا و اساسی «برائت» را امسال هم به راه بیندازید و این مراسم با ارزش را اقامه کنید. ...

از اصول اسلامی به هیچ قیمتی نگذرید

الحمدللّٰه امسال دیدید که خدای متعال درِ دیگری را باز کرد که اصلًا تصورش را هم نمی کردند. یک برائت خیلی خوب اعلای درجه ی یکی تقریباً در عرفات راه انداختید، که مردم آمدند و استفاده کردند؛ و پیام خودتان را به دنیا رساندید. واقعاً اینها برای ما درس است! از پایه ها، از اصول، از آنکه شناختید که مال ماست نباید به هیچ قیمتی بگذرید. حالا یک وقت انسان می تواند، می کند؛ یک وقت نتوانست، نمی کند دیگر. آنکه اشکال ندارد. حکومت، اساسی ترین حکم اسلام است. اصلًا خدای متعال انبیا را نفرستاد مگر برای اینکه در جامعه اقامه ی حکم الهی بکنند. اقامه ی حکومت حق اولین تکلیف همه ی انبیاست. ائمه ی ما سالیان متمادی گذشت، حکومت را به راه نینداختند، چون نمی توانستند. اما نگفتند ما حکومت نداریم. همیشه هم می گفتند:

«حکومت داریم، باید هم بشود.» احکامش را هم می گفتند، حرفهایش را هم می زدند. با مبانی اسلامی و اصول اسلامی، باید این گونه برخورد کرد.

گاهی از بینات الهی غفلت می کنیم

نعمت الهی را هم باید شکر کرد؛ و بدانیم که اینها نصرت خداست. اشکال عمده ی ما این است که از بینات قرآنی گاهی غفلت می کنیم. مثلًا وقتی خدای متعال می فرماید که وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ با «ل» تأکید، با «ن» تأکید ثقیله، دیگر تردید نباید بکنیم که نصرت خدا هست. چرا بعضی در این شک می کنند که آیا نصرت خدا خواهد بود؟ بله، نصرت الهی خواهد بود. اگر جایی نصرت الهی نیست به این دلیل است که ما مقدماتش را فراهم نکرده ایم. اگر مقدمات را فراهم کنیم و پای کار باشیم، نصرت الهی هم خواهد بود. وقتی خدای متعال می فرماید که وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ، که آن وقت امام سجاد علیه السلام می فرماید که اگر تو نمی خواستی بدهی، نمی گفتی وَسْئَلُوا اللَّهَ؛ پس این یک برهان

منطقی است؛ برهان عقلانی است. بنابراین در حکم وعده است. پس سؤال مسلماً و بلاشک، اعطا دارد. حالا ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ را نمی گویم، چون به نظر بنده آن یک معنای دیگری دارد. لیکن سؤال از فضل الهی، پشت سرش اعطاست. ما موانع اعطا را باید برطرف کنیم تا خدای متعال اعطا کند. آن وقت هر چه می خواهیم از خدا بخواهیم.

ما به اینها توجه نمی کنیم. خدای متعال به ما وعده ی نصرت داده، ما هم می بینیم و مشاهده می کنیم که برای او داریم این حرکات را می کنیم. پس باید مطمئن باشیم که مسلماً نصرت الهی هست و اینها نمونه هایی از نصرت الهی است. ان شاءاللّه بعد از این بیشتر هم خواهد بود. و امیدواریم که هر چه می گذرد وسایل جلب رحمت الهی را بیشتر فراهم بکنیم و بیشتر از آن استفاده کنیم.

توکل، در همه ی امور کارگشاست

توکل به خدای متعال در همه ی امور کارگشاست. در امور کلی و جزئی، اتکال علی اللّه و حرکت به امید خدا با البته اتکا، به معنای بی حرکتی نیست. فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ خدای متعال به پیغمبرش می گوید: «تصمیمت را بگیر و توکل به خدا کن.» نه اینکه تصمیم نگیر، بخواب و به خدا توکل کن که خدا خودش درست کند! معنایش این نیست. با عزم راسخ در کارهای بزرگ به خدا توکل کنید. و پیش بروید. خدای متعال هم کمک خواهد کرد؛ ان شاءاللّه پیش خواهید رفت. امیدواریم که این وضعی که فعلًا از لحاظ سیاسی وجود دارد روزبه روز بهتر بشود. در همان جهات و چهارچوب های مورد تأیید و قبول ما در ارتباطات خارجی که خوب بوده تا الآن و هیچ مشکلی مشاهده نمی کنیم و روش خوبی است، از این بهتر هم می تواند بشود. ان شاءاللّه که روزبه روز بهتر بشود و بتوانید حج بهتری و خدمات بیشتری را با قبول الهی به مردم ارائه بدهید.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

بیانات در دیدار کارگزاران حج(۲۸/ ۱۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران حج

اشاره

(۲۸/ ۱۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیْمْ

باران رحمتی که غبارهای فتنه و شبهه را فرو می نشاند

جمع امروز مجلس ما بحمداللَّه یک جمع معنوی و ارزشی به تمام معناست.

کارگزاران فریضه ی عظیم حج، قاریان قرآن، بسیجیان و زنان ومردان مؤمن و انقلابی و مخلص در حرکت در راه خدا، همگی خوش آمدید و امیدواریم مشمول تفضلات الهی باشید.

قبل از هر سخن دیگری لازم می دانم سپاسگزاری و تشکر خودم را از درگاه حضرت حق متعال و بندگان مؤمنش به خاطر حرکت عظیم ملت ایران در روز بیست و دوم بهمن امسال عرض کنم.

بعضی از حوادث، تأثیراتش در افکار دنیا و تصحیح اشتباهات دشمنان و دوستان بیش از آن چیزی است که انسان در وهله ی اول تصور می کند. این راهپیماییهای مردم عزیز ما در مناسبتهای مختلف انقلابی و از همه مهمتر در روز بیست و دوم بهمن، هرسال مثل باران رحمتی است که می بارد و غبارهای فتنه و شبهه را فرو می نشاند. مثل زلال رحمتی است که می جوشد و خس و خاشاکها را از سر راه برمی دارد، چشمها را با حقیقت آشنا می کند.

امسال مردم عزیز ما در تهران، در شهرها، حتی در بخشها و روستاها با حضور خودشان در بیست و دوم بهمن، با اعلاء کلمه ی انقلاب، با احیا و تجلیل ازنام امام

بزرگوار، بـا ابراز نفرت از دشـمنان انقلاـب و اعلاـم وفاداری به مبانی و اصول این انقلاب عظیم یک بار دیگر این فیض و این لطف را برای ملت مـا و مسـلمانان عـالم و نـاظران بین المللی به ارمغـان آوردنـد، و دشـمنان را که بـا تحلیـل هـای واهی برای خودشـان دلخوشـی درست می کننـد، یـک بـار دیگر با حقیقت درخشان نور انقلاب اسـلامی و حیات و عزم ملت ایران آشـنا کردنـد. دسـت رد بـه سـینه ی آنهـا زدنـد و دوسـتان را خوشـحال کردنـد. خـدا را بر ایـن توفیـق، بر ایـن لطـف و بر این فیض سپاسـگزاریم و ملـت جلیـل القـدر و عظیم الشأن ایران را هم سپاسـگزاریم به خـاطر اینکه این گـونه حیـات و عزم و وفـاداری خودشان را عملًا با جسم و جان و حضور خودشان- نه با حرف این و آن- به اثبات رساندند.

دشمن از دشمنی چشم نمی پوشد

یک جمله من عرض کنم. شـما برادران و خواهران عزیز و همه ی ملت ایران توجه کنند. خطاست اگر گمان کنیم که دشمنان انقلاـب بـا پیروزی انقلاـب در اول کـار، بـا پیروزی انقلاـب در جنـگ، با پیروزی انقلاب در صـحنه های مختلف، از مقابله با تـداوم انقلاـب، چشم پوشـیدند؛ خطاست اگر گمان کنیم دشـمن از دشـمنی چشم می پوشـد. حرکت شـما، اقـدام و حضور و هوشیاری شما، ضربه های دشمن را خنثی می کند، این حرکت و این حضور باید تا آن وقتی ادامه پیدا کند که دشمن به کلی مأیوس شود. در این بیست سال گذشـته ملت ایران بارها دشمن را عقب رانده است، اما دشمن گوش خوابانده و منتظر فرصت است.

حضـور جمهوری اسـلامی در این منطقه، در دنیـای اسـلام و در زیر این آسـمان، برای منـافع دشـمنان اسـلام بسـیار شـکننده و خطرناک است. چشم دشـمنان اسـلام به این دوخته شـده است که شایـد بتواننـد نقطه ی ضـعفی پیدا کنند. همچنان که چشـم دنیای اسـلام به شـما و جمهوری اسـلامی دوخته شده است، ملتهای مسـلمان و تداوم حرکت اسـلامی و حیات اسـلامی متوجه شماست. امیدها بسته ی به شماست. لذا دشمن توطئه می کند، شاید بتواند این مرکز امید را از مردم مسلمان عالم بگیرد.

سه نوع توطئه در جریان است

سه نوع توطئه در جریان است؛ توطئه ی سیاسی، توطئه ی اقتصادی، توطئه تبلیغاتی.

البته ملت ایران محکم ایستاده است. ملت و دولت در مقابل این توطئه ها ایستاده اند.

توطئه ی سیاسی با سیاسی کاریهایی است که انجام می دهند. با تحریکات و دسیسه چینی هایی است که می کنند، با تشویق و تحریک دشمنان داخلی و خارجی ما در موارد مختلف است، در مقاطع گوناگون این دشمنی سیاسی است. گاهی لبخند مکرآلود نشان می دهند، گاهی چهره ی غضبناك نشان می دهند، گاهی کسانی را که در داخل و خارج وادار به مبارزه ی با اسلام و نظام اسلامی می کنند ...

توطئه ی اقتصادی کمک به فشار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی است. البته امروز مشکلات اقتصادی مخصوص ایران نیست؛ مخصوص کشورهای این منطقه هم نیست، امروز وضع اقتصادی در دنیا دچار یک مشکلات و بحرانهایی است، در بعضی از کشورها به شکل بحران هم هست. و لکن دشمن بر روی مناطق خاصی از دنیا متمرکز می شود و بر روی آن کار می کند. ملت ایران هدف توطئه های اقتصادی دشمنان اسلام است و در رأس آنها شیطان بزرگ امریکا قرار دارد. اگر، دولت جمهوری اسلامی برای گشایش اقتصادی مردم فعالیت و تلاشی را شروع کند، تا هرجا بتوانند با آن مخالفت و مقابله می کنند. این توطئه برای فشار آوردن بر اقتصاد کشور، بر ملت ایران، بر پول کشور است.

توطئه ی تبلیغاتی عبارت است از اینکه تبلیغات خودشان را در آن جهتی سازماندهی می کنند که بینات و اصول انقلاب را در ذهنهای مردم سست کنند و مورد تردید و شک و شبهه قرار بدهند. رادیوهای گوناگون، مطبوعات گوناگون، بازتابهای حرفهای آنها به وسیله ی ایادی آنها در داخل، همه در این جهت کار می کنند بلکه اعتقادات مردم را سست کنند.

این توطئه ها را دشمن دارد انجام می دهد. ملت ایران در مقابل توطئه های دشمنان همیشه ایستاده است؛ همیشه قاطعیت نشان داده است. به فضل پروردگار تا

امروز هم در مقابل همه ی توطئه های اساسی دشمنان آن کسی که پیروز شده است ملت ایران بوده است؛ آنچه پیروز شده است انقلاب بوده است؛ آنچه پیشرفت کرده است رسالت انقلاب بوده است؛ دشمن طرفی نبسته است، اما دشمن دارد ادامه می دهد.

پشتوانه ی پیروزی ملت ایران

ملت ایران به چه پشتوانه ای توانست پیروز شود؟ به پشتوانه ی ایمان، هوشیاری، آگاهی، وحدت کلمه و پایبندی خود به راهی که امام بزرگوار به او نشان داده بود. تا امروز هم ملت ایران همچنان که در بیست و دوم بهمن ملاحظه کردید این راه را با استواری و قاطعیت و استقامت تمام دارد طی می کند. دشمن، دشمنی می کند؛ ملت ایران ایستادگی و قاطعیت نشان می دهد. در همه ی مراحل ملت ایران با صبر و بردباری، با پایداری و هوشیاری و با وحدت کلمه توانسته است به پشتوانه ی عظیم ایمان خود بایستد، موانع را از سر راه بردارد، پیش برود و دشمن را ناکام کند. شما توانستید دشمن را به فضل پروردگار ناکام کنید، خدا را شکرگزار باشید. هوشیاری ملت ایران باید ادامه پیدا کند. این چیزهایی که در حقیقت در داخل جامعه ی ما حبل اللّه است- یعنی قرآن، تمسک به ذکر الهی، تمسک به وحدت کلمه و پافشاری بر مواضع اسلامی و قرآنی- باید ادامه پیدا کند و ادامه هم پیدا می کند. مطمئناً ملت ایران این راه را با قاطعیت پیش خواهد برد. این معجزه ی عظیمی که به برکت اسلام و قرآن در این برهه ی از عالم به وجود آمد، پدیده ی کوچکی نیست. خیلی عمق دارد و بسیار ریشه داراست، اراده ی الهی هم بر این قرار گرفته است که در قرنی که همه ی عوامل بر علیه اسلام کار کرده اند، این حجت بالغه ی حق- یعنی حاکمیت اسلام- را حفظ کند، مردم دنیا را به رسالت اسلام معتقد و مذعن کند و نشان دهد که کید دشمن با همه ی کارهایی که می کند، با همه ی امکاناتی که در دسترس دارد، با ثروت و قدرت و اسلحه ی خود، با سیاست و دستگاههای جاسوسی خود در مقابل حرکت اسلام، کید شیطان است و ضعیف است: إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطانِ کانَ ضَعِیفاً. این اراده ی الهی است و باید در این جهت حرکت کرد.

دل ملت با اسلام است

من به شما برادران و خواهران عزیز، به همه ی ملت ایران عرض می کنم این راهی که پیش می روید یعنی راه تمسک به اسلام و قرآن، همان راهی است که ایران را و کشور شما را از تمام مشکلات به فضل پروردگار نجات خواهد داد. این همان راهی است که عزت و آزادی و استقلال کامل و عظمت ملت ایران را در سایه ی اسلام آشکار خواهد کرد. دشمنان که می خواهند با وسوسه ی در عقاید مردم، با ایجاد تشکیک در اصول انقلاب، با ایجاد دودستگی در بین مردم کارهایی بکنند، نخواهند توانست. یک عده تلاش خود را می کنند، زحمت خود را می کشند ولی آبروی خودشان را می برند.

آن کسانی که به نفع جناح دشمن، به نفع مرکزیت استکبار و امریکا، به نفع جبهه ی ضد دین در دنیا و به نفع مستکبرانی که علیه اسلام و برای انتقام از اسلام و مسلمین تلاش می کنند، کار می کنند، اینها طرفی نخواهند بست. دل ملت با اسلام است، جان این ملت متوجه پیام اسلام و ندای اسلام است، متوجه امام بزرگوار است و همه باید تلاش کنند این نعمت بزرگ الهی را در دل و جان خودشان حفظ کنند و هر کسی که مسؤولیتی دارد باید در این جهت تلاش کند.

حج؛ فرصتی گرانبها و بزرگ

من همین جا به شما کارگزاران عزیز حج عرض بکنم حج را مغتنم بشمارید؛ حج خیلی فرصت گرانبها و بزرگی است. حج فرصت خودسازی و بازسازی اخلاقی و معنوی است، فرصت دیدن شوکت اسلام است، عظمت اسلام را ببینید؛ عظمت امت اسلامی را در حج مشاهده کنید. هرچیزی که حاجی را از این عبرت و درس بزرگ باز دارد، مضر و مخل است، و شما کارگزاران حج باید به این نکته توجه کنید و حاجی را به آنچه که باید ببیند، درک کند و به آن بصیرت پیدا کند، هدایت کنید؛ او را کمک کنید. سرگرم شدن به زخارف پوچ، بی ارزش و سرگرمیهای معمولی دنیوی در حج، بلای بزرگی برای حاجی است که پول خود را خرج می کند، عمر خود را مصرف می کند، از جسم و جان خود مایه می گذارد، آن وقت دست خالی برگردد؟! دست خالی برگشتن از حج یعنی توفیق نیافتن

به بازسازی اخلاقی، به عبرت گیری، به بهره مندی معنوی، این دست خالی برگشتن است؛ حیف نیست؟ مگر عمر انسان چقدر است؟ مگر این توفیق چند بار برای انسان دست می دهد؟ روحانیون محترم حج در کاروانها در هر جایی که مراجعینی دارند، مردم را به این معنویت سوق بدهند.

پیام معنوی حج

این توصیه به صرفه جویی هم که ما همیشه بر آن تأکید می کنیم، بحمداللّه گویا مسؤولین محترم حج به آن توجه جدی مبذول کرده اند، این به جنبه ی معنوی حج کمک می کند. حج برای عبادت است، برای معنویت و بصیرت است، برای پیام معنوی و سیاسی اسلام است. بزرگترین پیام سیاسی اسلام وحدت است، وحدت مسلمین، ایستادگی امت اسلامی در مقابل دشمنان اسلام، برائت از کفار و مشرکین، برائت از رأس شرك و کفر و استکبار یعنی امریکا؛ برائت از غده ی سرطانی صهیونیسم و اعلام نفرت و انزجار و بیزاری از او و از هر کسی که به وجود او و حضور او و توسعه او کمك می کند.

اینهاست پیام حج؛ اینهاست معنویت این واجب بزرگ. دلها را، جانها را، ذهنها را به این جهت سوق بدهید؛ چه مسؤولین در مسؤولیتهای مختلف، چه رؤسای کاروانها، چه علمای اعلام و محترمین و روحانیان عزیزی که با کاروانها هستند و چه هر کسی که مسؤولیتی دارد.

حرکت قرآنی در جامعه ی ما رواج دارد

بحمداللّه حرکت قرآنی هم در جامعه ی ما به رغم دشمن رواج دارد. دشمن مایل به رواج فحشا و بی بندوباری و رواج مظاهر فرهنگ مبتذل غربی است، بخشهایی از فرهنگ غربی که در آن سودی متصور است، آنها را ترویج نمی کنند، اما مبتذلات را به اسم هنر، به اسم چیزهایی از این قبیل، رواج می دهند. دشمن این چیزها را دوست دارد.

دشمن رواج قرآن را دوست ندارد. هرجا رواج قرآن هست، رغم عنف دشمن است.

هرجا انس با قرآن هست این توسل به حبل المتین الهی است، قرآن این است. جامعه ی ما

بحمـداللّٰه با توسل و تمسک به ثقلین، یعنی قرآن و عترت توانسـته است از مشـکلات فراوانی عبور کند. تمسک به ثقلین زمینه ی رحمت الهی است. خـدای متعـال رحمت می کنـد بر چنین ملـتی و آثـار رحمت الهی را می بینیـد. اینهـا آثـار رحمت الهی است، قیام دولت اسلامی از آثار رحمت الهی است، تفضلات الهی از آثار رحمت الهی است.

عزت ملت ایران از آثـار رحمت الهی است، شـادابی حرکت اسـلامی در بین جوانهـای مـا از آثار رحمت الهی است. امروز در دنیا جوانها تا گلو غرق در فسادنـد، غرق در بیکارگی و هرزگی و بی بنـد و باری اند. جوان مسـلمان با معنویات انس پیدا می کنـد. اهل نماز و قرآن است، اهل اعتکاف و عبادت است، اهل حج و عمره است، جوانها به سـفر عمره رفته بودند، کسانی که شاهد بودند می گفتند ما به حالت این جوانها غبطه می خوریم.

اینها آثار رحمت الهی است، خود اینها موجبات رحمت الهی است. اینها را قدر بدانید.

به هیاهوی دشمن اعتنا نکنید

به هیاهو و جنجال و قیل و قال و عربده های دشـمن اعتنایی نکنید. شأن دشـمن همین است که یا حمله کند، ضربه بزند؛ یا اگر دید ضـربه ی او کارگر نیست، عربده کشـی و هیاهو و جنجال کند، مؤمنین را مرعوب و افسـرده کند، این کار دشمن است. به اینها اعتنایی نکنید، بحمداللّٰه حرکت ملت ایران به سـمت صـلاح است، متن ملت در خط اسلام و امام در حال حرکت است و به فضل الهی با توجهات حضرت بقیهاللّٰه الاعظم این حرکت ادامه خواهد یافت و خواهید دید که ان شاءاللّٰه دشمن بار دیگر و بارهـای دیگر در مقـابله ی با ملت ایران ناکام و بینی اش به خاک مالیـده خواهـد شـد و ملت ایران به برکت اسـلام و قرآن ان شاءاللّٰه روزبه روز مدارج پیشـرفت و ترقی را طی خواهد کرد. امیدواریم خداوند متعال تفضـلاتش را بر شما مستدام بدارد، ما را در راه خود و در مسـیری که مورد رضای اوست هدایت کند و حرکت ما را مشـمول لطف و رحمت و رضا و قبول خودش قرار بدهد.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام(۲۸/ ۱۲/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۲۸/ ۱۲/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ الحمدللَّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی رسوله الأمین الکریم، و علی آله المیامین و صحبه المنتجبین.

روزهای خاطره سازِ حج فرا رسیده است

بار دیگر روزهای خاطره ساز حج فرا رسیده و منادی پروردگار، دلهای پُرشوق و التهابِ مؤمنان را بدان کعبه ی امید فرا خوانده، و از هر سوی جهان گروهی سعادتمند را در پایگاه دعوت ابراهیمی و خاستگاه دین محمدی صلی الله علیه و آله گرد آورده است.

اکنون فرصت مغتنمی است که این نمونه ی منتخب امت بزرگ اسلام، خود را و امت واحده و آئین صلاح و فلاح آن را با نگاهی ژرف بنگرد و حقیقتی را که در حصارهای قومیت و نژاد و زبان، کمتر می توان بدان پرداخت، در گستره ی این میعادگاه جهانی به چشم آورد.

عظمت سرمایه ی امت اسلامی و خطر در کمین آن

در میان واقعیتهای بزرگی که در این تدبر و خودنگری جلوه می کند دو چیز از همه برجسته تر است؛ نخست: غنا و عظمت سرمایه یی که امت اسلامی از آن برخوردار است. و دیگر: سهمگین بودن خطری که درکمین این سرمایه ی بزرگ است.

سرمایه ی بزرگ امت اسلامی، آئین اسلام و معارف رسا و روشن و مقررات متین و

دستور جامع آن برای زندگی انسان است. اسلام با ارائه ی بینشی خردمندانه و عمیق درباره ی جهان و انسان و با توحید ناب و دستورالعمل اخلاقی و معنویِ حکمت آمیز و ارائه ی مقررات و نظامات سیاسی و اجتماعی مستحکم و فراگیر و اعمال و وظائف عبادی وفردی، همه ی آحاد بشر را دعوت می کند تا: هم درون خودرا از زشتیها و ضعفها وپستیها و آلودگیها برهانند و در باطن خود فروغ ایمان، و خلوص، ووارستگی، وصمیمیت، و محبت، و امید، و نشاط را بیفروزند، و هم دنیای خود را از فقر و جهل و ظلم و تبعیض و عقب ماندگی و ایستایی و زورگویی و تحمیل و تحقیر و تحمیق رها سازند.

هم تزکیه ی اخلاقی و هم تلاش جمعی ضروری است

برای فراهم شدن زندگی سعادتمندانه و مطلوب انسان، هم تزکیه ی اخلاقیِ فرد که گوهر او را از زشتی ها و آلودگیها برهاند، و هم حرکت و تلاش جمعی که میدانهای زندگی را بروی او بگشاید و او را در چالشِ ناگزیرش با طبیعت و با نگهبانان رژیم های ستم و استکبار یاری دهد، ضروری و حتمی است.

اسلام با معنا کردن زندگی و هستی و با نشان دادن راه درست آن، انسان را در فراهم آوردن زندگی حقیقتاً سعادتمندانه یاری می دهد و صراط مستقیم الهی را به او معرفی می کند. همه ی احکام و دستورهای اسلامی، و همه ی خطوط اصلی در شیوه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام، و همه ی عبادات و مقررات فردی و جمعی اسلام، اجزاء درهم تنیده ی این نسخه ی زندگی بخش و سعادت آفرین است.

همین مراسم جاودانه یی که حجگزاران در آستانه ی آنند، خود مجموعه ی گویا و پرنکته یی است از ذکر و شور و حال معنوی و درونی، در ضمنِ حرکت و تلاش و هماهنگی سازنده ی جمعی.

حج، در آئینی پُر راز و رمز، و در آمیزه ی شگفت آوری از شُکوه و خاکساری، و اقتدار و فروتنی، و حرکت وَ تلاش درونی و بُرونی، نمادی از مبارزه و جهاد نفسانی و جهانی انسانِ مسلمان، در راه تحقق حیات طیبه ی انسانی را در برابر چشم آدمی می گذارد و حجگزار را به تمرین عملیِ وظائف بزرگ خود وادار می سازد.

جوامع بشری به اسلام و رهنمودهای آن نیازمندند

امروزه جوامع گوناگون بشری، در خلاء معنویت و در سرگردانی و حیرت و گرفتاریهای بزرگ اجتماعی و فردی که بدست زر و زورسالاران جهانی بدان دچار شده اند، به اسلام و رهنمودها و درسهای بزرگ آن نیازمندند، و دعوت اسلامی نه فقط برای ملتهایی که در آتش فقر و استضعاف می سوزند، بلکه به همان اندازه برای مردمی که در مردابهای پوچی و سرگردانی و فقر معنوی در کشورهای ثروتمند و پیشرفته دست و پا می زنند، جذاب و نافذ و امیدبخش است. گرایش روزافزون به اسلام در میان قشرهای جوان و آزرده از پوچیِ دنیای مادی در کشورهای پیشرفته ی غربی، که آمارها و تحقیقها بدان گواهی می دهد، نشانه ی این جذابیت و نفوذ است.

مسلمانان جهان با درست شناختن و براستی قدر دانستن این سرمایه ی بزرگ، قادر خواهند بود که تحولی حقیقی در زندگی خود پدید آورند و کشورهای اسلامی را از ضعف و وابستگی و عقب ماندگی و انحطاطی که امروزه بدان دچارند، نجات بخشند.

اثبات حقانیت نظریه ی سیاسی و اجتماعی اسلام

اگر روزی بر اثر کج فهمیها و غرض ورزیها چنین وانمود می شد که اسلام فقط در محدوده ی مسجد و محراب یا در زندگی فردی و درونیِ انسان به کار می آید و در عرصه ی سیاست واقتصاد ومبارزات اجتماعی و میدانهای بین المللی، ساکت و بی تفاوت است، و اگر روزی نظریه ی جدایی دین از سیاست، همچون دستمایه ی قدرتهای استعماری و سلطه های ظالمانه و حکومتهای استبدادی برای خاموش کردن انگیزه های اصلاح طلبانه ی مسلمانان و نابود ساختن زمینه ی قیامهای اسلامی، به کار می رفت، امروزه با سربرافراشتن جمهوری اسلامی در ایران و فائق آمدن آن بر همه ی توطئه ها و دشمنی های نظامی و سیاسی و اقتصادی، و یکتنه ایستادن آن در برابر جبهه ی وسیع کفر و استکبار و استبداد، و ناکام ساختن امریکا و صهیونیزم و همدستان آنان که با همه ی توان

به نابودی یا انحراف آن کمر بسته بودند، و رشد و اقتدار روزافزون بیست ساله ی آن، همه ی آن کج فهمیها و غرض ورزیها خنثی گشته و نظریه ی سیاسی و اجتماعی اسلام، حقانیّت و درستی خود را در میدان عمل به اثبات رسانده است.

جمهوری اسلامی توانایی های خود را به اثبات رسانده است

جمهوری اسلامی با پیمودن مسیری دشوار که یکسره پوشیده از مانعها و دامهایی بود که سردمداران نظام سلطه ی جهانی و زر و زورمداران بین المللی بر سر راه او نهاده بودند و با پیروز شدن در نبرد نظامی هشت ساله و نبردهای سیاسی و امنیّتی و اقتصادی و تبلیغی بیست ساله، توانسته است قدرت خود را در اداره ی کشور، و بسیج توده های میلیونی، و پیش بینی و مقابله با حوادث بزرگ، و حضور موفّق در چالش های بین المللی به اثبات برساند و توانایی و ابتکار خود را در سازندگی و پیشرفت و ترمیم ویرانیها، آنهم با وجود صف آرائیهای ظالمانه ی جهانی در برابر خود و نداشتن هیچگونه کمک سیاسی و اقتصادی از بیرون، در معرض دید همگان بگذارد. و علاوه بر اینها نهضت بیداری مسلمانان و اقدامهای بزرگ ملل اسلامی را که نشانه ی زنده شدن هویت اسلامی در آنان است تقویت و تسریع کند. امروز به برکت پیروزی اسلام در ایران، در همه جای جهان اسلام موج بیداری اسلامی رو به افزایش و اقتدار است.

اینک این اسلام است که سرافرازتر از همیشه در صحنه ی حیات بشر، حضور و قدرت خود را بر همگان آشکار می سازد و فروغ امید را در دل انسان رنج کشیده ی این عصر بر می افروزد. و این است بزرگترین سرمایه ی امت اسلامی.

ولی در راه بکار گرفتن این سرمایه ی بی زوال، خطرهای بزرگی کمین گرفته است، و بزرگترین این خطرها یکی خطر درونی است و دیگری خطری از بیرون.

خطر درونی و دشمن بیرونی امت اسلامی

خطر درونی که دشمن قدیمی امت اسلامی است همان کج فهمی و جمود و تحجّر، یا خودباختگی و التقاط، یا نومیدی و ضعف نفس، یا تردید و وسوسه ی فکری، و یا

مجموعه یی از اینها و امثال آن است. ملت رشید و پیشرو ایران برهبری امام خمینی عظیم راحل، دشمن درونی را شکست داد و بر آن فائق آمد تا توانست در جبهه های سیاسی و نظامی پیروز شود و نظام جمهوری اسلامی را در کشور خود مستقر و در مدت بیست سال در راه آن مجاهدت کند.

ولی تا دشمن بیرونی در مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی فعال است، خطر سر برآوردن آن دشمن درونی نیز همواره هست و مسؤولان نظام اسلامی در ایران، این را خطری بالقوّه بزرگ و جدّی می شمارند. آنچه ما آن را تهاجم فرهنگی دشمن می نامیم و پیوسته مردم هوشیار خود و بیش از همه جوانان را به مجاهدت در برابر آن فرامی خوانیم، همانا کوشش همه جانبه ی دشمنان ما با استفاده از همه ی ابزارهای تبلیغی و خبری و سیاسی و امنیتی برای برانگیختن همین دشمن درونی است.

دشمنی امریکا با جمهوری اسلامی ایران

حقیقت آن است که امپراتوری بین المللی زر و زور، به سردمداری امریکا، با همه ی توان خود در برابر تأثیر جمهوری اسلامی بر جهان اسلام، به جدّ و جهد مشغول است.

رژیم امریکا و شبکه بین الملل صهیونیزم با مأیوس شدن از مقابله ی نظامی و اقتصادی با ایران اسلامی، اینک بر تلاش تبلیغی و سیاسی خود افزوده اند. هدف از این تلاش، تأثیرگذاری بر فکر و روحیه ی مسلمانان علاقه مند به جمهوری اسلامی در سراسر جهان و نیز بر ذهن و فکر مردم مؤمن ایران است.

آنان در این صددند که جمهوری اسلامی را که امروزه در جهان، مظهر جامعیت اسلام شمرده می شود، در موضع دفاعی قرار داده، ابتکار عمل را در میدان معارضه با دشمنانش از دست او خارج کنند، و برای این مقصود در چهره یی منافقانه و ریاکار، شعارهای مردم پسند مانند: حقوق بشر، آزادی، مبارزه با تروریسم، دفاع از حقوق زن و امثال آن سر می دهند و جمهوری اسلامی را به بی اعتنایی به این شعارها، متهم می سازند.

چهره ی دوگانه رژیم امریکا

رژیم امریکا در حالی از حقوق بشر دم می زند که زشت ترین تصویر از نقض حقوق بشر را در رفتار مستکبرانه اش با ملتهای ضعیف جهان از خود بر جای می گذارد؛ در حالی ادعای مبارزه با تروریسم می کند که خطرناکترین تروریستها را در حمایت خود قرار می دهد؛ در حالی از دموکراسی سخن می گوید که از مستبدترینِ حکومتها در برخی مناطق جهان پشتیبانی می کند؛ در حالی بنام آزادی شعار می دهد که کمترین سخن آزادانه را در افشای ماهیت رژیم صهیونیستی و نقشه های خطرناك و ستمهای روزافزون یهودیان صهیونیست- نه در کشور خود و نه در هر جای دیگر که بتواند- تحمل نمی کند؛ در حالی بنام حقوق زن بر ضدّ جمهوری اسلامی تبلیغ می کند که زن امریکایی در خانواده و در محیط کارش مورد تعدّی و سوءاستفاده و اهانت است؛ در حالی خود را پرچمدار مشارکت مردمی در حکومت می شمارد که هر جا مردم مسلمان حکومتی تشکیل دهند، با همه ی عدّه و عُدّه در مقابل آنان به میدان می آید و از کودتاهای نظامی و توطئه های سیاسی بر ضد آنان با همه ی وجود پشتیبانی می کند.

سیاهه ی جرایم رژیم امریکا

در قضاوت سیاسیِ امریکا، آوارگان فلسطینی و لبنانی که با اشغالگرانِ خانه ی خود مبارزه یی مظلومانه می کنند، تروریست اند؛ ولی تروریستهای صهیونی که مستمراً به روستاها و شهرهای لبنان حمله ی نظامی می کنند و زندانیان فلسطینی را با شیوه های قرون وسطایی شکنجه و آزار می دهند و خانه های فلسطینیان را خراب و بجای آن آبادیهای صهیونیستی احداث می کنند، شایسته ی کمکهای میلیاردی اند! نظامی همچون جمهوری اسلامی که مظهر قویترین پیوند میان مردم و مسؤولان است و قانون اساسی و همه ی ارکان اصلی حاکمیت در آن و اصل نظامِ آن با رأی و اراده و انتخاب مردم تعیین و برگزیده شده اند، غیر دموکراسی است؛ ولی مستبدترین حکومتهای فردی که در طی سالهای متمادی حتی یکبار مردمشان قدرت انتخاب حکومت و حاکم و قانون را نیافته اند، مقبول و خالی از ایراد است! برای جمهوری اسلامی که هرگز به هیچ کشوری

حمله ی نظامی نکرده، داشتن سلاح غیر اتمی هم ناروا است و غصب و توقیف قطعات یدکی و هواپیما و بالگردانهای قبلًا خریداری شده ی آن مجاز است؛ ولی پر کردن منطقه ی خلیج فارس از انواع سلاحها و جنگنده های غیر لازم و تجهیز روز افزون رژیم صهیونیستی به سلاح اتمی بی اشکال، بلکه لازم است! در منطق تبلیغاتی امریکا و شبکه ی تبلیغاتی صهیونیستی، اعدام قاچاقچیان هروئین در ایران، نقض حقوق بشر است؛ ولی ربودن مردم لبنان و بمباران روستاها و تیرباران بی پناهانی که از روستای خود گریخته اند، حتی خدشه یی هم در حقوق بشر نیست! کمک به مسلمانان مظلوم در منطقه ی بالکان برخلاف مقررات بین المللی است؛ ولی راه اندازی کودتای نظامی در کشورها بوسیله ی سازمان سیا و موساد، با مقررات بین المللی مخالف نیست! کمک به دولت عراق در هنگامی که به مردم حلبچه و جبهه های ایران حمله ی شیمیایی می کند، جرم نیست؛ ولی کمک غذایی به ملت عراق که بر اثر محاصره امریکا سالانه پانصدهزار کودک آن تلف می شوند، جرم است!

رژیم امریکا با سیاهه ی جرائمی که فقط گوشه یی از آن گفته شد، مدّعی رهبری جهان و طرفدار جهان تک قطبی به ریاست سران و سیاستمداران کم وزن و گرفتار خویش است و به گمان باطل خود قادر خواهد بود ملت با شرف ایران و سیاستمداران پاکدامن و نظام ریشه دار و مردمیِ آن را در موضع دفاعی قرار دهد.

جمهوری اسلامی، با قدرت و استحکام پیش می رود

برادران مسلمان ما در همه جای جهان بدانند که نظام جمهوری اسلامی با قدرت و استحکام در راه روشنی که اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله ترسیم کرده، به پیش می رود و ایران سرافراز با یکپارچگی مسؤولان کشور و وحدت کلمه ی مردم مؤمن و رشیدش در ادامه ی خط امام خمینی عظیم راحل همه ی توطئه های اقتصادی و سیاسی و امنیتی و غوغاهای تبلیغاتی دشمن را پشت سر گذارده و روزبه روز به هدفهای بزرگ خود نزدیکتر خواهد شد، و همانطور که در این بیست سال بارها با نصرت الهی، دشمن را ناکام ساخته باز هم با ایمان و عمل صالح خود، نصرت و رحمت الهی را شامل حال

خویش خواهد ساخت ان شاءاللَّه.

در خاتمه از همه ی برادران و خواهرانی که از هر نقطه ی جهان در آن قبله ی دلها گرد آمده اند تقاضا می کنم که دست تضرع برداشته صلاح کار همه ی مسلمانان جهان و نصرت اسلام و مسلمین را از خداوند مسألت نمایند.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّه

علی الحسینی الخامنه ئی

بیست وهشتم اسفندماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت

مصادف با اول ذی الحجه ۱۴۱۹

بیانات در دیدار با کارگزاران حج(۲۶/ ۱۱/ ۱۳۷۸ ه. ش.)

بیانات در دیدار با کارگزاران حج

اشاره

(۲۶/ ۱۱/ ۱۳۷۸ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيْمْ

حج؛ مظهر معنویت، وحدت و برائت

به همه ی برادران محترم و خواهران گرامی خوش آمد عرض می کنم و از همه ی شما دست اندرکاران فریضه ی عظیم حج تشکر می کنم. امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که امسال هم مثل سالهای پیش- بلکه بهتر از سالهای پیش- این واجب بزرگ، در موسم خود، و با شرایط و حدود خود، ان شاءاللّٰه اقامه بشود و مردم ما بتوانند معنا و مفهوم الهی و اجتماعی و سیاسی حج را در وجود خودشان حس کنند و آن را در فضای دنیای اسلام مجسم نمایند.

حج از یک طرف مظهر معنویت است؛ ارتباط با خدا، آشنا شدن دل با آیات الهی و نزدیک شدن هرچه بیشتر انسان به خدا؛ از یک طرف مظهر وحدت است؛ یکپارچگی امت اسلام، برداشتن دیوارها و حجابها و پُر کردن دره ها و شکافهایی که یا به دست دشمن، یا به وسیله ی تعصبات و اوهام به وجود آمده است، و نیز ایجاد قدمی به سوی امت واحده ی اسلامی است؛ و از طرف دیگر مظهر برائت از دشمنان خدا، برائت از مشرکین و ایادی شرک و کفر است. اگر ان شاءاللّٰه این سه جهت در حج متجسد و مجسم بشود، حج فایده ی خود را بخشیده است. اول، شما و حاجی هستید که از حج بهره می برید؛ در مرتبه ی دوم، دنیای اسلام و جامعه ی اسلامی و امت اسلامی است که این بهره را می برد.

یکی از خصوصیات حج این است که فضا را معنوی می کنـد. الآن فضای کشور به برکت نزدیکی ایام حج و با رفتن حجاج، در شرف معنوی تر شـدن است. وقتی حجاج برمی گردنـد، بـاز بـاری از معنویت بـا خود می آورنـد؛ یعنی سوغات روحیه و معنویت. هر وقت سخن از حج است، معنویت پراکنده می شود؛ باید این طور باشد.

فضای کشور؛ مشحون از معنویت

من امروز به مناسبت این که کشور و ملت ما بحمداللّه بعد از بیست و دوم بهمن و آن آزمایش بزرگ الهی، و قبل از انتخابات قرار دارنـد، لازم است این را عرض بکنم که فضـای معنوی برای همه چیز یـک کشور مفیـد است؛ فقـط مسأله ی گرایش به آخرت و معنویات نیست. فضای معنوی، حتّی برای اداره ی دنیای یک کشور هم مفیـد است و این به برکت انقلاب در کشور مـا به وجود آمـد و امروز فضای کشور ما تا حـدود زیادی مشحون از معنویت است. لـذا شـما می بینیـد وقتی که جای حضور مردم می رسـد، توده های مردم چه طور با روحیه و با شادابی، قـدم در میـدان می گذارند. چه چیزی انگیزه ی مردم است؛ جز همـان عامـل معنوی؟ من همین جا لازم می دانم از ملت عزیزمان به خاطر شـکوهی که در بیست و دوم بهمن امسال آفریدنـد، تشکر کنم؛ اینها خیلی مهم است.

در همـان حـالی که تمام مراکز تبلیغاتی دشـمن با تمام قوا سـعی می کننـد مردم را با گذشـته ی خودشان و با انقلابشان بیگانه کنند، از امامشان جدا کنند، یاد امام را به فراموشـی بسپارند و سـعی کنند به خیال خودشان ارزشـهای جدیدی را خلق کنند و میان مردم بینداز‌نـد، وقتی بیست و دوم بهمن می رسـد، شـما می بینیـد که در تهران و شـهرهای بزرگ و شـهرهای کوچک و حتّی در نقاط دوردست و بسـیاری از روسـتاها، مردم بیرون می آینـد؛ نه کسـی از آنها دعوتی می کنـد، و نه یک عامل مادی وجود دارد؛ اما مردم می آیند؛ این همان عامل معنوی است.

دشمنان ما دچار تناقض اند

من عرض بکنم که طراحان و کمین گرفتگانی که منتظرند از ملت ایران نشانه یی

بروز کند که آنها امیدوار بشوند که مردم با انقلاب میانه یی ندارند و از انقلاب جدا شده اند- که واقعاً کمین هم گرفته اند- اینها دچار تناقضند! از یک طرف بعضی از اظهارات و بعضی از تیترهای روزنامه ها را نگاه می کنند، که نشانه ی این است که همه ی معنویات در این کشور از بین رفته است؛ دیگر از انقلاب و از امام خبری نیست و همه چیز به دست فراموشی سپرده است؛ اینها خوشحال می شوند و خیال می کنند که همین طور است؛ اما بعد نوبت حضور مردم که می رسد- مثل روز بیست و دوم بهمن- ناگهان با سیل عظیم مردمی، با شعار اسلام، با شعار انقلاب، با یاد امام، با بزرگداشت خاطره های پُرشکوه گذشته مواجه می شوند! اینها دچار تناقضند و نمی دانند که چه بکنند؛ لذا در طراحیهایشان دائماً در حال رفت و برگشت و ترددند!

ملت ایران توانسته است با قدرت خود، دشمن خود را گیج کند. به اظهاراتشان نگاه نکنید؛ اظهاراتی که گاهی از روی اقتدار حرفی می زنند که ممکن است بعضیها را مرعوب بکند؛ اما حقیقت قضیه غیر از این است؛ ملت زنده است؛ ملت مؤمن است؛ دلها با اسلام است؛ دلها با امام است. تا امروز هیچ قدرتی نتوانسته است دلهای مردم را از محبت امام و یاد امام و تعظیم و تجلیل شهدا، شهادت و ارزشهای انقلاب خالی کند.

انتخابات هم همین طور است من لازم می دانم به این مناسبت، راجع به انتخابات، دو، سه جمله یی عرض کنم.

انتخابات؛ مظهر حضور مردم و اقتدار ملی

انتخابات، فقط یک پدیده ی سیاسی نیست؛ انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق، مظهر توانایی و اقتدار ملی برای یک کشور است. امروز در دنیا- چه در کشور ما و چه در هر جای دیگر دنیا- روی این حساب می شود که چند درصد از کسانی که می توانستند رأی بدهند، در یک انتخابات شرکت کردند و رأی دادند. از نظر مردم دنیا و تحلیل گران و سیاستگذاران عالم، آن نظامی مستحکم است که تعداد بیشتری از مردمش در هنگام انتخابات پای صندوقها بیایند و رأی بدهند؛ این نشانه ی استحکام یک نظام است؛ که بحمداللّه ما این را در انتخاباتهای گوناگونی که در این سالهای متوالی

داشته ایم، همیشه نشان داده ایم و مردم حضور قوی یی داشته اند.

هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانونگذارانشان را در قوه ی مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند؛ این حق مردم است و متعلق به آنهاست؛ اما تکلیف هم هست. این طور نیست که یکی بگوید من نمی خواهم از این حقم استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته ی به احقاق و استنقاذ این حق است؛ این تکلیف است؛ باید همه شرکت کنند. نظام جمهوری اسلامی توانسته است این حق را در اختیار مردم بگذارد؛ اما در گذشته ما این حق را نداشتیم. در نظامهای گذشته، مردم از استفاده از چنین حقی محروم بودند؛ نظام جمهوری اسلامی این را داده است؛ باید مردم بروند و استنقاذ کنند.

گاهی یک رأی هم مؤثر است

گاهی یک رأی هم مؤثر است؛ هیچکس نگوید رأی منِ تنها چه تأثیری دارد.

گاهی یک رأی یا چند رأی، در سرنوشت یک کشور اثر می گذارد. شما می توانید با رأی دادن خودتان، آن شخص مؤمن صالح را به مجلس بفرستید. آن کسی که به مجلس رفت، در هنگامه ی حساس- آن جایی که رأی یک نماینده می تواند سرنوشت کشور یا یک قشر، یا سرنوشت اقتصاد را معین کند- رأی او کارساز خواهد بود؛ لذا هیچ وقت کسی نگوید که رأی من چه تأثیری دارد. مهم این است که در روز انتخابات، ان شاءاللّه همه ی مردم- زن و مرد، پیر و جوان، و هرکس که از لحاظ قانونی می تواند رأی بدهد- بروند و رأی بدهند و انتخابات را پُرشور و پُررونق بکنند.

هرکس که به نظام اسلامی علاقه دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. هرکس که به سربلندی نظام جمهوری اسلامی علاقه ای دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. پیش بینی من این است که آن چنان که ما از این ملت بزرگ و آگاه و هوشمند تاکنون دیده ایم، ان شاءاللّه در این انتخابات هم مردم پُرشور و با علاقه شرکت می کنند و حضور

خودشان را اعلام خواهند کرد و در واقع طرفداری خودشان را از اسلام و نظام اسلامی نشان خواهند داد.

برگزاری انتخابات در فضای آرام و صمیمی

نکته ی دوم این است که انتخابات باید در فضای آرام و با صفا انجام بگیرد؛ دور از تشنج و درگیری و فضای نفرت باشد. بدیهی است که در همه جا نامزدهای گوناگونی با آراء و عقاید و سلایق مختلفی هستند و مردم هم نگاه می کنند و ان شاءاللّه با شناسایی و با تدبر انتخاب می کنند و رأی خواهند داد؛ این کار باید در فضای آرام انجام بگیرد؛ این افتخار ماست. ما چند روز قبل از این، بیست و یکمین سالگرد انقلاب را جشن گرفتیم و چند روز بعد نیز بیست و یکمین انتخابات را در کشورمان برگزار خواهیم کرد؛ این چیز کمی نیست؛ چیز خیلی مهمی است؛ حالا- بنشینند دیگران برای ملت ما غصه بخورند که این کشور باید طرف دموکراسی برود! دموکراسی چیست؟ اگر منظور از دموکراسی، همین حضور و دخالت و شرکت و انتخاب مردم است، بفرمایید کجای دنیا چنین چیزی را سراغ دارید؟! آن کسانی که با پول و قدرت سیاسی امریکاییها سالها بر این مملکت حکومت کردند و همه چیز این مملکت را ضایع کردند، آیا یک بار توفیق پیدا کردند که چنین انتخاباتی را در سرتاسر این کشور به وجود بیاورند؟! بیست و یک انتخابات، در بیست و یک سال؛ این شوخی است؟! در تمام این آزمایشهای بیست ویک گانه، فضای این کشور تا امروز این طور بوده است؛ فضای آرام، فضای صمیمی.

تشنج سیاسی برای انتخابات مضر است

البته بعضیها تبلیغ می کنند و حرف می زنند. فضای خشونت سیاسی و تشنج سیاسی و نفرت، به حال انتخابات مضر است؛ یک عده را از عرصه ی حضور در انتخابات بیزار می کند؛ یک عده را دچار تردید می کند؛ دلها را مرده می کند و امیدها را کم می کند. من می بینم متأسفانه بعضیها با اظهارات خود در برخی از این نوشتجاتی که منتشر می شود،

سعی می کننـد فضـای نفرت را بر جـامعه حاکم کننـد؛ این یکی به جناح چپ بـد می گویـد، آن یکی به جناح راست بـد می گویـد؛ اینهـا کجا می رونـد؟! کجا داریـد می رویـد و چه می خواهیـد؟! چیست این تعبیراتی که ساخته انـد و غالباً هم اینها را دشـمن در دهانشان گذاشـته و پرتاب کرده و یک عـده آدم غافل- حالا نمی گوییم مغرض؛ اما بعضـیشان هم قطعاً مغرضـند- همینها را گرفته اند و مرتب لب می جنبانند و این حرفها را تکرار می کنند؟! چپ و راست چیست؟! این ملت، ملت مسـلمان و مؤمن و یکپارچه یی است. این ملت، با هم این انقلاب را به وجود آوردنـد؛ با هم بیست و یک سال این نظام را حفظ کردنـد؛ بـا هـم یـک خطر بزرگ را در طول هشت سـال جنگی که بر مـا تحمیـل شـده بـود، دفع کردنـد؛ بنـابراین ملت باهمنـد؛ این دیوارکشیها چیست؟! یک عده با یک نامی در گوشه یی، یک عده با یک نامی در گوشه ی دیگری، همین طور مردم را تکه تکه می کنند. البته مردم هم نشان داده اند که به این حرفها اعتنایی ندارند؛ این هم معلوم است. مردم راه خودشان را می روند، کار خودشان را می کنند؛ حالا هم آنها بروند و کار خودشان را بکنند.

باید فضا، فضای آرامی باشد. بعضـیها با اصـرار بر این که قرار است خشونت و تشـنج بشود، ذهنها را دچار تشنج می کنند؛ نه، مردم چنین قراری ندارند. من عرض می کنم، این دو، سه روزی که از حالا تا پایان رأی گیری باقی مانده است- که شاید بعد به مرحله ی دوم هم کشـیده شـود- در تمـام این مـدت، مردم عزیز مـا و بخصوص جوانـان، احساساتشـان را کنـترل کننـد و با عقلشان کار کنند؛ با دو چشمِ باز نگاه کنند و انتخاب کنند.

باید بتوانیم جواب خدا را بدهیم

البته سـلایق هم زیـاد است؛ همه گونه سـلیقه وجود دارد؛ تـا حالا هم همین طور بوده است. هرکسـی طبق سـلیقه ی خود عمل کنـد؛ منتها همه توجه کنند که این انتخابی که ما می کنیم، یک جا می بایست جواب آن را بدهیم. این طور نیست که بگوییم حالا ما یا اصلًا انتخاب نمی کنیم، یا انتخاب می کنیم و کسی چه می فهمد! بله، مردم نمی فهمند که ما چه انتخاب کردیم؛ اما خـدای متعال که تشـخیص می دهـد؛ ما باید جواب او را بدهیم. ما باید محاسـبه کنیم، تحقیق کنیم، بررسـی کنیم و معیارها را ملاحظه نماییم، تا بتوانیم به

خداوند پاسخ دهیم. اگر انسان نمی تواند، از اشخاصی که مورد اعتماد هستند، از کسانی که انسان می تواند در مسائل مهم- در مسائلی که باید به خدا جواب داد- به آنها اعتماد کند، اعتماد بکند؛ اشکالی هم ندارد. بنابراین، باید فضا را، فضای آرامی قرار بدهند و همه مراقب باشند.

بگذارید مردم کار خود را بکنند

من به این کسانی که همین طور یک گوشه نشسته اند و فضا را با تشنج سیاسی و با پُر کردن از موهومات و شایعات، خراب می کنند، نصیحت می کنم که دست از جان مردم بردارند؛ بگذارند مردم کار خودشان را بکنند. نتیجه ی انتخابات هم هرچه بشود، همه قبول دارند. کسی از آحاد مردم و از مسؤولان کشور نخواهد گفت چرا نتیجه ی انتخابات این شد، یا این نشد؛ نه، آن آراء مردم است. بحمداللّه در این کشور قانون محکم است و معیار واضح قانون در مقابل چشم همه هست.

خصوصیت یک نماینده ی خوب در مجلس

نکته ی بعدی هم این است که مجلس باید مجلسی باشد که بتواند در مقابل زورگوییها و زیاده خواهیها و مرعوب کردنها و تطمیع کردنهای قدرتمندان جهانی بایستد و مصالح کشور و ملت را محاسبه کند و دنبال آن برود. امام قدس سره بارها اسم مدرّس را می آوردند. مگر خصوصیت مدرّس چه بود؟ از مدرّس عالمتر هم داشتیم. مدرّس خصوصیت عمده اش این بود که هیچ عامل ارعاب و تهدید و تطمیع و فریبگری در او اثر نمی کرد. همان وقتی که علی الظاهر فضا را بر ضد او آن چنان متشنج کرده بودند که علیه اش شعار می دادند، او ایستاد و حرف خودش را زد؛ این خصوصیت یک نماینده ی خوب در مجلس است.

بعضی ها زود مرعوب می شوند

بعضیها زود مرعوب می شوند! من بارها عرض کرده ام که قدرتهای استکباری- یعنی

همین قدرتهای سلطه گر جهانی- که مرتب روی این کشور و آن کشور دست می اندازند و دولتها و ملتها را زیر یوغ خودش می کشانند، عمده ی کارشان از ترساندن می گذرد.

قدرت واقعیشان آن قدر نیست که بر زبان می آورند. بدیهی است این همه که اینها با این انقلاب و با این کشور بدند، اگر قدرت داشتند، تا حالا-این انقلاب این طور رشد نمی کرد و این گونه نمی ماند. آیا این خود دلیل نیست که سلطه گران امریکا و صهیونیستهای عالم، آن چنان که ادعا می کنند، قدرت ندارند؟! اینها عمده ی کارشان را از راه تهدید و مرعوب کردن پیش می برند. نماینده باید کسی باشد که مرعوب نشود. چه کسی مرعوب نمی شود؟ آدمی که دلش به خدا متکی باشد. وقتی انسان به خدا متوکل بود، از هیچ کس مرعوب نمی شود؛ یک نمونه ی زنده اش را در زمان خودمان دیدیم- یعنی امام قدس سره- و هزاران نمونه ی دیگر را در میدان جنگ و در میدانهای سیاست ملاحظه کردیم. این جوانان مؤمن و پاکباخته، از خدا ترسیدند؛ از هیچ کس غیر خدا نترسیدند؛ الَّذِینَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِیماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ. در گوشه و کنار، افراد و رادیوها و عوامل دشمن مرتب به اینها می گفتند، علیه شمادارند توطئه می کنند؛ بناست ضربه بزنند؛ بناست چنین بکنند؛ بناست چنان بکنند؛ برای این که اینها را بترسانند؛ اما اینها گفتند نه؛ ایمانشان بیشتر شد؛ گفتند حَسْبُنَااللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ؛ خدا ما را کافی است؛ ما به خدا اعتماد داریم و به او اطمینان می کنیم. آن وقت خدای متعال می فرماید: فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ. بله، وقتی کسی به خدا اتکا بکند، این گونه است. آن کسانی که دوران جنگ را دیدند و در آن صحنه ها بودند، می دانند که من چه می گویم. تمام قدرتهای مسلح عالم دست به دست هم دادند، برای این که بتوانند یک وجب از خاک این کشور را بگیرند؛ بتوانند بگویند مرز ایران از این نقطه چند کیلومتر عقب آمد؛ اما نتوانستند. این ملت در مقابلشان ایستاد؛ لذا نتوانستند. خدا کمک می کند و نمی گذارد دشمن غلبه پیدا کند.

مرعوب شدن، صفت خیلی بدی است. حالا یک وقت انسان در خانه ی خودش نشسته است و مرعوب می شود- این یک نفر آدم است- اما یک وقت انسان در مسند

مسؤولیتی نشسته است- در مجلس است، در دولت است- او اگر مرعوب شد، واویلاست! مرعوب شدن او، یعنی از دست دادن بسیاری از امکانات این ملت! نماینده نباید مرعوب بشود.

نماینده نباید مفتون و فریفته شود

از طرف دیگر، نماینده نباید مفتون هم بشود. بعضیها مفتون و فریفته می شوند و دهنشان باز می ماند؛ اینها آدمهای ساده لوحی هستند که راه حلهای خیالیِ اقتصادی یا سیاسی یا امنیتی یی که با آب و تاب تمام و با رنگ و لعاب گوناگون عرضه می شود، آنها را از خود بی خود می کند! سالها تجربه می کنند؛ اما آخرش خود و دیگران را به خاکستر سیاه می نشانند! بنابراین، مفتون هم نباید بشوند؛ بلکه به دنبال راه حل صحیح، راه حل مستقل، راه حل برخاسته ی از شرایط خاص این ملت و این کشور، راه حل ارائه شده ی از سوی اسلام باشند. اسلام در همه ی مسائل، همه ی راه حلها را داده است؛ ما باید خودمان برویم و پیدا کنیم. اگر ما کج می فهمیم، اگر ما بد می فهمیم، اگر ما دنبالش نمی رویم و نمی رسیم، تقصیر اسلام نیست؛ خودمان را باید اصلاح کنیم.

نماینده، طمع ورز نباشد

نماینده، طمع ورز هم نباید باشد. بعضیها دهانشان که به اندك چیزی از طرف دشمن شیرین شد، همه چیز را از دست می دهند! اگر بخواهید نماینده یی مرعوب نشود، مفتون نشود، دچار طمع نشود، سراغ آدم امین و متدین بروید. معروف است که آدمهایی که خودشان هم امین نیستند، وقتی بخواهند مالشان را نگهدارند، دست یک آدم امین می دهند! امانت، یك ارزش است. ممکن است انسان متدین یك وقت اشتباه هم بکند؛ اما وقتی که فهمید اشتباه کرده، برمی گردد؛ این خیلی ارزش است. اینها مثل آن کسانی نیستند که اگر اشتباه می کنند، پا روی لغزشگاه می گذارند و به طرف جهنم می لغزند؛ وقتی هم فهمیدند، سرحرفشان می ایستند که نخیر، همین است؛ و تا آن اعماق می روند! پس، انتخاب نماینده مهم است.

باید درباره ی نماینده تحقیق کرد

البته تبلیغات هست. متأسفانه این روشهای غربی در خیلی از چیزهای زندگی- از جمله در تبلیغات- غالباً به ضرر ملتهاست؛ خودشان هم حالا در آن مراکز به این تبلیغات خیلی اعتنا نمی کنند. در یکی از این انتخاباتهای اخیر کشور امریکا- با این که این همه هم تبلیغات انجام می شود- گفتند سی و چنددرصد از مردم شرکت کردند! خود آنها از این تبلیغات زده شده اند؛ اما حالا- بعضیها همان سوغاتی را به این جا آورده اند و برای پُر کردن چشم مردم، تبلیغات سبک آنها را انجام می دهند! این تبلیغات ارزشی ندارد.

بایستی نگاه کرد، تحقیق کرد، از انسانهای صالح جستجو و پُرس و جو کرد و به یک شخص رسید؛ هرکس بود، دیگر فرقی نمی کند. اگر شما تحقیق کردید، ولو اشتباه هم کرده باشید، خدای متعال اجر خواهد داد؛ خدای متعال مؤاخذه نخواهد کرد. باید تحقیق کرد و این کار را به بهترین وجهی انجام داد؛ این آزمایشِ بزرگ ملت و دولت و دست اندرکاران است.

مردم باید توی دهان دشمنان بزنند

باز همین اخیراً بعضی از این حضرات امریکاییها لحیه جنبانده اند و راجع به انتخابات حرف زده اند. یکی گفته است که ما داریم با دقت نگاه می کنیم و امیدواریم که فلان طور آدمها به مجلس بیایند! مردم باید توی دهان اینها بزنند. آن یکی گفته است که ما مسأله ی ردصلاحیت شدگان را تعقیب می کنیم! مسؤولان کشور خیلی باید چشمشان باز باشد. چه اتفاقی می افتد که یک دشمن- اینهایی که قطعاً دشمن ملت ایران و دشمن مصالح ایرانند و می خواهند سلطه ی خودشان را مجدداً براین کشور مستقر کنند- از این که کسی صلاحیتش رد شده یا نشده، نگران می شوند؟ آیا این نشانه ی آن نیست که آنچه که به عنوان ردصلاحیت در مراکز قانونی انجام می گیرد، آن چیزی است که درست با منافع قدرتمندان و سلطه گران اصطکاک دارد؟ بعضی از کسانی که نمی فهمند چه می گویند و حرفهاشان را ملتفت نیستند، قدری بیشتر باید دقت کنند.

دشمن کمین گرفته است

دشـمن دهـان را بـاز کرده است. یـک روز این کشور با همه ی امکاناتش در اختیار امریکا و عوامل امریکا بود؛ انقلاب آمـد، مسأله را بکلی دگرگون کرد؛ ملت را مسـتقل کرد، کشور را مسـتقل کرد، منابع کشور را مسـتقل کرد؛ اینها کمین گرفته اند و سینه خوابانـده انـد، تـا بلکه بتواننـد مجـدداً کشور و منافع کشور و موارد حیاتی کشور و این ملت را در کام خودشان بگیرنـد؛ ملت بایـد بیـدار باشـد؛ و بیـدار است. به فضل الهی، حضور مردم در این انتخابات و انتخاب خوبی که این مردم خواهنـد کرد، یک بار دیگر امریکا و مستکبران و مراکز صهیونیستی را- در هر جای دنیا که هستند- ناکام خواهد کرد.

امیـدواریم که خداوند متعال شـماها را در این کاری که شـروع کرده اید- خدمتگزاری به فریضه ی بزرگ حج- موفق بدارد؛ ان شاءاللَّه حج شـما را حج مقبولی قرار بدهد؛ این زحماتی را که در این راه می کشـید، زحمات مقبول و مشکوری قرار بدهد و بتوانید- چه در رفتنتان، چه در آن جا، و چه در بازگشت حجاج- فضای معنوی کشور را هرچه بیشتر رنگین تر کنید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(۲۳/ ۱۲/ ۱۳۷۸ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(۲۳/ ۱۲/ ۱۳۷۸ ه. ش.)

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْراهِيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْماعِيلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

امت اسلامی از حج استفاده ی شایسته را نمی برد

برادران و خواهران مسلمان!

حج گزاران امّت اسلام! سلام علیکم و رحمهاللّه

روزی که منادی بزرگ توحید ابراهیم و فرزندش اسماعیل قدس سره پایه های کعبه را در میان درهّ ها و کوههای دور افتاده و خشك بنا می نهادند، دوربین ترین چشمهای بشری نیز نمی توانست آینده ی آن را همچون کانون گرم ایمان و امید و قبله ی دلها و جسمها در گمان آورد. امروز کعبه، مرکز معنوی جهان اسلام و بزرگترین مجمع هرساله ی امّت اسلامی است. سرچشمه ی جوشان عشق و امید، و دریای خروشان عظمت و اعتماد، و محل التقا رودهای بزرگ قومیت ها و ملتها است. اخلاص بنیانگذاران و قبول خدای سمیع و علیم، آن بذر را به چنین درخت پربار و شاخه گستری بدل کرده است.

آیا امّت اسلامی از این منبع پرفیض بهره ی شایسته را می برد؟ پاسخ این سؤال، دردناك و تکان دهنده است.

جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است

امروز جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است. شاید مهمترین آنها این دردهای

دهگانه است: منازعات سیاسی و مذهبی، سست شدن رشته های اخلاق و ایمان، عقب ماندگی علمی و صنعتی، وابستگی سیاسی و اقتصادی، اسراف و اشرافیگری و غرور درکنار فقر وگرسنگی و ذلّت، ضعیف شدن اعتماد به نفس وامید به آینده در سران، منزوی کردن دین و گسستن آن از سیاست و زندگی، بی ابتکاری در آفرینش مفاهیم نو که قرآن منبع بی زوال آن است، تسلیم در برابر تهاجم فرهنگ تحمیلی غرب، و بالاخره: پایمال شدن عزّت ملتهای مسلمان با ذلّت پذیری و طمعکاری برخی سران سیاسی.

این بیماریها که برخی از برخی دیگر و همه در طول زمان اند در خیانت و بی ارادگی و جهالت و استبداد عناصر داخلی یا از دشمنی و شیطنت و ظلم بیگانگان پدید آمده، بزرگترین ضربه ها را بر امّت اسلامی وارد آورده است.

ناکامیهای جهان اسلام، نتیجه ی این بیماریها و تنها راه خوشبختی و کامیابی، نجات از آن ها است.

سیاستمداران و رجال دینیِ امت اسلامی چاره یی نمی اندیشند

امروز ثروتهای طبیعی جهان اسلام به تاراج می رود، ذخیره ی فرهنگی و فکری گرانبهای آن در زیر حجابی از پوشالهای تبلیغاتی مهاجمان فرهنگی عمداً پنهان می ماند، استعدادها و مغزهای جوان آن ربوده می شود، قوای آنان در منازعات نظامی و سیاسی نابود می گردد، بی مبالاتی و ولنگاری اخلاقی و اعتقادی، از راه مدرنترین ابزارهای ارتباطی، همچون گندابی به درون محیط زندگی و درس و ورزش جوانان آن نشت می کند، نفت آنان، روز بروز بر ثروت کمپانیها و خزانه ی مالیات گیرندگان بیگانه می افزاید و بجای صاحبان اصلی، دشمنان آنان را فربه میسازد، در قلب جهان اسلام و در گوشه و کنارهای آن- در آسیا و افریقا و اروپا- تازیانه ی ظلم و خشم کافران بر پیکر میلیونها مسلمان فرود می آید و فلسطین و لبنان در آتش قساوت صهیونیستها می سوزد، ..

و اینهمه درد و رنج، سیاستمداران و رجال دینی و روشنفکران امّت اسلامی را به چاره سازی برنمی انگیزد.

این در حالی است که در همه جا دستمایه های ارزشمند برای پایه گذاری یک وضع نوین و نجاتبخش، هست و ابزار و انگیزه ی لازم برای تحوّل، بوضوح در همه ی کشورهای اسلامی قابل مشاهده است. امروز کمتر کشور اسلامی است که احساس و انگیزه اسلامی در نسل جوان، و پایبندی عمیق ایمانی در بیشتر مردم، و نگرانی از وضع موجود و امید به دورنمای اسلامی، در آن بطور آشکار دیده نشود.

حصار نومیدی بر گرد ملتهای اسلامی

آنچه می تواند از فعال شدن این امکانات مانع شود، در درجه ی اوّل آن است که قدرت سیاسی در داخل کشورها در سمت و سوی این آرزوها و خواست ها نیست و در مواردی حکومتها با ضعف یا وابستگی یا استبداد و مردم ستیزی که دچار آنند قادر بر همراهی و همکاری با آرزوهای بزرگ اسلامی مردم نیستند.

از سوی دیگر عظمت جهان اسلام و قدرت تاثیرگذاری آن بر وقایع جهانی از چشم آنان پوشیده است و در نتیجه هر ملّتی خود را در برابر فشار قدرتهای اسلام ستیز استکباری تنها می بیند و مقابله با هجوم سیاسی و تبلیغاتی و احیاناً نظامی آنان را ناممکن می یابد.

و بالاخره از سوی دیگر تجربه ی عملی و عینی حاکمیت اسلام در عصر کنونی یعنی جمهوری اسلامی ایران در پشت غبار غلیظی از تبلیغات خصمانه پوشیده است و صدها رسانه ی صوتی و تصویری و نوشتاری و هزاران مغز و قلم مزدور هر روز در کار وارونه نشان دادن حقایق آن، درشت کردن ضعفها و ناکامیهای آن و انکار کردن موفقیتها و پیشرفتهای آنند.

اگر مسلمانان قدر حج را بشناسند و از این نقطه ی التقا و مرکز اجتماعِ همه ساله، بدرستی بهره ببرند بخش مهمّی از این حصار نومیدی و تلقین ضعف که بر گرد ملتها کشیده شده است ویران خواهد شد.

موسم حج، می تواند عظمت و تنوع و اقتدار معنوی و انسانیِ دنیای اسلام را هرساله بطور محسوس در برابر چشم مردمی از همه ی کشورهای مسلمان بگذارد و ارتباط و

شناسائی و تبادل نظر را در میان برگزیدگان هر ملت برقرار سازد. در حج همه ی ملتها می توانند خبرهای حقیقی از حال برادران را به دست آورند و حجاب تبلیغات خصمانه ی دشمنان جهان اسلامی را درنوردند، و با بهره گیری از فضای معنوی بیت اللَّه الحرام، خود را برای حرکتی هماهنگ و مخلصانه در راهِ بازگشت به حاکمیت اسلام و کسب عزّت و استقلال و تلاش برای تحولی اساسی در کشورهای خود آماده سازند.

حاکمیت اسلام در کشورهای اسلامی؛ یک زایش مبارک و دردآلود

ایجاد حاکمیت اسلام در کشورهای اسلامی، یک زایش مبارک و البته دردآلود است. مرحله ی بعدی که حفاظت از مولود و تغذیه ی مادی و معنوی و مراقبت از رشد و تکامل روز به روز آن است، بسی دشوارتر و مجاهدت برای آن بسیار طولانی تر است.

در ایران اسلامی، این مولود با انواع دشمنی های آشکار و پنهان مواجه شد و بحمداللَّه اکنون در دوران استقلال و ثبات و بالندگی است، و البته طوفانهای دشمنی از سوی خبیث ترین مراکز استکباری و ضداسلامی همچنان از همه طرف او را احاطه کرده است. این نهاد دیریاب چون اولین نمونه در جهان معاصر بود و می توانست الگوی دیگر کشورها شود و منافع امریکا و صهیونیسم و دیگر جهانخواران را در سراسر دنیای اسلام تهدید کند، در معرض دشمنی خشم آلود و سراسیمه ی همه ی مراکز قدرت طلب جهان قرار گرفت؛ تحریکات قومی در داخل کشور، اولین حرکت دشمن بود، فعال کردن هسته های متشکل از مزدوران رژیم گذشته و تدارک کودتاهای نظامی و سپس تحریک یک دولت همسایه به تهاجم از مرزی بطول هزار و سیصد کیلومتر قدمهای بعدی بود که هر کدام به تنهایی برای قلع و قمع یک دولت ملّی کافی بود. ولی جمهوری اسلامی فقط حکومتی ملّی نبود، بلکه بنائی متشکل از همه ی آحاد ملّت با ایمانها و انگیزه های ایمانی عمیق بود. جنگ آن همسایه ی خائن هشت سال بطول انجامید و با اینکه تلاش مغرضانه ی امریکا توانست ما را در معرض بددلی و سوء ظن برخی دیگر از همسایگانمان قراردهد و کمکهای بی دریغ آنان را به سمت متجاوز سرازیر کند، در نهایت، جنگ افروز، خسته و تهیدست و شکست خورده از مرزهای ما عقب نشست.

در همه ی مدّت بیست و یک ساله ی عمر جمهوری اسلامی، امپراتوری خبری استکبار یکسره بر ضد ما تبلیغ کرده و برای بسیج افکار عمومی جهان در مقابله با حکومت اسلامی همه گونه سرمایه گذاری کرده است. سیاست خارجی و دستگاه امنیتی امریکا بکمک کلان سرمایه داران صهیونیست هر چه توانسته اند در ایجاد حصار اقتصادی و معارضه با تلاش سیاست خارجی جمهوری اسلامی، کوشش کرده اند. در سراسر جهان دهها گروهک تروریست یا مجموعه های مزدور سیاسی از وطن فروشان خائن، با پول و وعده و پشتیبانی دشمنان در حال عملیات خرابکارانه اند و صدها شهید نامدار و جاودان که محصول جنایتهای حقیرانه ی این مزدورانند، تاریخ انقلاب ما را رونقِ پایداریِ مظلومانه بخشیده اند.

جمهوری اسلامی، همچنان نیرومند و بالنده پیش می رود

کوتاه سخن آنکه بیش از بیست سال است که جبهه ی دشمن ما که در رأس آن امریکا و صهیونیزم است، با همه ی توان و با همه ی تدبیر و با همه ی تلاش خود با مولود مبارک انقلاب یعنی نظام جمهوری اسلامی می جنگد.

علیرغم آنان بیش از بیست سال است که نظام جمهوری اسلامی یک لحظه را برای رشد و بالندگی و ثبات خود از دست نداده و امروز نیرومندتر از همیشه، همان ندای اسلام و وحدت اسلامی و عزّت اسلامی را که مایه ی پریشانی و سراسیمگی دشمنان است با همان قوّت و انگیزه ی آغاز کار سر می دهد.

امروز یازده سال پس از رحلت معمار و بنیانگذار این بنا، امام خمینی عظیم، جمهوری اسلامی به سمت همان هدفی که او ترسیم کرده و از همان راهی که او نشان داده به پیش می رود.

افتخار این ثبات و اقتدار اولًا متعلق به ذات اسلام و تعالیم راهگشا و عزّت بخش آن و ثانیاً متعلق به ملّت ایران است که مؤمنانه در راه اسلام پانهادند و مخلصانه فداکاری کردند و صبورانه از دستاوردهای آن پاسداری نمودند.

بی شک اگر ضعفهای ما مسؤولان نظام جمهوری اسلامی و کوتاهیها و غفلتهای

موجّه یـا ناموجّه ما نمی بود، امروز جمهوری اسـلامی به برکت احکام و معارف نورانی اسـلام فصل بزرگتری از مشـکلات را پشت سر گذاشته و به هدفهای خود نزدیکتر از این شده بود.

دروغ رذالت آمیز استکبار

امروز مانند همیشه ترفند عمده ی تبلیغاتی اسـتکبار آن است که وانمود کند ملت ایران و دولت اسـلامی آن از هدفهای ترسیم شده ی خود روی گردانده است. این دروغ رذالت آمیزی است که هدف آن نومید کردن شـیفتگان حاکمیت اسلام در سراسر جهان و سست کردن همت جوانان در داخل کشور ما است.

در پی همین خدعه ی اسـتکباری است که پس از بیست و یکمین انتخابات سراسـری ما که نمایندگان مجلس شورای اسـلامی را مشخص می کند، سران استکبار از حضور چیزی که بر آن نام دموکراسی می نهند در ایران ابراز شادمانی کردند. برای آنان دشوار است که به وجود مشارکت مردمی در تمام سالهای بعد از انقلاب تا امروز اعتراف کنند.

دشوار است که بپذیرند انتخابات با همین شور و وسعت در چهار سال قبل برای تشکیل دوره ی قبلی مجلس و در سه سال قبل برای تعیین رئیس جمهور اتفاق افتاده است.

آنان بیهوده خود را به اینکه شاید مخالفان حاکمیت اسـلام و دلدادگان تجدید سـلطه ی اسـتکبار بر ایران، به مراکز قدرت راه یابند دلخوش می کنند. این همان بدفهمی و امید پوچی است که امریکا و مزدورانش را بارها در چالش با نیروی عظیم اسـلام و اراده ی پایدار ملت ایران دچار ناکامی کرده است.

ملت ایران راه اسلام را طی خواهد کرد

اینجـانب بـا اتکـال و اعتمـاد به خداونـد عزیز حکیم، و بـا ایمان عمیق و خلل ناپـذیر به احکام نورانی و نجاتبخش اسـلام، و با معرفت کامل به ملت بزرگی که خود از دل آن برآمده و همه ی عمر را در میان آن گذرانیده و با عشق به آن به سالهای آخر عمر

رسیده ام، به دوستان و نیز به دشمنان اطمینان می دهم که این ملّت راه اسلام را تا رسیدن به هدفهای بزرگ خود طی خواهد کرد و به همه نشان خواهد داد که عزّت و رشد و پیشرفت مادی و معنوی و نیل به کرامت والای انسانی فقط در عمل همه جانبه به اسلام و قرآن است.

امریکا نمی تواند امیدوار باشد که دوباره ایران را در چنبره ی تسلط خود درآورد، که جوشش آرمانخواهی و مطالبه ی حاکمیت اسلام را در کشورهای اسلامی فروبنشاند، که فلسطین را بی دغدغه در آغوش صهیونیستهای نژادپرست و سفاک بیفکند، که موج نفرت از خود را که روز بروز در دنیای اسلام رو به گسترش است بخواباند.

اگر این نگرش در میان دولتهای مسلمان عمومیت پیدا کند پرچم عزت اسلام بطور شایسته در جهان برافراشته می شود، حج کانون همبستگی واقعی و منبع لایزال نیروی اسلامی می گردد، ذخائر طبیعی جهان اسلام در خدمت ملتهای مسلمان درمی آید، فرهنگ غنی و حیاتبخش اسلام مجال کمک به بشریت را می یابد.

از خداوند متعال نزدیک شدن آن روز را مسألت می کنم و از همه ی شما حجاج محترم دعا برای فرج مسلمین جهان و کمک الهی به ملّت مبارز ایران را درخواست می نمایم، و حجاج عزیز ایرانی را به کوشش هر چه بیشتر برای کسب فیض معنوی و حفظ متانت و وحدت و شرکت در جماعات و کسب ذخیره روحی و اخلاقی فرامی خوانم.

والسّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

سیّدعلی خامنه ای

ص: ۲۶۵

بیانات در دیدار کارگزاران حج(۱۰/ ۱/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران حج

اشاره

(۱۰/ ۱/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیْمْ

ما باید حج را تقدیر و تقویم درست بکنیم

اولًا از خدای متعال مسألت می کنم این زحماتی را که شما آقایان کشیدید، به چشم قبول و کرم به آنها بنگرد و ان شاءاللَّه این زحمات را از همه تان به بهترین وجهی بپذیرد؛ که این خودش بزرگترین پاداش است. بنده هم به سهم خودم- با این که تشکر من در قبال تشکر صاحب کار، قدری ندارد- از زحمات شما برادران عزیز متشکرم؛ چه جناب آقای ری شهری و آن هدایت کلی حج، چه کارهای اجرایی و سازمان حج، چه برادران دیگر، هر کدام در هر بخشی که مشغول خدمات هستید، ان شاءاللَّه موفق باشید.

آنچه مهم است، این است که ما بایستی حج را تقدیر و تقویم درست بکنیم و به اندازه ی ظرفیت حج، چشم امید به منافع حج بدوزیم؛ لِیَشْهَدُوامَنافِعَ لَهُمْ. البته می شود انسان از چیز خیلی با ارزشی، استفاده ی کوچکی ببرد و نداند که این استفاده نسبت به این موجودی، خیلی کم است. ای بسا یک سنگ خیلی قیمتی رادست یک آدم سنگ نشناسی بدهند، آن را سنگِ ترازو کند؛ دست آدم قدرشناسی که دادند، نگاه بکند، ببیند این سنگِ ترازو نیست، بلکه هر قیراط آن میلیونها ارزش دارد و قدر آن را بداند.

بشر، بسیاری از موهبتهای الهی را قدر نمی داند

امروز بشر، متأسفانه دچار این بلیه ی بزرگ است که بسیاری از موهبتهای الهی

را چه در همین عالم طبیعت و ماده، چه در عالم ارزشهای معنوی، قدر نمی شناسد و نمی داند که این چقدر ارزش دارد. فرض کنید نفت را از زمین، بیرون بیاوریم، خیال کنیم که این نفت را آتش کردیم و چند کارخانه را به حرکت انداختیم و استفاده ی از نفت، همین است؛ در حالی که ای بسا، استفاده ی بهینه از این ماده، این نیست.

ما ذخایر دنیا را هم خالی کردیم، این ماده را در آوردیم و مصرف کردیم، نتیجه اش هم حالا ـ این زر و زیورها و لوکس بازیهای زندگی شده است! ای بسا که از این استفاده ی بیشتری می شد کرد؛ یک روزی بشر حسرت و تأسف این را خواهد خورد که ما از این ماده، استفاده ی بهینه نکردیم.

نشان قدرشناسی از حج

همه ی تلاش برای این است که ما حج را آن چنان که شایسته ی حج است، بشناسیم؛ خوشبختانه بعد از انقلاب، این کار به میزان زیادی شده است. الآن همین که از طرف نظام، عالمی مثل آقای ری شهری آن جا می رود و هدایت کلی جریان حج را بر عهده می گیرد، این نشان قدرشناسی از حج است. این که دولت اسلامی خودش را مسؤول می داند و مسایل حج را در مدیریت متمرکز و صحیحی می گنجاند، این قدرشناسی از حج است و منافعی بر این مترتب خواهد شد و الآن می شود؛ لیکن من همه ی تلاشم، همه ی جد و جهدم در مواجهه ی با مسؤولان این واجب بزرگ، این است که ما به آن مقداری که الآن در برگزاری حج، موفقیت احساس می کنیم، اکتفا نکنیم؛ این همه ی آن چیزی است که بنده می خواهم به آقایان عرض کنم.

برای کشور، برنامه ریزی شده است

خوب، حالا جناب آقای امینی، آن حرف درست را گفتند؛ منتها صدا و سیما گوشه یی از قضیه است، همه اش صدا و سیما نیست. حالا صدا و سیما بهترین برنامه ها را هم بدهد، شما خیال می کنید این امپراتوری عظیم خبری که با میلیاردها دلار و با صدها

ایستگاه متمرکز دارند کار می کنند، با یک صدا و سیما خنثی می شود؟! برای کشور، برنامه ریزی شده است؛ یعنی الآن برای کشور، هم از لحاظ واقعی در متن کشور برای مقابله ی با انقلاب، هم از لحاظ انعکاس بهینه ی آن برای ساختن و جهت دادن افکار عمومی دنیا- که خیلی مهم است- برنامه ریزی شده است؛ منتها حسن قضیه این است که ما آن اصالت را داریم که وقتی یک نگرانی در این جا به وجود می آید- یا واقعاً، یا تبلیغاً- عده ی زیادی از کشورهای محروم دنیا بدون هیچ قوم و خویشی با ما، مضطرب و نگران می شوند و به شما مراجعه می کنند. البته اینهایی که به شما مراجعه می کنند، شاید یک صدم واقعیت هم نیستند.

تصمیم قاطع بر تحقق اسلام

آنچه که مهم است، این است که ما در حج بایستی به دنیا آن چیزی را منعکس کنیم که لُب و مغز انقلاب، و لُب و مغز هویت ماست. آن چیست؟ آن تصمیم قاطع بر تحقق اسلام است.

خوب، مسلّم ما در این بیست ویک سال، همیشه که در یک حال نبودیم؛ یک وقت در حال شور و شوق بودیم، همه هم این شعار را می دادند؛ یک وقت مضطرب بودیم، یک وقت تنبل بودیم، یک وقت فعال بودیم، یک وقت کار کردیم، یک وقت هم نکردیم. خوب، حالا هم یکی از دوره هاست، اشکالی ندارد؛ حالتی از حالات متعددی است که ممکن است برای پدیده ی مستمری عارض بشود. ملاک، این نیست که حالا در چه حال است؛ ملاک، این است که آن چیزی که هدف است، چیست و حرکت به کدام سمت است؛ این باید در حج، تحقق پیدا کند.

یعنی در حج، بایستی بدنه ی حج- در درجه اول بدنه ی کارگزاری حج، در درجه ی بعد بدنه ی عمومی حج، یعنی آحاد مردم- همه با رفتار، با گفتار و با عمل خودشان نشان بدهند که یک زُبرالحدیدی در این جا وجود دارد که عازم است حرکت خودش را ادامه بدهد؛ این، امید می بخشد. این بزرگترین پیام اسلام و انقلاب است که باید در همه ی نوشته ها، در همه ی گفته ها، در نشریه ی زائر، در رادیو و تلویزیون ما و در همه چیز

منعکس بشود. بر این باید اصرار باشد.

اگر ان شاءاللّه این تحقق پیدا بکند، بقیه ی مشکلات و مسایل، چیزی نیست.

امام قدس سره در میان ما زنده است

نگرانی افراد هم به یک معنا نگرانی به جایی است؛ برای خاطر این که آن تبلیغاتی که دارد در دنیا می شود، این را نشان می دهد که بین اینها اختلاف است، دعواست، فلان است، پشیمان شدند، فلان شدند! وقتی ما با روحیه ی باز آن جا رفتیم و بدون هیچ گونه اضطراب، با تسلط بر خودمان گفتیم که شعار ما اسلام است و حرکتمان حرکت امام است، نگرانی آنها مرتفع می شود.

چون الآن هم، امام خمینی قدس سره با اسم خودش از همه ی مجموعه ی انقلاب، در دنیا مطرحتر است؛ یعنی الآن همه ی حرفهایی که ما داریم، همه ی وزن معنوی و فکری که ما داریم یک طرف، امام هم یک طرف، باز امام سنگینتر است! یعنی شخصیت امام و آن چیزی که از امام می شناختند، بر همه ی این کتابهایی که نوشتیم و حرفهایی که زدیم، برتری دارد. ما بگوییم امام، هنوز زنده است. ما باید این را تبلیغ کنیم؛ باید بگوییم امام در میان ما زنده است، ما دنبال امامیم و تحقق امام را در جامعه می خواهیم.

حالا- چهار نفر آدم کج سلیقه، یا بی عقل، یا مغرض، می چسبند به گوشه یی از حرف امام، که فرض بفرمایید بر این، فلان اشکال وارد است! خوب، وارد باشد؛ غیر معصوم کیست که اشکال بر او وارد نباشد؟! بایستی ما آن کلیّت امام را در دنیا بطور قاطع تبلیغ کنیم. بایستی بطور قوی در دنیا حضور امام را در داخل کشورمان اعلام کنیم؛ اشکالات برطرف خواهد شد.

برای سفر حج، معیار و الگو درست کنید

شما نگاه کنید، ببینید ما براساس تفکر اسلامی خودمان، حج را چه می دانیم، برای چه می دانیم و می خواهیم در این سفر، از این موجود و این قالب جسم و روحی که دارد می رود و بر می گردد، چه ساخته بشود؟ و بعد واقعیات کشورمان چیست؛ دولت چقدر

پول دارد و مردم می توانند چقدر پول بدهند؟ زندگی یک حاجی در داخل خانه اش چگونه است؟ غیر از این حاجی، کسانی که نمی توانند هشتصد هزار تومان برای حج تهیه کنند، آنها چگونه زندگی می کنند؟

باید اینها را نگاه کنیم دیگر؛ اینها واقعیات زندگی ماست. نمی شود ما خودمان را در حصاری قرار دهیم و خیال کنیم حج، مال یک عالم دیگر است؛ نه، حج هم مال همین عالم است. براساس اینها مشخص بکنیم. بعد بیاییم بررسی کنیم که در خانه، هرکس مثلًا روزی سه تا چای می خورد، حالا در سفر حج، چرا باید شش تا چای بخورد؟ این سفر حج چه خصوصیتی دارد؟ توجه می کنید؟ یعنی یک معیار و یک الگو درست کنید.

البته این الگو براساس تفکر صحیح باشد و به تصویب آن کسانی که صاحب نظر در این قضایا هستند، برسانید. بعد این را بطور قالب بگویید که من این جوری اداره می کنم.

همه خواهند گفت که خوب، سلیقه اش این است، دیگر چه کار کنیم.

خوب، از زیارت آقایان خیلی خوشحال شدم. ان شاءاللّه موفق باشید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

ص: ۲۷۰

بیانات در دیدار حجهالاسلام والمسلمین ری شهری(۱۰/ ۱۱/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

بیانات در دیدار امیر الحاج و مدیران و اعضای ستاد حج

اشاره

(۱۰/ ۱۱/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيْمْ

کار شما جزو وظایف همیشگیِ حکومتهای اسلامی است

برادران و خواهران عزیز! خیلی خوش آمدید. امیدوارم امسال هم خداوند متعال باران توفیق و هدایت و فضل خود را بر شما و بر همه ی حجاج بیت اللَّه الحرام فرو بریزد و آنچه که محصول تلاش و مجاهدت شما خواهد شد، ان شاءاللَّه برای اسلام و مسلمین نافع باشد.

جنبه ی شخصی و عبادی عمل شما، مثل خودِ حج، یک جنبه ی اصلی است؛ از آن نباید غفلت کرد؛ این با جنبه ی کاری و تشکیلاتی و اجتماعی آن منافاتی هم ندارد؛ کما این که حج مظهر ظهور و تلألؤ سیاستهای بین المللی و جهانی اسلام است؛ در عین حال با این که مجموعه این معنا را می دهد، اما میان هر فردی با خدای خود و با باطن خود، باید ارتباط مستحکمی وجود داشته باشد؛ اگر این نباشد، آن هم به صورت کامل نخواهد بود.

اگر ظواهر سیاسی و اعلام برائت و حضور بین المللی مسلمانان، بر معنویاتی که در درون هر فردی هست، بر قصد قربت، بر حضور و حال و توجه و تضرع و استغاثه ی هر فردی میان خودش و خدا متکی نباشد، آن بنای باعظمت هم بی رونق و بی تأثیر خواهد شد.

همه چیز از باطن ما می جوشد؛ کار شما هم همین طور است؛ یک کار مهم حکومتی است؛ جزو وظایف همیشگی حکومتهای اسلامی است. راه بردن توده های عظیم حاجی در مراسم پُرمعنا و پُربرکت حج، یک وظیفه است؛ چه روحانی کاروان، چه مدیر

کاروان، چه دست اندرکاران و معاونان و خدمتگزاران، چه مسؤولان فرهنگی، چه مسؤولان تشکیلاتی و اداری، چه نمایندگی رهبری، همه و همه سرگرم تحقق بخشیدن به یک وظیفه ی بزرگ حکومت اسلامی هستند. اگر بخواهیم این کار به بهترین وجهی صورت بگیرد، باید از باطن هر یک از افرادی که دست اندرکار این کار عظیم هستند، رشته ی پیوندی با حضرت حق، با باطن این عالم و با حقیقتِ خود حج برقرار بشود. قصد اخلاص در کار، توجه به خدا، استمداد و هدایت خواستن از او، گذاشتن هر کاری به حساب او، تحمل هر رنجی برای او، بیرون آمدنِ از هر شائبه یی جز ادای تکلیف او، شرایط کار است. اگر این طور شد، آنگاه محصول کار نورانی خواهد شد.

حکومت اسلامی می خواهد مردم را از ظلمات به نور ببرد

همه چیز ممکن است نورانی باشد. گاهی انسان عملی را انجام می دهد؛ این عمل نورانی است، گاهی هم ظلمانی است؛ «وَقُوَّتِی نُورَ الْعَمَلِ». گاهی انسان نیت می کند؛ آن نیت نورانی است، گاهی هم ظلمانی است. بنای حکومت اسلامی این است که مردم را از ظلمات به نور ببرد. ظلمات در درون خود ما زمینه دارد؛ در عالم طبیعت هم مایه های ظلمانی فراوان است؛ در کشاکش مسائل جهان و میان مردم هم ظلمتهای فراوانی سر راه قرار می گیرد. اراده ی دین است که انسان را از ظلماتِ خودخواهی، خودپرستی، شهوت، محصور بودن در مسائل شخصی و بی تقوایی در برخورد با هر کس، با هر چیز و با پدیده های عالم، خارج کند و به نور ببرد؛ نور اخلاص، نور صفا، نور تقوا، نور معنویت، نور هدایت و نور همت بلند برای خدا. اگر این طور شد، جامعه نورانی خواهد شد.

نورانیت در باطن جمهوری اسلامی

اعتقاد راسخ بنده این است که یکی از علل بسیار مهم و اساسی اقامه ی بنای جمهوری اسلامی و دوام آن در مقابل مزاحمتها و اذیتها و خباثتهای دایمی صاحبان زر و زور و نوکرها و دست نشانده های آنها، نورانیتی است که در باطن جمهوری اسلامی

وجود دارد؛ هم در باطن مردم، هم در مقررات، هم در باطن مجریانِ بااخلاص و مؤمنی که بحمداللّه هستند و در هر گوشه یی حضور دارند. آن وقتی این موفقیتها کامل خواهد شد که این نورانیت تعمیم پیدا کند؛ مجریان، همه نورانی بشوند؛ کارگزاران دستگاه در هر یک از قوای سه گانه، همه نورانی بشوند؛ ما معممان، همه نورانی بشویم؛ دست اندرکاران کارهای مادی و معنوی این جامعه در دلِ خود نورانیت به وجود بیاورند؛ آنگاه این دستگاه و این بنا و این حرکت عظیم، در همه ی ابعاد موفق خواهد شد.

دین برای اداره ی زندگی انسان است

حج، فرصت خوبی است. عده یی از آن طرف می خواهند جوانب سیاسی حج، جوانب سیاسی دین و احکام دین را بکلی انکار کنند؛ این هم یکی از آن شیطنت ها و بازیهای بسیار رسوای دشمنان دین است که می گویند دین در امور سیاسی نباید دخالت کند! اگر دین در امور سیاسی نباید دخالت کند، چرا پیغمبر حکومت تشکیل داد؟ چرا بعد از پیغمبر خلفای صدر اول به نام دین بر مردم حکومت کردند؟ چرا امیرالمؤمنین با آن همه تلاش، به استحکام و استقرار حکومت تن درداد؟ دین برای اداره ی زندگی انسان است. زندگی انسان، فقط زندگی در پستوی خانه ها نیست. آن کسانی که می خواهند صحنه ی اقتصاد و سیاست و فرهنگ و فعالیت اجتماعی را محل تاخت و تاز اهواء و شهوات و خباثتهای خودشان قرار بدهند و بندگان خدا را بندگان خود کنند، معارضی که می بینند، دین است. واقعاً وقتی دین در هر میدانی حضور داشته باشد، هیچ قدرتی در مقابل آن تاب مقاومت ندارد. آن جایی که شما می بینید اهل دین شکست خوردند، به این خاطر بود که دین را به میدان نیاوردند و لختِ از مفاهیم دینی و عمل دینی و اخلاص دینی وارد میدان شدند. هر جایی که اهل دین با دین به میدان آمدند، بدون تردید پیروزی متعلق به آنهاست؛ این سنت الهی است؛ وَ لَوْ قاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا اْلأَدْبارَ ثُمَّ لا يَجِدُونَ وَلِيّاً وَ لا نَصِيراً. بعد می فرماید سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِی قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا.

عده یی می خواهند ملت ما را از دین جدا کنند

عـده یی برای این که ملت ایران را از پیروزی هایش، از سـرافرازی هایش، ازالگو شدنش در مقابل ملتهای مسـلمان، از عزتش در دنیـا، از ممـانعتش از ورود غارتگران بین المللی به این کشور، و سایر میـدانهای افتخارآمیز دور کننـد، چاره یی ندارنـد جز این که این ملت را از دینش جدا کنند. دین در اقتصاد جامعه، در فرهنگ جامعه، در روابط سیاسـی جامعه، در تعامل مسؤولان بـا مردم- همه جـا؛ آن جـایی که عرصه، عرصه ی دین است- حضور دارد. برای این که دین را از همه ی این عرصه ها بیرون کنند، جنجال می کنند که دین را سیاسـی نکنید؛ دین اهل سـیاست نیست؛ برای حفظ آبروی دین، باید دین را از سیاست دور کرد؛ آبروی دین در این است که برونـد در معابـد و در کنـج خانه ها و در گوشه ی صـندوقخانه ها اسم خـدا را بیاورنـد! این است آبروی دین؟! پس این که می فرماید:

لِیُظْهِرَهُ عَلَی الـدِّینِ کُلِّهِ یعنی چه؟ خـدای متعال اسـلام را آورده است تا بر جهان بشـریت خیمه بزنـد و مثل خورشـیدی بر تمام ذرات کائنـات بتابـد و آنها را زنـده کنـد؛ جمهوری اسـلامی رسالتش این است و امام بزرگوار هنرش این بود. هنر بزرگ امام بزرگوار این بود که از قلب حوزه های علمیه و از مرکز فقاهت و دین، با صـلاحیت کافی بیرون آمد؛ این را در دنیا فریاد کرد و دل ملتها را تکان داد؛ چون فهمیدند که حقیقت دین این جاست.

در حج، هویت اسلامی را نشان دهید

آن روزی که دین بـا این چهره ی روشن و درخشـان و پُرحماسه و افتخارآمیز در این جا ظهور کرد، آن هنگامی بود که هرجا قالب افسرده یی به خاطر دوری از دین، راه خود را از دست داده بود، به جان آمد. در منطقه ی فلسـطین و لبنان، آن جایی که مردم سالهـا بود طعم ذلت را به وسـیله ی دشـمن در کام خودشان حس کرده بودنـد، کسانی بودنـد که در عمرِ خودشان هیچ آشـنایی یی با دین نداشـتند؛ اما گفتند ما اسلام را قبول کرده ایم و در مقابل اسلام خاضع شده ایم و در برابر دشمن ایستادگی می کنیم. اسلام، آن اسلامی است که رهبر عظیم الشأنِ بی نظیر جمهوری اسلامی- امام بزرگوار- آن را بر سر دست گرفت و به دنیا معرفی کرد؛ لذا فلسطین دوباره احیا شد.

امروز هم قضیه همین طور است. شما در حج هویت اسلامی را نشان بدهید. اسلام، هم معنویت است، هم سیاست است، هم نورانیت دل است، هم نورانیت عمل است، هم عزت باطنی انسان است به خاطر ایمان، هم عزت و شکوه ظاهری است به خاطر عظمت اجتماع اسلامی و بنای اسلامی و حکومت اسلامی.

ملت ایران به مسلمانان دنیا عزت داده است

شما بدانید، امروز مردم مسلمان در هر کدام از این کشورهای اسلامی یی که زندگی می کنند، آنهایی که احساسات اسلامی و ایمان اسلامی دارند، آن وقتی که چشمشان از دور به بنای جمهوری اسلامی می افتد و این بنای مستحکم و فاخر را مشاهده می کنند، در دلِ خودشان احساس غرور و عزت می کنند؛ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت، متعلق به مؤمنین است. امروز شما به دنیای اسلام عزت داده اید. ملت ایران با برافراشتن پرچم اسلام، به یکایک مسلمانان در دنیا عزت داده است؛ لذا مسلمانان کشورهای دیگر هم می خواهند دنبال این الگو حرکت کنند. استکبار چاره یی ندارد جز این که این پرچم را از دست شما بگیرد؛ جز این که شما را وادار کند بگویید ما پرچم اسلام و عزت اسلام و حرکت اسلامی را نمی خواهیم؛ همین حرفی که امروز بعضیها دانسته و ندانسته، نابخردانه و ابلهانه در گوشه و کنار می زنند و از آنچه که مایه ی عزت اسلام شده است، اظهار پشیمانی می کنند. در حج نگذارید این پرچم از دست شما بیفتد. در مذاکرات خصوصی و در اجتماعات عمومی نشان بدهید که ملت ایران به برکت اسلام، عزیز و سرافراز شده است و این عزت را تا آخرین نفس از دست نخواهد داد.

امیدواریم خداوند متعال به برکت الطاف و فیوضات خود و با ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیهاللّٰه الأعظم(ارواحنافداه)- که علی القاعده ایشان هم در موسم مشرف هستند و در طواف و در وقوف و در بسیاری از جاها نور وجود مبارک آن بزرگوار یقیناً پرتوافکن خواهد شد- دلهای ما و شما را نورانی کند و این حج و این برائت و این حرکت عظیم را مایه ی عزت مسلمانان، بخصوص عزت ملت عزیز ایران قرار بدهد.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

ص: ۲۷۵

پیام به حجاج بیت الحرام(۱۲/ ۱۲/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الحرام

اشاره

(۱۲/ ۱۲/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

الحمدللَّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی سیدنا محمد و آله الطّاهرین

قال اللَّه الحکیم: إِنَّ هذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّهً واحِدَهً وَ أَنَا رَبُّکُمْ فَاعْبُدُونِ

نمایشگاه عظیم حج در پایگاه وحی و نبوت

موسم حج بار دیگر نمایشگاه عظیم خود را در پایگاه وحی و نبوت بر سر پا کرده و صحنه ی شگفت آور و شورانگیزی پدید آورده است. رودهای خروشان ملتهای مسلمان از همه سوی جهان در این اقیانوس فرو می ریزند و همزیستی امت واحده را در زیر لوای توحید مجسم می کنند. احساسات در هم تنیده ی این مجموعه ی بشری، نمایشگر آرزوها و نیازها و دردها و توانائی های امت عظیم اسلامی ست. سرزمینهای حج، اکنون میزبان مردمی از ایران و عراق، از فلسطین و لبنان، از شبه قاره و شمال افریقا، از ترکیه و بوسنی و از سراسر آسیا و اروپاست. این دلهای پراشتیاق، می توانند ترجمان سخن دل امت اسلامی باشند. حج برای همین نزدیکی و صدا به صدا رساندن مسلمانان سراسر جهان است. رشته ای که اینهمه دل را بهم پیوند می دهد؛ همان پیامی است که نخستین بار از این سرزمین، صلا زده شد و طول و عرض جهان و تاریخ را در نوردید:

پیام توحید و وحدت؛ توحیدِ خدا و وحدتِ امت. توحید، نفی خداوندگاری طواغیت و مستکبران و زر و زور سالاران است، و وحدت، مظهر عزت و اقتدار مسلمانان.

حج، فراتر از هر نوشته و گفتاری، این پیام ماندگار را هر ساله در قالب اجتماع عظیم خود،

بازپردازی می کند و به سراسر جهان اسلام می فرستد. هر مسلمانی در هر بخشی از عالم اسلام، در موسم حج، یک بار دیگر باید این حقیقت را بشناسد که شکوفایی و سربلندی و کامیابی همه جانبه ی کشورهای اسلامی تنها در سایه ی این دو به دست خواهد آمد:

توحید با همه ی ابعاد فردی و اجتماعی و سیاسی آن، و وحدت با مفهوم درست و قابل تحقق آن در دنیای امروز.

سخنان تلخ و شیرین در اجتماع عظیم حج

در اجتماع عظیم حج امسال، دهها سخن تلخ و شیرین را از دهها کشور اسلامی می توان دریافت کرد. هر یک از این پیامها، بار وظیفه ای را بر دوش دیگر برادران می گذارد و مجموع آن دورنمایی از واقعیت امت بزرگ اسلامی را در برابر چشم همه قرار می دهد: سخن ملت عراق که تطاول و ستم مداخله گران و دیکتاتوری و بی تدبیری زمامداران، رونق زندگی را از آنان گرفته و فلاکت و زبونی را بر آنان تحمیل کرده است.

سخن ملت افغانستان که تعصبها و کوته نگریها، اجر مجاهدات گذشته ی آنان را بر باد داده و ملتی را دستخوش جهالتِ مشتی غافل و عنود ساخته است. سخن ملت بوسنی که سیاست اسلام زدایی از سوی امریکائیان و همدستانشان، هویت اسلامی آنان را به خطر افکنده و حاکمیت ملی آنان را بتدریج در معرض نابودی نهاده است. سخن ملت فلسطین که پرچم پر افتخار انتفاضه را با پنجه های استوار خود بپا داشته و با خون جوانان خود، شمشیر ظلم و قساوت صهیونیستها را کُند کرده است. سخن ملت لبنان که با پایداری پر شکوه خود، افسانه شکست ناپذیری غاصبان کشور فلسطین را به سُخره گرفته و شکستهای فضاحت بار را به آنان چشانیده است. سخن ملتهای آسیای میانه و شرق آسیا و افریقا و اقلیتهای اسلامی در اروپا و امریکا که هر یک از رنجها و شادیها و دشواریها و موفقیتهای خود خبر می دهند. و بالاخره سخن ملت سرافراز ایران اسلامی که در آن پایداری، و ایمانِ بارور، و تجربه های روزبه روز خود در برابر توطئه ها و دشمنیها، و عزم راسخ خود در راه تحقق جامعه ی آرمانی اسلام را به گوش مشتاقان و تحسین کنندگان خود می رسانند.

جهان اسلام در حال گذر از مرحله ی حساسی است

امت اسلامی امروز در حال تجربه ی این موفقیتها و ناکامیها است. هم دولتهای مسلمان و هم ملتها در برابر این واقعیّتها، تکالیف بزرگی بر دوش دارند و جهان اسلام در حال گذار از مرحله ی حساسی از تاریخ خویش است. آشنایی با این تکالیف و احساس تعهد در برابر آن می تواند ورق شوربختی و ضعف را از کتاب تاریخ اسلام بگرداند و بار دیگر صفحه ی عزت و عظمت مسلمانان و درخشش مادی و معنوی دنیای اسلام را بگشاید. امروز دنیای غرب که عامل تشدید کننده ی ضعف و عقب ماندگی کشورهای اسلامی بوده است، دستخوش گرفتاریهای بزرگ و حل نشدنی است. فساد مادیگری و نظام سرمایه سالاری بتدریج نفوذ خود در پایه های آن تمدن مادی را آشکار می سازد و بیماریهای مزمنی را که در زیر تشعشع خیره کننده ی صنعت و سرمایه پنهان مانده بود، بتدریج بر ملا می کند و نزدیکی بحران را به آنان خبر می دهد. دنیای اسلام، نسیم بیداری اسلامی را بر چهره ملتهب و رنج کشیده ی خود حس می کند و نشانه های آن را در جابجای جهان اسلام، بویژه در ایران مجاهد و سربلند و نیز در فلسطین و لبنان به چشم می بیند. فروغ امید، دلهای جوانان را در همه جا روشن کرده و طلسم تحقیر و تحکّم غرب، دَرهَم شکسته است. این فرصت، آسان به دست نیامده و هزاران جان گرامی در راه آن ایثار شده است. از این پس نیز راه، دراز و دشوار، لیکن مطمئن و بی چون و چرا است. در حال حاضر، ملت فلسطین سهم بزرگی در گشودن و پیمودن این راه بر دوش گرفته است، و همه باید به آن ملت مظلوم و شجاع و بیدار کمک کنند. دیگر ملتها و دولتها می توانند در یاری رساندن به ملت قهرمان فلسطین، سهم خود را در پیمودن این راه بر عهده گیرند.

سلاح روانی؛ مهمترین سلاح استکبار

دشمن مستکبر که بیداری امت اسلامی، تهدید کننده ی مطامع و منافع نامشروع اوست، مهمترین سلاحی که در برابر این موج فزاینده در دست دارد، سلاح روانی است:

نومیدسازی، تحقیر هویت، به رخ کشیدن قدرت و تمکّن مادی خویش. امروز و در

آینـده هزاران ابزار تبلیغی به کار افتاده و خواهـد افتاد که مسـلمانان را از آینده ی درخشان نومید و یا به آینده یی که منطبق با نیّات پلید خود آنان است ترغیب کنند. این جنگ فرهنگی و روانی از آغاز دوران اسـتعمار تاکنون، کاری ترین ابزار غرب در سلطه گری اش برکشورهـای اسـلامی بوده است. آماج این تیر زهرآلود، نخست نخبگان و روشـنفکران و سـپس توده ی مردم انـد. مبـارزه با این ترفنـد جز با رویگردانی از فرهنگ تحکّم آمیز و تحمیلی غرب ممکن نیست. فرهنگ غربی بایـد بوسـیله ی نخبگان و روشـنفکران، پالایش شود. عناصـر مفیـد آن جـذب، و اجزاء زیانبار و مخرّب و فسادانگیز آن از ذهن و عمل جامعه های اسـلامی طرد شود. معیار در این پالایش بزرگ، حکمیّت فرهنگ اسلامی و اندیشه های بارور و راهگشا و هدایتگر قرآن و سـنت است. این یـک فصـل اساسـی از مبـارزه ی همه جـانبه و خوش عاقبتی است که علمای دینی و روشـنفکران و نخبگان سیاسـی در سراسـر جهـان اسـلام بر عهـده دارنـد. بامیـد آنکه حـج امسال بتوانـد عزم همگان را در پیمودن این راه پر برکت و پرافتخار، راسخ و جازم کند.

از خداونـد متعال توفیق حج مقبول و بهره مندی از فیوضات و برکات این عرصه ی بی نظیر، برای همه حجّاج مسألت می کنم، و بر حضـرت بقیه اللّه الأعظم ارواحنا فـداه و عجل اللّه فرجه که گمان حضور مبارکش در این مراسم سالیانه می رود، به قـدر گستره ی فضل و رحمت واسعه ی الهی، درود می فرستم و دعای مستجابش را در حق همگان آرزو می کنم.

وَ السَّلامُ عَلَیهِ وَ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

علی الحسینی الخامنه ئی

ششم ذی الحجه ۱۴۲۱

۱۳۷۹/ ۱۲/ ۱۲

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤولان(۳/ ۱۱/ ۱۳۸۰ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤولان برگزارکننده ی مراسم دهه ی فجر

اشاره

(۳/ ۱۱/ ۱۳۸۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیْمْ

خدمت به مردم، نعمت بزرگی است

به همه ی حضار محترم خوش آمد عرض می کنم؛ هم دوستان و عزیزانی که در مسائل مربوط به واجبِ بسیار مهم حج مشغول خدمتگزاری هستند، و هم دوستان و عزیزانی که دست اندرکار برگزاری مراسم بسیار مهم و حساس دهه ی مبارک فجر هستند، و هم به همه ی برادران و خواهرانی که تشریف دارند؛ بخصوص کسانی که تحمل زحمت کردند و از راههای دور به این مجلس آمدند.

همه ی بخشهای فعالیت برای بهتر اداره شدن مسائل مردم و کشور، دارای اهمیت است. هر کس در هر جایی به خدمت به نظام و کشور و مردم اشتغال دارد، باید مباهات کند و توفیق و کمک الهی را بطلبد و به معنای حقیقی کلمه شکرگزار نعمت بزرگ الهی باشد که امروز با برافراشته شدن پرچم اسلام، خدای متعال بر مردم این کشور منت گذاشته و این نعمتها را به آنها بخشیده است. خدمت کردن به مردم، حقیقتاً نعمت بزرگی است.

حج؛ حامل معنویت، وحدت و معرفت

مسأله ی حج از این جهت یک مسأله ی حساس و مهم و باعظمت است که کمک می کند تا مردم بتوانند از این واجب عظیم الهی به معنای حقیقی کلمه استفاده کنند. از

ظرفیت عظیمی که حج برای مردم دارد- که خدای متعال می فرماید: لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ- آنها را برخوردار کنید؛ خدمت در این راه، حقیقتاً باارزش است. اگر حج، آن طوری که طبیعتِ این واجب اقتضا می کند، تحقق پیدا کند، بسیاری از مشکلات مسلمانها حل خواهد شد. حج، حامل معنویت و وحدت و آگاهی و معرفت است؛ اینها برای ملتهای اسلامی چیز کمی نیست.

نتایج تفرق دنیای اسلام

امروز شما ببینید از تفرق دنیای اسلام و همدل نبودن دست اندرکاران کشورهای اسلامی، بخشی از دنیای اسلام چه می کشد. امروز فلسطین با سبعانه ترین روشها لگدکوب می شود و مردم فلسطین در سخت ترین روزهای ممکن برای یک ملت، دارند روزگار می گذرانند. دنیای اسلام با همه ی امکاناتی که دارد، با وجود میل و علاقه یی که بسیاری از مردم جهان اسلام برای کمک دارند، عملًا کمکی به این قضیه نمی شود؛ این خیلی دردناک است. با نصیحت نمی شود رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا ظلم نکند؛ پنجاه سال است که این ظلم ادامه دارد و این روزها به اوج خود رسیده است. جوانها و نوجوانها و زنها و فرزندها و خانه ها و خانواده ها در کوچه ها و خیابانها با تانکها و اسلحه های مرگبار روبه رو شوند و بی هیچ ملاحظه یی این طور سرکوب شوند؛ اینها چیز کمی است؟! آن هم نه یک روز و پنج روز و یک ماه؛ بیش از یک سال است این وضعیت کم و بیش ادامه دارد.

استفاده از حج برای بهبود وضعیت مسلمانان

حج می تواند دنیای اسلام را متوجه مسؤولیت سنگین خود کند. حج می تواند این معرفت را به ملتهای اسلامی بدهد که حضور در صحنه و داشتن موضع قاطع در این قضیه، با منافع خود آنها پیوستگی دارد. بعضی خیال می کنند حمایت از مردم فلسطین، خارج از منافع ملی کشورهاست؛ این اشتباه خیلی بزرگی است. وقتی یک ملت مسلمان به ملتهای دیگر متکی نباشد و از طرف آنها حمایت نشود، این گونه راحت در معرض

تطاول دشمن قرار می گیرد. اگر دنیای اسلام متحد بود، یک ملت این طور مظلوم نمی شد. این قضیه ممکن است برای ملتهای مسلمان دیگر هم پیش بیاید؛ کمااین که دیدید در مواردی برای ملتها پیش آمده است. همبستگی اسلامی، برای دشمنان جهان اسلام و دشمنان ملتهای این منطقه و غارتگران بین المللی، کار را مشکل می کند و اجازه نمی دهد آنها طبق میل خود، هرطور خواستند و انتخاب کردند و مصلحت دیدند، به یک کشور و ملت اسلامی تعرض کنند. پس حمایت عمومی دنیای اسلام از ملت فلسطین، در حقیقت حمایت دنیای اسلام از یک یک کشورهای مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه ی آنهاست؛ این چیز کمی نیست. حج، این معرفت و وحدت و عزم و تصمیم را به آنها می دهد. بنابراین مسأله ی حج و استفاده ی از همه ی ظرفیتهای این واجب عظیم الهی، برای بهبود حال مسلمین جهان و همه ی کشورهای اسلامی، بسیار مهم است. هرچه بتوان در این زمینه، کار و تلاش و خدمت کرد، باارزش است.

مردم دهه ی فجر را قدر می دانند

مسأله ی دهه ی فجر هم همین طور است. بحمداللّٰه آحاد مردم در طول این بیست ودو سه سال، در همه ی سالها و در همه ی نواحی کشور نشان دادند و ثابت کردند که به دهه ی فجر به عنوان یادبود روزهای عظیم انقلاب دلبستگی دارند. مردم دهه ی فجر را قدر می دانند. کسانی هم که موجب می شوند حرکت و حضور و ابراز احساسات مردم ممکن و آسان شود- که همین ستادهای بسیار فعال و مفید دهه ی فجر هستند- کارشان بسیار باارزش است.

دهه ی فجر برای کشور ما یک فرصت تاریخی بود و ملت ما را از یک حصار بسیار خطرناک خارج کرد. تا وقتی یک ملت در حصار استبدادِ یک حکومت وابسته و فاسد و ضد مردم و ضد فرهنگ و دین قرار دارد، هیچ چیز زیبا و مطلوبی که زندگی آنها را از لحاظ مادی و معنوی اعتلا ببخشد و پیش ببرد، نمی تواند در بین آنها پا بگیرد. در آن چنان رژیمی، همه جا، پای بیگانه و منافع چپاولگران و اهانت به دین و فرهنگ و هویت ملی و تضعیف کشور پیدا بود؛ و این طبیعتِ آن رژیمهاست. انقلاب، ملت ایران

را از آن حصار خارج کرد و میدان و فرصت داد تا ملت بتواند در فضای آزاد، با اتکای به خود، با قدردانی از استعدادهای درونی خود و با به کارگیری همه ی آحاد مردم در میدانهای عظیم کشور، خود را نشان دهد. البته نمی توانیم ادعا کنیم از همه ی فرصتهایی که انقلاب به ما داد، توانستیم درست استفاده کنیم؛ اما می توانیم ادعا کنیم که انقلاب برای کشور ما یک فرصت تاریخیِ بی نظیر به وجود آورد و این فرصت همچنان در اختیار ملت ایران است.

دشمن سعی می کند دهه ی فجر را از یاد مردم ببرد

دشمنان ملت ایران و هویت ملی و پیشرفت این کشور می خواهند ملت ایران را از این فضای مستعد بالندگی و رشد خارج کنند و باز هم استیلای بیگانگان را بر این کشور برگردانند. یادبود دهه ی فجر، خود مانع بزرگی در راه تحقق این هدف است. سعی می کنند انقلاب را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه ی فجر، انقلاب را به یاد مردم می آورد. سعی می کنند امام را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه ی فجر، تجسم اراده و عظمت امام بزرگوار ماست.

البته شما برادران و خواهرانی که مسؤول این ستادها هستید، باید با دادن آگاهیهای لازم و انجام فعالیتهای فرهنگیِ ضروری، مردم را به بهترین وجه از دهه ی فجر بهره مند کنید. امروز موج سیاسی فرهنگیِ دشمنان بشریت- که البته دشمنان اسلام و بخصوص ملتهای مستقل هم هستند- به صورت خیلی وسیع در همه جای دنیا گسترده شده است؛ مخصوص کشور ما هم نیست. آن ملتی می تواند روی پای خود بایستد و خود را از کمند تسلط مراکز استکباری نجات دهد که بتواند در مقابل این امواج بایستد و با آنها مقابله کند.

وقتی ملت، بیدار و هشیار و متحد باشد و معرفت و آگاهی لازم را کسب کرده باشد؛ وقتی مسؤولان در خدمت منافع مردم باشند و خالصانه و مخلصانه و مجدانه و پیگیر، به دنبال این باشند که اهداف عالیه ی این انقلاب و نظام را برآورده کنند و مردم را از این هدفها برخوردار کنند؛ آنگاه هیچ دشمنی نمی تواند مقاصد شوم خود را در این کشور

پیاده کند. مسؤولانی با جدیت و صداقت مشغول خدمتگزاری هستند؛ مردم هم به معنای حقیقی کلمه در راه اسلام و انقلاب ایستاده اند. ایمان و استقامت و آگاهی مردم، حقیقتاً مثال زدنی است.

مبارزه ی با فساد؛ یک جهاد واقعی

البته دستهایی هم سعی می کنند نگذارند. این که ما اصرار می کنیم باید با فساد و سوء استفاده ی مالی و اقتصادی با جدیت برخورد شود، به خاطر همین است؛ چون اگر دستهای سودجو بتوانند فساد اقتصادی را در میان مسؤولان رایج کنند، ضربه یی به آن کشور می خورد که با هیچ چیز جبران نمی شود. لذا عرض کرده ایم، باز هم تکرار می کنیم:

مبارزه ی با فساد، یک جهاد واقعی و البته کار بسیار دشواری است. اگر این جهاد بزرگ بخواهد موفق شود و پیش برود- که ان شاءاللَّه به فضل الهی و به پشتیبانی شما مردم، این کار خواهد شد- یک شرط مهم و اصلی آن این است که همه ی مسؤولان کشور با یکدیگر همدل و شریک باشند. البته رؤسای قوا بحمداللَّه در این کار همکاری و همدلی می کنند؛ اما در همه ی سطوح، مسؤولان کشور و قوای سه گانه باید در این راه با یکدیگر همکاری کنند و عزم جدی نشان دهند.

هر کدام از قوا در این زمینه سهمی دارند و باید نقش خود را ایفا کنند. در میان مسؤولان- چه در دولت، چه در قوه ی قضاییه و چه در مجلس- هیچ کس نمی تواند نسبت به این کار بزرگ، که برای سرنوشت کشور و ملت و نظام اسلامی تعیین کننده است، خود را کنار بکشد و شانه از این کار خالی کند؛ همه باید در این زمینه فعال باشند.

در مبارزه ی با فساد، تبعیض قائل نشوید

لازم است در این خصوص هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. دستگاههایی که با فساد مبارزه می کنند، نباید بگویند فساد در فلان جا بد است؛ اما در جای دیگر- اگر باشد- به آن بدی نیست. فساد، فساد است؛ در هرکس فساد وجود داشته باشد، باید با او مبارزه کنند. کسانی که با فساد مبارزه می کنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حق

فاسد و مفسد، مُرّ قانون را اعمال کنند. من به شخص یا پرونده یا موضوع خاصی نظر ندارم؛ برای من اشخاص مطرح نیستند؛ این کار باید به نحو صحیح و قاطع انجام بگیرد و دنبال شود.

کسی که وسوسه می شود وارد میدان فساد مالی شود، باید بداند دردسر این کار زیاد است؛ بفهمد مردم و مسؤولان کشور با این قضیه برخورد می کنند؛ این یکی از شرایط بسیار مهم است.

مواظب باشید فساد به وجود نیاید

از جمله ی چیزهایی که در این مبارزه ی وسیع حتماً باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تنها با کسی که فساد کرده و فسادی که تحقق پیدا کرده است، برخورد نشود؛ مواظب باشند فساد به وجود نیاید. بنده به مسؤولان دستگاههای اجرایی و قضایی تأکید کرده ام، بگردند ببینند جاهایی که گلوگاه فساد است، کجاست؛ آن جا را تحت نظارت قرار دهند؛ نگذارند از اول فسادی به وجود بیاید.

البته مواظب باشند تمایلات و احساسات و بازیهای سیاسی و خطی و جناحی و غیره- که دشمنان از این که این چیزها در بین مسؤولان ما رواج پیدا کند، خوشحال می شوند- به میان نیاید؛ جلوی حق را نگیرد و مانعِ دیدن و نظر کردن و فهمیدن چشمها نشود؛ بلکه باید بی نظرانه و برای خدا عمل شود. اگر این طور شد، به مملکت سود خواهد رسید.

فساد کمتر، سرمایه گذاری بیشتر

بعضی می گویند مبارزه ی با فاسد و مفسد موجب می شود در کشور سرمایه گذاریهای مالی صورت نگیرد؛ این حرف، غلط و از لحاظ علمی رد شده است.

کسانی که متخصص این کارها هستند و دانش این کارها را دارند، می دانند و می گویند اگر در یک کشور فساد وجود داشته باشد، نسبت سرمایه گذاری در آن کشور پایین می آید؛ اینها ثابت شده است. هر چه فساد بیشتر باشد، نسبت سرمایه گذاری کمتر می شود؛ اما هر

چه فساد کمتر باشد، نسبت سرمایه گذاری رشد پیدا می کند. من خواهش می کنم کسانی که به این مسائل آگاهند، بیایند اینها را برای افکار عمومی تشریح و بیان کنند تا عده یی نتوانند با جنجالی کردن مسائل، این حرکت عظیم را تحت الشعاع قرار دهند.

من شک ندارم، کسانی که نمی خواهند این کشور به سامان اسلامی خود برسد، سعی می کنند جلوی این حرکت را بگیرند. البته مسؤولان ما خوشبختانه قاطع و عازم و جازمند؛ اما ممکن است آن افراد، گرفتاری و جنجال درست کنند.

می خواهند مبارزه ی با فساد را تحت الشعاع قرار دهند

این نکته را هم به همه ی ملت عزیزمان عرض کنم: مواظب و مراقب باشید؛ مبادا با ایجاد یک جنجال در گوشه یی، این حرکت عظیم را تحت الشعاع قرار دهند و به دست فراموشی بسپارند؛ اینها هوشیاری ملت عزیز ما را می طلبد. البته مسؤولان هم باید مواظب باشند و بهانه ها را از دست دشمنان بگیرند. اگر مشکلاتی در بعضی از قشرها وجود دارد، تا آن جایی که امکانات مملکت اجازه می دهد، این مشکلات را برطرف کنند و نگذارند دشمنان بهانه به دست آورند و جلوی حرکت مبارزه ی با فساد را بگیرند.

در سالهای گذشته، شعار مبارزه ی با فساد، مکرر مطرح شد؛ در جلسات، به برخی مسؤولان تأکید شد؛ در محافل عمومی، برای مردم بیان شد؛ اما با همین گونه جنجالها و مغلطه کاریها نگذاشتند پیش برود. مسؤولان عالیِ کشور به کسانی که زندگی آنها در لجنزار فساد و رشدشان با فساد است، نباید اجازه دهند با بهانه های گوناگون، جلوی این کار بزرگ را بگیرند.

هماهنگی بین مسؤولان برای مبارزه ی با فساد

در درجه ی اول، وحدت و هماهنگی و همدلی بین مسؤولان قوا مطرح است.

قوه ی مجریه، قوه ی قضاییه، قوه ی مقننه، نمایندگان محترم مجلس، وزرای محترم، قضات محترم؛ همه ی اینها کارگزاران نظام اسلامی و کارگزاران حضرت بقیهاللّه(ارواحنافداه) و در واقع خدمتگزاران این مردمند. همه خود را خدمتگزار مردم

بداننـد. امروز مردم از مبارزه ی با فساد خرسـند می شوند و آن را مطالبه می کنند. هر کس به مردم علاقه دارد، هر که از زبان مردم حرف می زند و برای آنها کار می کند، باید در این مبارزه پیشقدم باشد.

با فساد مبارزه شود، نه با بی گناه

البته همه ی دست اندرکاران هم باید سعی کنند که در این زمینه، ظلم و ناروایی به وجود نیاید. با فساد و فاسد و مفسد مبارزه کنند، نه با بی گناه؛ این هم باید مراقبت شود.

تبعیض هم نبایـد باشـد- همان طور که عرض کردیم- با یک چشم به افراد نگاه کننـد. اگر این طور شد- که به لطف و فضـل الهی ان شـاءاللّه همین طور هم هست و خواهـد بود- آنگاه الطاف الهی شامل حال خواهـد شـد و خـدای متعال کمک خواهد کرد تا این حرکت پیش برود و ان شاءاللّه در همه ی بخشها مسؤولان بتوانند به وظایف خود بدرستی عمل کنند.

از خداونـد متعـال می خواهیم که الطـاف خود را بر این ملت عزیز نـازل کنـد و ان شـاءاللّه این ایـام- این ماه مبارک و ماه ذی حجه و دهه ی مبـارک فجر- را روزهـا و ماههـای لطف و مرحمت و برکات خود برای ملت و کشور قرار دهـد و قلب مقـدس حضرت ولی عصر را از ما راضی و خشنود و دعای آن بزرگوار را شامل حال ما کند.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت الحرام(۱/ ۱۲/ ۱۳۸۰ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الحرام

اشاره

(۱/ ۱۲/ ۱۳۸۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

والحمـدللَّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی سیدالبریّه محمد وآله الطاهرین وعلی صحبهالمخلصین و السّلام علی عباداللَّه الصالحین. قال اللَّه تعالی: إِنَّ هذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّهً واحِدَهً وَ أَنَا رَبُّکُمْ فَاعْبُدُونِ.

حج؛ آرزوی دینداران، بهشت ذاکران و فرصت صالحان

حج که آرزوی دینداران و بهشت ذاکران و فرصت صالحان است، بار دیگر فرارسیده است. از سراسر جهان امسال نیز جمعی به این میهمانی عمومی راه یافته اند.

غرقه شدن در فضای نورانی عبادت و خشوع و یادآوری خاطرات صدر اسلام و جستجو از نشانه های فلاح و عزت که این قطعه از زمین را در آسمانهای دور دست تاریخ، چون خورشیدی تابناک نشان میدهد، نخستین بهره های دل و ذهنِ مسافر تشنه و هوشیار است.

در اینجا تار و پود تعلّقات و آلودگیها و غفلتها، همراه با لباس و زیور جسمانی، هرچند بطور موقّت از آدمی جدا می شود و سپید جامه ی احرام، صفا و پاکی و یکرنگی را بر جسمها و دلها چیره میسازد. راه برای دیدن و شنیدن و فهمیدنی که مایه ی رستگاری ابدی است گشوده میگردد؛ جوانه های صلاح و معرفت و برادری اسلامی، سرسبز میشود، و دست هدایت الهی نمایان میگردد.

اینجا اردوگاه بزرگ امت اسلامی، است؛ جایگاه تمرین خدائی و مردمی شدن، از «خود» های دروغین و شرک آلود بیرون جستن، و به «خود» حقیقی و ا لهی پیوستن. اینجا

جایگاه برائت از دیو و دَد و شیطان و پیوستن به جنود رحمان است. جایگاه تجدید عهدِ:

ان لا تعبدواالشیطان و پاسخ به: ان اللَّه بریٌ من المشرکین و رسولُه است. اینجا محلّ تجلی امت واحده ی اسلامی و مظهر عزّت معنوی و قدرت بشری مسلمانان است.

این ویژگیها در روزگار ما که تقابل حق و باطل و نیروهای خیر و شر، در مرحله ی خطیر و حسّاسی است، معنای بارزتری یافته است.

ندای رحمت پیامبر، رساتر از همیشه به گوش می رسد

امروز ندای پیامبر رحمت، رساتر از همیشه به گوش میرسد، و دعوت اسلام که دعوت به عدالت و آزادگی و رستگاری است، با طَنین بیشتری شنیده میشود. پاره های شب سیاه استکبار و ظلم و خودکامگی از سوئی و جهل و خرافه و فریب ازسوی دیگر، بشر را بیش از گذشته، نیازمندِ نور رستگاری و تشنه ی عدل و صلح و برادری کرده است.

امروز ندای ملکوتی: تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الّا نعبد الّااللَّه .. که ردٍّ خداوندان زور و زر و صف آرائی در برابر ستم و ستمگر است، گوش و دل اسیران و ستمدیدگان را بیش از همیشه مینوازد، و مژده ی: انّ اللَّه علی نصرهم لقدیر، به آنان دلگرمی و امید می بخشد.

نخستین مخاطب این الهام خدائی ملتهای مسلمانند. بیداری اسلامی، شرق و غربِ جهان اسلام را به جنب و جوش آورده و احساس هویّت و شخصیّت را در آنان باز آفریده است. پرچم عزت و اقتدار اسلامی در ایران به اهتزاز در آمده؛ ملت مظلوم فلسطین با تمسک به شعار اسلام، افقهای صهیونیزم را به یأس و ناکامی انباشته؛ جوانان در کشورهای اسلامی به میدان مطالبات آرمانی پانهاده و در برابر تجاوزگران و مستکبران عالم تهدیدی بزرگ آفریده اند.

آشکار شدن چهره ی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله

امروز به رغم تهمتها و تحریفهائی که به وسیله ی مراکز تبلیغی صهیونیستی و استکباری، سیل آسا به سوی اسلام و منادیان شجاع و فداکارش جاری است، تفکر

اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله چهره ی خود را برای مردم جهان بتدریج آشکار ساخته است.

بتدریج همه در میابند که اسلام دین عدل و آزادی و رستگاری است، دین خرد و اندیشه و دانش است. اسلام، دینِ زندگی است، امّا زندگی تهی از شرف و آزادگی و عزت را مرگ میشمارد. دینِ عقلانیت است، اما با نفسانیتی که خود را عقلانیت مینمایاند و دستمایه ی همان کسانی است که پیامبران خدا را مجنون میخواندند، مبارزه میکند. دین اتحاد و برادری و صلح جهانی است، اما اتحاد ظالم با مظلوم و فشردن دست جلاد بر سر جنازه ی شهیدان عدالت را خیانت میشمرد. دینِ واقع بینی و حسابگری است، اما توجیه ستمهای جهانی بنام واقع بینی را گناه میداند. دین احکام جاودانه است، اما جمود و قشری گری را نمی پذیرد. دین اجتهاد و نواندیشی است، اما بدعتگذاری و التقاط را رد میکند. دین گذشت و اغماض است، اما ظلم پذیری و ذلت را مُجاز نمیداند. دین تمدن و علم و آبادانی است، اما علمی را که وسیله ی بردگی و کشتار ملتها و تمدنی را که دستاویز تحقیر انسانها باشد، جهل و وحشیگری میشمرد. دین جهاد است، اما جنگ بی منطق و قدرت طلبانه را جهاد نمی نامد. دین عزت و قدرت و حاکمیت است، اما این را دستمایه ی توجیه وسائل ناشرافتمند نمی سازد.

اسلام، پاسدار حُرمَت و حقوق انسانها است، تضمین کننده اخلاق و فضیلت است، منادی آرامش و امنیت است. زشت ترین دروغ و نا جوانمردانه ترین تهمت را کسانی مرتکب میشوند که اسلام را در مقابله با حقوق بشر و مدنیت و امنیت قلمداد کرده و این را وسیله ئی برای توجیه قدرت طلبی ظالمانه ی خود بر علیه ملتهای مسلمان قرار میدهند.

امت اسلام در تیررس انواع تهدیدها و اهانتهاست

ملتهای مسلمان! علمای دین! روشنفکران، جوانان و غیرتمندان جهان اسلام!

امت اسلام اینک در تیر رس انواع تهدیدها و اهانتها است، استکبارِ عنان گسیخته به سردمداری رژیم امریکا و دلّالی و آتش افروزی رژیم صهیونیستی، از تجزیه و گسست ملتهای اسلامی بیشترین سوءاستفاده را میبرد. قیام خونین ملت فلسطین و پرچم پر افتخار انتفاضه، طرّاحان سیاسی استکبار را خشمگین و سراسیمه کرده و آنان را به

اعمال گستاخانه و قدرت نمایی دیوانه وار وسوسه می کند. حوادث شهریور ماه نیویورک بهانه ی زورگویی های روزافزون کاخ سفید و جنایتهای بی سابقه ی دولت صهیونیست در فلسطین شده است. پس از عملیات فاجعه باری که آمریکا در افغانستان به بار آورد، چهره ی نظامی و خشن دولت ایالات متحده، روز بروز بیش از گذشته فضای جهانی را به ناامنی و جنگ و کشتار تهدید می کند. مبارزه با تروریسم و دفاع از صلح در خاورمیانه به بهانه هایی برای خشونت طلبی و زورگویی امریکا و پوششی برای سلطه طلبی و دست اندازی به منافع و منابع حیاتی ملتها تبدیل شده اند.

شوخی زشت و طعنه زنی به حقیقت

شوخی زشتی است که بانی بیشترین ترورها، و به راه اندازنده ی بیشترین کودتاها، و تولید کننده ی مهلکترین سلاحها، و پشتیبانی کننده ی خطرناکترین تروریستها، مدّعی رهبری مبارزه ی بحقّ جهانی با تروریسم باشد. و طعنه زنیِ وقیحانه یی به حقیقت است که کشتار زن و مرد و کودک فلسطینی و خراب کردن خانه ی فلسطینیان بر سرشان و بیرون راندن آنان از میهن آباء و اجدادیشان، طرفداری و دفاع از صلح نام گیرد.

ایران اسلامی ازسوی سردمداران کاخ سفید به اخلال در روند صلح خاورمیانه متصف میگردد. غافل از اینکه تجاوز ناعادلانه به حقوق ملت فلسطین و غصب سرزمین آنان که بدروغ، صلح نام گرفته است برای ناکامی و بی سرانجامیِ خود، محتاج اخلال کسی و دولتی نیست. این روند ظالمانه به خودیِ خود، محکوم به زوال و ناکامی است، و بیداری غیورانه و فداکارانه ی امروز ملت فلسطین از نشانه های حتمی آن است.

مجاهدت عظیم و مبارک ملت ایران

ایران اسلامی پرچم اسلامِ عزّتمند و و روشن بین و رستگار کننده و آزادیبخش را با تهدید زورگویانه ی مستکبران از دست فرو نمی نهد. ایران اسلامی تروریسم را دشمن سعادت بشر می داند و بهای گزافی را در مبارزه با تروریستهای دست پرورده ی امریکا و اسرائیل پرداخته است. ایران اسلامی تسلیم زور و تهدید و مرعوب چهره ی عبوس

استکبار نمی شود. ملت و دولت ایران مواضع شجاعانه و مستقل و خردمندانه ی خود را که درس ماندگار امام خمینی عظیم است، قدر میدانند و از آن دفاع می کنند. راهپیمایی پر صلابت و سراسری ملت ایران در ۲۲ بهمن امسال پاسخ هوشمندانه یی بود به یاوه سرایانی که به گمان باطل خود خواستند میان مردم و نظام اسلامی یا میان ارکان اصلی نظام، جدایی و فاصله را القا و یا تبلیغ کنند. ملت و دولت ایران تهدیدها و جنگ افروزیهای امریکا را که حاکی از تجاوزطلبی و وحشیگری است محکوم می کنند و منطق ضعیف و رویکرد خشونت طلبی آن رژیم را نشانه ی ضعفها و گسست های اساسی و عمیق در بنیان نظام ظالمانه ی استکباری می دانند.

ملت و دولت ایران، ملتهای برادر را به اتحاد فرا میخوانند و دست برادری به سوی آنان دراز می کنند؛ علما و روشنفکران و سیاستمداران و دنیای اسلام درس وحدت و استقامت و معرفت را برای ملتهای خود تکرار کنند و جوانان بالنده ی این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش گرفتن بار امانتی سنگین و شالوده ریزی امت متحد و یکپارچه ی اسلام آماده سازند.

حج، نقطه ی آغاز و منبع لایزالی برای این مجاهدت عظیم و مبارک است.

از خداوند متعال می خواهم که همه ی شما را با ذخیره یی سرشار از معنویت و معرفت به میهن های خود بازگرداند و دعای حضرت ولیّ اللّه الاعظم را شامل حال امت اسلامی فرماید. وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّه

سیدعلی خامنه ای

ص: ۲۹۲

بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج(۲۵/ ۱۰/ ۱۳۸۱ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج

اشاره

(۲۵/ ۱۰/ ۱۳۸۱ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

ایام حج؛ اوج کرامت و عظمت

اولًا خوش آمد عرض می کنم. ثانیاً ولادت با سعادت حضرت امام اباالحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام را- که به برکت وجود قبر مطهر آن بزرگوار در سرزمین ما، حضور معنوی ایشان در سرتاسر کشور و در دل آحاد مردم ما آشکار است- تبریک عرض می کنم. امام هشتم علیه السلام ولی نعمت معنوی و فکری و مادی ملت ماست. امیدوارم به برکت این ولادت عظیم و شریف و به برکت وجود آن بزرگوار و معنویت ساطع از قبّه ی مطهر ایشان، خداوند شما را که خدمتگزاران میهمانان و زایران بیت اللَّه هستید، مشمول الطاف الهی قرار دهد و دلهای شما را به نور هدایت الهی منور کند!

حرمت ماه های ذیقعدهالحرام و ذیحجّهالحرام و محرم الحرام، به معنای عظمت این ماه ها و احترام بزرگی است که این روزها و شبها و ساعات در تکوین و اراده ی الهی دارد. ایام حج، اوج این کرامت و عظمت است؛ و حضور حجاج در مناسک و در مرکز توحید دنیای اسلام- یعنی مکه ی مکرمه- از بزرگترین برکات ماه های حرام است.

بی جهت نبود که اسلام در میان احکامی که قبل از اسلام بین مردم رایج بود، حرمت ماه های حرام را تقریر فرمود. این طور نبود که فقط پیغمبر اکرم با عرب جاهلیِ آن روزگار مماشات کرده باشد، که چون آنها حرام دانسته اند، اسلام هم اینها را حرام بداند؛ نه، این به معنای آن است که چهار ماه حرام- «مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُم»- حقیقتاً امتیازی دارند؛ کما این که

در طول سال، روزها، شبها، هفته ها و دهه های مشخصی امتیازاتی دارند. این ماه ها امتیاز دارند و همه ی ما باید قدردانی کنیم؛ بخصوص حجاج بیت اللّه الحرام؛ کسانی که امسال به این سعادت عظمی فائز خواهند شد و همچنین شما که خدمتگزاران آنها هستید، باید این ایام را به عنوان مقدمه ی تشرف به آن سعادت عظمی مغتنم بشمارید. امیدواریم خداوند متعال توجهات و هدایات ویژه ی خود را شامل همه ی شما بفرماید و ان شاءاللّه دلهای شما را منور کند.

حج؛ یک واجب استثنایی

حقیقت این است که حج یک واجب استثنایی و یک مراسم عجیب و پُر رمز و راز است. اگرچه در باب حج بسیار گفته اند و همه گفته اند و مطالب شیوا و زیبایی هم بیان کرده اند، اما مسأله ی حج خیلی عمیق تر از چیزی است که ما تا امروز فهمیده ایم. حج، یک حرکت عبادی خالصِ عمیق- خضوع، خشوع، ذکر، عبادت، تضرع و توسل- و با حالت اجتماع است. در کنار هم قرار دادن این دو چیز، مسأله را خیلی پُرمعنا می کند.

اگرچه در اسلام عبادات اجتماعی، مثل نماز جماعت و نماز جمعه و نماز عید وجود دارد، اما این اجتماع عظیم و این مرکزیت دادن به ذکر و توحید و کشاندن همه ی مسلمانها از آفاق عالم اسلامی به یک نقطه ی واحد، خیلی معنا دارد. این که همه ی ملت مسلمان و امت اسلامی با وجود اختلاف لهجه ها و نژادها و عادات و سنن و سلایق و اختلاف مذاهب موظفند در یک نقطه جمع بشوند و اعمال ویژه یی را با هم انجام بدهند و این اعمال هم صرفاً عبادت و تضرع و ذکر و توجه است، خیلی پُرمعناست. معلوم می شود بنا بر نظر اسلام و دید اسلامی، اتحاد دلها و جانها فقط در میدان سیاست و در جهاد نیست؛ حتّی رفتن به درِ خانه ی خدا و کنار هم قرار گرفتن دلها و با هم بودن تن ها و جانها نیز دارای اهمیت است. لذا ملاحظه بفرمایید در قرآن کریم می فرماید: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً. اعتصام به حبل اللّه، تنها تنها فایده یی ندارد؛ «جمیعاً» مهم است. با هم اعتصام به حبل اللّه کنید؛ با هم به نقطه ی اطمینان بخش تعلیم و تربیت و هدایت الهی چنگ بزنید. با هم بودن مهم است؛ دلها با هم، جانها با هم، فکرها با هم، تن ها در کنار

هم. طوافی که می کنیـد- این حرکت دایره وار بر گرد یک مرکز- نماد حرکت مسـلمانان بر گرد محور توحیـد است. همه ی کارها و اقـدامات و همتهای ما بایـد بر گرد محور وحدانیت الهی و توجه به ذات اقدس ربوبی باشد. این درس، مربوط به همه ی زندگی است. کسانی که می خواهند احکام اسـلامی را به کنج خانه ها و عبادتگاه ها و دلها منحصـر کنند و فعالیت عرصـه ی اجتماع را از دین عاری کننـد، به این نکات اسـلامی توجه ندارنـد. سـعی بین صـفا و مروه یی هم که همه ی آحاد مسـلمان باید آن را طی کنند، همین طور است. سعی، حرکت با همت، با شدت، با توجه، با اراده و حرکت آگاهانه است و همه باید با هم حرکت کنند؛ بروند، و بیایند. اجتماع عظیم در عرفات و مشعر و منا هم همین طور است.

این کارهای دسته جمعی عظیم که نظیر آن را در هیـچ مـذهب و مکتبی و در هیچیک از احکام دیگر اسلامی نمی شود پیـدا کرد، نشاندهنـده ی عظمت این واجب است. این جا یـک ذخیره ی الهی گذاشـته شـده است که هرکس توفیـق پیـدا می کند دستی به سمت این ذخیره دراز کند، باید حداکثر استفاده را بکند.

از فرصت حج، همه باید استفاده کنند

هرچه می توانیـد، در ایـام حـج از این ذخیره اسـتفاده کنیـد. این اوقـات، هم روزهـا و زمان، متبرک است و هم مکان، متبرک است. هم از لحـاظ زمـان، در اوج حرمت مـاه هـای حرام قرار دارد؛ هم از لحـاظ مکان، در نقطه ی اعلای مناطق متبرک- که خانه ی خدا و مرکز توحید و توجه نفوس همه ی مسلمانها در همه ی شبانه روزهاست- قرار دارد.

حاجی در آن جا بایـد رابطه ی خود را با خدا قوی و مسـتحکم کند؛ با قرآن انس پیدا کند و تضـرع و ذکر و حضور را وظیفه ی دایمی خود بداند. انسان گاهی خیلی متأسف می شود که بعضی به آن جا بروند و دنبال کالاهایی بگردند که این کالاها را همه جا می شود پیدا کرد. بعضـی، عمر و پول و آبرو و وقت عزیزشان را صرف می کنند تا به بازارهای گوناگون بروند و این کالاها را بیاورند؛ اینها کالاهای معمولی زندگی است و همه جا وجود دارد.

در آن جـا کالایی هست که در هیـچ جای دیگر نیست: کالای رضای الهی، زیارت خانه ی خـدا، زیارت قبر مطهر پیغمبر؛ این کجا دیگر پیدا می شود؟ این مکان و این زمان را دیگر

کجا می شود پیدا کرد؟ از این فرصت باید همه استفاده کنند. شما که میزبانان و میهمانداران و خدمتگزاران حجاج هستید، این نکات را باید دایم به یکایک آنها یادآور شوید. زلال معنویت و هدایت به وسیله ی این مجموعه های مؤمن و علاقه مند، باید دایماً به سوی دلهای تشنه ی حجاج روانه شود. خیلی از این فرصتها در اختیارات امت اسلامی هست که اگر از آنها استفاده بشود، امت اسلامی همان چیزی خواهد بود که قرآن برای او خواسته است: فَلا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمُ ٱلْأَعْلَوْنَ یا وَلا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ ٱلْأَعْلَوْنَ؛ شما برترین هستید. البته نه برترین به خاطر نژاد، نه برترین به خاطر این که با خدا خویشاوندی یی دارید- هیچ کس از آحاد آفرینش، نسبت ویژه یی با خدا ندارد- اما شما برترین هستید، به خاطر انتساب به مکتبی که می تواند بشریت را در عصر حیرتش نجات بدهد؛ می تواند در طول قرون، مشعل هدایت را به دست انسانها بدهد و آنها را خوشبخت کند و به نقطه ی امن و امان و تکامل برساند؛ این امتیاز شماست. بقیه ی ادیان، مقدمه ی ورود این دین در معرض اندیشه ی بشریت بود- «انتم الاعلون»- به خاطر این که این ایمان در اختیار شماست؛ از این باید استفاده کنید.

قرآن انسان را هدایت می کند

همین ایمان است که می تواند قدرتهای شیاطین و فراعنه را خرد کند و در هم بشکند؛ همچنان که شکست. روزهای ظهور اسلام، چه کسی خیال می کرد جمع معدود مظلوم کم قوّتی در یک گوشه ی مکه، به برکت این آیات الهی بتوانند بزرگترین تمدن زمان خود را به وجود بیاورند و مدنیت بشری را ارتقاء و رشد بدهند و این قلمرو عظیم و این رمعه ی وسیع را به وجود بیاورند و این طور در عمود زمان، با عزت و افتخار باقی بمانند؟ عده یی خیال می کردند بزودی همه چیز از بین خواهد رفت؛ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ؛ خیال می کردند پیغمبر در هر یک از حوادثی که برایش پیش آمد، موفقیتی به دست نخواهد آورد؛ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلى أَهْلِيهِمْ أَبَداً.

وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْماً بُوراً؛ آنهایی که به خدای متعال سوءظن دارند، آنهایی که اهمیت و ارزش گوهر گرانبهای دین را نمی دانند، همان «قوما بورا» هستند؛

ما مسلمانها نباید به آن جا برسیم. قرآن می تواند انسان را هدایت کند؛ از انسانِ لَفِی خُسْرٍ برساند به انسانی که إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ؛ به سوی خدا حرکت و صیرورت پیدا کند و با او ملاقات نماید. این حج، مظهر این قرآن است.

ایمان خالصانه ی مؤمنین طول تاریخ اسلام، از این قرآن ناشی شده است؛ این را باید قدر دانست.

امروز دنیای اسلام دارد ضربه می خورد

مثل همه ی ذخایر دیگر ما، این ذخیره هم مورد تهاجم است. اینهایی که می بینید در مراسم حج دنبال اختلاف افکنی، فتنه انگیزی و ترویج افکار موهوم و خرافی و متحجر خود هستند، همان سرانگشتهای دانسته یا نادانسته یی هستند که دارند این ذخیره را نابود می کنند و از بین می برند. کسانی که نمی گذارند شوکت و شکوه و عزت و عظمت این وحدت به چشم امت بزرگ اسلامی منعکس شود و بازتاب پیدا کند، جزو کسانی هستند که دارند این ذخیره را نابود و ضایع می کنند. کسانی که نمی گذارند وحدت و شکوه عظیم امت اسلامی- آن هم در راه خدا، نه عظمت به عنوان تفاخر، نه عظمت به عنوان استعمار و تحقیر دیگر ملتها، نه عظمت به عنوان جنگ افروزی علیه ضعفای عالم؛ بلکه عظمت در جهت ارزشهای الهی و در راه توحید- به دنیای اسلام منعکس شود، به بشریت ظلم می کنند. امروز دنیای اسلام براثر نادیده گرفتن این ذخیره ی عظیم الهی دارد ضربه می خورد. شما ببینید مستکبران و فراعنه ی عالم، امروز در منطقه ی خاورمیانه با مسلمانها و کسانی که این گوهر عظیم را در بغل خود دارند- که متأسفانه درست استفاده نمی کنند- چه می کنند. ببینید با ملت فلسطین چه می کنند. ببینید برای عراق چه نقشه هایی دارند می ریزند. ببینید برای تصرف منابع مادی و معنوی و ثروتهای این منطقه چه خوابهای خوشی دیده اند. امت اسلام می تواند جلوی اینها بایستد و این حرکات سبعانه را خنثی کند؛ به شرط این که به ریسمان مستحکم و عروهالوثقای الهی توجه کند. شرط دشواری است، اما ممکن است. همه ی آرمانها- از جمله این آرمان- با گفتن و شنیدن و فهمیدن و پای فشردن تحقق پیدا می کند.

مسائل جهانی را با معیار اسلام می سنجیم

یک روز بود که در کشورهای عربی و میان ملتهای مسلمان هیچ نامی از عظمت و شوکت اسلام نبود؛ اما امروز به برکت پای فشاری ملت ایران بر روی آرمان اسلام و فداکاری و قبول مجاهدت، وجود دارد. ملت ایران به نفع امت اسلامی بار سنگینی را بر دوش گرفت. البته بزرگترین بهره را خود ملت ایران و مجاهدان فی سبیل اللّه می برند؛ اما دنیای اسلام هم از مجاهدت آنها بهره مند می شوند. نظام مقدس جمهوری اسلامی که خود را زیر پرچم برافراشته ی اسلام قرار داده است، به همه ی موازین اسلام پایبند است.

ما همه ی مسائل جهانی را با معیار اسلام می سنجیم؛ و این دقیق ترین معیار و بهترین ملاک مصلحت است. نباید خیال کرد چون ما از دید اسلامی به حوادث نگاه می کنیم، نمی توانیم حوادث را تحلیل کنیم یا در حوادث، راهبردِ درست پیدا کنیم؛ بعکس، اسلام به دست ما مشعلی می دهد که جلوی راهمان را ببینیم.

کدام زندگی راحت؟

کسانی که در مقابل زورگویی امریکا و سبعیت و وحشیگری بی نظیر صهیونیستها خود را باخته اند، تسلیم شده اند و حتّی به آنها کمک کرده اند، به خاطر این که ملاحظه ی اسلام را نکرده اند، به این بلیه ی بزرگ دچار شده اند؛ نه دنیاشان درست شد و نه توانستند برای خود شرف و عزت انسانی درست کنند؛ پیش خدای متعال هم مؤاخذند. دولتها و کشورهایی که حاضر نشدند از مظلومیت ملت فلسطین دم بزنند و به طور جدی از آن ملت مظلوم دفاع کنند و الآن هم حاضر نیستند در مقابل زیاده خواهی و زیاده خواری امریکا در این منطقه انتقاد بکنند و جلوی او بایستند، دنیای آنها هم دنیای خوبی نیست.

ساده لوحی است اگر خیال کنیم اینها چهار قدم با امریکا راه می آیند، اما عوضش راحت زندگی می کنند. کدام زندگی راحت؟! تجربه های حول و حوش ما، در دنیای اسلام، پُر از ناکامی کسانی است که نوکر و معاون و همراه شیطان شدند. اینها تا وقتی برای آنها و سرمایه داران و شرکتهایی که پشتوانه ی آن سیاستها هستند، مفیدند، از اینها استفاده

می کنند؛ بعد مثل سنگ استنجای شیطان- به قول مولوی- آنها را دور می اندازند. این تجربه ی موجود ماست.

از ذخیره ی حج استفاده کنید

اسلام به امت اسلامی و حکام اسلامی عزت و قدرت و شجاعت می بخشد تا بتوانند اقدام کنند، بفهمند و راهشان را ببینند. حج فرصت بزرگی است که این حقایق و حقایق فراوانی از این قبیل- که به برکت معرفت اسلامی و هدایت اسلامی در اختیار ما ملت مسلمان ایران است- در اختیار افکار عمومی مردم دنیا گذاشته شود و آنها بیدار شوند. خیلی از دلهای دنیای اسلام بیدارند؛ باید احساس کنند که در سرتاسر جهان اسلام، فکرِ آنها طرفدار دارد تا جرأت و شهامت و شجاعت لازم را پیدا کنند. همه ی اینها در سایه ی معنویت حج است؛ از معنویت حج و بهره برداری از مفاهیم عالی ادعیه و زیارات و آیات کریمه ی قرآن غفلت نکنید. هرچه می توانید، از این ذخیره ی عظمی استفاده کنید. ان شاءاللّه با دست پُر از این سفر برگردید.

از خدای متعال می خواهیم به همه ی شما برادران و خواهران عزیز که در خدمت حجاج هستید و بخصوص مسؤولان محترم این کار بزرگ که حقاً و انصافاً زحمات زیادی می کشند و مشکلات بزرگی را متحمل می شوند و آنها را حل می کنند، توفیق دهد. همچنین از بقیه ی دوستانی که از دارالحدیث و دانشکده ی مربوط به این کار، در این جا تشریف دارند، تشکر می کنیم. امیدوارم همه ی شما مشمول رحمت و لطف و هدایت الهی باشید و ان شاءاللّه بتوانید در این ایام متبرک و در این سفر متبرک بیشترین بهره را از سوی پروردگار متعال به دست بیاورید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

ص: ۲۹۹

پیام به حجّاج بیت اللّٰه الحرام(۱۸/ ۱۱/ ۱۳۸۱ ه. ش.)

پیام به حجّاج بیت اللّٰه الحرام

اشاره

(۱۸/ ۱۱/ ۱۳۸۱ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

گردهمایی میلیونی مسلمانان در حج، پدیده ای بی نظیر و شگفت انگیز است. همه ملت های مسلمان از همه جای جهان و از همه قشرهای اجتماعی، در این چند روز در خانه خدا، زادگاه اسلام و پیامبر عظیم الشأن آن گرد می آیند و آیین های پر رمز و راز حج را برپا می دارند. در این شعائر پرشکوه و پرمعنی، پیوند دل ها با خدای بزرگ، پیوند دل ها با یکدیگر، حرکت بر محور توحید، سعی و تلاش همگانی، رمی شیطان و برائت از طاغوت، ذکر و تضرّع و خشوع در برابر خدا، و احساس عزت و عظمت در پرتو اسلام، همه در عمل و بگونه ای نمادین به ملت های مسلمان، آموزش داده می شود؛ و مهربانی و همزیستی با برادران و استحکام و سرسختی با دشمنان، و رها شدن از پیرایه های خودپرستی و پیوستن به دریای عزت و عظمت الهی در قالب مناسک حج تجسّم می یابد.

حج، نِماد امت اسلامی

حج، نِماد امت اسلامی و آموزنده نوع رفتاری است که این امت بزرگ برای تأمین سعادت خود باید در پیش گیرد. می توان حج را در حرکت هدفمند و آگاهانه و متنوّعِ همگان در جهتی واحد خلاصه کرد. تار و پود این حرکت، یاد خدا و همدلی بندگان خدا است، و هدف آن ایجاد پایگاه مستحکم معنوی برای زندگی سعادتمندانه انسان:

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرامَ قِياماً لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ الْهَدْيَ وَ الْقَلائِدَ.

امت اسلامی اکنون برابر الگوی حج، به حرکت بزرگ و هدفداری در زندگی واقعی خود نیازمند است و همه، چه دولت ها و چه ملّت های مسلمان، در این مسؤولیّت سهیمند.

اسارت سیاسی و اقتصادی

کشورهای اسلامی در یک قرن اخیر ضایعات جبران ناپذیری را تحمّل کرده اند.

موج استعمار و کشورگشایی غربیان، بیشترین آسیب را به ملت های مسلمان زد که ثروت ها و منابع مادی شان، آنان را آماج تهاجم های همه جانبه دول استعمارگر ساخته بود. حاصل این دست اندازی ها برای مسلمانان، اسارت سیاسی و اقتصادی و عقب افتادگی علمی و مادی بود، و برای استعمارگران، بهره مندی از منابع مادی و انسانی مسلمین و افزودن بر ثروت و قدرت خود از راه غصب و ظلم و جنگ افروزی و خشونت.

پس از گذشت سال های متمادی ملت های مسلمان به خود آمدند و نهضت بیداری مسلمانان و پرچم های حق طلبی و آزادیخواهی در سراسر جهان اسلام، افق های نوید بخشی را در برابر آنان گشود و در نهایت، پیروزی اسلام در ایران و برپا شدن نظام جمهوری اسلامی، آغاز دوران نوینی را برای جهان اسلام اعلام کرد.

بدیهی است که کانون های زر و زور جهان به آسانی تسلیم حق نمی شوند و ملت های مسلمان، راهی دراز و دشوار ولی مبارک و خوش عاقبت در پیش رو دارند.

رهروندگان این راه اگر استقامت بورزند خود و نسل های پس از خود را از ذلت عقب ماندگی و اسارت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رها خواهند ساخت و طعم گوارای زندگی در سایه اسلام را خواهند چشید.

این راه، راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع قدرتمندانه از حقّ روشن است. در این میدان، مسلمانان مدافع شرف و عزت و حقوق پایمال شده خویشند.

انصاف و وجدان بشری، قاضی آگاه و بی گذشتی است که این مجاهدت مظلومانه را تایید می کند و سنت الهی، پیروزی حتمی آنان را نوید می دهد: أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ

بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلی نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. استکبار جهانی یعنی شبکه در هم تنیده کارتل های نفتی و اسلحه سازی و صهیونیسم جهانی و دولت های وابسته به آنان، با خطری که از سوی بیداری امت اسلامی احساس می کنند، با تلاشی سراسیمه در حال تهاجم اند. مظهر این تهاجم که دارای ابعاد سیاسی و تبلیغی و نظامی و تروریستی است، امروز در رفتار و گفتار خشونت بار و صریح نظامیان حاکم بر ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به وضوح دیده می شود: فلسطین مظلوم و خونین، روزانه در معرض قساوت آمیزترین برخوردهای رژیم غاصب است. ملت فلسطین همه مصیبت ها را از قتل و غارت و تخریب و شکنجه و تحقیر و اهانت، فقط به این جُرم تحمل می کند که جرأت یافته تا حق پایمال شده ی خود را پس از نیم قرن به طور جدّی مطالبه کند.

ملت عراق، نعره های تهدید به جنگ را به این دلیل دریافت می دارد که رژیم امریکا برای تسلط بر جریان حیاتی نفت و غارت باقی مانده ی منابع نفتی این منطقه و حضور مؤثر در کنار مرزهای فلسطین و ایران و سوریّه و عربستان سعودی، لازم می داند در عراق استقرار یابد و سرنوشت آن کشور و بر اثر آن، سرنوشت همه کشورهای خاورمیانه را در چنگ خود بگیرد.

ملت افغانستان فقط به این دلیل در یکسال و چند ماه گذشته بمب ها و سلاح های کشتار جمعی امریکا و انگلیس و نیز دخالت و حضور اهانت بار و اشغالگرانه آنان را بر جسم و جان خود لمس کرده که دولت امریکا منافع نامشروع خود را اینگونه تعریف کرده است.

طمع ورزی شبکه های استعماری

طمع ورزی این شبکه استکباری و ضدبشریت، حد و مرز نمی شناسد. اگر در نیم قرن قبلی، امریکا خود را صاحب اختیار کشورهای آمریکای لاتین می خواست، در نیم قرن کنونی خود را سلطان و دیکتاتور بی قید و شرط همه کشورهای منطقه اسلامی می خواهد. هدف گیری ها و برنامه ریزی های بین المللی و پرضایعه امریکا، همه ناظر به این مدّعای متکبرانه و در عین حال احمقانه است.

شک نیست که امریکا و متحدانش ناکام خواهند شد و دنیا یکبار دیگر شاهد

سقوط یک امپراتوری قدرتمند ولی مَست خواهد بود، همچنانکه هم در افغانستان و هم در فلسطین، محاسبات مستانه آنان غلط از آب درآمد. ولی اگر امت اسلامی- چه دولت ها و چه ملت ها- به موقع و خردمندانه و شجاعانه تصمیم نگیرند، بار دیگر خسارت های سنگین و دیرجبرانی خواهند داشت.

تحرکات دیوانه وار

امریکا در دور تازه ی تحرکات دیوانه وار خود، که پس از حادثه بشدّت مشکوک ۲۰ شهریور آغاز شده، دست به یک حمله تبلیغاتی نیز زده است: یعنی پرچم دموکراسی و تروریزم ستیزی را بر سر نیزه کرده و برای ملت های اسلامی در مذمّت سلاح کشتارجمعی و سلاح شیمیایی داد سخن می دهد. آیا نمی اندیشد که ممکن است مسلمانان بپرسند: اینها را چه دولت ها و شرکت هایی در اختیار رژیم بعث عراق قرار دادند؟ پس نوزده هزار بمب شیمیایی را که ادعا می کنید رژیم بعثی عراق در انبار داشته و چون سیزده هزار آنها را بر سر ایرانی ها ریخته پس شش هزار آن باید موجود باشد و شما به این دلیل حمله آینده خود به کشور عراق را توجیه می کنید، این تعداد سلاح و وسیله شیمیایی از کجا به دست رژیم عراق رسید؟ آیا کسی جز شما و هم پیمانانتان شریک جرم در این فاجعه تاریخی است؟

حامی تروریزم

آیا نمی اندیشد که ادعای مبارزه با تروریزم و متهم کردن گروهی مجهول و نامشخص نمی تواند ملت های مسلمان را که پشتیبانی امریکا را از وحشی ترین تروریست جهان یعنی رژیم اسرائیل می بینند، فریب دهد؟ امریکا با این تحرک تبلیغاتی پرهزینه و دیوانه وار، اکنون در چشم ملت های مسلمان، مظهر دروغ و دغلبازی و حیله گری است.

امریکای متکبّر و مستکبر در فلسطین و افغانستان به هدف های خود نرسیده است و آن هزینه گزاف مادی و معنوی جز خسران نداشته است، و از این پس نیز بر همین گونه خواهد گذشت، ان شاءاللّه.

قبضه کردن اوپک

در عراق نیز ادعا می کند هدفش حذف صدّام و رژیم بعثی است، و البته دروغ می گوید و هدف واقعی اش قبضه کردن اوپک و بلعیدن نفت منطقه و حمایت نزدیکتر از رژیم صهیونیستی و توطئه گری نزدیکتر بر ضد ایران اسلامی و سوریه و سعودی است.

قدر مسلم آن است که اگر امریکا بر عراق چه با جنگ و چه بی جنگ سلطه پیدا کند، اولین قربانی این اشغال خصمانه، ملت عراق و شرف و غیرت و ناموس و ثروت آن ملت تاریخی است. و اگر آن ملت و کشورهای مجاور آن بهوش باشند به این هدف ها هم نخواهد رسید ان شاءاللّه.

سرچشمه ی مقاومت ملتها

استکبار می داند که سرچشمه مقاومت ملت ها و دولت های مسلمان، اسلام و تعالیم رهایی بخش آن است. از این رو جنگ روانی گسترده ای را بر ضد اسلام و مسلمانان آغاز کرده است. پس از حادثه ۲۰ شهریور که قرائن بی شماری انگشت اتهام را به سوی شبکه های پنهان و نفوذیِ صهیونیست دراز می کرد، با شتابزدگی نام مسلمانان و اسلام را در ستون اتهام گنجاندند و شب و روز تکرار کردند. جمعی مسلمان را نیز از امریکا و افغانستان و نقاطی دیگر اسیر کرده به زندان ها و شکنجه های مخوف سپردند. نه هرگز اتهام این افراد ثابت شد و نه متهمان نام و نشان دار به چنگ امریکائیان افتادند. اما جنگ روانی بر ضد مسلمین و اسلام متوقف نشد و گویا به این زودی ها هم نخواهد شد.

دین آزادی و عدالت

اسلام دین آزادی و عدالت و حق جویی است. مردم سالاری حقیقی همان مردمسالاری دینی است که با پشتوانه ایمان و مسؤولیت دینی مطرح می شود و همانطور که در ایران اسلامی مشهود است بسیار مطمئن تر و صادقانه تر و مردمی تر از دموکراسی امثال امریکا عمل می کند. دموکراسی که امریکایی ها ادعا می کنند به مردم کشورهای

اسـلامی و عربی خواهنـد داد به انـدازه ی گلوله و بمب و موشـکشان خسارتبـار است. دشـمن حتی اگر دانه خرمـایی هم به ما بدهد نمی توان مطمئن بود که آن را انباشـته از زهری کشنده نکرده باشد. امت اسلامی در افریقا و خاورمیانه و غرب آسیا این را بارها و حتی در همین سال های اخیر آزموده اند.

امـت اسـلامی در چنیـن اوضـاع حسـاس و خطیری بیش از همیشه به درس گیری از الگـوی حـج نیـاز دارد: حرکت و نهضـتی هدفمنـد و آگاهـانه، و متنوع، و همگـانی، در سـمت هـدف هـای قرآنی و بر صـراط مسـتقیم اسـلام .. قـال تعالی: الَّذِینَ آمَنُوا یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ الطَّاغُوتِ فَقاتِلُوا أَوْلِیاءَ الشَّیْطانِ إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطانِ کانَ ضَعِیفاً، و قال تعالی: قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اسْتَعِینُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ. وَ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِیّ الْعَظِیم.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّه

السیدعلی الحسینی الخامنه ئی

۵ ذی حجه ۱۴۲۳/ ۱۸/ ۱۱/ ۱۳۸۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹